

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جلد ۳

بررسی فراز و فرودهای هواداری
از گروه بی‌تی‌اس
از منظر طرفداران ایرانی

/ دکتر مرتضی منطقی /

/ استاد دانشگاه خوارزمی /

تابستان ۱۴۰۳

فهرست مطالب

۱- مقدمه

۲- اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس

- ۱-۲- سردرگمی‌های نوجوانی
- ۲-۲- انگیزه بخشی
- ۳-۲- افزایش اعتماد به نفس
- ۴-۲- کمک به بهبود حال بد افراد
- ۵-۲- آرامش بخشی
- ۶-۲- شادی آفرینی
- ۷-۲- تعدیل اثرپذیری در گذر زمان
- ۸-۲- عشق تخیلی
- ۹-۲- تحقق برخورد مادرانه
- ۱۰-۲- ارضای هیجان جویی
- ۱۱-۲- پیشه کردن برخوردهای هیجان مدار
- ۱۲-۲- تخلیه روانی
- ۱۳-۲- اتلاف وقت
- ۱۴-۲- توهم‌زدگی
- ۱۵-۲- بازماندن در ابعاد عینی
- ۱۶-۲- کم اثر شدن تدریجی حساسیت‌ها
- ۱۷-۲- بروز خطاهای جدی شناختی
- ۱۸-۲- بروز برخی از اختلال‌های روانی
- ۱۹-۲- بی‌هویتی جنسی
- ۲۰-۲- وابستگی و اعتیاد به بی‌تی‌اس
- ۲۱-۲- سایر مسایل روان‌شناختی

۳- اثرهای اجتماعی هواداری از گروه بی‌تی‌اس

- ۱-۳- نقد محدودیت‌های داخل ایران
- ۲-۳- نقد ضعف‌های حرفه‌ای و اخلاقی سلبریتی‌های ایرانی
- ۳-۳- شروع هواداری از سنین پایین
- ۴-۳- پرداختن ستاره‌ها به مسایل جوانان
- ۵-۳- تعمیق رابطه ستاره‌ها با هواداران

- ۳-۶- چند بعدی و چند وجهی دیدن گروه و اعضای آن
- ۳-۷- تشویق به مهاجرت به کره جنوبی
- ۳-۸- دوستیابی حضوری و مجازی
- ۳-۹- نועدوستی
- ۳-۱۰- جهانی شدن و جهانی اندیشیدن
- ۳-۱۱- الگوبرداری از ستاره‌ها
- ۳-۱۲- تحول‌های هویتی
- ۳-۱۳- تحول‌یابی روابط اجتماعی هواداران
- ۳-۱۴- احساس تعهد به حمایت از گروه
- ۳-۱۵- تلاش در جهت افزایش هواداران
- ۳-۱۶- تعصب ورزیدن در طرفداری
- ۳-۱۷- پیشه کردن برخوردهای هیجان‌مدار با افراد خودی و غیرخودی
- ۳-۱۸- نقد خط‌مشی‌های کمپانی گروه بی‌تی‌اس
- ۳-۱۹- سایر موارد اجتماعی

۴- اثرهای فرهنگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس

- ۴-۱- رشد گروه‌های کی‌پاپ در بسترسازی‌های فرهنگی اولیه کره
- ۴-۲- ارتقای موسیقی کی‌پاپ به صنعت سرگرمی
- ۴-۳- آرایه محتوا و سرگرمی‌های مورد علاقه نوجوانان و جوانان توسط گروه بی‌تی‌اس
- ۴-۴- تشویق طرفداران به خواندن و دیدن کتاب‌ها و فیلم‌های مختلف
- ۴-۵- علاقه به آشنایی با فرهنگ کره
- ۴-۶- اشاعه زبان کره‌ای در میان هواداران
- ۴-۷- استقبال از غذاهای کره‌ای
- ۴-۸- پذیرش محتوای تهیه شده توسط هواداران
- ۴-۹- سایر موارد فرهنگی

۵- اثرهای آموزشی هواداری از گروه بی‌تی‌اس

- ۵-۱- آموزش فعال
- ۵-۲- ارتقای مهارت‌های فنی هواداران
- ۵-۳- کم توجهی به درس و افت تحصیلی
- ۵-۴- اطلاع رسانی‌های مختلف.

۶- اثرهای اخلاقی - عقیدتی هواداری از گروه بی‌تی‌اس

- ۶-۱- دامن زدن به تسامح اخلاقی
- ۶-۲- اثرپذیری‌های اخلاقی - ارزشی

- ۳-۶- کم رنگ شدن ابعاد عقیدتی
- ۴-۶- سوق دادن هواداران به سمت پیوستن به جریان انقلاب جنسی
- ۵-۶- پذیرش اخلاق نسبیّت‌گرا
- ۶-۶- تحول آفرینی اخلاقی در محیط خانواده
- ۷-۶- تحول آفرینی در اخلاق فردی، اجتماعی و زیست‌محیطی برخی از هواداران
- ۷- اثرهای اقتصادی - سیاسی هواداری از گروه بی‌تی‌اس**
- ۱-۷- همسویی گروه بی‌تی‌اس با نظام سرمایه‌داری
- ۲-۷- ترویج مصرف‌گرایی
- ۳-۷- نفوذ کانون قدرت در هنر
- ۴-۷- فعالیت سیاسی گروه بی‌تی‌اس
- ۵-۷- اخذ الگو برای حرفه آینده
- ۶-۷- صرف هزینه جهت هواداری از گروه بی‌تی‌اس
- ۷-۷- درآمدزایی برخی از هواداران بر مبنای تبلیغ برای بی‌تی‌اس
- ۸- اثرهای هنری هواداری از گروه بی‌تی‌اس**
- ۱-۸- برتری کی‌پاپ بی‌تی‌اس نسبت به پاپ غربی
- ۲-۸- وجود محتوای معنادار، پیچیده و معمایی در موزیک ویدیوهای بی‌تی‌اس
- ۳-۸- تنوع آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس
- ۴-۸- جذابیت بخشیدن به صحنه
- ۵-۸- جذابیت‌های جانبی گروه
- ۶-۸- توأم شدن موسیقی بی‌تی‌اس با رقص‌های بسیار دشوار و مهیج
- ۹- اثرهای زیباشناختی هواداری از گروه بی‌تی‌اس**
- ۱-۹- جذابیت‌های ظاهری ستاره‌ها
- ۲-۹- الگوبرداری از ستاره‌های بی‌تی‌اس در زیبایی‌های ظاهری
- ۳-۹- الگوبرداری در زمینه مدهایی که پسران بی‌تی‌اس عرضه می‌کنند
- ۱۰- اثرهای خانوادگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس**
- ۱-۱۰- احساس یک خانواده بودن با ستاره‌ها
- ۲-۱۰- بروز برخی از اختلاف‌های خانوادگی در اثر هواداری از گروه بی‌تی‌اس
- ۳-۱۰- آسیب رسیدن به خانواده

فهرست کتاب حاضر

- مقدمه جلد سوم ۱۱
- ۴- اثرهای فرهنگی ۱۳
- ۱-۴- رشد گروه‌های کی‌پاپ در بسترسازی اولیه کره ۱۳
- ۲-۴- ارتقای موسیقی کی‌پاپ به صنعت سرگرمی ۲۳
- ۳-۴- ارایه محتوا و سرگرمی‌های مورد علاقه نوجوانان و جوانان ۳۷
- ۴-۴- تشویق طرفداران به خواندن کتاب‌ها و دیدن فیلم‌های مختلف ۴۵
- ۵-۴- علاقه به آشنایی با فرهنگ کره ۵۳
- ۶-۴- اشاعه زبان کره‌ای در میان هواداران ۵۶
- ۷-۴- استقبال از غذاهای کره‌ای ۵۹
- ۹-۴- سایر موارد فرهنگی ۶۲
- ۵- اثرهای آموزشی ۶۹
- ۱-۵- آموزش فعال ۶۹
- ۲-۵- ارتقای مهارت‌های فنی ۸۵
- ۳-۵- کم توجهی به درس و افت تحصیلی ۸۸
- ۴-۵- اطلاع رسانی ۹۰
- ۶- اثرهای اخلاقی - عقیدتی ۱۰۱
- ۱-۶- دامن زدن به تسامح اخلاقی ۱۰۱
- ۲-۶- اثرپذیری‌های اخلاقی - ارزشی ۱۰۷
- ۳-۶- کم رنگ شدن ابعاد عقیدتی ۱۲۲
- ۴-۶- سوق دادن هواداران به سمت پیوستن به جریان انقلاب جنسی ۱۲۷
- ۵-۶- پذیرش اخلاق نسبی‌گرا ۱۵۵
- ۶-۶- تحول‌آفرینی اخلاقی در محیط خانواده ۱۶۰
- ۷-۶- تحول‌آفرینی در اخلاق فردی، اجتماعی و زیست‌محیطی برخی از هواداران ۱۶۴
- ۷- اثرهای اقتصادی - سیاسی ۱۷۹
- ۱-۷- همسویی گروه بی‌تی‌اس با نظام سرمایه‌داری ۱۷۹
- ۲-۷- ترویج مصرف‌گرایی ۱۸۴
- ۳-۷- نفوذ کانون قدرت در هنر ۱۹۷

۲۰۳ ۴-۷- فعالیت سیاسی گروه بی‌تی‌اس

۲۱۱ ۷-۵- اخذ الگو برای حرفه آینده

۲۱۵ ۶-۷- صرف هزینه جهت هواداری از گروه بی‌تی‌اس

۲۲۱ ۷-۷- در آمدزایی برخی از هواداران بر مبنای تبلیغ برای بی‌تی‌اس

۸- اثرهای هنری..... ۲۲۷

۲۲۷ ۱-۸- برتری کی‌پاپ بی‌تی‌اس نسبت به پاپ غربی

۲۳۰ ۲-۸- وجود محتوای معنادار، پیچیده و معمایی در موزیک ویدیوهای بی‌تی‌اس

۲۳۶ ۳-۸- تنوع آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس

۲۴۳ ۴-۸- جذابیت بخشیدن به صحنه

۲۴۸ ۵-۸- جذابیت‌های جانبی گروه بی‌تی‌اس

۲۵۱ ۶-۸- توأم شدن موسیقی بی‌تی‌اس با رقص‌های بسیار دشوار و مهیج

۹- اثرهای زیباشناختی..... ۲۵۳

۲۵۳ ۱-۹- جذابیت‌های ظاهری ستاره‌ها

۲۶۰ ۲-۹- الگوبرداری از ستاره‌های بی‌تی‌اس در زیبایی‌های ظاهری

۲۶۵ ۳-۹- الگوبرداری در زمینه مدهایی که پسران بی‌تی‌اس عرضه می‌کنند

۱۰- اثرهای خانوادگی..... ۲۷۵

۲۷۵ ۱-۱۰- احساس یک خانواده بودن با ستاره‌ها

۲۸۱ ۲-۱۰- بروز برخی از اختلاف‌های خانوادگی در اثر هواداری از گروه بی‌تی‌اس

۲۹۴ ۳-۱۰- آسیب رسیدن به خانواده

مقدمه جلد سوم

در مقدمه جلد نخست کتاب، پس از تبیین اهمیت زیاد الگوها برای افراد و جوامع بشری، خاطر نشان گردید، در پی تحول آفرینی‌های جدیدی که در سطح پردازش الگوها در جهان معاصر پدید آمده است، نگارنده و دانشجویانش بررسی نمونه کمپانی بیگ‌هیت اینترنتیمنت (مالک گروه بی‌تی‌اس) را در دستور کار خود قرار دادند.

ماحصل پژوهش انجام شده، شامل ۱۴ جلد کتاب بود، عناوین کتاب‌های تهیه شده، به قرار زیر بودند:

- چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترنتیمنت) (۲ جلد)

- چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره اعضای این گروه (۲ جلد)

- چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره هواداران این گروه (۳ جلد)

- بررسی اهداف آشکار و پنهان کمپانی گروه بی‌تی‌اس از منظر هواداران ایرانی (کمپانی بیگ‌هیت اینترنتیمنت) (۲ جلد)

- بررسی اهداف آشکار و پنهان گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس از منظر هواداران ایرانی (۲ جلد)

- بررسی فراز و فرودهای هواداری از گروه بی‌تی‌اس از منظر هواداران ایرانی (۳ جلد).

کتاب حاضر با عنوان «بررسی فراز و فرودهای هواداری از گروه بی‌تی‌اس از منظر هواداران ایرانی» در سه جلد، شامل مقدمه و مباحثی که در ۱۰ فصل (با عناوین اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس، اثرهای اجتماعی هواداری از گروه بی‌تی‌اس، اثرهای فرهنگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس، اثرهای آموزشی هواداری از گروه بی‌تی‌اس، اثرهای اخلاقی - عقیدتی هواداری از گروه بی‌تی‌اس، اثرهای اقتصادی - سیاسی هواداری از گروه بی‌تی‌اس، اثرهای هنری هواداری از گروه بی‌تی‌اس، اثرهای زیباشناختی هواداری از گروه بی‌تی‌اس، اثرهای خانوادگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس)، تدوین گردیده بودند، بود.

در جلد نخست کتاب، پس از درج مقدمه (که ضمن تبیین اهمیت الگوها و سیر تحولات تاریخی آنها، به روش‌شناسی پژوهش پرداخته بود)، فصل اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس آمده بود. در جلد دوم کتاب، فصل اثرهای اجتماعی هواداری از گروه بی‌تی‌اس آمد و اینک در جلد سوم کتاب، سایر فصول کتاب (با عناوین اثرهای فرهنگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس، اثرهای آموزشی هواداری از گروه بی‌تی‌اس، اثرهای اخلاقی - عقیدتی هواداری از گروه بی‌تی‌اس، اثرهای اقتصادی - سیاسی

هواداری از گروه بی‌تی‌اس، اثرهای هنری هواداری از گروه بی‌تی‌اس، اثرهای زیباشناختی هواداری از گروه بی‌تی‌اس، اثرهای خانوادگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس) خواهد آمد. نتایج یاد شده به سهم خود، دورنمایی از تحول‌آفرینی‌های جدید در پردازش الگوهای چند بعدی و توان اثرگذاری آن‌ها را به نمایش نهاده‌اند.

۴- اثرهای فرهنگی

هواداری از گروه بی‌تی‌اس، واجد آثار مختلفی نظیر اثرهای روانی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی - عقیدتی، آموزشی، اقتصادی - سیاسی، زیباشناختی، هنری، سلامت و بهداشت و خانوادگی است که در این قسمت، بررسی اثرهای فرهنگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس مدنظر قرار گرفته و مورد بحث قرار خواهد گرفت. عناوینی که در ذیل بررسی اثرهای فرهنگی هواداری از پسران بی‌تی‌اس در این قسمت مورد بررسی قرار خواهند گرفت، به ترتیب عبارتند از:

رشد گروه‌های کی‌پاپ در بسترسازی‌های فرهنگی اولیه کره (نظیر کی‌دراما)، ارتقای موسیقی کی‌پاپ به صنعت سرگرمی، ارایه محتوا و سرگرمی‌های مورد علاقه نوجوانان و جوانان توسط گروه بی‌تی‌اس، تشویق طرفداران به خواندن و دیدن کتاب‌ها و فیلم‌های مختلف، علاقه به آشنایی با فرهنگ کره، اشاعه زبان کره‌ای در میان هواداران، استقبال از غذاهای کره‌ای، پذیرش محتواهای تهیه شده توسط هواداران، سایر موارد فرهنگی (فرهنگ‌سازی در جهت کمک به مراکز خیریه، تحول آفرینی فرهنگی، پذیرش تولید محتوای هواداران، تلاش گروه در جهت بازتعریف مفهوم مردانگی). در ادامه به بررسی عناوین پیش گفته، پرداخته خواهد شد.

۴-۱- رشد گروه‌های کی‌پاپ در بسترسازی اولیه کره

در جهان حاضر، قدرت تنها معطوف به قدرت اقتصادی نیست و باید هم‌زمان با اندیشه به مفهوم قدرت، به مقوله برتری فرهنگی نیز اندیشید، به تعبیر دیگر، اگر بخواهد جنگ سوم جهانی در کره خاکی ما شکل بگیرد، این جنگ بیش‌تر از آن که نظامی و اقتصادی باشد، سنخ جنگ فرهنگی را خواهد داشت. از این رو، دولت کره از قریب سه دهه پیش هم‌زمان با رشد و اعتلای اقتصادی جامعه کره، کوشید تا با بسترسازی مناسب اولیه، رشد و اعتلای فرهنگی خویش را نیز رقم زده، با اتکاء به هر دو مؤلفه قدرت اقتصادی و قدرت فرهنگی به پیش‌برد اهداف راهبردی خویش اقدام ورزد.

دانشنامه ویکی‌پدیا در گزارش موج کره‌ای یا هالیو که از دهه ۱۹۹۰ به بعد در کره جنوبی شکل گرفت، می‌نویسد:

«موج کره‌ای یا هالیو نوواژه‌ای است که به گسترش جهانی فرهنگ کره جنوبی از دهه ۱۹۹۰ به این سو اشاره دارد. این موج در مراحل آغازین با گسترش سریال‌های درام و موسیقی پاپ کره‌ای در آسیای شرقی، جنوبی و جنوب شرقی وسعت گرفت و بعدها با رشد اینترنت و رسانه‌های اجتماعی، به‌ویژه قرار

گرفتن نمادهای پاپ کره‌ای روی یوتیوب به مفهومی جهانی تبدیل گشت. اصطلاح هالیو نخستین بار در سال ۱۹۹۹ توسط وزارت فرهنگ و گردشگری کره جنوبی استفاده شد. این وزارتخانه در آن زمان یک لوح فشرده موسیقی به زبان چینی تحت عنوان «هالیو: ترانه‌ای از کره» تولید کرده بود که رسانه‌های چینی از نام آن برای توصیف موفقیت فرهنگ مردمی کره در چین استفاده کردند.

نام کره جنوبی با طلوع سده ۲۱ میلادی به عنوان یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان فرهنگ عامه و جذب گردشگر بر سر زبان‌ها افتاد. موارد یادشده از جمله مهم‌ترین وجوه اقتصاد رو به رشد این کشور بوده‌اند. شهرت روزافزون فرهنگ عامه کره در میان بسیاری از ملل دنیا باعث شد تا دولت کره جنوبی به منظور گسترش قدرت نرم خود با پرداخت یارانه و تأمین مالی شرکت‌های نوپا که در حوزه سرگرمی فعال بودند، تلاش کند. هدف دولت کره از این کار رقابت با فرهنگ‌های عامه ژاپن و بریتانیا بود؛ حوزه‌ای که در حدود نیم قرن است که در تسلط آمریکایی‌ها است. در این میان جهان غرب به تدریج جامعه کره جنوبی را به عنوان یک جامعه توسعه‌یافته شناخت.

بخش اعظم موفقیت موج کره‌ای مدیون پیشرفت‌های خدمات شبکه‌های اجتماعی و سکوه‌های برخط ویدیو بود. فرهنگ عامه کره از طریق این ابزارها به مخاطبانی که بسیار دور بودند، منتقل شد. به کارگیری این ابزارها در راستای تسهیل تبلیغات، پخش و مصرف محصولات سرگرمی کره‌ای (به ویژه موسیقی پاپ کره‌ای) باعث شده فرهنگ این کشور از میانه‌های دهه ۲۰۰۰ در میان جهانیان شناخته شود.

گسترش موج کره‌ای از اوایل سده ۲۱ میلادی به شدت بر فرهنگ معاصر، صنایع موسیقی، فیلم، تلویزیون و جنبه‌های رفتاری انسان‌های مختلف در دنیا تأثیر گذاشته است. پاسخ‌دهندگان زیادی در مصاحبه‌های خود اذعان داشته‌اند، اولین آشنایی آنان با کشور کره و در ادامه گروه بی‌تی‌اس، آشنایی با صنعت فیلم و سریال کره جنوبی یا کی‌دراما از طریق سیمای جمهوری اسلامی^۱ بوده است و در ادامه از کی‌دراما به سمت کی‌پاپ کشیده شده‌اند، خاصه آن که برخی از خوانندگان کی‌پاپ، به عنوان هنرپیشه، در صنعت کی‌دراما بازی کرده و نقش‌آفرین بوده‌اند.

۱ - صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر سریال‌های کره‌ای بسیاری را پخش کرده است. از نظر این سازمان برخی از ارزش‌های کنفیسوس‌گرایی همچون احترام به دیگران «کاملاً با فرهنگ اسلامی منطبق است». در حالی که در مقابل، تولیدهای غربی اغلب نمی‌توانند معیارهای تعیین‌شده توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را برآورده کنند. تهران تایمز در اکتبر ۲۰۱۲ گزارش کرد که نمایندگان صدا و سیما برای تلاش برای تقویت «قرابت فرهنگی» بین دو کشور و جست‌وجوی راه‌هایی برای همکاری بیش‌تر بین سامانه سخن‌پراکنی کره و صدا و سیما، از کره جنوبی و برخی از مکان‌های فیلم‌برداری آن بازدید کرده‌اند. برنامه‌هایی که از صدا و سیما پخش می‌شود، اغلب در ایران نسبت به کره جنوبی دارای رتبه بیننده بالاتری هستند. به عنوان مثال، محبوب‌ترین قسمت‌های جومونگ بیش از ۹۰٪ مخاطبان ایرانی را جذب کرد (در مقایسه با ۴۰٪ در کره جنوبی) و بازیگر اصلی آن سونگ ایل‌گوک به صورت سوپرستار در ایران درآمد.

ریحانه ۲۱ ساله در مصاحبه‌اش در توصیف تاریخچه کی‌پاپ، از حضور توامان کی‌پاپ و کی‌دراما یاد می‌کند:

«- ریحانه از تاریخچه کی‌پاپ چی می‌دونی تا در ادامه به بی‌تی‌اس برسیم. بین کی‌پاپ، مسأله‌ی جدیدی در جامعه‌ی ایران نیست. کی‌پاپ بیش‌تر از دو دهه پیش با گروه‌هایی مانند سوپرجونیور، دابل‌اس فایو او وان^۲ و اس ان اس دی^۳ و صنعت کی‌دراما و سریال‌هایی مانند «پسران فراتر از گل»^۴، «رؤیای بلند»^۵ و «تو زیبایی»^۶ به نوجوانان و جوانان ایرانی معرفی شد.»

پژوهشگران هر دو کشور اخیراً مبادلات فرهنگی بین شیلا (یکی از سه پادشاهی کره) و امپراتوری ایران را بررسی کرده‌اند. روزنامه کره تایمز گزارش داد که این دو فرهنگ ممکن است ۱۲۰۰ سال پیش باهم مشابه بوده باشند (دانشنامه ویکی‌پدیا).

۱ - سوپر جونیور (Super Junior) گروه موسیقی پسرانه اهل کره جنوبی است که در سال ۲۰۰۵، توسط لی سو-مان، مؤسس اس. ام. اینترتینمنت، شکل گرفت. این گروه در ابتدا با حضور ۱۳ عضو، لیتوک، هیچول، هان گنگ، یسونگ، کانگین، شیندونگ، سونگمین، اونهیوک، دونگه شیوون، ریووک و کیوم آغاز به کار کرد. کیوهیون نیز در سال ۲۰۰۶ به گروه پیوست. سوپر جونیور در سال ۲۰۰۹، با انتشار تک‌آهنگ موفق «بخشید، بخشید» از آلبومی با همین عنوان، در سطح بین‌المللی مطرح شد و عنوان «پادشاه موج کره (هالیو) و پادشاه کی‌پاپ» را از آن خود کرد و ۳ سال متمادگی جایگاه «پرفروش‌ترین هنرمند» کی‌پاپ را حفظ کرد.

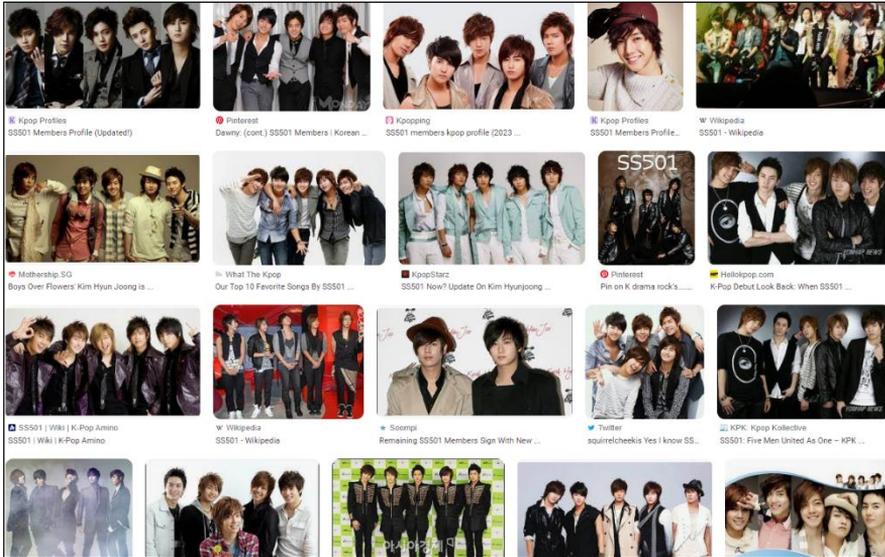
۲ - دابل اس ۵۰۱ (SS501) گروه خواننده پسرانه در کره جنوبی بوده است؛ که توسط کمپانی دی اس پی تشکیل شده بود. این گروه از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ فعالیت داشتند.

۳ - گرلز جنریشن (Girls' Generation) که به اس‌ان‌اس‌دی نیز معروف است، یک گروه دخترانه اهل کره جنوبی است. این گروه توسط اس. ام. اینترتینمنت پایه‌گذاری شده و دارای هشت عضو به نام‌های ته‌یان، سانی، تیفانی، هیویان، یوری، سویونگ، یونا و سوهیان است. در ابتدا و در سال ۲۰۰۷، گرلز جنریشن با نه عضو به عرصه موسیقی وارد شد، اما در سپتامبر ۲۰۱۴ بود که نهمین عضو گروه یعنی جسیکا، از گروه جدا شد. به عنوان یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های «موج کره‌ای» و یکی از محبوب‌ترین شخصیت‌های «کی‌پاپ» در سطح بین‌المللی، گرلز جنریشن تعداد بی‌شماری جایزه و عنوان‌های افتخاری از جمله «خوانندگان ملی» و «گروه دخترانه ملی» کسب کرده‌است.

۴ - پسران فراتر از گل‌ها (Boys over flowers) یک مجموعه تلویزیونی کره‌ای است که در سال ۲۰۰۹ توسط کانال کی‌بی‌اس ۲ ساخته شد. این مجموعه بینندگان بالایی در کره جنوبی داشت و یکی از محبوب‌ترین سریال‌ها در سراسر آسیا شد. بازیگران این مجموعه کو هائه سان، لی مین-هو، کیم هیون-جونگ، کیم بوم، کیم جون و کیم سو-اون هستند. پسران فراتر از گل‌ها از ۵ ژانویه تا ۳۱ مارس ۲۰۰۹ در ۲۵ قسمت از کی‌بی‌اس ۲ پخش شد.

۵ - رؤیای بلند (Dream high) نام مجموعه تلویزیونی کره‌جنوبی با بازیگری به سوزی از میس ای، کیم سو هیون، اوک تکیون از توپی‌ام، هاهم ایون جونگ از تی آرا، جانگ وویونگ از توپی‌ام و آی‌یو است که در ۲۰۱۱ میلادی از شبکه کی‌بی‌اس ۲ پخش شد. این درام در بین نوجوانان بسیار محبوب بود و در طول دو ماه از پخش آن، در بین بینندگان رتبه بین ۱۸٪ تا ۲۰٪ را به دست آورد.

۶ - تو زیبایی (You are beautiful) عنوان مجموعه تلویزیونی محصول شرکت SBS کره جنوبی است. این مجموعه تلویزیونی با گرفتن بیش از چهار جایزه به عنوان بهترین مجموعه تلویزیونی کره در سال ۲۰۰۹ برگزیده شده‌است.





شب‌نیم ۲۵ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، با بیان این که سریال کره‌ای «سامسون» را بیش از ۱۰۰ بار دیده است، به شکل غیرمستقیم از عمق و عظمت صنعت فیلم و سریال کره جنوبی یاد می‌کند: «یه سریال کره‌ای بود به اسم «سامسون» که فارسی وان نشون می‌داد. سر اون بود که استارت علاقه من به کره خوردش. از اون فیلم شروع شدش.



– می‌شه لطفاً درباره علاقه و خیال‌پردازی‌هایت درباره اون بازیگر کره‌ای بیش‌تر بگی؟
خیلی دنبالش می‌کردم توی اینستاگرام. البته خیلی دیگه توی چشم نیست و کلاً دوتا سریال بازی کرده، ولی من سر همون دوتا سریال خیلی بهش علاقه دارم.
– شروع این علاقه از چه سنی بود؟

اون موقع که این فیلم رو فارسی وان می‌داد من راهنمایی بودم و همیشه آرزو داشتم بینم این سریال رو. ولی مامانم نمی‌داشت و می‌گفت برو بخواب و این به درد سن تو نمی‌خوره و این رفته بود توی مخم و علاقه‌ام رو بیش‌تر می‌کرد که این مگه چیه که مادرم نمی‌ذاره من بینم. بعد که بزرگ‌تر شدم رفتم سریالش رو خریدم و شاید بالای صد بار باشه که من این سریال رو نگاه کردم. طوری که آبجیم کلافه می‌شد و می‌گفت تو چه طور می‌تونی هنوز این رو ببینی؟!»

نگین ۱۹ ساله و سعیده ۲۰ ساله، در مصاحبه مشترکی که دارند، با تکرار حرف‌های شب‌نم در دیدن چندین و چند باره سریال «پسران برتر از گل»، از تنوع و غنای سریال‌های کره‌ای یاد کرده، تأکید ورزیده‌اند که با دیدن فیلم‌ها و سریال‌های صنعت کی‌دراما، دیدن فیلم‌ها سریال‌های ایرانی را کنار نهاده‌اند و دیگر سال‌ها است که سریال‌های ایرانی را ندیده‌اند:

«– خوب نگین جان تو به من می‌گی که چه جوری با صنعت کی‌دراما و کی‌پاپ آشنا شدی و بعد بی‌تی‌اس رو به سعیده معرفی کردی؟

نگین: خب من ناخواه با سریال‌هایی که تلویزیون پخش می‌کرد با این صنعت آشنا شده بودم. وقتی سال هفتم بودم می‌دیدم که یک گروهی از هم کلاسیام با هیجان خیلی عجیبی درباره فیلم‌ها و آهنگ‌های کره‌ای صحبت می‌کنند. اصلاً این گروه جوّ خیلی باحال و عجیبی داشتند. یه بار کنارشون نشستیم بودم دیدم دارند درباره لی مین هو صحبت می‌کنند. اون قدر با هیجان درباره‌اش حرف می‌زدن که یادمه تا رسیدم خونه، لپ‌تاپ رو آوردم سر میز ناهارخوری و در حالی که ناهار می‌خوردم، اسمش رو سرچ زدم و دیدم واو خدای من. این بشر معرکه‌هس. دیگه هر چی فیلم که لی مین هو توش بازی می‌کرد رو دانلود کردم و دیدم. بعد همین طوری هر سریالی می‌دیدم و از یکی از بازیگرانش خوشم می‌اومد، می‌رفتم فیلماش رو دانلود می‌کردم و می‌دیدم و این طوری شد که من یه عالمه سریال کره‌ای دیدم.

– چه چیز لی مین هو تو رو به خودش جذب کرده بود؟
نگین: خب در درجه اول صددرصد قیافه‌اش. ولی بعدش که فیلماش رو دیدم، بازی کردنش من رو به خودش جذب کرد. یعنی اون قدر خوب بازی می‌کرد که من دهنم وا می‌شد. یعنی طبیعی طبیعی. من تاحالا ندیده بودم یه بازیگر این قدر طبیعی بازی کنه. واقعاً وقتی لی مین هو یا بقیه بازیگرای خوب یه فیلمی رو بازی می‌کردند، من واقعاً جذب سریال می‌شدم. یعنی اون قدر محو می‌شدم که نمی‌دوستم تو زندگی واقعی هستم یا تو فیلم.

سعیده: چهره واقعاً تأثیر داره. من در درجه اول جذب بازی خویش شدم. و بعد کم کم به این نتیجه رسیدم که واقعاً قیافه‌اش محشره.

نگین: اینم بگما واقعاً سریالاشون خیلی متنوعه. محتوای تکراری پیدا نمی‌شه تو سریالاشون.

- منظورتون از این که می‌گین موضوع‌هاشون متنوع بود، چیه؟

سعیده: بین سریالای ایرانی خیلی تکراری ان. همه‌اش درباره رنج و سختی و فلاکت. بمب ناامیدی ان. ولی سریال کره‌ای درسته که توش رنج و فقر هست، اما اون قدر امید به آدم می‌ده. یعنی من هر وقت، هر مشکلی دارم، می‌نشینم سریال کره‌ای می‌بینم. واقعاً من رو از همه چی دور می‌کنه و فقط من رو به فضای سریال می‌بره. به خودم میام می‌بینم نشستم پای سریال و دارم لبخند می‌زنم، ذوق می‌کنم. خیلی کم پیش میاد من بشینم گریه کنم و اون صحنه‌های گریه‌آورش هم واسم جذابه. یعنی کل سریال امید بخشه. مثلاً یه سریال بود که احساس می‌کنم خیلی تأثیرگذار بود روی همه کی‌درامرها از جمله من و نگین. اسمش پسران برتر از گل بود. به احتمال زیاد اسمش رو شنیدی! توش لی مین هو بازی می‌کرد. موضوع مدرسه‌ای داشت. داستانش هم این بود که یه دختره به صورت اتفاقی تو یه مدرسه‌ی اشرافی پذیرفته می‌شه. تو اون مدرسه، لی مین هو و رفیقاش هم هستند که یه جورایی تخس اون مدرسه محسوب می‌شن. بعد لی مین هو و رفیقاش خیلی دختره رو اذیت می‌کنند، ولی تو این حین لی مین هو عاشق دختره می‌شه و ادامه داستان دیگه. من اون قدر شیفته این سریال شدم که اگه بگم بالای ۱۲ بار دیدمش، دروغ نگفتم. خیلی حس خوبی داشت دیگه.

تو سریال‌های کره‌ای پیش اومده که دغدغه‌های آدم‌های پولدار رو هم نشون دادند. حتی دغدغه‌های افراد مسن رو هم نشون دادن. همین سریال اون قدر من رو به فکر برد که من هم روزی پیر می‌شم یا این که رفتارم رو نسبت به اون‌ها عوض کنم. به خاطر همین تأثیر مثبت که تو سریال‌های ایرانی نیست، من نزدیک ۶-۵ سالی هست که اصلاً سریال ایرانی ندیدم.

- می‌شه درباره اون سریالی که گفتین درباره افراد مسن درست شده صحبت کنی؟

سعیده: یکیش چشمان درخشان بود. یکیش هم روزگار جوانی. مفهوم اصلی این سریال‌ها این بود که همه آدم‌ها پیر می‌شن و باید به پیرها احترام بذاریم و بدونیم که اون‌ها هم حق زندگی کردن دارند. تمام مشکلات افراد مسن رو نشون می‌داد. فراموشی، از دست و پا افتادن و خیلی چیزهای دیگه. من واقعاً بعد دیدن این دوتا سریال خیلی متحول شدم و خیلی بیش‌تر به افراد مسن احترام می‌ذارم. مثلاً توی سریال چشمان درخشان، داستان این‌طوره که یه زن پیر رو نشون می‌ده که در جوانیش دوران خیلی عاشقانه‌ای با شوهرش داشتند، اما شوهرش بعد از تولد فرزندشون از دنیا می‌ره. در واقع داستان بر پایه تعریف اون زن از خاطرات دوران جوانیش می‌گذره. این نشون می‌داد که اون‌ها هم دوران شاد و عاشقی داشتند و مثل ما بودند، اما وقتی سن‌شون رفته بالا، مردم بهشون بی‌احترامی می‌کنند و خیلی

چیزها. در واقع سریال عاشقانه نبود و بخش عاشقانه‌اش فقط همون دوران جوانی اون خانم بود. ولی واقعاً سریال خوبی بود. یه کم مفهومی بود و درک سریال سخت بود، ولی آموزنده بود. نگین: خیلی دغدغه‌ها رو نشون می‌دن. مثلاً اگه یه فردی در دوران پیریش می‌خواد بره ماهیگیری، عاشق بشه، بخواد بره پارک و همه این‌ها رو نشون می‌دن. مثلاً اگه یکی تو کهنسالی عاشق بشه رو این جووری نشون می‌دند که این عشق هم قشنگه. خیلی قشنگه که این قدر این مسأله رو باز نشون می‌دند. این طوری آدم می‌تونه خیلی خوب این‌ها رو بشناسه. بعضی وقت‌ها که سریال ایرانی رو می‌بینم، یه جووری نشون می‌دند که انگار این آدم‌های مسن هیچ احساسی ندارند. اون‌ها نشون می‌دند که حتی بدترین آدم‌ها هم احساس دارند».

مرضیه ۱۹ ساله و کوثر ۲۵ ساله، در مصاحبه‌های خود از حضور برخی از آیدول‌ها در صنعت کی‌دراما یاد کرده، خاطرنشان کرده اند که این تمهید ظریف، سبب شده است، آنان بلافاصله از کی‌دراما به سمت کی‌پاپ کشیده شده و طرفدار گروه‌هایی مانند بی‌تی‌اس شوند:

«اول فیلم و سریال کره‌ای زیاد می‌دیدم و یه درامایی رو شروع کردم به اسم هوارانگ که به فارسی شوالیه‌های زیبا هست، بعد گفتم دیگه اون زمانا دنبال دوبله بودم، یعنی نسخه‌های دوبله شده، به خاطر همین هم می‌رفتم از فیلمو می‌دیدم، چه بچه‌ی خوبی بودم من، (((((



بعد اون زمان این طوری بودم که کامنت‌هایی که می‌داشتن رو هم می‌خوندم و یه موقع‌هایی هم خودم کامنت می‌ذاشتم و تو این بین یه جمله رو خیلی می‌دیدم و بله اون جمله این بود که «من این سریال رو فقط به خاطر تهیونگ می‌بینم»، بعد من سرچ زدم ببینم تهیونگ کیه از این طریق فهمیدم عضو گروه بی‌تی‌اسه، البته چون تو این سریال هم نقش اصلی نبود و به همین خاطر توجه من زیاد جلبش نشد، ولی هی داستان که جلو رفت، بیش‌تر باهاش آشنا شدم، هی کیوت بازی در می‌آورد و اکثر مومنت‌هایی هم که از این سریال بیرون می‌اومد، فقط مربوط به تهیونگ بود، البته قبل از همه‌ی این‌ها اسم بی‌تی‌اس به گوشم خورده بود و تا یه حدی می‌دونستم یه بوی بند کره‌ای هستن و ...



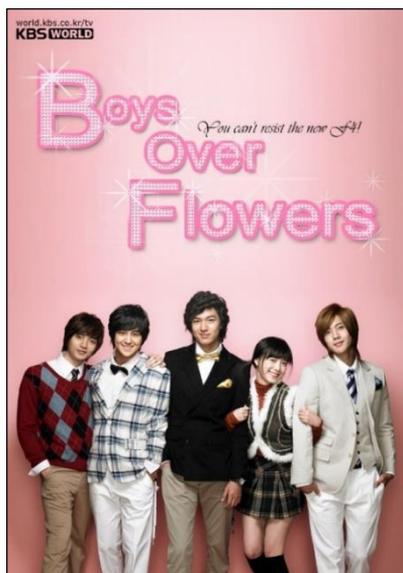
حتی می‌دونستم به طرفداراشون می‌گن آرمی و من یه زمانی از آرمی‌ها بدم می‌اومد و هیچ وقت فکرش رو نمی‌کردم که آرمی بشم خودم، به هر حال این سریال بود باعث شد بهشون توجه کنم و بعد کم‌کم جذبشون بشم و این رو قشنگ یادمه اما بعدش که چی شد با هر هفت نفرشون آشنا شدم رو یادم نمیاد (می‌خندد)».

«- چی شد که با کی‌پاپ آشنا شدی؟»

تقریباً (مکث می‌کند)، اولین بار یه سریال کره‌ای نگاه کردم. تقریباً کسایی که هم سن و سال من هستن و کی‌پاپر ان اکثراً با این سریال با کی‌پاپ آشنا شدن. چون یه گروه خوانندگی کی‌پاپ تو این سریاله بود که بازیگر هم بودن.

- ا... خب، چه سریالی؟

پسران فراتر از گل.



- فراتر از گل؟

آره. یه سریال عاشقانه خیلی، چی می‌گن، تیپیکاله (معمول و رایج). اینه که مثلاً یه پسر خیلی پولدار عاشق یه دختر خیلی چیز می‌شه و اینا. بعد خیلی معروف بود. برای اون سال این داستان خیلی جذاب بود.

- یه دختر فقیر، یه پسر پولدار؟

آره. مثل شاهزاده و چیز. بعد داستانش درباره یه پسر بود که رئیس، چی می‌گن، جانشین یه شرکت خیلی خفن گنده‌ی فلان کره‌ای بود و دختره هم مثلاً میاد خیلی اتفاقی بورسیه می‌شه توی مدرسه‌ای که مال بابای این پسر بوده. بعد دیگه اینجا یه سری اتفاقات دارن و داستان عاشقانه. بعد تو این سریاله یه گروه کره‌ای بود که نقش دوم مرد سریالش، عضو همین گروه بود. بعد خود اون گروه هم تو اون سریاله آهنگای اون سریال رو خوانده بودن و اینا. بعد دیگه به خاطر این که از اون بازیگره خوشم اومد، رفتم درآوردم که خواننده ان. بعد آهنگای اونا رو گوش دادم و بعد فهمیدم که کی‌پاپ هستن. بعد دیگه با کی‌پاپ به صورت کلی آشنا شدم. ولی الان اکثر کسانی که کی‌پاپ می‌شن فک کنم با بی‌تی‌اس آشنا می‌شن که کی‌پاپ می‌شن. یعنی نسل ما، می‌شه نسل قدیم.

- یعنی مستقیم می‌رن دنبال موسیقی... .

آره.

- نه این که اول برن سریال... .

آره. و حتی اکثراً از کی‌پاپ می‌رن سمت کی‌دراما یا صنعت فیلم و سریال کره جنوبی.

از کی‌پاپ می‌رن سمت سریالای کره‌ای. برا ما برعکس بود. ولی اکثراً برا اونا الان اول با کی‌پاپ و بی‌تی‌اس آشنا می‌شن و بعد می‌بینن از کره‌ایا خوش شون میاد، بعد می‌رن سریال نگاه می‌کنن. بیش‌تر مواردی که من دیدم این طوری بود. البته تجربه شخصی خودم بوده، شاید کلیت نداشته باشه».

سایه ۲۱ ساله، در مصاحبه خود بیان می‌دارد، وی به دلیل آن که کاربر محصولات کی‌دراما بوده است، تاحدودی با زبان کره‌ای آشنا شده و همین عامل سبب شده بود، در برخورد با کی‌پاپ، احساس غرابت نداشته باشد و خیلی ساده‌تر از یک گروه موسیقی خارجی، از بی‌تی‌اس استقبال داشته باشد:

«- خوب سایه شما از چه زمانی طرفدار کی‌پاپ شدید؟

بین من اول یه تعداد سال زیادی، فکر کنم سه سال، طرفدار فقط بی‌تی‌اس بودم و الان یک‌ساله که با کی‌پاپ هم بیش‌تر مانوس شدم.

- یعنی اول مستقیم بی‌تی‌اس و نه این مدلی که اول علاقه‌مندی به کی‌پاپ و بعداً تمرکزت روی

بی‌تی‌اس بره؟

آره، دقیقاً. من سال ۲۰۱۸ تقریباً می‌شه گفت رسماً آرمی شدم. ولی قبلش هم به ۶ ماهی داشتم آهنگ‌هاشون رو گوش می‌دادم و موزیک ویدیوهاشون رو نگاه می‌کردم، ولی اینم نمی‌شه گفت که یک مرتبه آشنا شدم، چون من قبلش کی‌دراما که سریال‌های کره‌ای باشه رو به ۴، ۵ سال بود که می‌دیدم. - یعنی از چندسالگی؟

می‌شه حدوداً از دوران ابتدایی دیگه. من از اون موقع می‌دیدم و گوشم به زبون‌شون عادت کرده بود، برای همین وقتی با آهنگ‌ها رو به رو شدم، برام این طوری نبود که یه چیز جدیدی باشه که نتونم گوش کنم یا اذیتم کنه. چون به هر حال وقتی آدم با یک زبون جدیدی رو به رو می‌شه، اولش گوشش به اون عادت نداره. به هر حال آره، همون سال ۲۰۱۸ بود که دیدم عه فن شدم چون یهویی یه حجم زیادی درگیرش شدم».

۴-۲- ارتقای موسیقی کی‌پاپ به صنعت سرگرمی

یکی از ابتکارهای قابل توجه و مهم کمپانی بیگ‌هیت، ارتقای موسیقی کی‌پاپ به صنعت سرگرمی است. به این معنا که برخلاف هالیوود که خواننده‌ای پس از اجرای یک آهنگ، تا عرضه آهنگ دیگر که ممکن است، ماه‌ها بین آن‌ها فاصله باشد، به محاق رفته و به طور نسبی فراموش می‌شود، کمپانی بیگ‌هیت در تمهیدی قابل توجه، کوشیده است تا در درجه نخست، برای مطرح نگه داشتن دائمی گروه بی‌تی‌اس، پس از اجرای آهنگ آنان، با طرح برخی از برنامه‌های سرگرمی توسط ستاره‌ها و عرضه آن‌ها برای هواداران، در عمل آنان را همواره در اذهان هواداران زنده نگه دارد. ارایه برنامه‌های سرگرمی، طنز و مسابقه ذیل عناوین ران بی‌تی‌اس، بی‌تی‌اس این دِ سوپ، بن وایاژ، بی‌تی‌اس ایلند از سویی و لایوهای فردی و گروهی، فن‌میتینگ، فن‌ساین و تهیه انبوهی از وسایل مورد استفاده با برچسب بی‌تی‌اس، از سوی دیگر، سبب شده اند، موسیقی کی‌پاپ به صنعت سرگرمی ارتقاء داده شود و به این ترتیب، ستاره‌های بی‌تی‌اس همواره در نزد اذهان هواداران‌شان حاضر و تأثیرگذار واقع شوند.

در درجه بعد، نیاز نوجوانان و جوانان به خنده، شادمانی و نشاط آنان را وامی‌دارد که از برنامه‌های طنزآمیز استقبال کنند و ارایه برنامه‌های طنزآمیز توسط آیدول‌ها به شکل بالقوه می‌تواند، عرصه‌ای برای جذب نوجوانان و جوانان جامعه به گروه بی‌تی‌اس باشد، اظهارات سارینای ۱۳ ساله و رخساره ۱۶ ساله، شواهدی از همین امر را به دست می‌دهند:

«- توی اون یک یا دو ماهی که گفتی طول کشید تا به بی‌تی‌اس علاقه‌مند بشی، چه چیزی درباره بی‌تی‌اس نظرت رو به خودش جلب کرد؟»

خب من بیش‌تر فیلم‌های طنزشون رو می‌دیدم و بعد هم رفتم ران بی‌تی‌اس رو دیدم. کلاً بیش‌تر تو فاز طنزهاشون بودم تا آهنگ و موزیک‌ویدیو و بیش‌تر از روی طنزبازی‌هاشون جذب‌شون شدم.»
«... من با کاراشون می‌خندم. کارهای بامزه و خنده‌دار زیادی انجام می‌دن. کلیپایی که از خودشون می‌سازن، یکی از فعالیت‌شون می‌سازن تا الآن نزدیک صد و خورده‌ای، نزدیک دویست اینا فکر کنم قسمت اومده که داخل هر قسمت فعالیت مشخصی باهم انجام می‌دن. بامزه کاری‌هایی انجام می‌دن که باعث خنده آرمیا می‌شه.»



ریحانه ۱۷ ساله، در مصاحبه‌اش درباره قدمت برنامه‌های ران بی‌تی‌اس می‌گوید:

«- درباره برنامه ران بی‌تی‌اس می‌شه برام توضیح بدی؟»

برنامه ران که قسمت قسمتیه و خیلی وقته استارتش زده شده، مال قدیما همون ۲۰۱۴ یا ۲۰۱۵ فکر کنم باشه. توی این برنامه بازی‌های مختلف انجام می‌شه که هر قسمت موضوع خاص خودش رو داره، مثلاً آشپزی، کار با سفال، گل‌آرایی، کمپ چند روزه و اینا توش اجرا می‌شه. یه حالت برنامه سرگرمی داره و کلاً خیلی باحاله، اولاً تایمش ۱۵ دقیقه، ۲۰ دقیقه اینا بود، ولی به مرور زیادتر شده تا ۴۰ دقیقه اینا و اولاً هر سه شنبه پخش می‌شد، بعد این مابین هم به خاطر کاراشون متوقف می‌شد، مثلاً بین فاصله کنسرتا و کارای سنگین‌شون متوقف می‌کردن روند پخش رو، ولی خب بعد از کنسرتای ال‌ای و اینا حول و حوش همین اواخر ۱۴۰۰ یا ۱۴۰۱ بود که چندتا قسمت دادن بعد گفتن قراره متوقف بشه تا شهریور اینا، قسمتای ویژه پخش کردن دوتا که مسابقه ذهن خوانی گذاشتن بین اعضا باید همو پیدا می‌کردن و یکیشم که هفته پیش اینا پخش شده یوگا فلائینگ بود هر کدومش دوتا پارت ۳۰ یا ۴۰ دقیقه ای داشتن. حالا معلوم نیست باز کی یه پیش نمایش پخش شه که بگن سه شنبه آماده بشین ران پخش بشه و یه جورایی پخشش درهم برهم شده.»



ریحانه ۲۱ ساله و گلاره ۱۴ ساله، در مصاحبه‌های خود در توصیف محتوای برنامه‌های ران بی‌تی‌اس چنین می‌گویند:

«... تماشای ریلیتی شوها! کنسرت‌ها و برنامه‌های مختلفی که کمدی، آموزنده یا حتی دوستانه هستن، خیلی گزینه‌ی بهتری هستن به نسبت سرگرمی‌های دیگه‌ای که شاید تاحدی ناسالم باشن، یا به عبارتی حتی بدآموزی داشته باشن و حس و حال افسرده و بی‌انرژی بودن رو تشدید کنن. - می‌شه مثال بزنی از این برنامه‌ها که معمولاً چه محتویاتی دارن؟
برای مثال، برنامه‌ی ریلیتی شوی ران بی‌تی‌اس.^۲»

۱ - برنامه تلویزیونی واقع نما یا به اصطلاح مشهورتر در ایران، مستند مسابقه یا ریلیتی شو، یکی از گونه‌های برنامه‌سازی تلویزیونی است که در اواخر قرن بیست و ابتدای قرن بیست و یکم مورد توجه برنامه سازان قرار گرفت. ریلیتی شو یعنی همان زندگی روزمره‌ای که همه مردم دارند را برنامه‌سازان در موقعیت‌های مختلف مانند مسابقه، مسایل گفت و گو محور، مستندگونه و سرگرم کننده که بخشی از زندگی چند ساعته افراد را روایت کند، به نمایش می‌گذارند و هدف آن، نمایش زندگی روزمره در تلویزیون است. برنامه ای که بدون فیلمنامه‌ای مدون، نه تنها اتفاقات خاص و سرگرم کننده را برای مخاطب به دنبال دارد، بلکه اطلاعات خوب و مفیدی را در اختیار مخاطب قرار می‌دهد.

۲ - بی‌تی‌اس بدو (Run BTS) یک برنامه‌ی ریلیتی شوی اینترنتی کره جنوبی با حضور اعضای گروه بی‌تی‌اس است. در هر قسمت، اعضای گروه بازی‌ها و فعالیت‌های مختلفی انجام می‌دهند و چالش‌های متفاوتی را تکمیل می‌کنند و بعضی اوقات مأموریت‌های مخفیانه‌ای انجام می‌دهند تا در نهایت جایزه یا مجازات دریافت کنند.

که در اون یه سری مسابقه‌ها و رقابت‌های دوستانه بین اعضای همین گروه برگزار می‌شه. از جمله مسابقه‌ی آشپزی، بازی‌های فکری، ورزشی و چیزایی از این قبیل که علاوه بر پر هیجان بودن و با نشاط بودن خود محتوا و متنوع بودنش، می‌شه شوخی و خنده و نوعی از کمدی واقعی بین اعضاء رو تماشا کرد. برنامه‌های این چنینی، خیلی برای گذروندن وقت و انرژی گرفتن به شکل سالم، مفید و مناسب ان.»



«... مثلاً یه قسمتی بود که توی یه جایی شبیه استخر بودن و باهم بازی می‌کردن. بعد اون‌جا جکوزی و سونا و اینا داشت و اعضاء می‌رفتن توی اتاق سونا که دماش خیلی بالا بود، بازی می‌کردن و هرکس جواب اشتباه می‌داد، باید بیش‌تر اون‌جا می‌موند. کلاً جنبه طنز و فان بیش‌تر داره.»



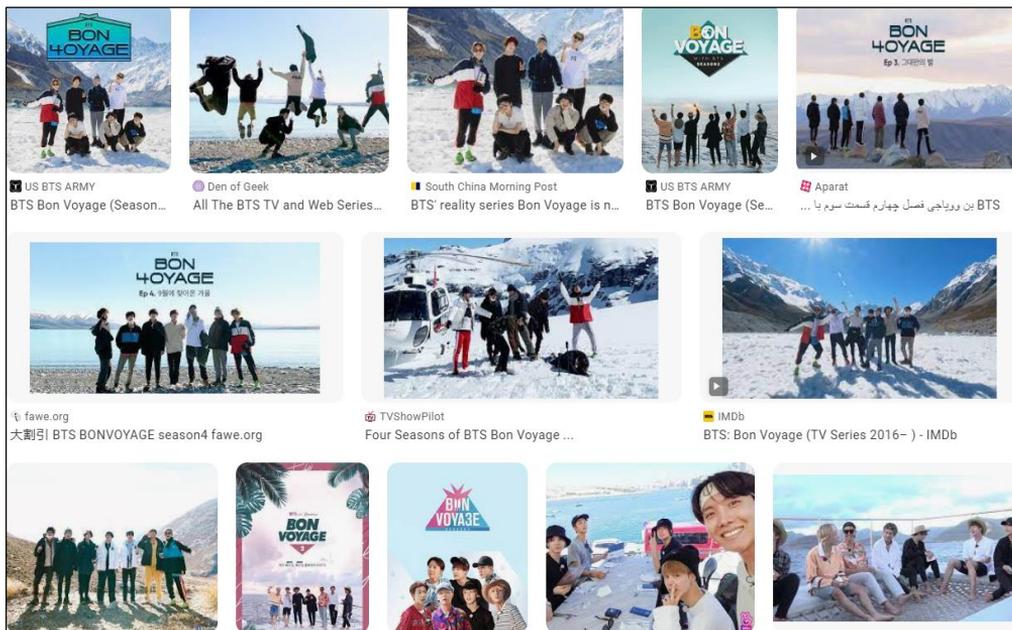
گلاره ۱۴ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، در مورد برنامه بی‌تی‌اس این دِ سوپ، بیان می‌دارد: «برنامه‌های زیاد دیگه‌ای هم هست مثلاً بی‌تی‌اس این دِ سوپ یکی شون بود که چند روز مسافرت بی‌تی‌اس رو نشون می‌داد که رفته بودن توی یه جزیره یا جای جنگلی و طبیعت که خونه‌های باحال و قشنگ داشت و زندگی شون باهم دیگه رو نشون می‌داد.



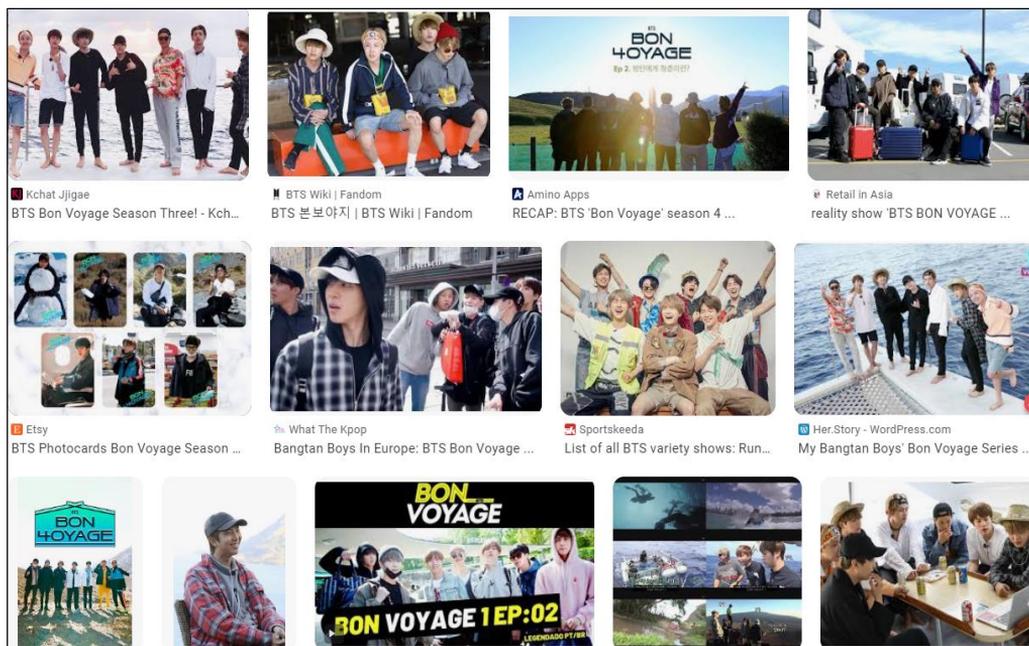
۱- بی‌تی‌اس در جنگل (BTS In the Soop) یک مجموعه برنامه ساخته شده توسط بیگ هیت انترتینمنت و Big Hit Three Sixty با حضور اعضای گروه بی‌تی‌اس است. این برنامه دو فصل دارد که فصل اول از سال ۲۰۲۰ از شبکه JTBC و پلتفرم آنلاین Weverse پخش شد.

بعد مثلاً در کنار این که داشت این مدل تجربه‌هاشون رو نشون می‌داد، تک‌تک می‌پردن شون و از هر کدوم می‌پرسیدن، این قسمت چه طور بود و چه کارهایی کردی و اعضاء از تجربه‌هاشون تعریف می‌کردن یا توی قسمت‌های مختلف ران‌ها آشپزی می‌کنن، بازی می‌کنن که مثلاً یه آهنگ رو حدس می‌زنن که ریتمش اونه».

برنامه بن وایاژ (بن وویاژ)، سطح پیشرفته‌تری از برنامه بی‌تی‌اس این دِ سوپ را به معرض دید می‌گذارد. به این معنا که اگر در برنامه بی‌تی‌اس این دِ سوپ، اعضای گروه به یک سفر کوتاه در جنگل یا یک جزیره می‌روند و تجربیات خودشان را در آنجا به تصویر کشیده و در معرض دید می‌گذارند، در برنامه بن وایاژ اعضای گروه بی‌تی‌اس تجربیات سفر خارجی خویش را به معرض دید می‌گذارند، خاصه آن که تجربیات اخیر به سبب مواجهه تنهای اعضای گروه با مسایل غیر مترقبه سفر، بر جذابیت ماجرا می‌افزاید.



اولین فصل بن وایاژ در سال ۲۰۱۵ و آخرین فصل آن برای سال ۲۰۱۹ بوده است. فصل اول بن وایاژ، سفر اعضای بی‌تی‌اس را به اروپای شمالی نشان می‌دهد که حاوی لحظات و خاطرات و تجربیات جدیدی برای اعضای گروه هست.



زهرای ۲۴ ساله، از تهیه صفحه بی‌تی‌اس آیلند یاد می‌کند که در این صفحه با محوریت اعضای بی‌تی‌اس به شکل کارتونی محتواهای غیر واقعی و فانتزی گذاشته می‌شود که اسباب سرگرمی هواداران را فراهم می‌آورد:

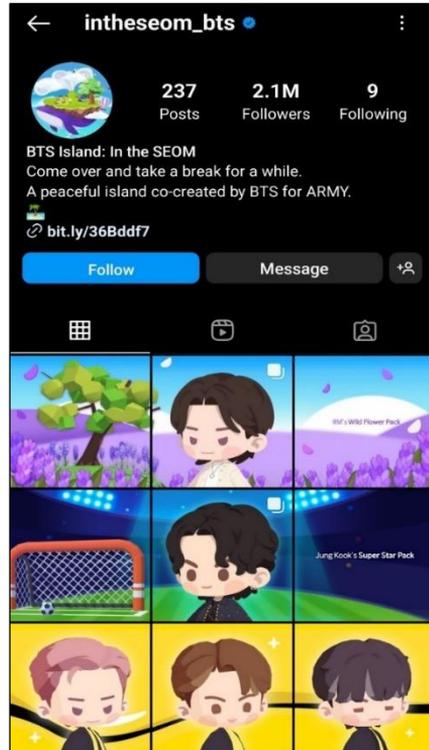
«- گفتید یک صفحه وجود داره که شما علاقه‌مندی زیادی بهش دارید.

بی‌تی‌اس آیلند.

- بله، بی‌تی‌اس آیلند چه طور صفحه‌ای هست و چه محتوایی رو به اشتراک می‌گذاره؟
 بی‌تی‌اس آیلند هم جزو پیج‌های اصلی گروه هست و تفاوت زیادی در محتواهاشون وجود نداره، ولی به داستان در موردش هست. این هفت نفر دارن تو یه فضایی که کاملاً آرامش و صلح درش وجود داره، زندگی می‌کنن. پست‌هایی که گذاشته می‌شن هم تماماً کارتونی هستن. بیش‌تر جنبه سرگرمی داره و کمی هم متفاوت با پیج‌های دیگه گروه هست. به خاطر کارتونی بودنش شادتر و بامزه‌تر هست.
 - عکس‌هایی که داخل این صفحه گذاشته می‌شه اون‌ها رو در حال انجام چه کارهایی نشون می‌ده؟
 خیلی کارها انجام می‌دن که بیش‌ترشون روزمره به حساب میان، مثلاً می‌رن به طبیعت برای خوش گذرونی. پیک نیک دیگه (باخته) می‌رن پیک نیک، ولی مثلاً تازگی چندتا پست گذاشته بودن که اینا رفته بودن فضا بازی برای خوش گذرونی (باخته). چون کارتونی هست یه کم چیزای غیر واقعی رو هم می‌ذارن. ولی هدف اصلی سرگرم کردن دنبال کننده‌ها هست.

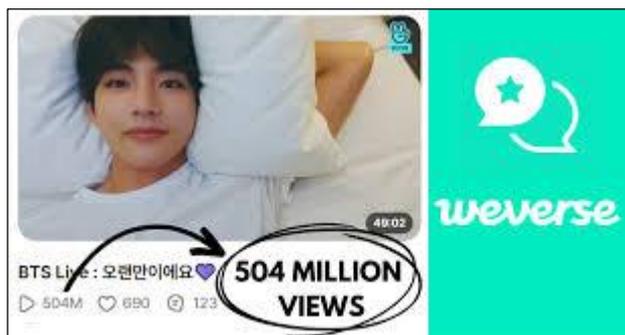
- با توجه به این که گفتید داخل یک جهان پر از آرامش و صلح زندگی می‌کنن، یک مقدار آرمان‌گرایی هم داره.

همین‌طور اصلاً برای بیو'پیج هم نوشتن که یک جزیره پر از آرامش و صلح که توسط بی‌تی‌اس برای طرفدارها ساخته شده و بعدش هم گفته بیاید برای استراحت یه کم نگاه کنید پست‌ها رو».



لایوهای فردی و جمعی اعضای گروه بی‌تی‌اس، سرگرمی دیگری است که هواداران می‌توانند از آن‌ها استفاده کنند:





طراحی و عرضه نمادهای کارتونی از آیدول‌ها که توسط خودشان صورت پذیرفته است و تهیه نمادهای حیوانی از آنان، سرگرمی دیگری است که هواداران از آن سود می‌برند:
«عزیزم تاتا مایک منظور چی بود؟»

۱ - شخصیت‌های BT21 در اواخر ماه سپتامبر ۲۰۱۷ طراحی شدند و این نام ترکیبی از نام گروه بی تی اس و قرن ۲۱ است. زمانی که گروه BTS تازه به جمع دوستان برنامه پیام‌رسان لاین (Line Friends) پیوست، پروژه‌ای با طراحی کارکتر و ایده جدیدی از محصولات مرتبط با پسرها به انجام رسید. پروژه طراحی شده شامل ۸ شخصیت است که توسط پسران گروه بی تی اس ایجاد شده است. کویا (نامجون)، آر جی (جین)، شوکی (شوگا)، مانگ (جیهوپ)، چیمی (جیمین)، تاتا (شخصیتی که گاهی لبخند می‌زند. او یک شاهزاده بیگانه کنجکاو و تغییر شکل دهنده از سیاره BT با سر قلبی شکل و بدن آبی با لکه‌های زرد است و او

پسرا هر کدام شون یه شخصیت عروسکی دارن که تاتا برای تهیونگه و بر اساس شخصیت خودشون ساخته شده و خود پسرا طراحی کردن.



- اطلاعاتی داری که چرا دقیقاً این شخصیت‌ها ساخته شدن؟
تا جایی که من فهمیدم این شخصیت‌ها رو پسرا طراحی کردن تا مردم از طریق این کارکترها اونا رو خیلی بهتر بشناسن» (ریحانه، ۱۷ ساله).



توسط تهیونگ ایجاد شده است)، کوکی (جونگ کوک) و وان (ربات فضایی تاتا است) که توسط آر ام (نامجون) ایجاد شده است و محافظ بی‌تی‌اس است. هر کدام از این شخصیت‌ها، مخاطب را به نحوی به دنیای بی‌تی‌اس هدایت می‌کند.



«... هر کدام از اعضای بی‌تی‌اس به نمادی حیوانی هم دارند که آرمی‌ها به هم‌چنین نمادی روشن گذاشتن که نماد جین اون حیوانه، چی بودن که، ام، شبیه به جور گوسفند حالت کوییتی داشتن؟
- کوآلا؟
کوآلا نه... به دقیقه، الان یادم نمیداد.
- اهوم.

و نماد شوگا، شوگا اسم اصلیش هست مین یون گیبه، و همونیه که کتفش خیلی آسیب دید، طوری که به مدت نتونست شرکت کنه داخل هیچ فعالیتی، اونم نماد حیوونیش گربه هست و جیهوب که اسم اصلیش هم جونگ هوسوک هست، نماد حیوونی اونم سنجاب هست و بهش می‌گن سان‌شاین. این لقبه براش. سان‌شاین هم یعنی خورشید، چون خیلی امید می‌ده به آرمیا. آر ام هم که اسم اصلیش کیم نام جون هست، بهش می‌گفتن رپ مانستر و نماد حیوونیش رو گذاشتن کوآلا. جیمین هم که اسمش پارک جیمینه، اه، بهش می‌گن جوچه و کوچیک‌ترین جثه رو داره بین اعضاء. هفتمی هم که اسم اصلیش کیم تهیونگه، لقب حیوونیش رو گذاشتن ببر، و جان کوک هم که اسمش جئون جونگ‌کوکه، لقب حیوونش رو گذاشتن خرگوش.

- بعد ببینم اینا وقتی این اسم‌ها، اسم حیوونا رو می‌شنون چه احساسی پیدا می‌کنن؟

اونا خودشون هم از این، واقعاً این کارا رو انجام می دن که شبیه شون به نظر می رسن. جان کوک واقعاً خیلی فانی رفتار می کنه. مطابق رفتار، آرمیا این اسما رو روشن گذاشتن و خودشون هم موافقت کردن که شبیه شونن و آکاپا، اسم حیوونی جینه».



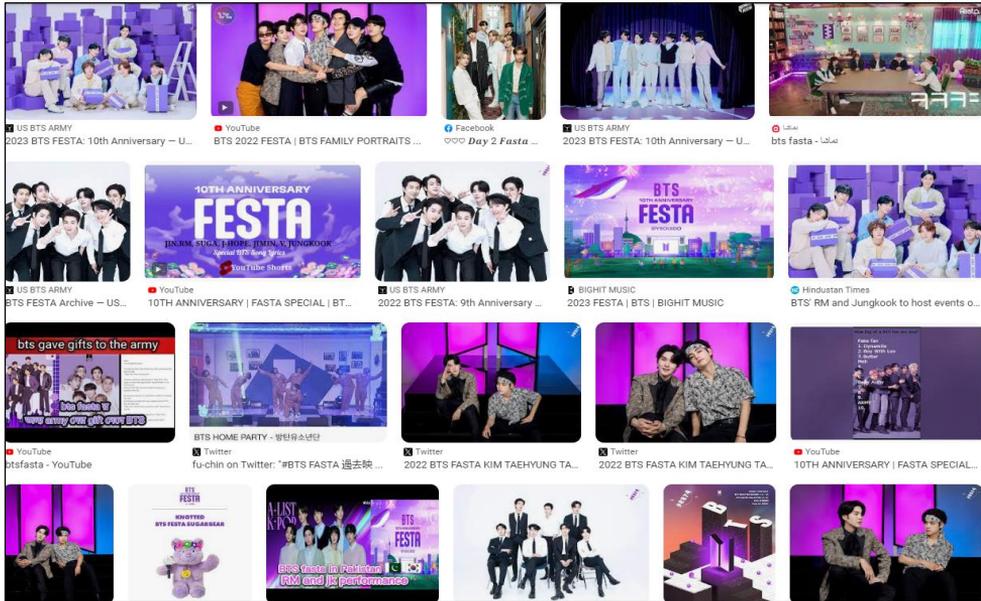
توصیف فن میتینگ ها و فن ساین های پسران بی تی اس نیز قبلاً گذشت.





برگزاری جشن تولدهای باشکوه و جهانی آیدولها و جشنهایی نظیر جشن فستا (جشن سال روز شکل گیری گروه بی تی اس)، از دیگر مواردی است که در روابط متقابل گروه بی تی اس و هواداران قابل ذکر است.





کوثر ۲۵ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، خاطرنشان می‌سازد، مشابه برنامه‌های ویدیویی بی‌تی‌اس در هالیوود وجود ندارد و این مسأله بیانگر پیشی گرفتن کی‌پاپ از هالیوود است: «... از جذابیت‌های دیگه... یه سری برنامه می‌سازن... تجربه‌ای که خودم موقع طرفداری بی‌تی‌اس داشتم... مثل یه سریالی بود که داشتم زندگی‌اش می‌کردم. - اوهوم.

بین مثلاً... همین فقط موسیقی نبود. آهنگ می‌دادن هر چند وقت یک بار آلبوم می‌دادن. آلبوما چندتا موزیک ویدیو داشتن. بعد موزیک ویدیو رو که می‌دادن بعد اجرا داشتن. توی چندتا شو می‌رفتن آهنگا رو اجرا می‌کردن و می‌رقصیدن. بعد یه برنامه می‌دادن که مثلاً از اول دو ساعت برنامه طول می‌کشید. وسطش حرف می‌زدن، جوک می‌گفتن، مصاحبه می‌کردن، در مورد خودشون، در مورد بقیه و اینا، بعد وسطاش آهنگا رو اجرا می‌کردن. کام‌بک شو بهش می‌گفتن. بعد... یه مدت مثلاً استراحت‌شون بود، توی اون مدت یه سری برنامه پخش می‌کردن که قبلاً ضبط کرده بودن. برنامه‌هایی که مثلاً می‌شستن باهم بازی می‌کردن. مثلاً باهم اون رو بازی می‌کردن یا مثلاً مافیا بازی می‌کردن یا مثلاً می‌رفتن یه جا خونه‌ی وحشت فیلم می‌گرفتن.

- اوهوم... مثل ولاگ^۲ (معادل ویدیویی وبلاگ)؟

1Come back show
2Vlog

آره، آره. ولاگای این طوری ولی فان تر، با فیلم برداری بیش تر که حرفه‌ای تر بود و ارتباط بین خودشون رو خیلی با طرفدارا شیر می‌کنن. و اینم یکی دیگه از ویژگی‌های کی‌پاپه که دوستی بین اعضای گروه خیلی نمایانه برای طرفدارا که خب تو صنعت هالیوود من همچنین چیزی رو ندیدم».



با بررسی بیانات هواداران مصاحبه شده، مشخص می‌شود که تمهیدات کمپانی در جهت ارتقای موسیقی بی‌تی‌اس به صنعت سرگرمی، به میزان زیادی موفق عمل کرده است و برنامه‌هایی مانند ران بی‌تی‌اس، بی‌تی‌اس این د سوپ، بن وایاژ، لایوهای اعضا و گروه و نظایر آن‌ها، مورد استقبال بسیاری از هواداران قرار گرفته و از آن‌ها استفاده می‌کنند.

۴-۳- ارایه محتوا و سرگرمی‌های مورد علاقه نوجوانان و جوانان

کمپانی بیگ‌هیت در تلاش برای جذب مخاطبان بیش تر و بیش تر، از سویی ضمن پرداختن به مسایل نوجوانان و جوانان و از سوی دیگر، با ایجاد عرصه‌ای جهت تفریح و سرگرمی نوجوانان و جوانان کوشیده است تا به هدف خویش نایل آید. از این رو در کنار تلاش‌هایی برای روشنگری برای نوجوانان و جوانان می‌کوشد تا با ارتقای کی‌پاپ به صنعت سرگرمی، به تحقق خواست خویش نایل آید. دیبای ۱۵ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، از موفقیت کمپانی در ایجاد برخی از روشنگری‌ها برای نوجوانان و جوانان می‌گوید:

«- آیا به جز مفاهیم دوست داشتن خود و جریان داشتن زندگی، بی‌تی‌اس توی آهنگ‌هاشون به موضوعات دیگه هم اشاره می‌کنن یا نه؟

معمولاً آره دربارہ این جور مسایل می‌خوانه که مثلاً من کی هستم، یعنی همون چیزی که اکثر نوجوون‌ها یا حتی جوون‌ها درگیرش هستن که الان تکلیف من چیه، من چه نقشی توی جامعه دارم، از نظر شخصیتی چه جوری‌ام، چه قدر مورد قبول جامعه قرار می‌گیرم و مردم دربارہ من چی فکر می‌کنن

و این جور چیزها. خود آر ام هم گفته که با چنین موضوعاتی درگیر بود، برای همین بیش‌تر راجع به این موضوع می‌خونه، مثلاً توی آهنگ پرسونا می‌گه که «من کی‌ام؟ این سوال‌ایه که من همیشه از خودم می‌پرسم».



به جز تأثیر نسبی‌ای که بی‌تی‌اس روی دوست داشتن خود توی شما داشته، آیا اثرات دیگه‌ای هم از سمت بی‌تی‌اس روی شما وجود داشته؟

من قبلاً خیلی از خودم ایراد می‌گرفتم و دایم به خودم می‌گفتم که من چرا این جوریم یا مثلاً باید دماغم رو عمل کنم، ولی الان اصلاً دیگه اون جور نیستم و شدتش خیلی کم شده یا این که وقتی خودم رو با بچه‌های دیگه و هم سن‌وسال‌هام توی مدرسه می‌سنجم، احساس می‌کنم که زندگی رو خیلی آسون‌تر می‌گیرم و چیزهای مثبت بیش‌تری رو درباره خودم و زندگی نسبت به بقیه می‌بینم».

کمپانی بیگ‌هیت در کنار تلاش برای روشنگری در مسایل فراروی نوجوانان و جوانان، با ارایه انبوهی از برنامه‌های تفریحی و سرگرمی مانند ران بی‌تی‌اس، بی‌تی‌اس این دِ سوپ، بن وایژ، برگزاری جشن تولدهای پرشکوه، جشن فستا، لایوهای فردی و جمعی اعضای گروه، برنامه‌های فن‌میتینگ و فن‌ساین، بی‌تی‌اس آیلند، بی‌تی ۲۱ و نظایر آن‌ها، سعی در ارضای نیاز نوجوانان و جوانان به سرگرمی و تفریح کرده است.

بررسی اظهارات هواداران مصاحبه شده، دلالت بر آن دارد که کمپانی بیگ‌هیت با راه‌اندازی برنامه‌های سرگرمی که از آن‌ها یاد شد، موفق به عطف توجه بیش‌از پیش نوجوانان و جوانان به سمت گروه بی‌تی‌اس شده است.

نرگس ۲۱ ساله، از برگزاری پارتی و جشن با موضوع (تم) بی‌تی‌اس در سطح هواداران یاد کرده، شبنم ۲۵ ساله، از کپی‌برداری خود و دوستانش از رقص‌های بی‌تی‌اس، سخن به میان آورده است:

«- خوب حالا می‌شه در مورد اون میتینگ بهم توضیح بدی؟»

عام میتینگ این جور بود که یه سری از آرمی‌ها که باهم دوست بودن، اومدن یه پلن و برنامه ریختن که بیان هر چند وقت یک بار با دوستانشون یه جایی جمع بشن و یه جور پارتی بگیرن. ولی فقط با حضور آرمی‌ها.



اينا رو يکى از دوستانم که با اينا دوست بود، بهم گفتم. بعدش اون اوایل کم بودن ولی به مرور زياد شدن. اينايى که ميتينگ مى گيرن، وضع مالي شون خداست. باباهاشون از مایه داراي تهران ان. برای همين هزينه کلی مى کنن. عام بعد از يه مدت خب هى تعداد اضافه شد. هر چند وقت يه بار به مناسبتاي مختلف مثل آلبوم دادن بى تى اس يا برنده شدن شون تو مسابقه ها و اوارد شوها دور هم جمع مى شن. هر بار يه تم خاص داره که لباساشون رو بر اساس تم اون مراسم مى پوشن. موقع تولد اعضا دور هم جمع مى شن و تولد مى گيرن. دنسرا ميان دنس مى رن. کسى ساز بلد باشه، مى بره و آهنگ مى زنه، منتهى فقط آهنگاي بى تى اس. کسى بلد باشه مى خونه. کلاً دور هم جمع مى شن و خوش مى گذرونن. من خودم دو بار رفتم، چون دوستم بهم گفتم بریم. هر کسى رو هم راه نمى دن، يعنى حتماً بايد با خودشون دوست باشى يا دوستى داشته باشى که تو رو ببره اونجا، منم واسه همين تونستم برم، چون واسطه داشتيم. آهان بعد تو مراسم و ميتينگاشون هميشه کيک و کوکى هاي طرح بى تى اس هست. مسابقه برگزار مى کنن اونجا، بعضى وقتا هم آخر سر بهت هديه مى دن ببرى يادگارى. عام بعدم اين که تمهايى که انتخاب مى کنن، معمولاً تم لباس يکى از پسرا هست. يعنى مثلاً تولد تهپونگ باشه، مى گن يکى از لباساي تهپونگ رو انتخاب کنيد، شبیه اون بيايد. يه گروه هم دارن، مثل اين که برنامه و جا و مکان اونجا رو مشخص مى کنن. معمولاً هم ويلاي يکى از همون خرپولا تو نياوران بود. من اونجا رو يادمه يکى، دو بارى رفتم، البته اينا مال الان نيستا. چند سال پيش بود که من رفتم. الان نمى دونم هست يا نه خبرى ندارم از شون ديگه.



یادمه یکی از طرفدارا می‌گفت، ما این قدر بدبختیم تو ایران که نمی‌تونیم کنسرت بریم یا پسرا بیان تو کشورمون، برا همین این جور با بچه‌ها دور هم جمع می‌شیم، بلکه یه کم از غم نداشتن بی‌تی‌اس کم کنیم. این تنها کاریه که می‌تونیم با بقیه‌ی آرمیا انجام بدیم و خوش بگذرونیم».

«- چه ویژگی‌های مشترکی بین همه این طرفدارا می‌بینی؟»

الآن بیش‌تر نوجوون‌ها چه ایرانی و چه خارجی، علاقه دارن تو سن کم وارد کمپانی بشن و بتونن برقصن یا خوب بخونن. خودم شخصاً افرادی رو دیدم که علاقه به این گروه‌ها داشتن و بیش‌تر تیپ یا رنگ مو یا رقص‌شون رو تقلید می‌کنن و زمانی که من از شاگردهام می‌پرسیدم، دلیل این علاقه‌تون به گروه اکسو، جونیور یا بی‌تی‌اس چیه، همین جواب‌ها رو می‌گرفتم. مثلاً یکی از بچه‌ها می‌گفت خیلی

خاکی ان، قشنگ می‌رقصن، هماهنگ هستن و من و دوستانم پنج تایی جمع می‌شیم یه جور لباس می‌خریم، یه تیپ می‌زنیم و هر هفته از رقصاشون تقلید می‌کنیم و خیلپاشون می‌خواستن وارد دنیای موسیقی بشن، اما درصد کمی پیگیر بودن و خیلی سخت. یکی دونفر قبول شدن. خیلی از هوادارا هم به‌خاطر احساسی خوندن و صدای قشنگی و لطیفی که دارن و معنی آهنگ‌ها و موزیک ویدیوهایی که تنوع زیادی توش هست، تحت تأثیر قرار می‌گیرن».

ریحانه ۱۵ ساله و سونیای ۱۷ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خویش از انجام چالش‌های پیشنهادی بی‌تی‌اس در مدرسه و یا تهیه دابسمش‌های بی‌تی‌اس توسط خود و دوستانشان یاد کرده اند:

«- از کجا ران‌های بی‌تی‌اس رو دانلودشون می‌کنی؟»

بیش‌تر با دوستانم برای همدیگه می‌فرستیم می‌بینم. گاهی ام چالش‌هاشون رو تو مدرسه اجرا می‌کنیم. - پس دوستان هم ران‌ها رو دنبال می‌کنن.

آره اکثرشون می‌بینن فیلم‌هاش رو هم برای هم شیر می‌کنن. مثلاً یکی دانلود می‌کنه، واسه بقیه می‌فرسته یا مثلاً نوبتی هر بار یکی دانلود می‌کنه و می‌فرسته».



«... فقط با آرمیا صحبت می‌کنم، مثلاً دوستای خودم که طرفدارشون هستن.

- یه کم بیش‌تر توضیح می‌دید که چه صحبتایی می‌کنید؟ البته اگر دوست دارید جواب بدید. نه بابا، جواب می‌دم (باخنده)، مثلاً اگر پست جدیدی گذاشته باشن، در مورد اون صحبت می‌کنیم، پست از طرف گروه یا هر کدوم از پسرا باشه، در موردش حرف می‌زنیم. اگر عکس از خودشون باشه، در مورد لباساشون و مدل مو و میکاپاشون. آهنگ یا موزیک ویدیو هم باشه، باهم گوش می‌دیم. مثلاً

باتر ارون قدر گوش دادیم، حفظ شدیم، بعد یکی از بچه‌ها گفت، بیاین دابسمش درست کنیم باهانش که این کار رو کردیم، خوب شد اتفاقاً. بیش‌تر درباره این چیزا صحبت می‌کنیم».

نگین ۱۳ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، خاطرنشان ساخته است وی دست به تهیه و خرید و فروش نقاشی سمبل‌های حیوانی آیدول‌ها زده، ریحانه ۱۵ ساله نیز از درآوردن ادای اعضای بی‌تی‌اس با برادرش در محیط خانه سخن می‌گوید:

«... من یک‌سری نقاشی خودم کشیدم.

- چه نقاشی‌هایی؟

مثلاً اعضاء را به یک حیوان تشبیه می‌کنیم و یا میوه مورد علاقه‌شون را حتی می‌دونیم. مثلاً من حیوان دوتا از اعضاء را کشیدم. حیوان جان کوک می‌شه خرگوش، حیوان نام جو هم می‌شه کوالا.

- نقاشی‌هات را جای هم به اشتراک می‌گذاری؟

نه اون طوری نه، به دوستان نشان می‌دم، ولی بیش‌تر برای دل خودمه، دلم براشون تنگ می‌شه اینا را می‌کشم و نگاه‌شون می‌کنم، دلتنگیم کم می‌شه.



- فن آرت محسوب می‌شن؟

نه فن آرت مال وقتی که توی شبکه مجازی بذاریش، من این کار رو نمی‌کنم من اینا رو ممکن هدیه بدم.

- دوستان چی؟

نه من دوستان خیلی اهل فضای مجازی نیستند، به خاطر همین اونا هم یه چیزایی می‌کشن، مثل ولی پست نمی‌کنیم و نشون نمی‌دیم به کسی، ولی خب این طوریه که ما به هم دیگه اینا رو کادو می‌دیم و خوب راستش رو بخواین مبادله کالا به کالا شده با همدیگه بکنیم و خرید و فروش. من بگی نگی این کار رو می‌کنم مثلاً من از یکی از دوستان نقاشی تهیونگ رو ۲۰ تومن خریدم، خیلی قشنگ نقاشی می‌کشه، یه کار دیگه‌ای که من می‌کنم سمبل‌های بی‌تی‌اس رو می‌کشم و اون‌ها رو خوب ارزون فروختم، یکی ۵ هزار تومان، آخه من خیلی تو فکر پولش نیستم.

- چه سمبل‌هایی از بی‌تی‌اس رو می‌کشی؟

کوالا، خرگوش، ببر».

«- می‌شه بگی از چه نظر برات جذاب هستن؟

واقعیتش رو بگم بیش‌تر از خود اون بازی، مسخره بازی‌ها و کاراشون رو دوست دارم. خیلی کیوت و بانمکن، از این که شوخ هستن خوشم میاد یا این که مثلاً از این که خود واقعی‌شون رو تو ران‌ها می‌بینی و این که چه جور با دوستانش حرف می‌زنن و ارتباط دارن، جالبه، انگار بیش‌تر بهشون نزدیکی. لهجه‌شون رو هم دوست دارم که باهم حرف می‌زنن، لحن‌شون باحاله، گاهی تو خونه راه می‌رم، الکی اداشون رو درمیارم و اون جور حرف می‌زنم. یه سری چیز بی‌معنی تند تند می‌گم، اما با لحن خودشون، مثلاً کلمات رو می‌کشم و اینا، داداشم بهم می‌خنده بعدش اونم اداشون رو درمیاره (خنده).

- دوستان هم برای همین ران‌ها رو دوست دارن؟

آره فک کنم اکثراً به خاطر همین چیزا می‌بینن، اگر نه مسابقاتشون رو که همه می‌تونن انجام بدن. مهم حاشیه‌های بازی‌هاشونه و کارای دیگه‌ای که کنارش می‌کنن. مثلاً وقتی یه ران می‌بینیم، درسا میاد می‌گه دیدید مثلاً نامجون چه کار کرد، چه جذاب بود، آخ بمیرم براش! یا مثلاً جیمین یا هر کدومشون.

- پس بیش‌تر از خود بازی، خود اعضای گروه براتون جذابیت دارن.

اوهوم لامصبا خیلی کراش ان!»

۱ - کراش crush علاقه بسیار شدید به کسی که هنوز دسترسی خاصی به او ندارید یا اصلاً او متوجه علاقه شما به خودش نشده است.

- اوهوم. یعنی کسی توی اتاقت وارد بشه، چه چیزهایی از بی‌تی‌اس را می‌تواند ببیند؟ من عکسای بی‌تی‌اس را چسبوندم به دیوارم. کیف بی‌تی‌اس رو هم که آویزون کردم. جامدادیم هم که داخل کیف بی‌تی‌اسه، لیوان بی‌تی‌اس من هم که داخل آشپزخونه است و دست‌بند و این طور چیزهای دیگه رو هم گذاشتم تو قفسه‌ام، بیش‌تر عکسایی که به دیوار چسبوندم معلومه. - خیلی از وسایل مختلف بی‌تی‌اس استفاده می‌کنی؟
آره».

با ملاحظه مصادیق و نمونه‌هایی نظیر آنچه به اجمال از آن‌ها یاد شد، می‌توان نتیجه گرفت، کمپانی بی‌تی‌اس در روند ارتقای گروه کی‌پاپ خویش به یک صنعت موفق سرگرمی، به شکل مناسبی عمل کرده است و سرگرمی‌های ابداعی و پیشنهادی آن، مورد استقبال هواداران قرار گرفته است و به این ترتیب، برخلاف خواننده‌های هالیوودی که بعد از نشر آهنگ‌های‌شان، تا ارایه آهنگ بعدی، تقریباً به دست فراموشی سپرده می‌شوند، گروه و اعضای بی‌تی‌اس همواره مورد توجه هواداران باقی مانده و می‌مانند.

۴-۴- تشویق طرفداران به خواندن کتاب‌ها و دیدن فیلم‌های مختلف

با بررسی اطلاعات ارایه شده در مصاحبه هواداران گروه بی‌تی‌اس، این نتیجه حاصل می‌شود که گروه بی‌تی‌اس از چند طریق موجب افزایش مطالعه طرفداران گروه شده است. از آنجا که آهنگ‌های بی‌تی‌اس بعضاً درون مایه‌ای فلسفی و یا روان‌شناختی دارند، مخاطبان آهنگ‌های اخیر تشویق می‌شوند که به مطالعه آثار فلسفی یا روان‌شناختی و تاریخی که آهنگ‌های بی‌تی‌اس از آن‌ها ملهم است و رگه‌هایی از این آثار در آهنگ‌های گروه منعکس شده است، رو بیاورند. گذشته از این مورد، رواج گسترده تهیه تک‌صحنه (وان‌شات) و داستان‌سرایی (فن‌فیکشن)، در میان هواداران بی‌تی‌اس، سبب می‌شود، هواداران به مطالعه داستان‌هایی که با محوریت آیدول‌ها باهم یا آیدول با نویسنده کتاب تهیه شده است، روی بیاورند. البته لازم به یادآوری است که غالب وان‌شات‌ها و فن‌فیک‌هایی که توسط هواداران نوجوان و جوان که تازه به بلوغ زیستی خود رسیده‌اند، به موضوع‌های عشقی و جنسی اختصاص دارند که این نوع از مطالعات، مطالعه ادبیات سیاه محسوب شده، به جای راهگشا بودن و اعتلاء بخشیدن به افراد، اسباب تنزل فکری و فرهنگی آنان را به دنبال خواهد داشت. نوع دیگر مطالعه هواداران گروه بی‌تی‌اس، مطالعه کتاب‌هایی است که در مورد زندگی اعضای گروه تهیه و تدوین شده‌اند.

ریحانه ۲۱ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، خاطر نشان می‌سازد، کدهایی که در آهنگ‌های بی‌تی‌اس داده شده‌اند، مشوق او در مطالعه تاریخ یونان باستان و کتاب‌هایی با بن مایه‌های فلسفی و روان‌شناختی شده است:

«- گفتی که این‌ها بخشیش برای سرگرمی و جذب مخاطبه. می‌خواستم بدونم که چیزی هم بهتون یاد می‌ده؟ مثلاً چه موضوعاتی توی تئوری‌های بی‌تی‌اس بحث می‌شه؟
آره قطعاً چیزای آموزنده‌ای هم داره. مثلاً برای من به شخصه، مثال می‌زنم، موزیک ویدیوی خون، عرق و اشک؛ باعث شد کنجکاو بشم که اطلاعات عمومی‌م رو درباره‌ی الهه‌ها و افسانه‌های یونانی بالاتر ببرم تا متوجه بشم که بی‌تی‌اس با اشاره کردن به موضوعاتی مثل بال‌های ایکاروس^۲، تلاش داشته تا چه مفهوم و درس اخلاقی‌ای رو به مخاطبش انتقال بده.
یا به خاطر بهتر متوجه شدن تیزرهای آلبوم وینگر^۳ بود که مشتاق به مطالعه‌ی یک‌سری کتاب‌های فلسفی مثل دمیان^۴ شدم و داستان‌هایی مثل دمیان، آنان که از خیر اوملاس گذشتند^۵، نقشه‌ی روح^۶، بادام^۷ و مغازه‌ی جادویی^۸؛ مثال‌هایی از کتاب‌هایی هستن که به خاطر همین تحلیل‌ها و معرفی‌های

۱ - خون، عرق و اشک (Blood Sweat & Tears) نام یکی از آهنگ‌های معروف گروه بی‌تی‌اس است که در سال ۲۰۱۶ در آلبوم بال‌ها (Wings) منتشر شد.

۲ - ایکاروس (به یونانی: Ἴκαρος) نام شخصیتی افسانه‌ای در اساطیر یونانی است او پسر دایدالوس مخترع هزارتو بود. او به همراه پدر تصمیم گرفت از زندان مینوس به کرت بگریزد پدرش برای او بال‌هایی از جنس موم و پر ساخت تا با آن‌ها بگریزد. پدر به او توصیه نمود تا از تکبر و از خود راضی بودن بپرهیزد و پس از آن از پرواز در ارتفاع خیلی پایین و خیلی بالا دوری کند. با این وجود او به توصیه پدر گوش نکرد و به خورشید نزدیک شد، موم‌ها آب شدند و بال‌ها جدا گشت و به دریا افتاد. این دریا به نام او ایکاریا نامیده می‌شود. عده‌ای خورشید را منبع آگاهی می‌دانند و سقوط ایکاروس به دریا را سمبل تلاش برای دستیابی به آگاهی زیادتیر از حد مجاز می‌پندارند. البته مقدونیان نیز به عطارد ایکارس می‌گفتند، چون به خورشید نزدیک و گرم و سوزان بود.

۳ - بال‌ها (Wings) دومین آلبوم استودیویی گروه بی‌تی‌اس است که در تاریخ ۱۰ اکتبر ۲۰۱۶ منتشر شد و شامل ۱۵ ترانه است. تک‌آهنگ اصلی این آلبوم «خون عرق و اشک» نام دارد.

۴ - دمیان (به آلمانی: Demian) نام یک کتاب ادبی است که توسط هرمان هسه، نویسنده‌ی اهل آلمان نوشته شده‌است. این کتاب یکی از آثار مشهور ادبی جهان است.

۵ - کسانی که از خیر اُملاس گذشتند (The Ones Who Walk Away from Omelas) داستانی کوتاه از اورسولا لو گوین است که در سال ۱۹۷۳ برای اولین بار منتشر شد. یک داستان فلسفی است که از طرح داستانی بسیار ساده و توضیحات انتزاعی از شخصیت‌ها تشکیل شده‌است؛ تأکید راوی بر یک آرمان‌شهری با نام اُملاس (Omelas) و شهروندان آن است. این داستان در سال ۱۹۷۴، نامزد دریافت جایزه لوکس و برنده‌ی جایزه هوگو برای بهترین داستان کوتاه سال شد.

۶ - نقشه‌ی روح (Map of the soul) کتابی از فیلسوف معروف کارل یونگ است. گروه بی‌تی‌اس آلبوم موسیقی خود به نام نقشه‌ی روح؛ پرسونا (Map of the soul: Persona) را بر اساس این کتاب تولید کردند.

۷ - بادام (Almond) کتاب رمانی به نویسندگی سون وون پیونگ است. رمان درم ورد پسر نوجوانی است که به بیماری آلکسی تیمیا مبتلا است.

۸ - کتاب مغازه‌ی جادویی (In to the Magic shop) کتابی به نویسندگی دکتر جمیز آر. دوتی است. در کتاب مغازه جادویی اثر جمیز آر دوتی، از زمان کودکی‌اش و آشنایی او با مغازه جادویی، تا زمانی که به یک جراح مغز و اعصاب بزرگ تبدیل می‌شود همراه هستیم. گروه بی‌تی‌اس یکی از ترک‌های خود را به اسم Magic shop یا همان مغازه جادویی را از این کتاب الهام گرفته‌اند و خوانده‌اند. جملاتی که در این موزیک گفته می‌شود بسیار نزدیک به جملات متن کتاب مغازه جادویی نیز هست. این گروه پس از انتشار این موزیک به طرفداران خود خواندن کتاب مغازه جادویی را پیشنهاد می‌کند، پس از مطرح کردن این موضوع فروش

اعضای بی‌تی‌اس، مشتاق به خوندن شون شدم و البته مطالعه همیشه بازخورد مثبت و یادگیری مفیدی هم به دنبال خودش قطعاً داره... .

در موزیک ویدیوی روز بهاری؛ با گنج‌یافتن اسم اوملاس در قسمتی از طراحی صحنه، گریزی به اسم داستان «آنان که از خیر اوملاس گذشتند» زده شد و مخاطب به این شکل درباره‌ی داستان و مفهوم این محتوا کنجکاو شد. که این داستان هم البته تم فلسفی و آموزنده‌ی خاصی داره یا مثلاً در تیزرهای آلبوم وینگز بود که با نوشته شدن قسمتی از متن داستان در میان در تیزرها، به این کتاب فلسفی اشاره شد. قسمتی که درباره‌ی تولد دوباره‌ی درونی و فکری و تشبیه اون به متولد شدن یک جوجه از تخم بود».



تصویری از موزیک‌ویدیوی Spring day

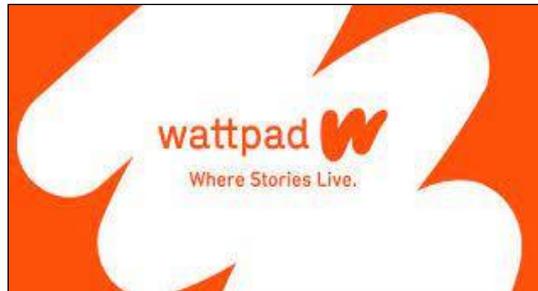
پونه ۱۸ ساله، شیدای ۲۰ ساله و مهتاب ۱۸ ساله هم در مصاحبه‌های جداگانه‌ای که داشته‌اند، خاطرنشان ساخته‌اند، طرفدار مطالعه تک‌صحنه‌ها و داستان‌سرایی‌هایی با محوریت اعضای گروه بی‌تی‌اس هستند و این آثار را در برنامه واتپد و برخی از کانال‌های تلگرامی و صفحات اینستاگرامی دنبال می‌کنند:

کتاب مغازه جادویی به طرز چشم‌گیری چند برابر می‌شود. به همین خاطر است که این کتاب را به نام کتاب مغازه جادویی BTS نیز می‌شناسند.

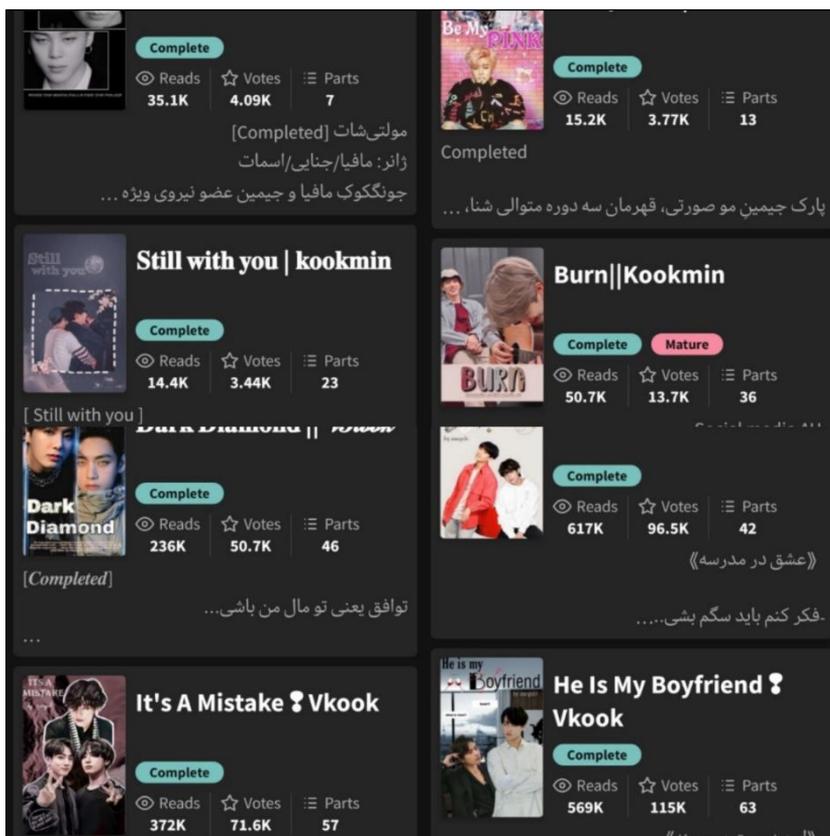
۱ - روز بهاری (Spring Day) آهنگی از گروه بی‌تی‌اس است که در سال ۲۰۱۷ در آلبوم هرگز تنها راه نمی‌روی (never You walk alone) منتشر شد. این موزیک‌ویدیو با الهام از داستان کوتاه فلسفی «کسانی که از خیر املاس گذشتند» از اوسولا لو گوین و همچنین فیلم برف‌شکن (۲۰۱۳) از بونگ جون-هو ساخته شده است. این موزیک ویدیوی پنج دقیقه‌ای، حاوی نمادگرایی گسترده است و به مفهوم «مرگ، زندگی پس از مرگ و خاتمه» می‌پردازد. بسیاری از طرفداران و نشریات رسانه‌ای، این موزیک ویدیو را به فاجعه کشتی سوول مرتبط دانستند که در ۱۶ آوریل ۲۰۱۴ اتفاق افتاد و به مفقود شدن و مرگ بیش از ۳۰۰ دانش‌آموز انجامید. آرم لیدر گروه بی‌تی‌اس در این باره می‌گوید که ویدیو بر بازنمایی تصویری متن ترانه تمرکز دارد و می‌توان تفسیرهای مختلفی از آن کرد.

«- فن فیکشن چیه؟»

یه برنامه هست، اسمش واتپد که این خیلی ساله ساخته شده. بعدش این برنامه برای نویسندگی و خوندنه. حالا یه سری‌ها میان کلاً هر چیزی که بخوان رو توش می‌نویسن و لزوماً در مورد این شیپ‌های گروه‌های موسیقی نیست. اما یه بخش بزرگی از واتپد مال همین نوشته‌های طرفدار هست. طرفدارها در این نوشته‌ها میان در مورد شیپ‌های مورد علاقه خودشون یا حتی در مورد آرتیست مورد علاقه خودشون داستان می‌نویسن. خیلیا میان می‌خونن و کامنت می‌ذارن و ووت (رای) یا لایک (پسند) می‌دن. توشم فقط ایرانیا نیستن. کلی نویسنده خارجی هست که میان می‌نویسن، حالا این واتپد.



جدای از واتپد خب خیلیا هم میان توی تلگرام یا اینستاگرام داستانشون رو می‌نویسن و به اشتراک می‌ذارن با خواننده‌ها. و خب این داستانا خیلییی زیاد مخاطب داره، من خودم تا الان شاید نزدیکه ۳۰۰ تا بوک فقط تو واتپد خوندم از کوکمین و شیپ‌های دیگه. خیلی هم جذاب ان. یو نو؟



- تو خودت چه سبک و ژانری رو دوست داری و چه قدر برای خوندن این موارد وقت می‌گذاری؟ من تقریباً هر روز می‌رم واتپد و فیک می‌خونم. البته الان یه کم به خاطر نت و اینا نمی‌تونم زیاد برم و صرف وقت کم‌تر شده. یه وقتایی بود که تو یه روز دوتا فیک تموم می‌کردم. یه جورایی می‌تونم بگم تو واتپد چتر شدم. معتاد محسوب می‌شم (می‌خندد)، و این که کلاً برام موضوع مهم نیست. قلم یه نویسنده رو خوشم بیاد می‌خونم. دیگه مهم نیست که موضوع و ژانرش چیه. قشنگ باشه، می‌خونم. البته اینم بگم قلم قشنگ باشه، ولی مثلاً موضوع زننده و خیلی بدی داشته باشه رو نمی‌خونم. چون خیلیا قلم‌شون قشنگه، ولی محتوایی که داستان‌شون داره خیلی مزخرفه».

«- شما توی فن پیچ‌ها و فندوم‌های بی‌تی‌اس هم بودی؟»

نه به اون صورت. توی یه سری گروه‌های تلگرامی طرفدارا بودم. مثلاً یادمه داستان‌هایی که درباره بی‌تی‌اس می‌نوشتن طرفدارا رو می‌خوندم و برام جذاب بودش. بعد خودم نقدشون می‌کردم که مثلاً کجاش ایراد داره و اینا.

- می‌شه بیشتر توضیح بدی؟

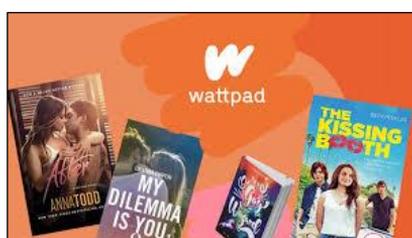
این جور بودش که مثلاً یه داستانی می‌نوشتن و شخصیت اول داستان رو به اسم یکی از اعضای بی‌تی‌اس می‌ذاشتن. بعد من مثلاً می‌خوندمش و اون جاهای داستان رو که دوست نداشتم، توی ذهن خودم تغییر می‌دادم و یه جور دیگه پیش می‌بردمش.»



«- از کجا فن‌فیک‌های دیگران رو می‌خونید؟»

یه سایتی هست به نام آ او تیری، ولی کانال‌های تلگرامی هم هستند و یه اپلیکیشن هم هست به نام واتپد. یک زمانی توی اینستاگرام هم می‌داشتن و وبلاگ هم بود. ولی من خودم بیش‌تر همون آ او تیری رو دنبال می‌کنم.»





راضیه ۱۵ ساله هم در مصاحبه خود خاطرنشان می‌سازد، وی دنبال موضوع خاصی در مطالعاتش نبوده، از محتوای عشقی تا جنایی را تنها به شرط این که نویسنده قلم زیبایی داشته باشد، می‌خواند:

«- عزیزم خودت به فن‌فیکشن علاقه داری یا می‌نویسی؟»

بعضی اوقات می‌خونم، ولی خودم نمی‌نویسم.

- من دیده بودم که فن‌فیکشن‌ها چند دسته هستند، می‌شه بگی تو به کدوم نوعش علاقه داری؟ بستگی به نویسنده داره، اگه ببینم قلمش قشنگه و از کلمات خوب استفاده کرده و ارزش خوندن داشته باشه، می‌خونم.

- یعنی در کل سبک خاصی رو دنبال نمی‌کنی.

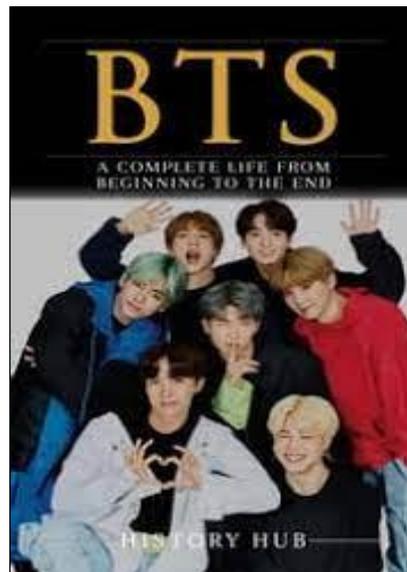
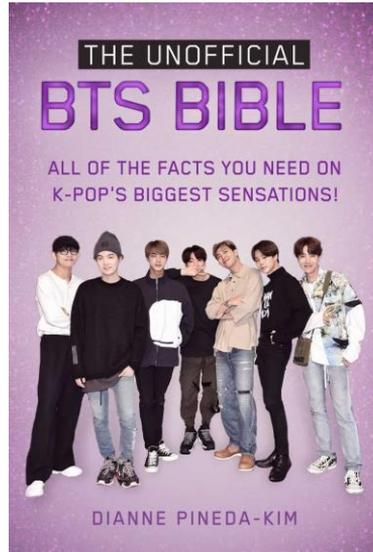
آره.

- یعنی فرقی نداره که سبکش جنایی باشه یا عاشقانه؟

درسته.»

همان‌گونه که پیش‌تر هم یاد شد، در غالب موارد تک‌صحنه‌ها و داستان‌سرایی‌ها معطوف به مسایل شهوی بوده، به مباحث روابط جنسی دو جنس و در برخی از موارد به روابط نامتعارف جنسی، نظیر بردگی جنسی و مانند آن می‌پردازند که از این معنا ذیل عنوان اثرهای اخلاقی کاربری از گروه بی‌تی‌اس یاد شده است.

سرانجام برخی از هواداران خاطرنشان ساخته اند، با آشنایی با گروه بی‌تی‌اس، متمایل به آگاهی از فراز و فرودهای زندگی اعضای گروه شده و به خواندن کتاب‌هایی که به تهیه بیوگرافی آیدول‌ها پرداخته اند، تشویق شده اند.





۴-۵- علاقه به آشنایی با فرهنگ کره

مطالعات روان‌شناختی بیانگر آن است که یک پدیده خنثی، در جوار یک پدیده مثبت، بار ارزشی آن را به خود گرفته، از ویژگی مثبتی برخوردار خواهد شد. به عنوان مثال، ارایه خدمات بهداشتی توسط یک گروه ناشناس، به دلیل مثبت ارزیابی شدن ارایه خدمات بهداشتی از سوی عموم مردم، سبب می‌شود ناظران، گروه ارایه دهنده خدمات بهداشتی را نیز مثبت ارزیابی کنند. بنابراین بر مبنای مدل شرطی کردن کلاسیک که از آن یاد شد، می‌توان انتظار داشت، هواداران گروه بی‌تی‌اس به سبب جذابیتی که در گروه یافته اند، با نگاهی مثبت به کشور، فرهنگ و مردم کره نیز نگاه کنند و به این ترتیب به کشور و مردم و فرهنگ کره، علاقه‌مند شوند.

برخی از افراد مصاحبه شده، خاطرنشان می‌ساختند، پیش از آشنا شدن با گروه بی‌تی‌اس، اصولاً دیدی منفی نسبت به کشور کره و مردم آن داشتند و از آن‌ها با عنوان مردمی زرد پوست، چشم بادامی و احیاناً عقب‌مانده یاد می‌کردند، اما پس از آشنا شدن با گروه بی‌تی‌اس و یافتن علاقه به این گروه، از مردم و فرهنگ کره، با دید مثبتی یاد می‌کنند.

ثناي ۱۶ ساله، در مصاحبه خود خاطرنشان ساخته است که علاقه وی به پسران بی‌تی‌اس سبب شده است، وی به فرهنگ کره نیز علاقه‌مند شده، با استفاده از تورهای مجازی موجود درباره کره، با کشور کره و فرهنگ آن آشنایی پیدا کند:

«- در مورد کره جنوبی اطلاعات جدیدی داری که قبل از آشنایی با بی‌تی‌اس نداشتی؟»

تقریباً هر چی که می‌دونم درباره کره، بعد آشنا شدن با بی‌تی‌اس فهمیدم.

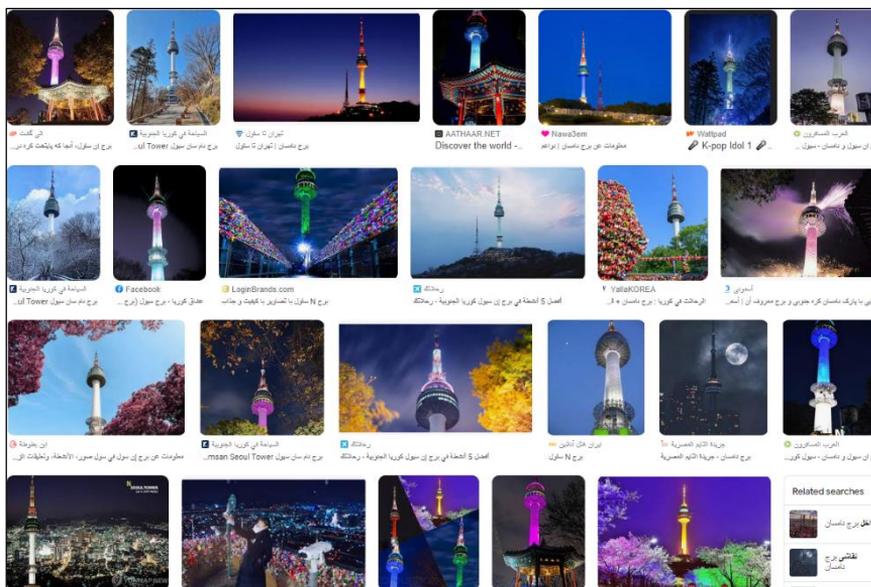
- یعنی در اینترنت سرچ کردی؟

بله، حتی از تور مجازی هم استفاده کردم بعضی جاهای دیدنیش رو دیدم».



شبنم ۲۵ ساله و عرفان ۲۱ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه‌ای که داشته‌اند، از علاقه‌مند شدن خویش به احترام نهادن افراد در کره نسبت به یکدیگر و خاصه افراد بزرگسال، آداب غذا خوردن و غذاهای مورد استفاده مردم کره و مانند آن‌ها یاد کرده‌اند:

«... یکی دیگه از جاهایی که خیلی دوست دارم بینمش، برج نامسان هست که یه جای توریستی هست و زوجها می‌رن و قفل‌هایی رو به نشانه عشق شون اونجا آویزون می‌کنن. حتی استادم که می‌خواست بره کره، اون موقع من سیصد هزار تومن بهش دادم که یه قفل بخره و اونجا ببندد و کلیدش رو برام بیاره و من کلی رؤیا و عشق و علاقه به این برج دارم و دوست دارم که بینمش».



یه چیز دیگه شون که خیلی من علاقه بهش دارم، همین احترامیه که به همدیگه می‌ذارن. مثلاً توی یادگیری زبان کره‌ای یه چیزی که خیلی سخت بود، همین بود که اینا برای صحبت کردن با هر فردی با توجه به سن و سال و جنسیت و جایگاه و اینا، یه سری قواعد زبانی مخصوص خودشون رو دارن و من این احترامی که بین شون هست رو خیلی دوست دارم. بعد حتی مثلاً از لحاظ عادات‌های غذایی هم اصلاً شبیه چینیا نیستن که غذاهای عجیب و غریب بخورن. من اون قدر به نحوه غذا خوردن شون هم علاقه‌مندم که ظرف غذاشون و اون چوبایی که باهاشون غذا می‌خورن رو هم تهیه کردم و حتی نحوه استفاده ازش رو برای غذا خوردن که خیلی هم سخت هست رو هم یاد گرفتم. خانواده من هم خیلی توی این مسیر ازم حمایت کردن و بهم انرژی دادن و گفتن که اهمیتی به حرف‌های بقیه نده و علاقهات رو دنبال کن.»



«- عرفان این همه آهنگ و فیلم کره‌ای دیدی و شنیدی، آیا از لحاظ فرهنگی تأثیری روی تو داشته؟ بله تاحدودی از فرهنگ کره خوشم آمده.

- می‌شه مثال بزنی؟

مثلاً فرهنگ غذا خوردن شون. یه کاسه سوپ سبزیجات می‌خورن سریع سیر می‌شن. زیاد مثل ایرانی‌ها پرخوری نمی‌کنن که چندین نوع غذا و چندین نوع پلو بخورن. برای همین همه‌شون اندام‌های لاغر و یا متوسطی دارن و یا مثلاً از فرهنگ ادای احترام گذاشتن شون هم خوشم میاد و من همیشه در پایان کارهام از مهمان‌ها اون طوری تشکر و قدردانی می‌کنم.»



۴-۶- اشاعه زبان کره‌ای در میان هواداران

هواداران علاقه‌مند به گروه بی‌تی‌اس، در جریان کاربری از آهنگ‌ها و برنامه‌های مبتنی بر سرگرمی گروه (نظیر ران بی‌تی‌اس، بی‌تی‌اس این دِ سوپ، بن وایژ و مانند آن‌ها)، به تدریج به شکل سماعی با برخی از کلمات و در ادامه با زبان کره‌ای آشنا می‌شوند، خاصه آن که اگر کاربر کی‌دراما و صنعت فیلم و سریال کره جنوبی باشند، یادگیری اخیر در مدت زمان کوتاه‌تری صورت می‌پذیرد.

از سوی دیگر جذابیت‌های گروه بی‌تی‌اس سبب شده است، برخی از هواداران در اندیشه ادامه تحصیل در کره و یا اساساً مهاجرت به کره بیفتند و ضرورت یادگیری زبان کره‌ای را به شکل جدی‌تری احساس کرده و با رفتن به کلاس‌های آموزش زبان کره‌ای، به یادگیری دقیق‌تر زبان کره‌ای و نگارش آن مسلط شوند.

حدیث ۱۴ ساله، صبا ۱۶ ساله، مریم ۱۸ ساله و مسعود ۲۰ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خویش از یادگیری سمعی زبان کره‌ای در اثر کاربری از کی‌پاپ و بعضاً کی‌دراما، به قرار زیر یاد کرده اند: «خوب داشتیم درباره زبان می‌گفتیم. گفتم خودت سعی کردی از طریق سریال یاد بگیری. تأثیرش چه قدر بود و در چه حد یاد گرفتی؟»

در حد یه حرف زدن عادی یاد گرفتم، ولی یه مدتم شروع کردم خودم نوشتن الفبا رو یاد گرفتم تا حدودی یاد گرفتم، ولی چون سخت بود، زیاد در این جهت موفق نبودم. البته بگم خیلی هم جدی دنبالش نکردم. بعضیا براش کلاس می‌رن یا بیست و چهار ساعته سریال می‌بینن که زبان کره‌ای رو یاد بگیرن. خیلیاشونم بعد یه مدت حرفه‌ای می‌شن و حتی برای بقیه کلاس برگزار می‌کنن».



«بعد شما خودت براشون فن‌پیج داری؟»

من خودم نه، ولی اکثر فن‌اشون رو دنبال می‌کنم، تو اینستا و توی یتویوب هم کانال دارن و کلیپ‌اشون رو دائماً می‌ذارن. دیگه من اون قدر دیدم و آهنگ‌اشون رو حفظ کردم که زبون‌شون رو بلدم کامل، حتی شاید بهتر از فارسی (خنده) یعنی خیلی جاها دارم فارسی حرف می‌زنم یهو برمی‌گردونم یه کلمه‌اش رو کره‌ای می‌گم، نوشتارش رو هم تا حد زیادی بلدم».

«تا حالا اقدام به یادگیری زبان کره‌ای کردی؟»

به طور رسمی نه، ولی همین جوری خیلی کلمه‌ها و جمله‌هاشون رو یاد گرفتم.

– یعنی از چه راهی یاد گرفتی؟

من سریال کره‌ای زیاد می‌بینم چون ژانر عاشقانه دوست دارم و کره سریال‌هاش در این زمینه خیلی خفنه. دیگه اون قدر سریال دیدم یاد گرفتم به چیزهایی».



«این همه فیلم و آهنگ کره‌ای دیدی زبان کره‌ای هم یاد گرفتی؟ فیلم‌های کره‌ای باعث شد تا معنی بیش‌تر کلمات رو بفهمم، ولی نمی‌تونم صحبت بکنم. فقط اداشون رو در میارم، ولی خواهرام از بس زبان کره‌ای‌شون خوب شده، می‌تونن ترجمه کنن».

پونه ۱۸ ساله، مرضیه ۱۹ ساله و عرفان ۲۱ ساله از آموزش آکادمیک زبان کره‌ای به‌قرار زیر یاد کرده‌اند:

«زبان و فرهنگ کره رو دوست داری؟ آره خیلی. من الان یک ساله دارم می‌رم کلاس زبان کره‌ای یاد می‌گیرم. بعد این که غذاهاشون رو هم خیلی خیلی دوست دارم. آرزومه برم به بار کره رو ببینم».

«علاقه‌ای که کی‌دراما یا کی‌پاپ در تو ایجاد کرد، باعث شد که بری و زبان کره‌ای رو یاد بگیری؟ آره. من چند سال بود فیلم و سریال کره‌ای می‌دیدم، بدون این که برم دنبال یادگیری زبان‌شون، چون پشتم به ترجمه و زیرنویس یا دوبله‌شون گرم بود، ولی وقتی با کی‌پاپ آشنا شدم، دیدم به جاهایی ترجمه‌ی ویدیوها دیر میاد یا اصلاً ممکنه ترجمه نشه، چون فنا باید این کار رو انجام بدن، ممکنه نکنن یا به سختی پیدا کنن به خاطر همین خواستم یاد بگیرم که خودم بفهمم چی می‌گن و این که به سری چیزها بود که اوایل گول‌شون رو می‌خورم، بعداً متوجه شدم حرفی که اون شخص زده، اصلاً این نبوده و زیر نویسه‌الکی بوده و دروغ و فیکه، همین باعث شد که بخوام خودم بفهمم و رفتم یاد گرفتم، البته این که می‌دیدم دوستانم چندتا زبان بلدن، همین من رو ترغیب می‌کرد به یادگیری کره‌ای دوستای

کی پاپرم چون تا قبل از اون هی به خودم می گفتم که خب که چی کره‌ای یاد بگیریم چی بشه کجا به دردم می خوره و... .

- یعنی یکی از دلایلی که خواستی کره‌ای یاد بگیری، این بوده از منابع فیک در این زمینه کاربری نکنی و فرق فیک و واقعی رو بفهمی درسته؟
بله درسته».

«... گاهی با دوستانم آهنگ‌ها رو با زبان کره‌ای روخوانی می‌کنیم و لحظات خوشی رو باهم می‌گذرونیم».

- چرا با زبان کره‌ای می‌خونین؟

با کره‌ای خیلی حس و حال قشنگ‌تری به ما دست می‌ده، از بس آهنگ‌های کره‌ای رو باهم می‌خونیم، انگار توی کره به دنیا آمدیم و هیچ لهجه‌ای نداریم».

۴-۷- استقبال از غذاهای کره‌ای

«- الان بین شاگردهای شما کسی هست که تحت تأثیر همین معیارها، بابت بدنش احساس خجالت یا شرم داشته باشه؟

بین شاگردای من هستن کسانی که چاق باشن، ولی تاحالا در این باره که مثلاً بابت این موضوع ناراحت باشن یا در تلاش برای لاغری باشن چیزی به من نگفتن. اتفاقاً بین طرفدارا خیلی می‌بینم که همه‌اش در حال خوردن هستن. چون غذاهای کره‌ای و اون روش خوردن شون خیلی جذابه، یه ولعی رو هم توی آدم ایجاد می‌کنه» (شیدا، ۲۰ ساله).



کشور کره، کشوری تاریخی است و در جهان امروز، کره علاوه بر برتری که در زمینه‌های فناوری از آن برخوردار است، از چند جهت دیگر مورد توجه است که یکی از آن موارد، غذاهای سنتی و متنوع آن است. لازم به ذکر است که شهروندان کره برای فصول مختلف سال، از غذاهای متفاوتی استفاده می‌کنند، به عنوان مثال، در فصل بهار، شهروندان کره‌ای در غذاهای‌شان بیش‌تر از سبزی‌های فصل

بهار سود برده، در تابستان مردم کره از غذاهای سرد و خنک و در زمستان از غذاهای تخمیری استفاده می‌کنند.

دیپای ۱۵ ساله، مریم و ترنم ۱۸ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خود اظهار داشته‌اند که علاقه آنان به گروه پسران بی‌تی‌اس، به علاقه آنان به فرهنگ کشور کره تعمیم یافته است و آنان در عین عشق-ورزی به گروه بی‌تی‌اس، با مواردی مانند: تاریخ، فرهنگ و غذاهای کره‌ای نیز آشنایی یافته‌اند و از طرفداران غذاهایی شده‌اند که در جریان مواجهه با فرهنگ کره با آنها آشنا شده‌اند:

«- دلیل برای این که دوست داری برای بازدید به کره سفر کنی، چیه؟»

اولین چیزی که در جواب به این سوال به ذهنم می‌رسد، اینست که اگر خود بی‌تی‌اس کنسرت داشته باشن، دوست دارم به اونجا برم، چون به نظرم اگر به کره بری و کنسرت نری واقعاً هیفه و حتی اگر خود بی‌تی‌اس هم کنسرت نداشته باشن دوست دارم کنسرت بقیه گروه‌های کی‌پاپ رو برم.

دلیل دیگه هم اینست که دوست دارم به عنوان یک گردشگر به کره برم و خب کره از نظر تکنولوژی هم خیلی سطح بالایی داره. بعد مثلاً مغازه‌هایی دارن که در اون‌ها خیلی چیزهای کیوت و باحال می‌فروشن یا این که مغازه‌های مربوط به لوازم آیدول‌ها رو ببینم یا حتی بی‌تی‌اس خودشون اون‌جا موزه دارن. غذاهاشون رو دوست دارم بخورم یا محله‌های قدیمی شون رو ببینم. کلاً به نظرم جاهای جالب و باحال زیاد دارن.»

«- یعنی کی‌پاپ باعث نشده که به فرهنگ کره علاقه‌مند بشی؟»

فرهنگ کره کلاً زیاد چیز جالبی نیست، ولی غذاهای کره‌ای رو بعضی‌هاش رو دوست دارم.

- یه غذای کره‌ای که دوست داری رو می‌تونی مثال بزنی؟

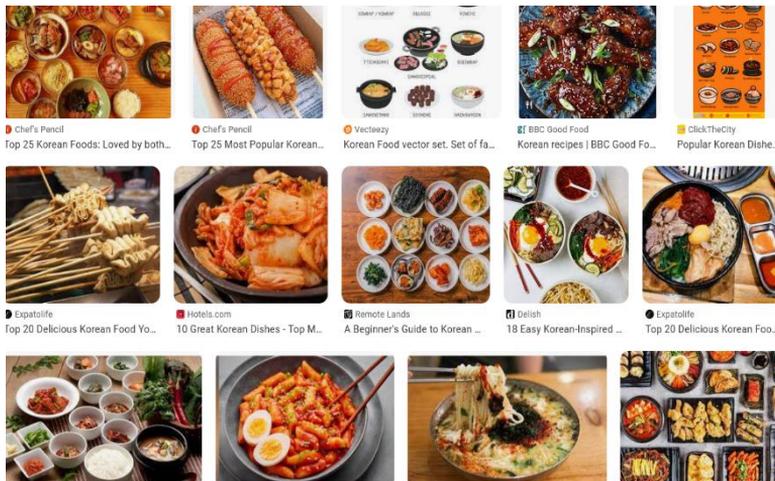
نودل. من تقریباً هر شب شام نودل می‌خورم. چاپستیک^۱ هم خریدم با اون‌ها می‌خورم قشنگ حس سریال کره‌ای‌ها رو می‌ده.»



۱- چوب‌های مخصوص برای خوردن غذا در کشورهای آسیای شرقی

«- دوست داشتی به کره سفر یا مهاجرت کنی؟»

فقط دوست دارم یک سفرى داشته باشم که بتونم برم کنسرت بی‌تی‌اس و جاهایی که تو گوشی می‌دیدم رو ببینم و باز به وطنم برگردم، مثلاً جزیره ججو رو خیلی دوست دارم برم و مثل جیمین داد بزنم؛ دنیا اگه تو نمی‌خواهی با ساز من برقصی، من مجبورت می‌کنم که این کار رو انجام بدی و در آخر من خودم رو دوست دارم، چون کسی نمی‌شه من. برای این دو کلمه می‌رم اونجا (باخنده) این رو تو یکی از ران بی‌تی‌اس‌های ۲۰۱۷ دیدم و از اون به بعد به جزیره ججو علاقه‌مند شدم. برم کافه بابای جیمین، برم با بنگ پی دی نیمه‌ا و دوست دخترش، عکس بگیرم، برم لباس محلی شون را بپوشم، برم سئول رستورانی که نزدیکه خونه نامجونه، موجی بخورم، برم بوسان، برم کیمچی و جاجانگ بخورم. انگار بیش‌تر هم برای خوردن می‌رم (باخنده)، ولی جدی این غذاهاشون خیلی خوشمزه هستن. من توانلاین شاپ‌های کی‌پاپ چند بار اونا رو سفارش دادم برام بیارن.»



۴-۹- سایر موارد فرهنگی

در بحث اثرهای فرهنگی از مواردی مانند: رشد گروه‌های کی‌پاپ در بسترسازی‌های فرهنگی اولیه کره (نظیر کی‌دراما)، ارتقای موسیقی کی‌پاپ به صنعت سرگرمی، ارایه محتوا و سرگرمی‌های مورد علاقه نوجوانان و جوانان توسط گروه بی‌تی‌اس، تشویق طرفداران به خواندن و دیدن کتاب‌ها و فیلم‌های مختلف، علاقه به آشنایی با فرهنگ کره، اشاعه زبان کره‌ای در میان هواداران، استقبال از غذاهای کره‌ای و پذیرش محتوای تهیه شده توسط هواداران، تا اینجا یاد شد، اما موارد اخیر تمامی آثار فرهنگی کاربری از گروه بی‌تی‌اس را پوشش نداده، آثار فرهنگی دیگری نیز وجود دارد که از آن جمله می‌توان از موارد: فرهنگ‌سازی در جهت کمک به مراکز خیریه، تحول‌آفرینی فرهنگی، پذیرش تولید محتوای هواداران و تلاش گروه در جهت بازتعریف مفهوم مردانگی یاد کرد.

«فرهنگ‌سازی در جهت کمک به مراکز خیریه»، اقدام بسیار مناسبی است که بعضاً اعضای گروه بی‌تی‌اس بدان اقدام ورزیده، دست به کمک کردن به مراکز خیریه، بهداشتی، درمانی و مانند آن‌ها زده‌اند. مضاف بر این، هواداران خویش را نیز دعوت به انجام عمل مشابهی کرده‌اند. شیرین ۲۲ ساله، در همین رابطه در مصاحبه‌اش می‌گوید:

«- شیرین راجع به جشن تولدهای آیدول‌ها چه اطلاعاتی داری؟»

جشن‌های تولد آیدول‌ها بسیار رؤیایی و افسانه‌ای برگزار می‌شود، جشن‌هاشون رو حتی شاهزاده‌ها هم در خواب نمی‌بینند. جشن‌ها فقط در کره برگزار نمی‌شود، بلکه در بیش‌تر کشورهای جهان برگزار می‌شود، جشن تولد هر آیدولی با یک رنگ برگزار می‌شود، مثلاً برای تولد تهیونگ تمام دنیا به رنگ بنفش در آمد برای تولد جین تمام دنیا به رنگ صورتی در آمد و برای مجلل و با شکوه بودن جشن تولدها کمپانی میلیاردی خرج می‌کند و به خاطر تولد هر کدام از آیدول‌ها کمپانی مقداری از در آمدش رو صرف کارهای خیریه می‌کند.





- این جشن تولدها چه تأثیری روی هواداران می‌گذارد؟
هواداران هم به تبعیت از کمپانی هر کدام در هر کجای جهان باشند پر از هیجان و انرژی می‌شن
برای برگزاری این جشن‌ها لحظه شماری می‌کنند و در دنیای مجازی و رسانه‌ها پیگیر لحظه به لحظه
این جشن‌ها در سراسر جهان هستند و به تقلید از آیدول‌ها و گروه بی‌تی‌اس در کارهای خیر و کمک به
بیماران سرطانی پیش قدم می‌شن و در فن‌پیچ‌هاشون هواداران رو به چالش دعوت می‌کنند.



- از هواداران در این چالش‌ها چی می‌خوان؟
مثلاً می‌گن بیاید این بار این جشن تولد متفاوت‌تر از جشن تولدهای دیگر برگزار بشه، علاوه بر
حمایت معنوی خودمان از آیدول‌مان با حمایت مالی و کمک به نیازمندان سفیران خیر و سلامتی باشیم،
مثلاً این بار بیایم انجمن حمایت از اوتیسم رو کمک کنیم و بدین صورت هواداران نیز کمک‌های مالی
خود رو با کمک مدیران فن‌پیچ‌ها به دست نیازمندان می‌رسانند.

- این جشن‌ها چه تأثیر فرهنگی روی هواداران دارد؟
فرهنگ زیبای کمک به نیازمندان و بیماران خاص رو فرهنگ سازی می‌کنه. هم از برگزاری جشن‌ها
هواداران لذت می‌برند وهم یه کار انسانی و بشر دوستانه انجام می‌دن».



«تحول آفرینی‌های فرهنگی» مقوله دیگری است که اعضای گروه بی‌تی‌اس در آن ذی نقش بوده‌اند و به سهم خویش کوشیده‌اند برخی از تابوهای فرهنگی کره را تغییر دهند؛ ریحانه ۲۱ ساله، در مصاحبه‌اش در همین زمینه اظهار می‌داشت:

«- تابوهایی که از شون حرف می‌زنی چی هستن، توضیح شون می‌دی؟»

تابوهای مختلفی در کره وجود دارن. مثلاً تحصیل نکردن در دانشگاه، ترک تحصیل، چیزای ساده‌ای مثل تتو و مصرف سیگار یا مواد مخدرهای ساده‌ای از این دست... یا حتی داشتن حیوون خونگی‌های بزرگ و نامتعارف یا گستاخانه رفتار کردن با افراد بزرگ‌تر و ارشدهای تحصیلی و شغلی. - آیدولی رو می‌شناسی که این کارهای اشتباه از نظر مردم کره رو انجام داده باشه، چه اتفاقی واسش افتاد؟

مثلاً جونگ‌کوک از بی‌تی‌اس، تتو که از نظر جامعه‌ی کره یک تابو هست رو انجام داد و با توجه به این که ایمپکت (تأثیر) گروه بی‌تی‌اس بسیار زیاد هم هست، این عمل بسیار مورد توجه فن‌ها و حتی مردم عادی قرار گرفت.

اکثریت فن‌ها از این که جونگ‌کوک آزادانه به کاری که تمایل داشت پرداخته بود، خوشحال بودن و ابراز امیدواری به حذف این تابوهای بی‌مورد می‌کردن. پس اکثر فن‌ها از این قدم مثبت رضایت داشتن. اما گروهی از مردم خود کره‌ی جنوبی، شروع کردن به جمع‌آوری امضا، برای منع کردن جونگ‌کوک از زدن تتوهای بیش‌تر که البته توجهی به این اقدام اونا نشد و جونگ‌کوک باز هم آزادانه کاری که بهش

۱ - در ارتباط با تغییر برخی از تابوهای فرهنگی باید بیان داشت، الزاماً هنجارشکنی‌های گروه بی‌تی‌اس مثبت نبوده، می‌توانند منفی نیز ارزیابی شوند، زیرا فضای لاییک کمپانی و گروه بی‌تی‌اس سبب می‌شود، این گروه نظام ارزشی مدونی همچون نظام‌های دینی و غیر لاییک نداشته باشد، بنابراین اقدام آیدول‌ها در فضایی که از ارزش‌های ثابت و مدونی برخوردار نیست و آیدول‌ها سعی می‌کنند، با هنجارشکن واقع شدن، الگوهای رفتاری جدیدی فراروی نوجوانان و جوانان به معرض دید بگذارند، الزاماً ممکن است اقدام‌های مثبتی (نظیر مصرف مواد مخدر، نگاه‌داری حیوان و حیوان‌های بزرگ در خانه، گستاخانه رفتار کردن با نسل بزرگ‌سال) ارزیابی نشوند.

علاقه داشت رو انجام داد و نشون داد که این حساسیت‌ها همه بی‌مورد هستن و این موضوع اصلاً جایی برای دخالت افراد دیگه نداره و این عمل، بیش‌تر از سرزنش، مورد استقبال قرار گرفت».

«پذیرش تولید محتوای هواداران» به معنای باز بودن عرصه تولیدهای فرهنگی هواداران در ارتباط با گروه بی‌تی‌اس است. این تولیدها از ادیت تصویر و عکس شروع شده، به ادیت کلیپ‌های بی‌تی‌اس و یا تهیه کلیپ‌هایی در مورد گروه بی‌تی‌اس می‌انجامد. مضاف بر تهیه و تولید تصاویر و کلیپ‌ها، تهیه سایت یا صفحات طرفداری و یا ایجاد کانال‌های هواداری، از دیگر اقدام‌های هواداران در جهت نشر افکار و آرای گروه بی‌تی‌اس است. اما به نظر می‌رسد، تهیه تک‌صحنه‌ها و داستان‌سرایی‌هایی که با محوریت اعضای گروه تهیه شده و در فضای مجازی بارگذاری می‌شوند، بیش‌ترین حجم تولیدهای فرهنگی هواداران گروه بی‌تی‌اس باشد و همان‌گونه که قبلاً از آن یاد شد، در اکثر موارد محتوای تک‌صحنه‌ها و داستان‌سرایی‌های تهیه شده، محتوایی نامناسب است. غزل ۱۶ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، در همین رابطه می‌گوید:

«- غزل فیکشن می‌خونی؟»

آره می‌خونم

- چه جور فیکشن‌هایی؟

عاشقانه می‌خونم. از اینا که راجع به همه چی دیگه. تو زندگی. از زندگی شون می‌گن. آره دیگه از اینا می‌خونم.

- خودت هم می‌نویسی؟

آره می‌نویسم.

- می‌شه یکی از فیکشن‌هات رو خلاصه برام تعریف کنی؟

یکی شون که خودم خیلی دوستش دارم این بود که.. خیلی هم خیالی نبود. یعنی همه‌اش خیالی باشه. در مورد یه دختری بود. که به عنوان کارآموز می‌ره کمپانی... کمپانی‌ای که شوگا توشه. بعد دیگه با شوگا آشنا می‌شه. با هم تمرین می‌کنن. کار می‌کنن. دختره دبیو می‌کنه. بعد عاشق هم می‌شن (می‌خندد) و دیگه داستان ایناست و دیگه داستان آشنایی شون. داستان رسیدن شون به هم و چیزهایی که بین شون پیش میاد.

- خودت رو می‌ذاری جای اون دختره یا فقط یه داستان می‌نویسی از دو نفر؟

بعضی وقتا آره... اصلاً اولش خودم رو تصور می‌کنم تو این فضا که داستان میاد تو ذهنم. بعد اون رو می‌نویسم».

«باز تعریف مردانگی» به تحولی که گروه بی‌تی‌اس در هویت مردانه پدید آورده است، اشاره دارد. گروه بی‌تی‌اس به تبعیت از کمپانی بیگ‌هیت، در جریان اجرای دستورهای مسوولان کمپانی، جنسیت-زدایی از آرایش، پوشش و عشق را در رفتارهای خویش به معرض دید نهاده اند و با اقدام‌های اخیر خود در عمل با سوق دادن مردان به سمت استفاده از پوشش‌ها و آرایش‌های زنانه، از سویی هم در هویت مردانه که قرن‌ها دست نخورده باقی مانده بود، تغییر ایجاد کرده است و هم با فارغ از جنسیت اعلان کردن مقوله عشق مرزهای موجود بین دو جنس را کم رنگ کرده است.



به نظر می‌رسد با تغییراتی که گروه بی‌تی‌اس در هویت مردانه ایجاد کرده و می‌کند، در عمل خروجی آن در سطح هواداران به لحاظ جنسی چیزی جز شکل‌گیری یک هویت جنسی مخنث نباشد.





ثنای ۱۶ ساله، راضیه ۱۵ ساله و محسن ۲۲ ساله، در مصاحبه‌های خویش در ارتباط با جنسیت‌زدایی از پوشش، آرایش و عشق اظهار داشته اند:

«بی‌تی‌اس به جز این مورد روی لباس پوشیدن یا آرایش کردند تأثیری گذاشته؟»

آرایش که نه، ولی لباس‌های بی‌تی‌اس خیلی جذاب و کیوتن. به کت و شلوار علاقه‌مند شدم. می‌دونم اگه بگم، باز مامانم ناراحت می‌شه، واسه همین ترجیح می‌دم نگم. اوه اوه مامانم هیچی حالا، اگه زن عموم بفهمه آبروریزی می‌شه و مملکتی باخبر می‌شن».

«در مورد آرایش بی‌تی‌اس، من شنیدم به خاطر آرایشی که دارن، خیلی‌ها بهشون توهین می‌کنن. میکاپ کردن بین مردها تو کشور کره یه چیز کاملاً عادیه و براشون عجیب نیست، ولی خب بازم بعضیا هستن که بگن میکاپ فقط برای خانم‌ها هست، نه مردها و این که دست آیدول‌ها نیست که بخوان میکاپ نکنن. تا جایی که شنیدم از قوانین کمپانیه. سلبریتی‌های ایرانی هم میکاپ می‌کنن و بعضیا فقط چون از بی‌تی‌اس خوششون نمیداد، یه چیزی می‌گن همین طوری، بدون این که ذره‌ای تحقیق کنن. از نظر منطق هیترها، اگه بی‌تی‌اس موهاش رو رنگ کنه یا میکاپ کنه یعنی زن هستن، ولی اگه سلبریتی‌های خودمون میکاپ کنن و موهاشون رو رنگ کنن اشکالی نداره. شنیدم که می‌گن میکاپ و مو رنگ کردن یه معیار برای کره جنوبیه از واقعیت داشتنش اطلاعی ندارم. واقعاً دلیلی نداره هیت بدن».

- یعنی کلاً آرایش کردن پسرها برات عادیه.

آره، واقعاً برام مهم نیست و به خودشون مربوطه».



«من همجنس باز نیستم، اما بعضی وقتا که عکساشون رو می‌بینم تحریک می‌شم. یعنی این قدر آرایش می‌کنن و جذاب هستن که تحریک می‌شم.

- یعنی آرایش غلیظی دارند؟

غلیظ نه، به نظرم گریمورشون دقیقاً داره آرایش‌شون می‌کنه برای جذب پسرا. یه طوری آرایش می‌کنن که دقیقاً تو چشم من زیبا و جذاب به نظر برسن.

- این نقطه ضعف هست برای آن‌ها؟

دارن تحمیل می‌کنن همجنس بازی رو به منی که هوادارم... .

- از کجا متوجه می‌شوی برای پسرها جذابیت جنسی دارند؟

با دوستانم صحبت کردم دیگه، اونام می‌گن که خوشگل ان.»

۵- اثرهای آموزشی

هواداری از گروه بی‌تی‌اس، واجد آثار مختلفی نظیر اثرهای روانی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی - عقیدتی، آموزشی، اقتصادی - سیاسی، زیباشناختی، هنری، سلامت و بهداشت و خانوادگی است که در این قسمت، بررسی اثرهای آموزشی هواداری از گروه بی‌تی‌اس مدنظر قرار گرفته و مورد بحث قرار خواهد گرفت. عناوینی که در ذیل بررسی اثرهای فرهنگی هواداری از پسران بی‌تی‌اس در این قسمت مورد بررسی قرار خواهند گرفت، به ترتیب عبارتند از: آموزش فعال، ارتقای مهارت‌های فنی هواداران، کم توجهی به درس و افت تحصیلی و اطلاع‌رسانی‌های مختلف. در ادامه به بررسی عناوین پیش گفته، پرداخته خواهد شد.

۵-۱- آموزش فعال

ژان پیازه روان‌شناس مشهور سوئیسی که از بزرگان روان‌شناسی شناختی محسوب می‌شود، بعد از تدوین نظریه شناختی خود، عصاره نتایج کاربردی حاصل از نظریه خودش را با عنوان «آموزش فعال» مطرح می‌سازد. از منظر پیازه، آموزش‌های مرسوم مدارس، یادگیری واقعی را برای دانش‌آموزان به ارمغان نمی‌آورند. حتی پیازه تأکید می‌کند، اگر به فرض، معلم به جای آموزش مبتنی بر سخنرانی خویش، روبروی دانش‌آموزانش اسید و باز را با هم ترکیب هم کند، باز نتایج این آموزش چندان مفید فایده نیست و برای یادگیری عمیق فراگیران لازم است که کودکان در محیط عمل آزاد باشند و شخصاً دست به تجربیات مختلف بزنند و در روند آزمون و خطاهایی که در محیط عمل دارند، به یادگیری واقعی دست یافته و آن را درون‌سازی کنند.

بررسی یافته‌های حاصل از مصاحبه با هواداران گروه بی‌تی‌اس دلالت بر آن دارد که برخی از سوژه‌های مطرح در سطح گروه بی‌تی‌اس، در عمل مشوق یادگیری‌های فعال هواداران می‌شوند و هواداران را در جهت تحقق برخی از یادگیری‌های فعال، ترغیب و تشویق می‌کنند. مرضیه ۱۹ ساله و سایه ۲۱ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خویش از شرایطی که محرک افراد در یادگیری‌های فعال آن‌ها است، به قرار زیر یاد کرده اند:

«- گفتم دنبال کردن فعالیت‌های پسرا در موسیقی و ویدیوهایشون باعث افزایش خلاقیت می‌شه؟

بله، خیلی زیاد.

– چه طور؟

چون خودشون سرشار از خلاقیت اند، جونگ کوکی که تو این د سوپ یه دفعه و بداهه شروع می‌کنه به رنگ پاشیدن روی بوم و همون منظره‌ای که روبه روشه رو با نهایت زیبایی می‌کشه، یا وقتی اعضاء کنار هم بودن و تو یه عصری که حال و هواش رو به خوبی حسش می‌کنم، شروع می‌کنن به بداهه سرودن و خوندن و یونگی که از شدت هیجانش تصمیم می‌گیره این صحنه رو ضبط کنه تا یادگاری بمونه و به نظرش خیلی خفن میاد و شروع می‌کنه به ساخت همون آهنگ بداهه و این طوری آهنگ تیتراژ این د سوپ رو خلق کردن. آهنگی که سراسر احساسه و صفر تا صدش پای خودشونه و امضای خودشون پای کار خورده یا تهیونگی که با وجود این که شاید سبک نقاشیش با کوکی فرق داره، اما شروع می‌کنه به نقاشی کشیدن تو سبکی که خودش دوست داره، ساده و مینیمال و بامزه و این هنریش می‌کنه و نامجون هم همین طور و تهیونگ کلاً این طوره که خیلی چیزا رو طبق اون رسمی که هست، انجام نمی‌ده و به شیوهی خودش برمی‌گردونه، مثلاً یه بازی‌ای بود یه شیوهی خاصی انجام می‌شد، از شوگا شروع کردن همه طبق همون شیوه بازی می‌کردن تا رسید به تهیونگ و اون اصلاً همه چی رو عوض کرد و با یه شیوه جدید انجامش داد، این مسأله این رو به من یاد داد که همیشه نباید طبق اون چیزی که هست پیش بری، نترس و خلاف رودخانه راه خودت رو برو و به شیوهی خودت عمل کن».

«–خوبی فیک چیه؟»

خوبی فیک اینه که شما اولاً شخصیت‌ها رو می‌شناسی از قبل. شما یه کتاب رو که می‌خونی اول ۷۰ صفحه باید بخونی تا ببینی از این شخصیت خوشت میاد یا نمیداد. بعد داستان رو درک کنی، بعد بفهمی که نوشتار چه طوره ولی فیک این جور نیست. شما از قبل شخصیت رو می‌شناسی و تقریباً با پایه داستان هم آشنایی. اگر خیلی عجیب و ناآشنا هم باشه، توضیحش نهایتاً ۵ صفحه وقت می‌بره. بعد شما پاراگراف اول رو که بخونی دستت میاد که این نویسنده نوشته‌اش به درد من می‌خوره یا نه.

– پس در واقع شما می‌خواید بگید فن فیک یه چیز خیلی گسترده‌تر از بی‌تی‌اس و کی‌پاپه.

آره، خیلی گسترده‌تره. مثلاً تو هری پاتر یه شخصیت بود که موی سفید داشت و عجیب می‌زد بین شون خب؟ مثلاً من اون رو خیلی دوست دارم و این قدر من فیک‌های دنیای اون رو خوندم که دیگه چیزی نیست که نخونده باشم. چون کتابی در موردش نیست. بعد یه نکته دیگه هم هست و اون این که خیلی وقت‌ها جذب نویسنده از طریق همین فن فیک نویسی‌ها اتفاق می‌افته. همین واتپد مثلاً کلی نویسنده ازش دراومده. کسانی که اولش اومدند فن فیک نوشتند، فقط ولی کارشون خوب بوده و اومدند بالا. خیلی وقتا انتشاراتی‌ها از همین جا نویسنده پیدا می‌کنند و یه وقتایی هم هست که داستان خیلی پتانسیل داره و می‌ره برای یه ویراستار و ویراستاری می‌شه و خودش به عنوان یه داستان جدا

منتشر می‌شود. چون وقتی به چیزی فیکش خونده می‌شه، یعنی اون چیز مخاطب داره و کپی رایت اون شخصیت رو می‌خرند یا اصلاً عوضش می‌کنند و منتشرش می‌کنند.

- آیا شما خودتون هم فن فیک نوشتید؟

من نه. دوست داشتم یکی بنویسم، ولی هنوز وقت نکردم. آهان در ضمن به خوبی دیگه فیک اینه که شما می‌تونید تمرین کنید. شما وقتی می‌خواید شروع به نوشتن کنید، نوشته‌های اولت رو نمی‌تونید مستقیم بری تحویل انتشارات بدی. هی می‌تونید توی فضای فن فیک با شخصیت‌های از قبل ساخته شده که باهاشون آشناتری یا راحت‌تری کار کنید و این بار شخصیت پردازی رو از دوش تو برمی‌داره و فقط اون چیزهای ویژه‌ای که می‌خواید رو برایش می‌سازی. به خاطر همین شما خیلی دستت سبک‌تره برای نوشتن. به خاطر همین برای تمرین خیلی خوبه».

البته لازم به ذکر است، نسل جدید در برخورد و غور و تفحص در فضای مجازی که به عرضه انبوهی از منابع اطلاعاتی اقدام کرده است، خود به خود به این نتیجه رسیده است که می‌تواند برای تمامی سوال‌های مجاز و غیرمجاز خویش، با جست‌وجو در فضای مجازی (که نوجوانان و جوانان از آن با عنوان «گوگل کردن» یاد می‌کنند)، به اطلاعات لازم و مورد نیاز خود دست یابد. از این رو تحریک اعضای گروه بی‌تی‌اس از سویی و ویژگی جدید گوگل کردن که در نسل جدید مشاهده می‌شود، در عمل فضای مناسبی برای نوجوانان و جوانان پدید آورده است که بر مبنای اطلاعات به دست آمده و به محک آزمون و خطا زدن آن‌ها، در عمل آموزش فعال که ایده‌آل نظریه‌پرداز بزرگی همچون پیاز بود را رقم زده و محقق کنند.

با تأمل در مصاحبه‌های ۱۲ ساله، گستره وسیع و ارزش آموزش یا یادگیری فعال بیش از پیش نموده می‌شود.

النا در قسمتی از مصاحبه خود بیان داشته است که در مواجهه با گروه بی‌تی‌اس، با «گوگل کردن»، به شناخت اعضای گروه بی‌تی‌اس نایل آمده و طرفدار آنان شده است. در ادامه، النا خاطرنشان کرده است که وی برای فهم معانی آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس، باز به جست‌وجو در فضای مجازی پرداخته است و معانی آهنگ‌های گروه را نیز از این طریق به دست آورده است.

النا در قسمت دیگری از مصاحبه‌اش یادآور شده که چون وی طرفدار گروه پسران بی‌تی‌اس بوده است، برای حمایت از آن‌ها یک صفحه طرفداری زده است که ۱۵۰ تعقیب‌کننده هم دارد و برای تغذیه دنبال‌کننده‌های صفحه‌اش، به دنبال یادگیری ادیت زدن عکس و ویدیو کلیپ برآمده که در این زمینه نیز موفق عمل کرده است و در ادامه برای حمایت هر چه بیشتر، ضمن اداره صفحه هواداری خویش، با آشنا شدن با برنامه‌های مختلف مرتبط با موسیقی، با یادگیری استریم زدن، می‌کوشد تا با شنیدن آهنگ‌های بی‌تی‌اس، میزان شنیده شدن آهنگ‌های گروه مورد علاقه‌اش را افزایش دهد تا در

رتبه‌بندی جهانی سایت‌هایی نظیر اسپاتیفای و یوتوب، آهنگ‌های بی‌تی‌اس از رتبه‌های بالاتری برخوردار شوند.

استریم زدن برای ثبت آرای مردم در جشنواره‌های موسیقی مختلف، وجه دیگری از کارهای النای ۱۲ ساله به شمار می‌رود:

«- خوب تا اون جایی که من متوجه شدم، تو بیش‌تر طرفدار بی‌تی‌اس هستی، می‌شه بهم بگی که چه طوری بهشون علاقه‌مند شدی؟»

خب این طوری شد که من اول یک موزیک‌ویدیو ازشون توی تلویزیون دیدم، و اون موقع اصلاً نمی‌شناختمشون، فقط چندتا فیلم کره‌ای (کی‌دراما) دیده بودم و اصلاً آشنایی با آهنگ‌هاشون نداشتم و همین باعث شد که برم در موردشون سرچ کنم و تحقیق کنم، اول اسم اعضا‌شون رو یاد گرفتم که هفت نفر ان که اسماشون این هست، تهیونگ، نامجون، جونگ‌کوک، جی‌هوپ، جین، جیمین و شوگا، بعد دیگه کم‌کم آهنگ‌هاشون رو گوش کردم جذبشون شدم و دیگه کم‌کم به یک آرمی تبدیل شدم.



تهیونگ



نامجون



جونگ کوک



جی هوپ



جین



جیمین



شوگا

- از چه طریقی به آهنگ‌هاشون گوش می‌دادی؟
- از یوتیوب، اسپاتیفای، شبکه‌های ماهواره‌ای و اینستاگرام.
- توی موزیک بیشتر چه چیزی تو رو جذب می‌کنه، صدای خواننده، معنی شعر و متن یا آهنگ‌سازی؟
- امم شعرش مهم هست، اما برای ما آرمی‌های اینترنشنال، چون زبان شون رو بلد نیستیم، بیشتر آهنگ‌سازی‌اش و اون ریتمش برامون مهمه و بعد می‌ریم معنی شعرش رو هم سرچ می‌کنیم تا متوجه بشیم که چی می‌گن...
- گفتمی که فن پیج داری دنبال کننده‌هاش چند نفر هستند؟
- ۱۵۰ نفر هستن.
- خوب برای این فن پیج روزی چند ساعت وقت می‌گذاری؟
- نمی‌دونم فکر کنم روزی ۵ ساعت یا بیشتر.
- خوب توی فن پیجت چه فعالیت‌هایی برای حمایت از اون‌ها انجام می‌دی؟

عکس‌هاشون رو ادیت می‌زنم، ویدیو کلیپ می‌سازم، یا خبرهایی که در مورد بی‌تی‌اس هست رو پست یا استوری می‌کنم مثلاً همین آخرین خبر که دارن می‌رن سربازی و اینا.

- چه طوری ادیت زدن و ویدیو کلیپ ساختن رو یادگرفتی؟

یه سری برنامه‌های ادیت و ویدیو کلیپ ساختن دانلود کردم، بعد اون قدر باهاشون ور رفتم که یاد گرفتم.

- بعد از کسی کمک گرفتی یا نه؟

بعضی اوقات از خواهرم که بزرگ‌تره کمک می‌گیرم.

- تو از کی فعالیت فن‌بیجت رو شروع کردی؟

من ۲ سال هست که آرمی هستم، یه سال پیش که آرمی بودم یه ساله می‌شد، تصمیم گرفتم این پیج رو بزنم به خودم گفتم الناز تو که کار دیگه‌ای از دست برنمیاد که براشون انجام بدی، حداقل یه فن‌پیج بزن که یه حمایتی هم ازشون کرده باشی و الآن یه سالی می‌شه که این فن‌پیج رو دارم.

- خوب پس اگر بخوای از آلبوم‌شون حمایت کنی، از طریق همون استریم زدن که گفتی این کار

رو می‌کنی؟

آره دقیقاً.

- خوب استریم رو توی کدوم آپ‌ها انجام می‌دی؟

۱ - استریم زدن کار پیچیده و دشواری است. سایه ۲۱ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، با اشاره به این مسأله می‌گوید:

«باید حواس‌تون باشه ربات تشخیص داده نشید، چون یوتیوب فیلتر می‌کنه شما رو به صورت اتوماتیک. چون این جوریه که آقا یعنی چی تو توی این ۲۴ ساعت نخواییدی داری این جوری بازدید می‌زنی؟ من تو رو آدم حساب نمی‌کنم.

- چند دقیقه فاصله باید باشه، یعنی مثلاً می‌دیدید بعد وقت می‌گرفتید، بعد دوباره می‌زدید؟

نه تایم نمی‌گرفتم، می‌رفتم ویدیوهای دیگه رو می‌دیدم.

- که بازدید اونا هم بالا بره؟

آره، همین جوری تو یوتیوب می‌چرخیدیم ویدیوهای دیگه رو می‌دیدیم، بعد مثلاً در حالت عادی به این چیزا گیر نمی‌ده، ولی وقتی

یه چیزی خیلی توی ترافیکش بالا می‌ره و بهو می‌ره تو ترندینگ (روند) بیش‌تر حساس می‌شه روش. بعد مثلاً برای اسپاتیفای

هم این جوریه. در حالت عادی این جوریه که خیلی خب باشه تو می‌تونی بذاری رو لوپ (حلقه) آهنگش رو همین جوری گوش

بدی و خیلی از این کارها رو انجام بدی، ولی خب اسپاتیفای این جوریه که خیلی خب من الآن نمی‌تونم بپذیرم که این آهنگی که

هم زمان همه جای جهان داره روی این الگوریتم پیش می‌ره، به صورت طبیعی داره پیش می‌ره، واسه همین ماها همیشه از

پلی‌لیست (فهرست پخش) استفاده می‌کنیم یا مثلاً پلی‌لیستایی که با یه سری قوانین چیده شدن، چه می‌دونم مثلاً اولین آهنگ

رو نمی‌ذاریم، اون آهنگی که می‌خوایم ترندش کنیم، مثلاً بین آهنگا یه تعداد فاصله می‌اندازیم.

- سوالی که داشتیم اینه که چرا نمی‌رید خود آهنگ رو گوش بدید؟ پلی‌لیست تشکیل دادن دلیلش چیه؟

که ربات تشخیص داده نشیم.

- بعد گفتید به خودتون اومدید و دیدید کام‌بک فلان اومده. بعدش چه کار کردید؟

من ۲۴ ساعت نخواییدم داشتیم بازدید یوتیوب می‌زدیم.

توی اسپاتیفای و یوتیوب».

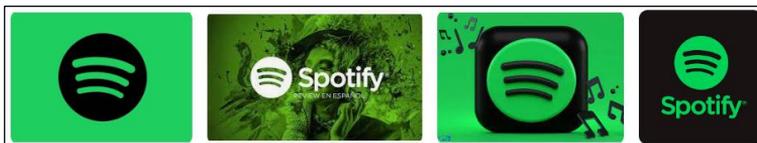
مقوله گوگل کردن، تحول قابل توجهی را در نسل جدید به معرض دید می‌گذارد که واجد کارآیی‌های گسترده‌ای برای آنان است.

سارینای ۱۳ ساله، در مصاحبه خویش بیان داشته است که وی نیز نظیر النا، ترجمه آهنگ‌های بی‌تی‌اس را با گوگل ترنسلیت (مترجم گوگل)، ترجمه کرده و می‌فهمد. نرگس ۲۱ ساله نیز در مصاحبه‌اش با گزارش اقدام‌های ۱۲ سالگی خویش، از ترجمه آهنگ‌های بی‌تی‌اس با گوگل ترنسلیت، یاد کرده است:

«- آیا شده که خودت رو موظف بدونی که اون آهنگ‌های بی‌تی‌اس رو که خیلی مورد علاقه‌ات نیستن به اندازه بقیه آهنگ‌ها استریم کنی یا براشون ویو بزنی؟

- یعنی یه ویدیو رو می‌دیدى دوباره و دوباره که بازدیدش بره بالا؟

دوباره دوباره که نه. آهان راستی یکی از پوینتایی^۱ (امتیاز) هم که شما وقتی وارد فندومای بی‌تی‌اس بشی متوجه می‌شی، همینه، خیلی یاد می‌گیری یوتیوب یا اسپاتیفای و امثال اینا، چه جورى کار می‌کنند. یعنی خیلی قوانین چیزهایی که ممکنه هرگز به کارت نیاد رو یاد می‌گیری، مثلاً چیزایی که ماها خیلی خوب یاد می‌گرفتیم، این مدل چیزا بود که چه طوری و چندبار و با چه فاصله‌ای بازدید بزیم که تعداد بازدیدها بره بالا. مثلاً من یه وقتایی ری اکشنا رو که می‌بینم، مثلاً طرف خواننده هست، قوانینی که ماها داریم بیان می‌کنیم رو نمی‌دونه، مثلاً می‌گه چه قدر جالب. چنین قوانینی هم هست؟



- مثلاً چه قوانینی؟

به عنوان مثال، یکی از قوانین یوتیوب اینه که اگر ده دقیقه بین ویدیوها فاصله نباشه، شما رو بات^۱ (ربات) تشخیص می‌ده، مثلاً وقتی بخوای چند بار پشت هم ویدیوها رو ببینی، مثلاً واسه همین همیشه یه حد استفاده مشخص می‌کردن و می‌گفتن قوانینش اینه و حواس تون باشه ربات تشخیص داده نشید، چون یوتیوب فیلتر می‌کنه شما رو به صورت اتوماتیک اگر این قوانین رعایت نشه. چون این جوریه که آقا یعنی چی تو تو این ۲۴ ساعت نخواییدی داری این جورى بازدید می‌زنی؟ من تو رو آدم حساب نمی‌کنم.

- ۱۰ دقیقه فاصله باید باشه یعنی مثلاً می‌دیدید بعد وقت می‌گرفتید، بعد دوباره می‌زدید؟

نه تایم نمی‌گرفتیم، می‌گرفتیم ویدیوهای دیگه رو می‌دیدیم».

بله، من همه‌شون رو حمایت می‌کنم، ولی کم‌تر بهشون گوش می‌دم و انتخاب اولم نیستن، ولی این جور نیست که کلاً ولش کنم. اندازه بقیه ویو می‌زنم و استریم می‌کنم، ولی زیاد مثل بقیه گوش‌شون نمی‌کنم.

- عزیزم شما به چه شکلی معنی و مفهوم پشت آهنگ‌های بی‌تی‌اس رو می‌فهمی؟
من زیاد کره‌ای بلد نیستم و بیش‌تر بخش انگلیسی آهنگ‌هاشون می‌فهمم و متن کره‌ای‌شون رو زیاد نمی‌فهمم و کم و بیش می‌فهمم چی می‌گن. بیش‌تر تو گوگل ترنسلیت (مترجم گوگل) می‌بینم.»
«- نرگس عزیزم، می‌شه اول بگی از چه سالی طرفدار بی‌تی‌اس شدی و چی شد که سمت‌شون رفتی؟»

عام من از سال ۲۰۱۳ بود که طرفدارشون شدم. قبل از اون خیلی کی‌دراما و فیلم و سریالای کره‌ای رو با مامانم نگاه می‌کردم. بعد اون موقع خیلی طرفدار کی‌پاپ نبودم. بیش‌تر فیلم و سریال‌هاشون رو نگاه می‌کردم. بعد سال ۲۰۱۳ بی‌تی‌اس تازه دیو کرده بود. من یک بار داشتم توی گوگل از یکی از بازیگرای کی‌دراما یک خبری می‌خوندم که یک یهو چشمم افتاد به یک خبر از بی‌تی‌اس. دقیقاً خبر پایین این خبر مربوط به کی‌دراما یه عکس از بی‌تی‌اس بود و من عکس‌شون رو دیدم. روی عکس کلیک کردم و اون رو باز کردم. بعد دیدم چندتا پسر خیلی جذاب ان. اون موقع خب اعضاء لباسا و سبک‌شون مثل الان نبود. استایلی دارک و تینیجری می‌زدن. منم خیلی این استایل و سبک رو دوست داشتم. خودمم دقیقاً تو اون دوران همین طوری لباس می‌پوشیدم. شلوار اسلش و سرتاپا مشکی. لباسای گشاد. برای همین خیلی توجهم رو جلب کردن به خودشون. کلیک کردم روی خبر و خوندم که گروه پسرانه‌ی بنگتن بویز، آلبوم دادن و البته این سایته کره‌ای بود که من همیشه توش می‌رفتم، ولی با گوگل به انگلیسی ترنسلیت (ترجمه) می‌کردمش.
عام بعدش که خبر رو خوندم، رفتم سرچ کردم بی‌تی‌اس و بیوگرافی‌شون رو خوندم و خوشم اومد ازشون.

- اون موقع که طرف بی‌تی‌اس رفتی، چند سالت بود؟
دوهزار و سیزده می‌شدم دوازده سال فکر کنم. اول راهنمایی بودم اون موقع.»
نگین ۱۳ ساله، در مصاحبه خود گزارش می‌دهد که اطلاعات مورد نیاز خویش را از طریق گوگل کردن به دست می‌آورد. گلنوش ۱۴ ساله نیز در مصاحبه‌ای که دارد، خاطرنشان ساخته است، از آنجا که وی در مدرسه به درس معلم گوش نمی‌دهد، با گوگل کردن، مباحث مورد نیاز درسی خود را خوانده و متوجه می‌شود. دیبای ۱۵ ساله هم در مصاحبه‌اش اظهار داشته است که وی اطلاعات عمومی مورد نیازش (نظیر گرایش جنسی ذاتی انسان‌ها) را از طریق گوگل کردن به دست آورده است:
«- نقش کمپانی این وسط چی هست؟»

تبلیغات را واسه این‌ها میاره، مثلاً بی‌تی‌اس تبلیغ سامسونگ را کرده و یک تایمی شایعه شد که قرار بی‌تی‌اس دیس بند بشه و سامسونگ خیلی افت کرد به ثانیه نکشید (!) که یک ضرر خیلی گنده کرد. - این اطلاعات را از کجا به دست می‌آورید؟ از گوگل».

«- گوشی بردن سر کلاس باعث نمی‌شه درس رو نفهمی؟ درس رو بفهمیم که چی بشه؟ اصلاً درس‌های ما فهمیدن نمی‌خواد، معلم واسه خودش میاد می‌شین، حرف می‌زنه، آدم خوابش می‌گیره خب. گوشی نباشه حوصله‌ام سر می‌ره تو کلاس و زنگ تفریح، خصوصاً زنگ آخر که خیلی کسل کننده هست. بعد اون قدر فشار مدارس ایران بالا هست که حتماً این کار به نظرم لازمه.

- وقتی درس رو از قبل گوش نکردی، موقع امتحانات اذیت نمی‌شی؟ نه، گفتم که من تیپ شخصیتیم جوریه که باهوشم، قبل از امتحان می‌خونم و هر جا رو هم بلد نباشم، توی گوگل سرچ می‌کنم و تا جایی که لازمه رو یاد می‌گیرم. نمره‌هامم بد نیست. اما اگه نمره‌هام به کم پایین تر بشه، بهتره از اینه که حالم بد باشه.

- می‌تونی حساب کنی از هر ساعتی که توی کلاس هستی چه قدرش رو بی‌تی‌اس گوش می‌دی؟ این بستگی داره به معلم که حواسش باشه یا نه؛ اگه حواسش نباشه و خیالم راحت باشه، کل کلاس هندفیری توی گوشمه. سیمش رو از زیر لباس رد می‌کنم، گوشامم که زیر مقنعه هست، سرمم می‌ذارم رو نیمکت، هیچی دیده نمی‌شه. یه بار معلم از من سوال پرسید، منم فقط آهنگ رو کم کردم و خیلی عادی جوابش رو دادم. خیلی حس باحالیه آهنگ گوش دادن سر کلاس».

چگونه در کلاس موسیقی گوش دهیم؟

مرحله اول	مرحله دوم	مرحله سوم
		
۱- مانند تصویر هدفون را زیر لباس خود قرار دهید	۲- یک سر آن را مثل تصویر در دستتان قرار دهید	۳- دستتان را روی گوشتان قرار داده و به موسیقی گوش دهید

«- عزیزم بنا به گفته خودت شما از طریق عکس دیدن با بی‌تی‌اس آشنا شدی و خب ممکن بود، عکس گروه‌های دیگه‌ای رو به جای عکس بی‌تی‌اس ببینی، آیا اصلاً پیش اومد که به دنبال آشنا شدن با گروهی غیر از بی‌تی‌اس بریای؟»

می‌دونی اون زمان تازه موج کی‌پاپ و کی‌دراما داشت توی ایران شکل می‌گرفت و تقریباً می‌تونیم بگیم همه به نوعی دنبال این موضوعات بودن. من الآن که دارم فکر می‌کنم، اون زمان که درباره بی‌تی‌اس تحقیق می‌کردم و مطلب می‌خوندم، انگار قصد داشتم از شون یه اطلاعات کامل و تکمیلی داشته باشم، ولی در همون حین هم می‌رفتم درباره بقیه سرچ کنم، مثلاً این گروه یا خواننده کیه و چیه، آهنگ‌هاشون چه جوریه، کی اومدن و از این مدل اطلاعات.

البته این کارم شاید به خاطر این بود که جلوی بچه‌های دیگه که حرف می‌زدن، کم نیارم و حرفی برای گفتن داشته باشم، ولی در کل انگار سعی می‌کردم بیش‌تر تمرکز روی بی‌تی‌اس باشه... .
- توی کل کی‌پاپ نه فقط بی‌تی‌اس، خیلی رایجه که دو نفر رو باهم شیپ می‌کنن و مثلاً تا دو نفر یه کاری انجام می‌دن، می‌گن والای این دوتا باهم ان و رابطه دارن. مثلاً برای بی‌تی‌اس شیپ ته‌کوک خیلی رایجه و کلاً همه رو باهم شیپ می‌کنن.

بله دیگه، خب من این چیزها رو می‌دیدم و برام سوال بود این‌هایی که می‌گن چیه و چه معنی‌ای داره برای همین رفتم درباره‌اش بیش‌تر مطالعه کردم که خب اصلاً چی هست یا به عنوان یه کسی که خیلی اطلاعات نداره، بینم تو دین ما و دین‌های دیگه چه جوریه، چون واقعاً دین رو به عنوان اعتقاداتی که از بچگی باهاش بزرگ شدی، نمی‌تونن نادیده بگیرن. شاید یه جایی برخلاف دین عمل کنی، ولی حتماً باید درباره موضوعات جدید اون رو توی دینت هم بررسی کنی. خب وقتی من رفتم خواندم این طوری متوجه شدم و قبول کردم که گرایش آدم یه چیز خدادادیه و از بدو تولدش توی وجود هر کس هست و خودش هم نمی‌تونه اون رو کاری بکنه و این مدلی نیست که بپوه تو یه سنی به وجود بیاد. کلاً این چیزهایی که شاید عجیب باشن، توی حیوانات هم هست مثلاً حلزون دوجنسه است.»

ویژگی گوگل کردن در کنار علایق مفرط بسیاری از هواداران به گروه بی‌تی‌اس، در عمل سبب می‌شود، هواداران برای حمایت از گروه مورد علاقه خودشان، با ایجاد صفحه‌های طرفداری و گروه‌های هواداری دست به حمایت از افراد مورد علاقه خودشان بزنند، به این معنا که هواداران مزبور برای تولید محتوا برای صفحه طرفداری یا گروه هواداری خویش، به یادگیری برنامه‌های مختلف ادیت عکس، ویدیو کلیپ یا صوت رو آورده و یا به شکل خودانگیخته به یادگیری زبان کره‌ای و مانند آن مشغول می‌شوند تا در آینده به راحتی قادر به استفاده از متن‌های اصلی گروه بی‌تی‌اس باشند:

«- سحر تو تاحالا برای آودیشن دادن اقدامی هم انجام دادی، مثل این که کلاس رقص بری یا

روی صدات کار بکنی؟»

من کلاس که نرفتم، چون چیزی که به دردم بخوره پیدا نکردم. کلاس رقص‌ها تو ایران به درد نمی‌خورن و صدا هم که اکثر کلاس آوازها سنتی کار می‌کنن و ربطی به کار من نداره. برای همین خودم تمرین کردم و الان کلی از رقص‌های کی‌پاپ رو بلدم، حتی اون روز تو باشگاهی که بدن‌سازی می‌رم، صحبتش بود که من بشم مربی رقص کی‌پاپ و همونجا کلاس بذارم براشون. آهنگ هم خودم کاور می‌کنم و کاور بیستم. یه بار هم برای جی وای پی، یکی از آهنگام رو فرستادم، ولی بعد پاکش کردم چون حس کردم ضایع هست و هنوز به اندازه کافی صدام آماده نیست. یه سری کمپانی‌های مجازی هستن که هیچ ربطی به این کمپانی‌های بزرگ و معروف ندارن، مثلاً یه دختر ۱۶ ساله پیج می‌زنه، می‌گه شماها بیاید واسه من کاورهاتون رو بفرستید و آودیشن (آزمون اولیه) بدید، بعد شما که شدید آیدول کمپانی من، من چندتا پیج می‌زنم و صداتون رو توی همه اون پیج‌ها می‌ذارم و این جور می‌کنم شما رو معروف می‌کنم، ولی خب حقوق اینا نمی‌دن. من اوایل خیلی پیگیر این جور کمپانی‌ها بودم که عضو بشم، ولی یه مدت بعد حس کردم که من نمی‌تونم واسه این‌ها کار کنم و نمی‌تونم تحمل کنم که یه کمپانی‌ای که حتی کمپانی به حساب نیامد و این قدر کوچیک و بی‌حساب کتابه، بخواد به من بگه چی بخون، چی نخون، چه کار بکن، چه کار نکن. واسه همین تصمیم گرفتم کاور بیست مستقل باشم که البته اوایلش فکر نمی‌کردم خوب جلو بره، ولی بعد دیدم خیلی استقبال شدم، برای همین به این فکر افتادم که شاید لازم نباشه من برای آیدول شدن آودیشن بدم، شاید بتونم خودم مستقل کاور بیستی خودم رو ادامه بدم و نهایتاً خودم یه آهنگ بسازم و منتشر کنم مثل مدگل، مدگل که توی کمپانی‌ای نیست خودش مستقل آهنگ می‌سازه و می‌ده بیرون.

- سحر جان با توجه به این که تو ۱۵ سالته چه طور بهت پیشنهاد کار توی کلاس رقص رو دادند؟ من تقریباً ۵ ساله که دارم می‌رم کلاس رقص همه دیگه اونجا من رو می‌شناسن. مریبم چند بار دید که رقص‌های کی‌پاپ رو کاملاً مسلط هستم، برای همین گفت با مدیریت صحبت می‌کنه که یه کلاس رقص کی‌پاپ بذارن که کار کنم با بچه‌ها، چون جدیداً خیلی از کی‌پاپرها دنبال همچین کلاسی هستند، مطمئنم ازش استقبال می‌شه.

- این که تو به طور تخصصی مدرکی در زمینه رقص نداری، مانعی ایجاد نمی‌کنه؟ کلاس رقص کی‌پاپ هنوز تو ایران خیلی کمه و پرترفداره. وقتی من کامل مهارتش رو دارم، دیگه چه اهمیتی داره مدرکش باشه یا نه. به علاوه این که توی ایران مدرکی واسه رقص‌های کی‌پاپ وجود نداره، همه باشگاه‌ها در نهایت می‌رن سراغ کسایی که خودشون خودآموز بلد شدند.

- قبل‌تر گفتی کاور می‌کنی، می‌تونی توضیح بدی که منظورت از کاور چی هست؟ کاور این شکلیه که مثلاً یه آهنگ رو انتخاب می‌کنی، تمرینش می‌کنی و بعد روی موسیقی بی‌کلامش می‌خونی صداتو ضبط می‌کنی.

- کاورهات رو کجا منتشر می‌کنی که ازشون استقبال می‌شه؟

الآن ادمین یه پیجی ام توی اینستاگرام که واسه گروه بلک‌پینکه و خیلی فالور داره، با ادمین اصلی صحبت کردم و قبول کرد من کاورهام رو بذارم اون تو و الآن کلی طرفدار واسه کارهام پیدا شده و وقت‌هایی که سرم شلوغه و چند هفته هیچی نمی‌ذارم، سراغ کاورهام رو می‌گیرن. در کنارش دوستانم هم خیلی پیگیر آهنگ‌هام هستن و خوش‌شون میاد. انقدر اوکی شده اوضاع که اگه توی گوگل بزنی مین‌هی کاوربیست (مین‌هی اسمی هست که برای خودش انتخاب کرده) من رو میاره بالا و آهنگ‌هام هست.

- می‌تونن پیش‌تر توضیح بدی که برای کاور کردن چه کارهایی انجام می‌دی و چه قدر برای این موضوع وقت می‌گذاری؟

من واقعاً پدرم دراومد چون من یه دختر معمولیم، نه استودیویی دارم، نه امکاناتی دارم و همه چیز رو با گوشی خودم دارم درست می‌کنم و خیلی زمان برد تا بتونم کار با برنامه ادیت آهنگ رو یاد بگیرم و مدل خوندم رو درست کنم، چون من کلاس آواز نرفتم. کلاً کارم رو جدی می‌دونم و کاوربیستی رو یه جورهایی شغل خودم می‌دونم نه فقط برای فان و سرگرمی. خیلی براش تمرین کردم و زحمت کشیدم. تا حالا از راه کاور کردن آهنگ درآمدی هم داشتی؟

نه هنوز، ولی مطمئنم یه روز اون قدر پیشرفت می‌کنم که بتونم درآمد هم داشته باشم.

- حالا با توجه به این که می‌خواهی آودیشن بدی دوست داری به کره مهاجرت کنی؟

آره صددرصد. من قبلاً هم دوست داشتم برم ژاپن، هم دوست داشتم برم کره، ولی زبان ژاپنی رو نتونستم اصلاً خوب یاد بگیرم برای همین تصمیم گرفتم برم کره.

- از چند سالگی دنبال یادگیری زبان ژاپنی بودی؟ کلاسش رو رفتی یا باز تلاش کردی به شکل خودآموز یاد بگیری؟

تقریباً دو سال پیش من خیلی از انیمه‌های ژاپنی خوشم اومده بود و اون‌ها رو زیاد نگاه می‌کردم، داشتم یه سری کلمات‌شون رو یاد می‌گرفتم خود به خود. دیگه کم‌کم خودم پیگیرش شدم حتی یه کتاب گرفته بودم واسه آموزش زبان ژاپنی بود، ولی حقیقتاً خیلی سخت بود و اصلاً اون رو نمی‌فهمیدم.

- زبان کره‌ای رو یاد گرفتی؟

تقریباً می‌شه گفت بلدم.

- چه طور یاد گرفتی؟

از طریق سریال‌های کره‌ای، برنامه‌های آموزشی کره‌ای و کارتون کره‌ای. مثلاً پونی کوچولو رو الآن دارم دوبله کره‌ای می‌بینم با زیرنویس فارسی. می‌شه گفت خودم یاد گرفتم کره‌ای رو» (سحر، ۱۵ ساله).

»- برای همین فعالیت‌های مجازی در حمایت از بی‌تی‌اس چه قدر وقت می‌گذاری؟

بازه به بازه، فرق داره، واقعاً خیلی فرق داره.

– چه جوری بود؟

چه جوری بود... خب ببینید من می‌تونم بگم ۹۰ درصد مهارت‌ام رو از اینا یاد گرفتم. در واقع به خاطر اینا یاد گرفتم.

– مهارت‌ها، مثل چی؟

بله مهارت‌ها، مثلاً من تمام کارم با نرم افزارهای ادیت^۱ (ویرایش) ویدیو و صدا رو به خاطر اینا یاد گرفتم. چون برنامه‌هاشون به زبان کره‌ایه و خیلی بهمون لطف کنند یه زیرنویس انگلیسی هم می‌دن. بعد شما می‌خوای این رو به مدیای فارسی عرضه کنی. چون ما یه کانالی داریم و اونجا یه گروه مترجم داریم که من جزو مترجم‌هام و من یادگرفتم چه طوری ساب^۲ (عنوان فرعی) بزنی یا زمان بندی کنی» (سایه، ۲۱ ساله).



مرضیه ۱۹ ساله، در مصاحبه خود بیان می‌دارد، وی نه تنها شخصاً ادیت زدن را در فضای مجازی یاد گرفته است، بلکه برای آموزش اعضای جدید گروه طرفداری خودشان، خود و دوستانش به افراد داوطلب آموزش ادیت زدن را یاد می‌دهند:

«– در زمینه ادیت مهارت داری؟

آره.

– آموزش دیدی؟

نه، خودآموز بوده.

– در جریان همین تولید محتوا برای چنلت یادگرفتی؟

بله، البته ما خودمون وقتی می‌خواییم ادیت من جدید بگیریم که علاقه‌مند به همکاری، اما تجربه‌ی قبلی تقریباً نداشته، بهش آموزش می‌دیم».

سایه ۲۱ ساله در مصاحبه‌اش، اوج یادگیری و آموزش فعال را به معرض دید نهاده است. وی در این مصاحبه بیان می‌دارد، او و جمع دوستانش که عضو یک گروه هواداری از بی‌تی‌اس هستند، اولاً ادیت

1Edit

2Sub = subtitle

زدن را به شکل آموزش خود به خودی و فعال یاد گرفته اند، ثانیاً برای حمایت جدی تر گروه، با نشر ویدیوهایی از برنامه‌های تفریحی اعضای بی‌تی‌اس (نظیر بن ویاژ)، وی و دوستانش تشکیلات معظمی را پدید آورده بودند که فقط در گروه ترجمه‌اش ۳۰ نفر مشغول به فعالیت بودند و پس از ترجمه ویدیوی ۷-۸ ساعته بن ویاژ، ترجمه در اختیار گروه ادیت و ویراستاری قرار می‌گرفت تا اصلاحات تکمیلی بر روی آن اعمال شود تا در نهایت ترجمه ویدیو جهت کاربری هواداران، در فضای مجازی بارگذاری شود: «- کره‌ای بلدی؟»

نه. از انگلیسی ترجمه می‌کردم. ما یه گروهی بودیم و همه ترجمه می‌کردیم و به مرور ناچار شدیم، یاد بگیریم. مجبور می‌شدیم ادیت ویدیو یاد بگیریم که بتونیم یک سری چیزهایی رو اوکی کنیم. من خیلی از این چیزها رو یاد گرفتم و همه رو هم از سر علاقه یاد گرفتم، به خاطر این که یه چیزی بود که دوست داشتم انجام بدم و ناخودآگاه با اینا پیش اومدم. به خاطر همین من در سن ۱۸ و ۱۹ سالگی یک وقت‌هایی پیش می‌اومد که در یک بازه‌هایی شبی ۴ یا ۵ ساعت داشتم روی اینا کار می‌کردم، چون این‌ها یک برنامه‌هایی دارند به نام بن ویاژ که یک‌هویی و ناگهانی منتشر می‌شه. مثلاً یک‌هو ۸ ساعت ویدیو میاد و این به صورت عادی و رایگان هم در دسترس قرار نمی‌گیره‌ها. معمولاً خریداری می‌شه، ولی چون ما ایرانی هستیم و پول نداریم و اینا از فایل‌هایی که فن‌های مهربان در دسترس مون قرار می‌دن استفاده می‌کنیم. به هر حال وقتی این ویدیوها می‌اومد، ما در جا می‌شستیم پای ترجمه‌اش و می‌گم یه دوره‌هایی می‌شد که من شب‌ها ۳، ۴ ساعت می‌خوابیدم که بتونم به اینا برسم و ترجمه رو کامل کنیم.



- چیه این برنامه؟

این مثل همون ران بی‌تی‌اسه، ولی یه کم فرق داره و مدلش این طوریه که اینا رو سالی یک‌بار می‌فرستادن مسافرت که برای خودشون باشند یه یک هفته‌ای رو.



– بعد از شون فیلم می‌گرفتن؟

آره! با تیم می‌فرستادن شون! ولی خب چیز لازمی در کل چون وقتی شما فکر می‌کنی که یک سال یا دو سال پشت سر هم کار کردی و حتی پنجشنبه و جمع‌هات هم خالی نیست، خیلی قضیه سخته که حالا می‌فرستنت که یک هفته حداقل کار نمی‌کنی. البته اینا معتاد به کار اند. یعنی شما ببینید شون می‌بینید که یکی شون هست مثلاً تو همون تایم استراحتش نشسته به گوشه داره برای خودش یه چیزی می‌نویسه، یکی شون هست نشسته به گوشه داره برای خودش ملودی می‌سازه. کلاً یه اعتیاد به کار این جوریه هم توی کره هست.

خلاصه وقتی اینا می‌رفتند مسافرت و همچین ویدیویی می‌اومد بیرون، ما می‌نشستیم به ترجمه کردن و یه تیم ترجمه هم که وجود نداره، چندتا هست و ما برای این که از اون یکی‌ها عقب نمونیم، تند ترجمه می‌کردیم که شیفت‌مون رو برسونیم و یه گروه دیگه ادیت کنه، یکی دیگه ویراست کنه و همین طوری تا در نهایت ویدیو دربیاد و بره رو کانال.

– شیفت کاری داشتید؟

آره، می‌شه گفت. این مدلی بود که بچه‌های ترجمه تا این ساعت تموم کنند، بچه‌های ادیت تا اون ساعت تکمیل کنند و اینا که در نهایت مثلاً تا فلان روز ما ویدیو رو تحویل بدیم. بعد ما کار رو تحویل می‌دادیم و دیگه کارمون تموم شده بود دیگه. می‌گرفتم می‌خوابیدیم، ولی کار بچه‌های ادیت تازه شروع شده بود.

– و این کار شما می‌تونست شب تا صبح طول بکشه؟

آره. شب تا صبح. با این که فقط گروه ترجمه‌اش که من توش بودم، ۳۰ نفر بود.

– و این بازه اوج شما در حمایت کردن بود؟

نه، این اوجش نیست. اوجش سر کام‌بک‌ها (اجرای جدید) بود.

– اونجا چه طوری بود، ۲۴ ساعت بیدار می‌موندید؟

آره خب شده. من برای کام‌بک زدن دفعه اولی که ۲۴ ساعت بیدار موندم، خیلی تعجب کردم، چون خواب برای من خیلی مهمه و این جوریه هم نبود که بگی اجبار یا تکلیفی باشه. بلکه حس می‌کنی، بخشی از یک جامعه هستی و من این هویت رو تا قبل از این حس نکرده بودم. یک هویتی بهت می‌دن. تو حس می‌کنی بخشی از یک جامعه‌ای هستی».

تجربه برخی از هواداران گروه بی‌تی‌اس در آموزش فعالی که به تجربه آن پرداخته اند، امر ذی‌قیمتی است که اولیای آموزشی در صورت فهم آن و تعمیم آن به نظام آموزشی، می‌توانند تحولی شگرف در نظام آموزشی خویش پدید آورند.

۵-۲- ارتقای مهارت‌های فنی

در عنوان پیش، از آموزش یا یادگیری فعال یاد شد و خاطرنشان گردید، در جریان یادگیری فعال، یادگیرنده مبتنی بر آزمون و خطا، در عمل به دستاوردهای تجربی ذی‌قیمتی دست می‌یابد و چون این دستاورد، ماحصل تلاش‌های فکری و عملی خود فرد به شمار می‌رود، به بهترین شکل ممکن در ذهن یادگیرنده می‌نشیند.

یکی از نتایج فرعی آموزش فعالی که از آن یاد شد، یافتن روحیه فنی توسط هواداران است، به این معنا که هواداران برای حمایت از گروه بی‌تی‌اس، خود را مجبور می‌بینند که نه تنها با برنامه‌های (آپ‌های) مختلف آشنا شوند، بلکه در کنار یادگیری انواع ویرایش‌های تصویری، ویدیویی و صوتی، در صدد ارایه هر چه بهتر ماحصل کوشش‌های‌شان در فضای مجازی برآیند و برای افزایش بازدید کارشان، متوسل به انواع تبلیغات (با صفحات واقعی و قلابی، زدن تیک سبز و مانند آن) برآیند. بالطبع مسایل فنی اخیر قابل تعمیم به دیگر قسمت‌های زندگی هواداران هست و آنان می‌توانند با یادگیری فراز و فرودهای فضای مجازی به لحاظ فنی، از امکانات فضای اخیر به شکل مؤثرتری استفاده کنند.

احسان ۱۷ ساله، در مصاحبه خود، خاطرنشان می‌سازد، وی دوستانی دارد که در پی هواداری گروه بی‌تی‌اس، به دنبال تهیه صفحه طرفداری برآمده اند که بالطبع اداره صفحه هواداری، مستلزم شناخت اولیه فضای مجازی، شناخت شبکه‌های اجتماعی و دقایق فنی دیگری است که ادمنها باید بدان وقوف داشته و با آن آشنا باشند:

«- دوستان تو هم طرفدار گروه بی‌تی‌اس هستن؟»

بعضی‌هاشون طرفدار سرسخت گروه بی‌تی‌اس هستند و بقیه دوستان مخالف بی‌تی‌اس هستن.

- دوستان خودت طرفداری شون رو چگونه ثابت می‌کنن؟

همیشه از تیپ و قیافه‌های آیدول‌ها تقلید می‌کنند و توی گوشی‌های خودشون آهنگ‌هایی از گروه بی‌تی‌اس رو دارند و همیشه به کره‌ای روخوانی می‌کنند و برای تبلیغ بیش‌تر گروه بی‌تی‌اس، فن‌پیج‌هایی توی اینستا دارند».

سارینای ۱۳ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، خاطرنشان می‌سازد، وی در صفحه طرفداری که برای گروه مورد علاقه‌اش درست کرده بود، به دنبال تبلیغ صفحه خودش، متوسل به کسانی شده است که با صفحات قلابی (فیک)، صفحه هواداری وی را حمایت کنند تا با افزایش تعقیب کنندگان صفحه، این صفحه از سوی دیگران جدی‌تر گرفته شود:

۱ - اهمیت این مسأله زمانی بیش‌تر هویدا می‌شود که دقت کنیم، طبق ادبیات پژوهشی روان‌شناسی، جنس مذکر به دلیل ساختار مغزی نسبتاً متفاوتش، به مسایل فنی بیش‌تر از جنس مؤنث وقوف و اشراف دارد و گروه بی‌تی‌اس که بیش‌تر هوادارانش جنس مؤنث هستند، در عمل در جریان آموزش فعال و فنی شدن خویش، گام‌های بلندی در جهت رفع ضعف خود در این جهت برمی‌دارند.

«- سارینا جان تو از چه طریقی حمایت و طرفداری‌ات رو نسبت به بی‌تی‌اس نشون می‌دی؟

من قبلاً یه فن پیج داشتم ولی فیلتر شد و من هم دیگه ادامه ندادم.

- توی اون فن پیج‌ات که فیلتر شد، چه چیزهایی می‌گذاشتی؟

از موزیک ویدیوها ادیت می‌گذاشتم یا بعضی وقت‌ها از بلک‌پینک هم می‌گذاشتم، ولی خب بدون هیچ دلیل خاصی به خاطر روبیکا فیلتر شد.

- این ادیت‌ها رو خودت درست می‌کردی؟

بله.

- دلیل این که چرا پیجت فیلتر شد رو نفهمیدی؟

نه هیچ وقت نفهمیدم، چون پیج من اصلاً محتوای بدی نداشت ولی فکر کنم اون‌ی که من رو گزارش

کرده، از بی‌تی‌اس خوشش نمی‌اومده.

- اون زمان که پیج‌ات فعال بود، ازش کسب درآمدی داشتی؟

نه. خب من توی روبیکا پیج داشتم، نه اینستاگرام و اون موقع توی روبیکا برای تب رفتن پول

نمی‌دادن. شاید بعضی اوقات بک می‌دادن، ولی پول نه. درباره پیجی که کسب درآمد داشته باشه هم

نه چون روبیکا به کاربرهاش پول نمی‌ده و فقط باید فروشنده باشی تا بتونی کسب درآمد بکنی.

- این بک دادن که گفتم یعنی چی؟

مثلاً می‌گن پیج من رو تبلیغ کن به جاش من با مثلاً ۷ تا پیج فیک، تو رو فالو می‌کنم».

پونه ۱۸ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، از به کار بردن تیک سبز (به معنای صحّت خبر قبلی اعلان

شده در صفحه طرفداری پونه) برای معتبرتر نشان دادن صفحه طرفداری خویش، یاد کرده است:

«- گفتمی چنل تلگرام هم داری؟

آره، یه چنل تلگرام دارم که خب اطلاعاتی که همین ساسنگ‌ها لو می‌دن رو می‌ذارم، حدود یک و

نیم کا ممبر (عضو) دارم.

- چه اطلاعاتی رو می‌گذاری؟

مثلاً فلان آرتیست قراره آهنگ بده. فلانی قراره با فلانی همکاری کنه. این آرتیست با اون پسر یا

دختر قرار می‌ذاره. تاریخ کنسرت و اجرا و انتشار آهنگ رو می‌گم، حواشی‌های آرتیستا رو می‌گم. این

چیزا دیگه. بعدش که اینا رو می‌ذارم، چند وقت بعد اگر که درست از آب دراومد، میام تیک سبز می‌زنم

که آره، خبر درست پیش بینی شده بود».



ثناي ۱۶ ساله نیز در مصاحبه‌اش خاطرنشان ساخته است، وی پس از یادگیری ویرایش تصاویر، سطوح پیشرفته آن را نیز یاد گرفته است و دیگر تصاویر خود را کنار آیدول مورد علاقه‌اش درج می‌کند:

«- با زیباتر کردن چهره آیدول‌ها با فتوشاپ موافق هستی؟»

زیبا هستن، نیازی به این کارها نیست، ولی عکس‌های خودم رو خیلی ویرایش می‌کنم.
- چرا؟

چون می‌دونم خیلی‌ها به خاطر خوشگلی جیمین فنش شدن. پس نتیجه می‌گیریم خوشگلی خیلی مهمه. برای این که جذاب بشم از آپ‌های 'ویرایش عکس استفاده می‌کنم تا جذاب‌تر به نظر بیام. مشکلمش اینه که فقط آدم توی فضای مجازی خوشگل می‌شه، ولی در واقعیت این طوری نیست. خیلی دوست دارم چهره واقعیم هم مثل همون ادیت‌ها باشه که نیست، دیگه چه کار می‌شه کرد.

- بی‌تی‌اس تأثیری در علاقه‌مندی تو به ویرایش عکس داشته؟

تأثیرش اینجا بوده که اول توی یوتیوب با یه ویدیو آشنا شدم که نشون می‌داد، چه طوری می‌شه با آپ ویرایش عکس، خودم رو کنار جیمین بذارم. یکی از دوستانم هم خیلی کمک کرد و خیلی از عکسم خوشم اومد. از اون به بعد دیگه خیلی ویرایش می‌کنم.

- یعنی ویدیو در مورد این بود که چه طور می‌شه عکس خودت را دقیقاً کنار عکس جیمین بگذاری؟
نه کنار اعضای بی‌تی‌اس. خیلی زیاده از این جور ویدیوهای یوتیوبی.»

۵-۳- کم توجهی به درس و افت تحصیلی

بررسی‌های میدانی انجام شده در سطح جمعیت تحقیق حکایت از آن دارد که هواداری از گروه بی‌تی‌اس، در غالب موارد با کم توجهی هواداران (خاصه هواداران افراطی) به درس و افت تحصیلی آنان توأم می‌گردد.

البته برخی از مصاحبه‌شوندگان خاطرنشان ساخته‌اند که گروه بی‌تی‌اس با ایجاد انگیزه در هواداران، اسباب پیشرفت تحصیلی بعضی از هواداران را فراهم آورده‌اند. اما مشاهدات میدانی دلالت بر آن دارد که طرفداران گروه بی‌تی‌اس، بیش‌تر از آن که در جریان هواداری خویش پیشرفت تحصیلی داشته باشند، دچار پسرفت و افت تحصیلی می‌شوند.

افت تحصیلی یاد شده، گاهی به سبب فضای ایجاد شده در محیط آموزش است که هواداران غالب وقت آزاد خود را در محیط آموزشی صرف گفت‌وگو و یا شنیدن آهنگ‌های بی‌تی‌اس و یا اجرای رقص آن‌ها می‌کنند و شرایط اخیر خود به خود از تمرکز دانش‌آموزان نسبت به درس کاسته و توجه آنان را معطوف به مسایل و مباحث غیر درسی و هیجانی می‌سازد.

در موارد دیگری هواداران به دلیل صرف وقت زیاد برای اداره صفحات طرفداری یا تولید محتوا، دچار کمبود وقت شده، افت درسی را تجربه می‌کنند.

در برخی از حالات نیز کاربری مفرط و بی‌قاعده از محتوای هیجانی بی‌تی‌اس سبب می‌شود، ذهن هواداران خسته شده، از میزان تمرکز و حافظه آنان برای جذب مناسب مباحث درسی کاسته شود.

شیدای ۲۰ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، خاطرنشان می‌سازد، معدودی از هواداران بی‌تی‌اس با انگیزه گرفتن از آیدول‌ها، پیشرفت درسی را تجربه می‌کنند:

«- شما اثرگذاری بی‌تی‌اس رو مثبت می‌بینی؟»

نه. بستگی داره به نظرم. اگر بخوان عقلانی جلو برن، می‌تونه مثبت باشه. مثلاً به پیشرفت و موفقیت‌شون توجه کنن. اما از اون طرف یه سریاً فقط به ظاهر و حاشیه‌ها و این چیزا توجه می‌کنن.

بعد در نتیجه روی افت تحصیلی‌شون هم خیلی اثر داشته.»

شادی ۱۵ ساله، در مصاحبه‌اش یادآور شده است که در مدرسه آن‌ها، بحث بی‌تی‌اس چنان داغ است که حتی دانش‌آموزان هوادار، پیش از آمدن معلم سر کلاس درس، از فرصت استفاده کرده، مهارت خویش در اجرای رقص‌های بی‌تی‌اس را برای سایر هم‌کلاسی‌های‌شان به نمایش می‌گذارند.

«- عزیزم چه طور با این گروه آشنا شدی؟»

خب من از حدود یکی، دو سال قبل، کلاً خواننده‌های کره‌ای رو گوش می‌دادم و به طور کلی با اونا آشنا بودم ولی با بی‌تی‌اس یک سال و نیمه که آشنا هستم و این طور شد که مدرسه بچه‌ها بیش‌تر مشوق شدن برام. من مدرسه‌ام غیردولتی هست، ولی بچه‌ها خب خیلیاشون طرفدار این گروه ان و

آهنگاشون رو تو مدرسه پلی می‌کردن و باهم می‌شستن سر کلاس گوش می‌دادن یا قبل این که معلم بیاد تو کلاس رقص شون رو می‌رفتن، بعد حرف می‌زدن راجع بهش باهم که کدوم جذابه و کدوم بهتره و حتی دعوا می‌کردن سرشون، منم سر همین جریانات، واقعیت کم کم خودم هم نفهمیدم چه جور، ولی جذب بهشون شدم، ولی دقیق یادم نیست اتفاقی افتاده باشه جذب بشم، کلاً دیگه کم کم منم باهاشون کلیپاشون رو دیدم خوشم اومد ازشون و از قیافه‌های کیوت شون و خودم هم تو خونه هی نگاه می‌کردم بهشون و آهنگاشون و حتی رقص شون رو هم کم کم یاد گرفتم.

– بیش‌تر از چه چیز اون‌ها خوشت اومد؟

امم در برخورد اول قیافه‌شون طبعاً دیده می‌شه و تو چشمه و بعد آهنگاشون». سمانه ۱۷ ساله و نیکوی ۱۵ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خویش از صرف وقت زیاد خود برای اداره صفحه طرفداری و تولید محتوا یاد کرده اند که بالطبع ۱۲-۱۱ ساعت صرف وقت در روز برای گروه بی‌تی‌اس، خود به خود به افت تحصیلی خواهد انجامید:

«– تا حالا برای پسرها چی هدیه فرستادید؟

تولدشون یه چیز کوچیکی مثلاً می‌فرستیم، مثلاً یه ساعت یا اکسسوری.

– حدوداً چه قدر در روز وقت برای پیج خودت می‌گذاری؟

پیج چرخوندن سخته کلاً. یعنی دو سوم وقتت رو باید بذاری روش بعضاً، مخصوصاً فالوروات بالا باشه برای همین بعضیا ادمین استخدام می‌کنن، ولی من نه خب خودم هستم. من تقریباً در روز ۱۱ یا ۱۲ ساعت یا بیش‌تر بعضاً وقت می‌ذارم، چون فالورام زیاده و هی باید پست بذارم، باید اخبار رو هی برم بگردم، بینم چه خبره ازشون. کلاً خب قید درس رو باید بزنی که تمام وقت بری تو پیج، اگه کسی کارش درس باشه، مانع می‌شه و به درسات هم نمی‌تونن برسی، من الان خودم درسام سنگین ان، خیلی تجربی هم هستم خیلی بدتره و کلاً خیلی درگیر شدم، این دوتا رو نمی‌تونم باهم هندل کنم».

«– چه قدر وقت صرف نوشتن یا خوندن این فن‌فیکشن‌ها می‌کنی؟

این روزها دیگه اندازه قبل فن‌فیک نمی‌نویسم، چون یه مقدار وقتم پر شده به خاطر مدرسه و کلاسایی که می‌رم، مدرسه‌ام رو هم امسال عوض کردم، واسه همین دوستیم با اون دوستای آرمیم کم‌رنگ شده، ولی اون دوره‌ای که دوستی مون بیش‌تر بود، وقت بیش‌تری صرفش می‌کردم، مثلاً توی کلاس‌های آنلاین وقتم رو می‌گذاشتم سر این که این‌ها رو بنویسم، ولی داشت بد می‌شد، چون یکی دوبار الکی غیبت خوردم سر کلاسا با این که بودم، ولی حواسم نبود، دیگه یه مقدار گذاشتم کنار». ثنای ۱۶ ساله، در اظهارات خویش خاطرنشان ساخته است که کاربری زیاد وی از ویدیوهای گروه بی‌تی‌اس در شب‌ها، به کم خوابی وی انجامیده و این مسأله نیز خود به خود به کاهش تمرکز و ضعف حافظه وی منجر شده است:

«- چه قدر از زمانت را روزانه به بی‌تی‌اس اختصاص می‌دهی؟»

۴ تا ۵ ساعت شب‌ها.

- از چه ساعتی تا چه ساعتی؟

از حدود ۱۰ شب تا ۳.

- صبح که بیدار می‌شوی خوابت نمی‌آید؟

چرا خوابم می‌آید، ولی عادت دارم چون خیلی وقت هست که این ساعت‌ها بیدار هستم.

- فقط به خاطر بی‌تی‌اس بیدار هستی؟

یکی، دو ساعت ویدیوهای جیمین رو می‌بینم، یه کم رمان می‌خونم، بقیه‌اش هم تو یکی دوتا از

گروه‌های ایرانی بی‌تی‌اس آرمی‌ها می‌چرخم و چت می‌کنم.

- این بی‌خوابی‌های شبانه باعث افت عملکرد تحصیلت نشده؟

چرا، فشارم خیلی می‌افته سر کلاس‌ها، رفتم دکتر گفتن می‌تونه از این بی‌خوابی‌ها هم باشه، احساس

ضعف و سرگیجه دارم و درس‌هام رو خیلی سخت یاد می‌گیرم. یه کم حافظه‌ام ضعیف شده و تمرکز

ندارم.»

با توجه به شواهد یاد شده، به نظر می‌رسد، هواداری از گروه بی‌تی‌اس به لحاظ آموزشی، بیش‌تر با

سرفت علمی دانش‌آموزان توام است.

۵-۴- اطلاع‌رسانی

گروه بی‌تی‌اس، همچون دیگر گروه‌های موسیقی، با آهنگ‌هایی که دارد، دست به القای برخی از مفاهیم

مورد نظرش به مخاطبان می‌زند، اما پسران بی‌تی‌اس به دلیل تعمیق رابطه خود با هوادارانشان (با تهیه

برنامه‌هایی نظیر ران بی‌تی‌اس، بی‌تی‌اس این دِ سوپ، بن وایژ و یا برگزاری برخی از همایش‌ها مانند

فن‌میتینگ و فن‌ساین یا برگزاری برخی از جشن‌ها نظیر جشن تولد آیدول‌ها، جشن فستا)، از برد اثر

بیش‌تری برخوردار بوده، در کنار القائاتی که با موسیقی خودشان برای مخاطبان خویش دارند، می‌توانند

القائات مضاعفی نیز نسبت به آن‌ها داشته باشند که البته از این امکان نیز سود می‌برند تا در عمل تمایل

و گرایش به گروه را در چشم و دل هواداران بیش‌تر و بیش‌تر کنند.

با توجه به آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس، مشخص می‌شود که بسیاری از آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس،

در صدد انتقال پیام خاصی به مخاطبان خود هستند. به عنوان مثال، آهنگ فیک لائو (عشق دروغین)؛

۱ - متن اصلی آهنگ فیک لائو بی‌تی‌اس، تلفیقی از زبان کره‌ای و انگلیسی است:

من می‌تونم به خاطر تو وانمود کنم،

که وقتی غمگینم، خوشحالم،

به خاطر تو من حاضرم جوری رفتار کنم،

از عشق‌هایی یاد می‌کند که در واقع عشق نبوده و تنها نامی از عشق را با خود دارند. زیرا در عشق واقعی با وجود وحدت‌یابی عاشق و معشوق، هر دو فرد استقلال خود را در عین وحدت حفظ می‌کنند، اما در عشق دروغین، یکی از دو طرف، باید در طرف دیگر مستحیل شود. بنابراین آهنگ عشق دروغین

که قوی هستیم، وقتی که برایم درد آوره،
ای کاش عشق به همون اندازه که بی‌نقصه، بی‌نقص بود،
ای کاش تمام ضعف‌های من پنهان می‌شد،
در رؤیایی که به واقعیت نمی‌پیوست،
من گلی که نمی‌تونست شکوفه بزنه رو بزرگ کردم،
حالم از این عشق دروغین به هم می‌خوره،
متأسفم، اما این یک عشقه دروغینه،
من می‌خوام مرد خوبی باشم فقط برای تو،
من دنیا رو به پات ریختم،
من به خاطر تو همه چیز رو تغییر دادم،
حالا خودم رو نمی‌شناسم، من کی هستیم؟
در جنگل خودمونم، تو اونجا نبودی، مسیری که تا اینجا اومدم رو یادم رفته،
من حتی مطمئن نیستم کی بودم،
پس سعی می‌کنم از آینه بپرسم، من کی هستیم؟
به شدت دوستت دارم، به شدت دوستت دارم،
برای تو یک دروغ زیبا ساختم،
عشق خیلی دیوانه‌واره،
من مثل عروسک خیمه شب بازی رفتار می‌کنم تا تو رو داشته باشم،
چرا این قدر ناراحتی؟ نمی‌فهمم، نمی‌فهمم،
بخند، بگو که دوستم داری،
بهمن نگاه کن، من خودم رو انداختم دور،
حتی تو نمی‌تونی من رو درک کنی،
تو می‌گی من غریبه‌ام، به شخصی تبدیل شدم که تو قبلاً دوستش داشتی،
تو می‌گی من اون شخصی نیستم که تو قبلاً می‌شناختی،
نه، منظورت چیه نه؟ من کورم؟
عشق، عشق دیگه چه کوفتیه؟ اینا همه‌اش عشق دروغینه؟
نمی‌دونم، نمی‌دونم، نمی‌دونم، چرا،
حتی من، حتی من خودم رو نمی‌شناسم.
فقط می‌دونم، می‌دونم، می‌دونم، چرا،
چون این عشق سر تا پاش دروغه،
برای تو یک دروغ زیبا ساختم.
(برگرفته از magerta.ir).

در عمل به تبیین تفاوت‌های عشق واقعی و عشق کاذب پرداخته، به کسانی که درگیر توهم بوده، عشق کاذب خویش را عشق واقعی می‌پندارند، هشدار می‌دهد که اسیر توهم خویش نشوند. آهنگ اسپرینگ دی (روز بهاری) هم با یادآوری خاطره تلخ غرق شدن کشتی حامل دانش‌آموزان، در عین ترسیم تلخی‌های شکننده‌ای که در زندگی روزمره انسان‌ها رخ می‌دهند، دست به ترسیم

۱ - دلم برات تنگ شده،

حتی به زبون آوردنش هم،

باعث می‌شه بیش‌تر دلنگت بشم،

حتی اگه با دیدن عکسات یه کم آرام بگیرم هم،

زمان خیلی بی‌رحمانه می‌گذره،

از جفت‌مونم متنفرم،

حتی یه بار همدیگه رو دیدن مون هم این‌قدر سخت شده،

برای هر دو تا مونم،

اینجا برام زمستونه،

تو ماه آگوست همه جا زمستون و سرد و رنج آور،

زمان به سرعت گذشته،

مثل اسنوپیرسر تنهای تنها موندم (اسنوپیرسر اشاره به فیلم کره‌ای محصول ۲۰۱۳ دارد که در آن دنیا وارد عصر یخبندان شده و

تنها عده‌ی خیلی محدودی زنده مانده اند).

می‌خوام دستت رو بگیرم،

و برم اون طرف دنیا،

می‌خوام این زمستون رو تمومش کنم،

چه قدر،

باید مثل برفایی که رو هم انباشته می‌شن منتظر بمونم،

تا بهار از راه برسه،

رفیق،

تو هوا سرگردونم،

مثل گرد و خاک،

مثل گرد و خاک،

اگه مثل دونه‌های برف بودم،

می‌تونستم بهت برسم،

یه کم زودتر از قبل،

دونه‌های برف دارن رو زمین می‌خوابن،

و تو داری دورتر و دورتر می‌شی،

دلم برات تنگ شده،

چه قدر دیگه باید منتظرت بمونم،

چندتا شب دیگه رو باید بدون چشم رو هم گذاشتن صبح کنم،

تا این که بالاخره ببینمت،

تا این که بالاخره بهت برسیم،
تا وقتی که این زمستون سرد تموم شه،
و بهار دوباره از راه برسه،
و اون موقع که گل‌ها شکوفه کنن،
لطفاً همونجا بیش تر بمون،
بمون اونجا،
اونی که عوض شده تویی؟
یا منم که عوض شدم؟
من حتی از همین لحظه‌ای که داره سپری می‌شه هم متنفرم،
فکر کنم جفت‌مون هم عوض شدیم،
مثل بقیه آدمایی که دور و برمون هستن،
آره ازت متنفرم،
من رو ولم کردی،
ولی حتی یه روزم نشد،
که بهت فکر نکنم،
صادقانه بگم که دلم تنگته،
ولی سعی می‌کنم فراموشت کنم،
بهتر از اینکه به بخوام سرزنشت کنم،
دردش کم‌تره،
سعی می‌کنم که غمت رو فراموش کنم،
مثل دودی که ناپدید می‌شه،
دارم بهت می‌گم که فراموشت خواهم کرد،
ولی هنوزم که هنوزه نمی‌تونم ازت دل بکنم،
دونه‌های برف دارن می‌بارن،
و تو داری دورتر و دورتر می‌شی،
دلم برات تنگ شده،
چه قدر دیگه باید منتظرت بمونم،
چندتا شب دیگه رو باید بدون چشم رو هم گذاشتن صبح کنم،
تا این که بالاخره ببینمت،
تا این که بالاخره بهت برسیم،
تو همه‌ی جیک و پوک من رو می‌دونی،
تو بهترین رفیقمی،
خورشید دوباره طلوع خواهد کرد،
هیچ کدوم از فصل‌ها یا هیچ کدوم از شب‌های تاریک،
هرگز تا ابد پایدار نموندن،
دونه‌های برف دارن می‌بارن،
و تو داری دورتر و دورتر می‌شی،
دلم برات تنگ شده،

فرصت‌های امیدبخش و شادی‌آفرینی می‌زند که در کنار شکست‌ها وجود داشته و یافت می‌شوند، همان طور که آهنگ زیرو (صفر) با ترسیم اندوه ناشی از شکست که ممکن است، انسان‌ها را متأثر و متألّم کند، در بطن شکست، ناکامی و ناامیدی، به طرح فرصت‌های امیدبخش می‌پردازد.

چه قدر دیگه باید منتظرت بمونم،
چندا شب دیگه رو باید بدون چشم رو هم گذاشتن صبح کنم،
تا این که بالاخره ببینمت،
تا این که بالاخره بهت برسم،
تا وقتی که این زمستون سرد تموم شه،
و بهار دوباره از راه برسه،
و اون موقع که گل‌ها شکوفه کنن،
لطفاً همون جا بیش‌تر بمون،
بمون اون‌جا.
(برگرفته از baarzeshe.net).

۱ - یه روزایی هست،
روزایی که بی‌هیچ دلیلی غمگینی،
یه بدن سنگین،
یه روزی که همه به غیر از من،
سرشون شلوغه و حریص ان،
قدم‌هام نمی‌افتن،
فکر کنم همین الانش هم دیر کردم، می‌بینی؟
کل دنیا نفرت انگیزه،
همه جا سرعت‌گیره،
قلبم تیکه تیکه شده و کلمات برام محو می‌شن،
چرا داشتیم خیلی سخت می‌دویدیم؟
اوه، چرا من؟
برمی‌گردم خونه،
رو تختم لم می‌دم،
فکر می‌کنم،
تقصیر من بوده؟
شب گیج‌کننده هست،
یهو به ساعت نگاه می‌کنم،
تقریباً دوازدهه،
چیزی تغییر می‌کنه؟
مطمئنأ قرار نیست یه همچین چیزی بشه،
ولی این روز،
تموم شده،
وقتی ثانیه شمار،

با دقیقه شمار یکی می‌شه،
دنیا برای یه لحظه‌ی کوتاه نفسش رو حبس می‌کنه،
ساعت دوازده نیمه شبه،
و تو قراره خوشحال باشی،
و تو قراره خوشحال باشی،
مثل برفی که درست همین الان رو زمین نشسته،
بیا مثل اولین بار نفس بکشیم،
و تو قراره خوشحال باشی،
و تو قراره خوشحال باشی،
همه‌ی اینا رو بچرخون،
همه چیز جدید،
ساعت دوازده نیمه شبه،
کم کم، ضربان قلبم می‌لغزه،
نمی‌تونم یه حالت عادی رو روی صورتم داشته باشم،
همه‌اش لیریکای آشنا رو فراموش می‌کنم،
هیچ چیز دیگه‌ای مثل قلب من نیست،
درسته اینا تمام چیزیه که گذشته،
حتی اگه با خودمم حرف بزمن، خیلی راحت نیست،
این تقصیر منه؟
این مشکل منه؟
فقط اکوی منه که،
هیچ جوابی نداره،
برمی‌گردم خونه،
رو تختم لم می‌دم،
فکر می‌کنم،
تقصیر من بوده؟
شب گیج کننده هست،
یهو به ساعت نگاه می‌کنم،
تقریباً دوازدهه،
چیزی تغییر می‌کنه؟
مطمئناً قرار نیست یه همچین چیزی بشه،
ولی این روز،
تموم شده،
وقتی ثانیه شمار،
با دقیقه شمار یکی می‌شه،
دنیا برای یه لحظه‌ی کوتاه نفسش رو حبس می‌کنه،
ساعت دوازده نیمه شبه،
و تو قراره خوشحال باشی،

اما همان‌گونه که یاد شد، در کنار القانات مستقیم و غیرمستقیمی که در آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس وجود دارد، اعضای گروه به دلیل تعمیق رابطه بین خود و هواداران‌شان، در عمل از فرصت جدید تعامل‌های اجتماعی گسترده‌تر با هواداران‌شان نیز برخوردارند که این فرصت برای سایر گروه‌های موسیقیایی وجود نداشته و یا به میزان بسیار اندکی وجود دارد.

نسترن ۱۹ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، خاطرنشان می‌سازد، رفتارهای هم‌جنس‌گرایانه برخی از اعضای گروه بی‌تی‌اس در صحنه اجرا، چرخاندن پرچم گروه اقلیت جنسی در حین اجرا و تلاش‌های

و تو قراره خوشحال باشی،
مثل برفی که درست همین الآن رو زمین نشست،
بیا مثل اولین بار نفس بکشیم،
و تو قراره خوشحال باشی،
و تو قراره خوشحال باشی،
همه‌ی اینا رو بچرخون،
همه چیز جدید،
ساعت دوازده نیمه شبه،
دوتا دستام رو روی هم می‌ذارم،
و دعا می‌کنم،
که یه کم بیش‌تر لبخند بزنی،
فردا،
برای من،
یه کم حس بهتری داشته باشی،
برای من،
اگه این آهنگ،
تموم شه،
ممکنه یه آهنگ جدید،
شروع شه،
یه کم بیش‌تر خوشحال باشم، آره،
و تو قراره خوشحال باشی،
و تو قراره خوشحال باشی،
مثل برفی که درست همین الآن رو زمین نشست،
بیا مثل اولین بار نفس بکشیم،
و تو قراره خوشحال باشی،
و تو قراره خوشحال باشی،
همه‌ی اینا رو بچرخون،
همه چیز جدید،
ساعت دوازده نیمه شبه.

اعضای گروه در جنسیت‌زدایی کردن از عشق (و آرایش و پوشش)، در عمل دختر عمومی وی را به جایی رسانده است که موضع مخالف خود نسبت به ال‌جی‌بی‌تی‌کیو را به موضع موافق، تغییر داده است: «- قبل قضیه کی‌پاپ دیدگاهت نسبت به کویرها اچی بود، اصلاً اطلاعات در این جهت داشتی یا نداشتی؟

آره... بین من یه خواهر بزرگ‌تر دارم و کلاً شخصیت من با خواهرم شکل گرفته. به خاطر همین از اول اون مثلاً بیش‌تر به من معرفی کرد و من نمی‌دونم چرا (با خنده) ولی از اول دیدگاه اوکی‌ای داشتیم. هنوزم (با خنده) اوکی و مثبتم دیگه. مشکلی ندارم.

- اوهوم. بعد این که بین دوستان کسی بود که هیچ شناختی نداشته باشه یا شناخت خیلی کم یا دید بدی داشته باشه، ولی... .

نسبت به جامعه کویرها یا کی‌پاپ؟

- نه، دیدش نسبت به جامعه کویرها، ولی با کی‌پاپ آشنا شده باشن از طریق کی‌پاپ عادی شده باشه براشون یا آشنا شده باشن؟

جدیداً دختر عموم بود که خب سنش پایینه و تازه طرفدار اینا شده. قبلش اصلاً با همچین چیزی آشنایی نداشت، بعد مثلاً اگر آشنایی داشت، از طرف خانواده بوده که گفته که... وای ببخشید این لفظ رو استفاده می‌کنم... چنده یا مثلاً بده و وای اینا خوب نیستن، ولی از وقتی که مثلاً دیدم، از وقتی که طرفدار بی‌تی‌اس یا گروه‌های دیگه شده، خیلی دید خوبی پیدا کرده و واقعاً این جوریه که به من ربطی نداره، زندگی مردم و خب دوست هم داره. خیلی به نظرم تأثیر مثبتی داره، مخصوصاً برای مایی که در ایران زندگی می‌کنیم و اصلاً همچین دیدگاهی نداریم توی جامعه، خیلی خوبه که تأثیر بگیریم».

ریحانه ۲۱ ساله نیز در مصاحبه‌ای که دارد، اظهار می‌دارد، وی در جریان هواداری از گروه بی‌تی‌اس، تحت تأثیر القاءات آن‌ها، از دید متعصبانه پیشین خویش فاصله گرفته است:

«- قبلاً دیدت نسبت به آسیای شرقی چه طور بود؟

دیدگاه قبلیم به آسیای شرقی تقریباً متأثر از نظرات اطرافیانم و جامعه بود. یعنی با این که تلاش می‌کردم باز هم بی‌طرفانه و بدون تعصب قضاوت کنم و نظرات شخصی خودم رو داشته باشم، نمی‌شد که جو اطرافم روی من بی‌تأثیر باشه.

به طور مثال، اکثر اطرافیانم، بدون این که اطلاعاتی درباره‌ی فیلم‌ها و موسیقی کره داشته باشن، متعصبانه از شون دوری می‌کردن و کسی که به این محتواها علاقه‌مند بود رو تمسخر می‌کردن. صرفاً چون شاید چهره‌ها و ظاهر مردم شرق آسیا، براشون خاص و شاید غیرمعمول بود. مخصوصاً تمسخر چهره‌ها و سبک بازیگری، رقص و یا پوشش آرتیست‌ها و مردم کره که البته من هیچ وقت چنین نظری

نداشتم و با این دیدگاه‌های نژادپرستانه مقابله می‌کردم. چون این نظرات از عقل و منطق، سواد و یک دیدگاه باز ناشی نمی‌شده قطعاً. همیشه تلاشم رو کردم که از تعصب دوری کنم. مخصوصاً تعصب روی نژاد و یک‌سری کلیشه‌های ظاهری و جنسیتی».

صوفیای ۱۸ ساله نیز در مصاحبه خودش، از بسترسازی فرهنگی آیدول‌ها در مورد ضرورت عطف توجه به مشکلات روانی خویش و تصمیم برای برخورد و کاهش مشکلات اخیر یاد کرده است: «- خوب حالا حالت‌های بدی که به خاطر وسواس و افسردگی تجربه کردی در کنار کی‌پاپ کم‌رنگ شدن و تغییری کردن؟

کی‌پالپ (مکتب می‌کند). چرا. از یه لحاظ‌هایی. خب من از وقتی که استری کیدز رو استن کردم، یه سری چیزاشم که بود، یکی از اعضا شون انگزایتی (اضطراب) خیلی شدید داشت. جیسونگ، اون موقع هم سن و سال الان من بود دیگه و انگزایتی خیلی شدید داشت. بعد منم خیلییی با اضطراب دست و پنجه نرم می‌کردم. مثلاً وقتی دیدم که یه آیدول، کسی که مثلاً انقد تو دنیا قبولش دارن، اونم این جوریه. اونم این مشکل‌ها رو داره. خب، خیلی خیلی راحت‌تر تونستم با این چیزا کنار بیام. یا مثلاً جونگ‌کوک بی‌تی‌اس که خیلی کمال‌گرایی مسمومی داره (می‌خندد). البته خودشم همیشه می‌گه. خب منم تو زندگیم خیلی این رو داشتم. همیشه این جوری بودم که خب حس می‌کنم خودم تنهام، ولی می‌بینم که یه همچین آدمایی حتی اگه این قدر بزرگ و معروف باشن، باز هم با چنین مشکلاتی دست و پنجه نرم می‌کنن. خیلی بهم حس بهتری دست می‌ده. فکر کنم، این موضوع باشه. این طوری هم بهم کمک کرده.

- از اون جایی که کمپانی‌ها خیلی سعی می‌کنن رفتار آیدول‌ها رو کنترل کنن، یعنی سعی نکردن کاور کنن بیماری‌های آیدول‌هاشون رو؟

چرا. خیلی. ولی خب پیش هم میاد دیگه. در می‌ره و خب دیگه کاری از دست‌شون بر نیامد. چون مثلاً جیسونگ توی فن‌میتینگ (ملاقات با طرفداران) حالش بد شده بود. نمی‌تونستن که چیز دیگه‌ای بگن. یا مثلاً جونگ‌کوک توی همه جا مشخصه. هر کاری که می‌کنه. ایده‌آل‌گرایی و کمال‌گرایی مشخصه. نمی‌تونن مثلاً بگن که این جوری نیست. چون اینا دیگه جزئی از آدمه. پوشوندنش فکر می‌کنم کار سختی باشه. ولی خب اصولاً کمپانی‌ها این کار رو انجام می‌دن. بعد بازم هستن کسانی که خودشون بیان و حرف بزنن و به حرف کمپانی هم توجه نکنن که البته تعدادشون کمه. مثل جی‌بی‌گات سون. یه مدت افسردگی شدید داشت. بعد مثل این که تحت درمان بود. دارو هم مصرف می‌کرد. بعد خودش اومد لایو. توضیح داد. گفت مثلاً من افسردگی دارم. قرص مصرف می‌کنم. اینم یه مشکل مثل خیلی مشکلاتی دیگه که درمان می‌شه. ازش خجالت نکشید. حتماً درمانتون رو شروع کنید. به روان‌خودتون اهمیت بدین و از این حرفا. خیلیم ری‌اکشنای (واکنش) خوبی گرفت از بقیه».

نکته مهمی که در ارتباط با اطلاع‌رسانی‌های گروه بی‌تی‌اس باید متذکر آن شد، مسأله القائات ارزشی گروه در جریان اطلاع‌رسانی‌های خودش است. به این معنا که انسان‌ها در جریان زندگی خویش نمی‌توانند فارغ از ارزش زندگی کنند و در اکثریت قریب به اتفاق موارد، رفتار انسان‌ها مبتنی بر یک نظام ارزشی استوار است.

به عنوان نمونه، در آهنگ فایر (آتش)، گروه بی‌تی‌اس پس از ترسیم خستگی جوان‌ها از قضاوت‌ها و ظلم‌هایی که نسل بزرگ‌سال بر آنان روا می‌دارند (که البته همواره این‌گونه نیست)، به جای پیشنهاد

۱ - همه جا داره می‌سوزه،
آتیش، آتیش، آتیش، آتیش، آتیش،
وقتی توی اتاقم از خواب بیدار می‌شم،
هیچی ندارم،
بعد از غروب، وقتی راه می‌رم تلوتلو می‌خورم،
من کاملاً مست مستم،
تو خیابونا دری وری می‌گم،
من زندگی رو باختم، من مثل یه دیوونه‌ام،
همه چیز به هم ریخته، زندگی‌ام مثل بوق [سانسور] می‌مونه (سبک زندگی منشوری و غیرقابل پخش هست)،
هر طور که می‌خوای زندگی کن، در هر حال زندگی خودته،
[زیاد] تلاش نکن، بازنده بودن اشکالی نداره،
همه بگین لا لا لا لا لا...
بگین لا لا لا لا لا...
دستاتون رو بالا ببرید، فریاد بزنید، آتیشش بزنید،
همه جا داره می‌سوزه،
همه چیز رو آتیش بزنید بووووووووو،
همه چیز رو آتیش بزنید بووووووووو،
هی، آتیشش بزن،
انگار که می‌خوای همه چیز رو بسوزونی،
هی، ادامه بده،
تا وقتی که صبح بشه،
فقط زنده بمون چون ما هنوز جوان هستیم،
من رو با افراد دیگه مقایسه می‌کنی، تو کی هستی که من رو مقایسه کنی؟
من فقط یه آدمم،
خب که چی،
هر طور که می‌خوای زندگی کن، در هر حال زندگی خودته،
[زیاد] تلاش نکن، بازنده بودن اشکالی نداره،
همه بگین لا لا لا لا لا...
بگین لا لا لا لا لا...
دستاتون رو بالا ببرید، فریاد بزنید، آتیشش بزنید،

راه‌هایی برای تعمیق گفتمان بین نسلی و رفع شبهات موجود در تعامل‌های نسل جوان و بزرگ‌سال، دست به تجویز برخوردی هرج و مرج طلبانه زده، جوان را تشویق به شورش علیه نسل بزرگ‌سال خودش می‌کند که البته این رویکرد، رویکرد درست و مناسبی نیست، همان‌گونه که پرهیز دادن از تعصب‌ورزی همواره درست نبوده، برخی از تعصب‌ورزیدن‌ها (نظیر داشتن عرق به وطن)، امر مناسبی هم ارزیابی می‌گردد.

می‌سوزه،

همه چیز رو به آتیش بکشید، بووووووووو،

همه چیز رو به آتیش بکشید، بووووووووو،

(آتیش) همه شماهایی که زیاد ترس دارید، بیاید اینجا،

(آتیش) همه شماهایی که رنج می‌برید، بیاید اینجا،

تمام شب مشتاتون رو بلند کنید،

(آتیش) راه‌پیمایی کنید،

بپرید و دیوونه باشید،

همه چی رو به آتش بکشید بووووووووووو،

همه چی رو به آتیش بکشید بووووووووووو،

آتیش، آتیش،

همه چی رو به آتیش بکشید،

آتیش، آتیش،

همه چی رو به آتیش بکشید،

من تو را خواهم بخشید.

۶- اثرهای اخلاقی - عقیدتی

هواداری از گروه بی‌تی‌اس، واجد آثار مختلفی نظیر اثرهای روانی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی - عقیدتی، آموزشی، اقتصادی، سیاسی، زیبایی‌شناختی، هنری، سلامت و بهداشت و خانوادگی است که در این قسمت، بررسی اثرهای اجتماعی هواداری از گروه بی‌تی‌اس مدنظر قرار گرفته و مورد بحث قرار خواهد گرفت. عناوینی که در ذیل بررسی اثرهای اخلاقی هواداری از پسران بی‌تی‌اس در این قسمت مورد بررسی قرار خواهند گرفت، به ترتیب عبارتند از: دامن زدن به تسامح اخلاقی، اثرپذیری‌های اخلاقی - عقیدتی، کم رنگ شدن ابعاد عقیدتی، سوق دادن هواداران به سمت پیوستن به جریان انقلاب جنسی، پذیرش اخلاق نسبی‌گرا، تحول‌آفرینی اخلاقی در محیط خانواده، تحول‌آفرینی در اخلاق فردی، اجتماعی و زیست‌محیطی برخی از هواداران. در ادامه به بررسی عناوین پیش گفته، پرداخته خواهد شد.

۶-۱- دامن زدن به تسامح اخلاقی

تسامح در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، معانی نسبتاً متفاوتی را القاء می‌کند، به این معنا که اگر چه در عالم سیاست تسامح سیاسی به معنای تحمل از سر ضعف است، اما در عالم اخلاق و مباحث اخلاقی، تسامح به معنای برخورد مبتنی بر سعه صدر و از سر اقتدار با نظرات مختلفی است که از سوی دیگران ارایه می‌گردد.

اگر به نظریه‌پردازی‌های انجام شده در زمینه «هویت» توجه شود، مارسیا از هویت‌های محقق، در راه تحقق، زود بسته شده و مغشوش و برزونسکی از هویت‌های اطلاعاتی (معادل هویت‌های محقق و در راه تحقق در نظریه مارسیا)، هنجاری (معادل هویت زود بسته شده) و مغشوش - سردرگم (معادل هویت مغشوش مارسیا) یاد کرده اند و تسامح اخلاقی متعلق به اشکال عالی هویتی، در نظریات ارایه شده در زمینه هویت است که صاحبان آن‌ها حاضر به گفت‌وگو با دیگران هستند، حال آن که هویت‌های زود بسته شده، به هیچ عنوان حاضر به گفت‌وگو با افراد مخالف نبوده، و بلافاصله در مشکلات پدید آمده، با برچسب زدن به طرف مقابل، در صدد رفع و رجوع مشکل یا مشکلات پدید آمده برمی‌آیند. گروه پسران بی‌تی‌اس با پذیرش آرای دیگران و عدم نفی و انکار آرای مخالف خودشان، در عمل خود را واجد تسامح اخلاقی نشان داده، به عنوان یک الگو نیز هواداران خود را به پیش گرفتن تسامح اخلاقی و پذیرش آرای متفاوت دیگران و در صورت لزوم، گفت‌وگو با آنان دعوت می‌کنند.

برخی از افراد مصاحبه شده در بیانات خودشان از تسامح اخلاقی پسران بی‌تی‌اس یاد کرده، خاطرنشان ساخته‌اند، آنان به همه اقشار، اعم از کودک و بزرگسال و پیر، احترام می‌گذارند و با وجود آن که غالباً مذهبی نیستند، به طرفداران ادیان مختلف احترام می‌گذارند و در برخورد با مسلمانان نیز نه تنها برای فرارسیدن ماه رمضان آنان، پیام تبریک می‌دهند، بلکه اجرای کنسرتشان را هنگام اذان قطع کرده و برای حفظ احترام زنان مسلمان محجبه، از دست زدن به بدن آن‌ها خودداری می‌کنند.

«- می‌تونی دقیق‌تر در مورد اهمیتی که به آرمی‌ها می‌دن، مثال بزنی؟»

مثلاً موقعی که تهیونگ به آرمی‌ها گفتش که وقتی اسم شوهرت و نامزدت و هر چی رو که پرسیدند، اسم من رو نگید، و هیچ وقت من رو به عنوان شوهرتون حساب نکنین، چون مطمئناً یکی بهتر از من رو پیدا می‌کنید و اونم باید به من قول بده از شماها مراقبت می‌کنه، مثلاً یه همچین حرف‌هایی می‌زنن.

- خوب وقتی این جملات رو می‌شنوی، چه پیام‌هایی ازش می‌گیری؟

فقط می‌دونیم که خیلی براش مهمیم. بعضی وقت‌ها داخل فن‌ساین‌ها با آرمی‌ها دست می‌دن، باهاشون بازی می‌کنن، بغل‌شون می‌کنن. اصلاً نژادپرست نیستن، به همه نژادها احترام می‌ذارن به اونایی که باحجاب ان و مسیحی اند به اونا احترام کامل رو می‌ذارن. کلاً به پیر و به بچه، به هر سنی» (رخساره، ۱۶ ساله).

«- بعد اعتقادشون در خصوص دین چه جوریه؟»

خب به دینی توهین نمی‌کنن، به طرفدارای مسلمون هم من ندیدم اصلاً، ولی قبولش هم ندارن دیگه، اما برای از دست ندادن طرفدار، از این چیزا اصلاً حرفی نمی‌زنن.

گفتم که خودشون هم عقایدشون متفاوته، یعنی همه‌شون واقعاً شاید طرفدار غرب و سرمایه‌داری نباشن، ولی تو ظاهر مجبور ان یه چیز دیگه باشن، مثلاً یکی‌شون به خدا زیاد اعتقاد داره، یکی‌شون کم یا یکی‌شون کلاً پوشش دوست داره، یکی‌شون نه، اسماشون رو نمی‌گم، حالا ولی این جور هستن.

- کلاً به طرفداراشون احترام می‌گذارن؟

آره، خیلی زیاد چون خب دنبال همین هستن، اصن طرفدار نباشه که اینا چه جور کنسرت بذارن، چه جور پول دربیارن و چه جور برن رو برج خلیفه پس؟» (صبا، ۱۶ ساله).

«... یه مصاحبه‌ای که دقیق یادمه، اینه که از اعضای بی‌تی‌اس راجع به فن‌های مسلمون‌شون پرسیدن و اینا این طوری بودن که خیلی براشون احترام قایلیم. نظرشون رو در مورد حجاب پرسیدن، یکی‌شون گفت، من فکر می‌کنم خب این طوری راحت‌ترین و این شکلی انگار برای خودشون ارزش قایل ان. کلاً با فن‌های مسلمون‌شون خوب ان. همیشه هم این رو نشون دادن. هم تو فن‌میتینگا (دیدار با طرفدارها). هم تو کنسرت‌ها. مثلاً به وقت اذان اون جایی که رفتن، مثلاً یه کشوری بوده که مسلمون زیاد داشته، کنسرت‌شون رو قطع کردن. خب دیگه اینا خودشون مسلمون نیستن، ولی واسه این که این احترام رو نشون بدن، این کار رو کردن» (رها، ۱۸ ساله).

«اصولاً گروه‌های خواننده و بازیگرها موقع ماه رمضان اصطلاحاً پیام ماه رمضان می‌فرستند و تبریک می‌گویند این ماه رو به مسلمونها و براشون آرزوی سلامتی می‌کنند و به دلیل این که کره یه سری مناسبت فرهنگی با کشور اندونزی داره و با یه سری چیزایی که حالا مسلمونها دارند، آشنا هستند و ازشون اطلاع دارن، یکیش همین ماه رمضان هست که خب بی‌تی‌اس هم چندین بار پیام ماه رمضان فرستاده.



راجع به حجاب هم بخوام بگم، این که تو یه برنامه ازشون پرسیدن که شما مثلاً فن‌های مسلمان دارید در کنسرت‌ها و برنامه‌هاتون، چه نظری راجع بهشون دارید، بعد اون وقت نامجون گفتش که فن‌های مسلمان ما کم نیستن و خیلی خوش‌حال کننده هست که ما فن مسلمان هم داریم و می‌بینمشون در کنسرت‌ها و برنامه‌ها، بعد یونگی می‌گفتش که به نظر من دخترهای کره‌ای زیبا هستن، ولی فن‌های مسلمون از دخترای کره‌ای هم زیباترن، چون که مجبور هستن زیبایی خودشون رو بپوشون که بلکه یه کم از زیباییشون کم‌تر بشه، یعنی استدلال این رو داشته که این قدر زیباتر هستند که مجبور هستن، مثلاً روسری سر خودشون کنن و مجبورن لباس‌های پوشیده بپوشن.

خیلی نسبت به فن‌های مسلمان دید خوبی دارن و خیلی اوکی ان و می‌دونن که نباید دست بزَن، نباید تاچ (لمس) بکنن، نباید بغل بکنند، مثلاً کنسرتی بودش گفتن که با ۵ نفر عکس می‌گیریم... ۵ نفر از طرفدارا... بعد وقتی که فنی که قرار بود باهاش عکس بگیرن، مسلمون بود، سریع جیهوپ اومد به همه گفتش که حواستون باشه، بغل نکنید، دست ندید، خیلی نزدیک نشید، تاچ نکنید و این‌ها بعد با رعایت همه این موارد، باهاش عکس گرفتن، صحبت کردن، پس اینا یه سری چیزا رو می‌دونن» (مهشید، ۲۱ ساله).



برخی از هواداران مصاحبه شده اظهار داشته اند که آنان تحت تأثیر تسامح اخلاقی پسران بی‌تی‌اس، برخی از تنگ‌نظری‌های خویش را کنار نهاده اند و با تسامح اخلاقی با اقوامی که پیش‌تر با دیده نفی بدان‌ها می‌نگریستند، برخورد کرده اند. راضیه ۱۵ ساله، در همین ارتباط بیان می‌داشت:

«... می‌دونن آهنگای ایرانی این جوریه که یکی رگش رو می‌زنه، یکی چون عشقش ولش کرده، خودش رو می‌کشه و یکی سیگار و الکل مصرف می‌کنه، ولی آهنگای بی‌تی‌اس این جوریه نیست و باعث می‌شه بفهمی زندگی همون قدر که سخته، خوشی‌هایی هم داره و اگه توی یه موضوعی شکست بخوریم، دلیل بر این نیست که زندگی به آخر رسیده و باید بمیری نه. اونا با آهنگاشون چون هزاران نفر رو نجات دادن. اونا باعث شدن که دیدم به زندگی مثبت‌تر باشه و برای چیزی که می‌خوام تلاش کنم. یادمه اطرافیانم می‌گفتن، اینایی که سیاه پوست هستن، کیف ان و حال بهم زن هستن و کلی حرفای زشت، ولی وقتی با بی‌تی‌اس آشنا شدم دیدم عوض شد و فهمیدم که یه سیاه پوست چه قدر زیباست، جوری که تو تابستون یه سیاه پوست رو از نزدیک دیدم که از آمریکا اومده بود و خیلی مهربون بود و احترام می‌ذاشت و خیلییی خوشگل بود».

رخساره ۱۶ ساله، در مصاحبه‌اش با اذعان به این که اعضای گروه بی‌تی‌اس دین ندارند، به شکل مشابهی از فاصله گرفتن خود و دوستانش از دین یاد می‌کند:

«- می‌دونن گروه بی‌تی‌اس راجع به مسایل مذهبی به چه صورت فکر می‌کنن؟
کره‌ای‌ها دین ندارند، ولی به همه دین‌ها احترام می‌ذارن...»

- رابطه تو و دوستان با دین به چه شکله؟

من و تقریباً همه دوستان همین جور هستیم و به دین کاری نداریم».

پونه ۱۸ ساله، با وجود نقد حضور جونغ کوک در افتتاحیه جام جهانی قطر، در برخورد با این سوال که در مواجهه با رفتارهای مجرمانه آیدول‌ها چه نظری دارد، با ملایمت هر چه تمام‌تر با این مقوله برخورد کرده، خاطر نشان می‌سازد، برای اتخاذ تصمیم درست، باید در موقعیت و شرایط همان فرد قرار گیرد تا ببیند آیا باید وی را محکوم کند یا خیر:

«سر قضیه‌ی جام جهانی که تو کشور قطر انجام شد، خیلی از آرتیست‌های هالیوود که برای مقدماتی جام جهانی دعوت شده بودن که برن و اجرا کنن نرفتن، چرا؟ چون کشور قطر قوانین سختی داره برای افراد همجنس‌گرا، این آرتیست‌ها هم نرفتن، چون خواستن مخالفت خودشون رو نشون بدن، ولی جونغ کوک رفت و سر اون قضیه من خیلی جدی ناراحت شدم. به نظرم می‌تونست نره. اما تنها چیزی که باعث شد کوک رو کنار نذارم، این بود که گفتم شایدد مجبور بوده، چون می‌دونی که آرتیستا توی کی‌پاپ و حتی تو خود هالیوود و امریکا خیلی کارا رو مجبور ان انجام بدن. بعد با توجه به این مسأله تونستم با کاری که کوک انجام داد، کنار بیام، بالاخره همه چیز خود آرتیست نیست و کمپانی‌ها هم توش دخیل هستن. بعد کوک و بی‌تی‌اس کلاً سابقه‌ی حمایت خانواده‌ی ال‌جی‌بی‌تی رو دارن. پس آره واسه همین بود که سعی کردم منطقی کنار بیام با این قضیه و احساسی برخورد نکنم. هر چند که بازم سر این قضیه کوک کلیییییی هییت گرفتم».



- از نظر تو نباید می‌رفت؟

بین هیچ باید و نبایدی وجود نداره. اخلاقیش این بود که به احترام کلی از فن‌هایی که جزئی از ال جی‌بی‌تی هستن نره و برای کشوری که همجنس‌گراها رو زندانی می‌کنه یا بهشون آزادی نمی‌ده، اجرایی نکنه، ولی رفته. این کار از نظر خیلیا مشکلی نداشتا، یعنی دغدغه‌ای ندارن. منظورم طرفدارها هست، ولی برای من مهمه که آیدولم حمایتش رو فقط با عکس انداختن با پرچم ال جی‌بی‌تی نشون نده. توی همچین موقعیتی هم حمایت کنه و نره. اما حالا که رفته، شاید ازش خرده بگیرم، ولی من پشت قضیه نیستم و نمی‌دونم که واقعاً چه اتفاقی افتاده. واقعاً تصمیم خودش بوده یا مجبوری بوده.

- اگر بر فرض علیه ال جی‌بی‌تی‌ها حرفی بزنه، کنار می‌گذاریش؟

قطعاً ناراحت می‌شم، ولی باز نمی‌دونم بگم کلاً کنارش می‌ذارم یا نه، شاید خیلی دیگه نتونم بهش به چشم اون آدم قبل نگاه کنم، کلاً باید اتفاق بیفته بینم چه کار می‌کنم.

- به نظرم الان حرف‌ها تیه جورایی تناقض داره. تو گفتی اگر مثلاً قتل کنن کنارشون نمی‌گذاری،

ولی اگر ببینی اخلاق رو زیرپا گذاشتن دیگه طرفدارشون نیستی. بعد الان داری می‌گی شاید؟

بین من گفتم هیت دادن به خاطر کاری که می‌کنن و از نظر ما بده، کار اشتباهیه، بهت هم گفتم که اگر بینم حتی بدترین کار رو هم کرده، هرگز هیت نمی‌دم، چون بالاخره اونا هم انسانان و ما حق نداریم بهشون توهین کنیم، ولی گفتم اگر اخلاق رو کنار بذارن، احتمالاً دیگه دوستشون نداشته باشم، ولی باز باید تو اون موقعیت قرار بگیرم دیگه، می‌دونی اون قدر شاید برام راحت نباشه کنار گذاشتنشون. چون خیلی برام مهمه ان ولی کل حرفم این بود که این قدر راحت تصمیم نگیریم در مورد آیدولا».

ریحانه ۲۱ ساله نیز در مصاحبه‌ای که دارد، خاطرنشان می‌سازد، وی تحت تأثیر تسامح اخلاقی گروه بی‌تی‌اس، نه تنها دید متعصبانه خودش به مردم شرق آسیا را کنار نهاده است، بلکه به مجموعه‌ای از هنرهای به زعم وی «زیر سوال» نیز علاقه‌مند شده است:

«... خب اولین تأثیری که بی‌تی‌اس روی من داشت، این بود که اون دیدگاه متعصبانه و شاید بدون فکر نسبت به آسیای شرقی و مخصوصاً کره‌ی جنوبی رو تا حدی تغییر داد. چون صادقانه بگم، دیدگاه کلی جامعه ایران به آسیای شرقی تا حد زیادی نژادپرستانه هس و چهره‌ها، محتواها و فرهنگشون حتی توسط مردم ما تحقیر و تمسخر می‌شه، ولی وقتی توی محیطش قرار گرفتم دیدم حتی چیزایی داره که می‌شه بهش علاقه‌مند شد و ابداً اون طور که فکر می‌کردم نیست. یه جورایی کی‌پاپ و بی‌تی‌اس

۱ - ریحانه از موسیقی، رقص، نقاشی و نویسندگی به عنوان هنرهای «زیر سوال» در عرف دین یاد کرده است که باید گفت، از منظر دین تنها موسیقی شهوی نفی شده است و مواردی مانند نقاشی و نویسندگی در عرف دین نفی نشده است، مگر آن که موارد اخیر (نظیر سایر موارد نفی شده در دین)، در جهت سوق دادن انسان‌ها به سمت بی‌اخلاقی، بی‌حیایی، شهوت، خشونت، پرخاشگری و تعدی به حقوق انسان‌ها و زیست محیط عمل کنند.

واسطه شدن تا من اطلاعات بیش‌تری درباره‌ی فرهنگ‌های مختلف به دست بیارم و دیدگاهم رو از اون بسته بودن و تعصبش فاصله بدم. با فرهنگ‌های مختلف آشنا بشم و با سلیقه‌های مختلف هم بتونم کنار بیام و چیزای جدیدی رو تجربه کنم و به این واسطه شاید حتی به هنرهای مخالفی مثل موسیقی، رقص، نقاشی، نویسندگی یا حتی یادگیری زبان جدید هم علاقه‌ی بیش‌تری پیدا کنم».

۶-۲- اثرپذیری‌های اخلاقی - ارزشی

«- چرا فکر می‌کنی لباس و آرایش جنسیت ندارند؟ به هر حال برخی شاید زیاد قبول نداشته باشه که به پسر آرایش کنه یا لباس‌های دخترونه بپوشه؟

این حرف مثل این می‌مونه که بگی یه دختر اصلاً قشنگ نیست که موهاش رو کوتاه کنه یا مثلاً دختر باید فقط لباس صورتی بپوشه، چون صورتی رنگ دخترونه هست. خب یه پسر شاید دوست داشته باشه لباس صورتی بپوشه یا یه میکاپ آرتیست خفن بشه. چرا نباید چیزی که می‌خواد اتفاق بیفته؟ چرا فقط به خاطر این که پسر و جنسیتش رو خودش انتخاب نکرده، این قد باید مورد تمسخر قرار بگیره و بهش توهین بشه؟ هر کی بالاخره یه علایقی داره نمی‌شه که دختر فقط یه جور باشه، پسر فقط یه جور که. این جوری دنیا یک‌نواخت می‌شه.

- آیا قبل از آشنایی با بی‌تی‌اس هم همین افکار رو داشتی یا آشنایی با اون‌ها باعث شد این طرز تفکر رو پیدا کنی؟

خب قبلش بچه بودم زیاد به این چیزا فکر نمی‌کردم ولی بعد از آشنایی با کی‌پاپ و بی‌تی‌اس متوجه شدم، هیچی جنسیت نداره» (حدیث، ۱۴ ساله).

انسان‌ها در زندگی روزمره خویش نیازمند یک نظام اخلاقی و ارزشی هستند تا مبتنی بر باید و نبایدهای آن نظام اخلاقی و ارزشی، به روابط بین فردی و اجتماعی خویش در جامعه نظم و نسق بدهند. نظام اخلاقی و ارزشی آدمی، بسان فانوس‌های دریایی که راهنمای کشتی‌ها است، راهنمای انسان‌ها در عملکرد آنان است و اتخاذ ارزش‌های متفاوت از سوی افراد مختلف، گاه می‌تواند آنان را در برابر یکدیگر قرار دهد (مانند کسی که نظام اخلاقی و ارزشی منطبق بر دارونیسم اجتماعی را می‌پذیرد و فردی که ارزش‌های برگرفته از دارونیسم اجتماعی را نپذیرفته و آن را خیانت به آمال بشری می‌داند). بنابراین اتخاذ نظام اخلاقی و ارزشی که راهنما و هادی انسان در زندگی فردی و اجتماعی وی است، برای انسان‌ها مسأله‌ای مهم و حیاتی است و می‌تواند آنان را به سعادت یا شقاوت نزدیک سازد.

با توجه به مباحث پیشین کتاب، الگوها در جهت بخشی اخلاقی و ارزشی به کودکان، نوجوانان، جوانان و سایر اقشار اجتماعی ذی‌نقش بوده و در این جهت اثرگذار واقع می‌شوند.

بررسی میدانی اثرگذاری‌های اخلاقی و ارزشی گروه بی‌تی‌اس در هواداران‌شان، نشان دهنده آن است، به جز طرفدارانی که با دیده تردید به کمپانی بیگ‌هیت نگریسته، آن را در مجموعه رفتاری

آیدول‌ها ذی‌نقش دانسته و عملکرد آیدول‌ها را نشأت گرفته از اقدامات کمپانی می‌دانند، سایر هواداران که با دید نقادی به کمپانی و اعضای گروه بی‌تی‌اس نمی‌نگرند، به میزان زیادی از ارزش‌های القایی الگوهای مورد علاقه‌شان تأثیر می‌پذیرند.

در این قسمت برای به انجام رسیدن بحث، با انتخاب سوژه جنسیت‌زدایی از آرایش، پوشش و عشق که به جد مورد تأکید گروه بی‌تی‌اس است، اثرگذاری گروه بر هواداران در این جهت مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

همان‌گونه که در مقدمه از آن یاد شد، آیدول‌ها را می‌توان از این منظر که رفتار آن‌ها، رفتار واقعی آنان است یا عملکردشان رفتارهای القایی و مورد درخواست کمپانی و نظایر آن است، به دو دسته تقسیم کرد.

از کسانی که رفتار آیدول‌ها را ذاتاً متعلق به خودشان ندانسته و آن را نشأت گرفته از دستورهای دیگران می‌دانند، انتظار می‌رود، کم‌تر تحت تأثیر رفتارهایی که آن‌ها را مصنوعی می‌دانند، واقع شوند تا افرادی که رفتار اعضای گروه بی‌تی‌اس را ذاتاً متعلق به خودشان دانسته و آنان را «برده» کمپانی نمی‌دانند.

شادی ۱۵ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، خاطرنشان می‌سازد، از منظر وی آیدول‌ها بسان برده‌های کمپانی، مجری اوامر و نواهی کمپانی هستند (و بالطبع نمی‌توان تحت تأثیر رفتارهای تصنعی آنان قرار گرفت)، مرضیه ۱۹ ساله نیز رواج داستان‌سرایی‌های هرزه‌نگار و نامناسب را خواست پنهان خود کمپانی (برای جذب مخاطبان بیش‌تر) می‌داند:

«- پسرها طرفدار همجنس‌گرایی هم هستن؟»

آره خب، همون جور که غرب هست، اینا هم هستن و احترامم می‌ذارن و حتی می‌گم رفتارهایش رو هم دارن و حتی یادمه یه بار یکی از اعضا شون لباسش رنگ پرچم ال‌جی‌بی‌تی‌ها بود و خودشم گفت به خاطر علاقه‌ام بهشون و حمایت ازشون پوشیدم.



یه جورایی برده‌داری هستش دیگه، ولی برده‌های شیک و پیکن (باخنده)، وگرنه فرقی نداره هر چی کمپانی بگه، می‌کنن و می‌گن و می‌پوشن».



«- به نظرت برخی فیکشن‌ها، نظیر فیکشن‌های اسمات به حریم خصوصی آیدول‌ها وارد می‌شوند؟ بله، متأسفانه و این تجاوز به حریم شخصی و حتی شخصیت یک انسانه.

- چرا می‌گی شخصیت؟

فکر کن کسی که تو ریل لایف یه انسان شریف و خوش قلب و دل رحمه، تو فیکشن یه قاتل مازوخیسمی متجاوزه.

- کمپانی نسبت به فیکشن‌ها و از این موارد که نقض حقوق آرتیسته، از تولید کننده و نویسنده‌های این محتواها شکایت نمی‌کنه؟

آره، هایب بارها اخطار داده در خصوص ادیت‌های جنسی، تو این مورد خیلی به کمپانی گزارش شده که فکری به حال این افراد نکنن و هر بار هایب اعلامیه داد که باهاشون برخورد و شکایت می‌شه، ولی هیچ اتفاقی نیفتاده و اون بیانیه‌ها، کلاً در حد همون بیانیه مونده و کمپانی هیچ‌وقت انجامش نداده که این خودش به تنهایی نشون می‌ده کمپانی نسبت آیدول‌هاش خیلی بی‌تفاوته».

افراد نقادی همچون شادی و مرضیه که رفتارهای آیدول‌ها را تحت تأثیر دستوره‌های کمپانی یا فضاسازی برخی از هواداران افراطی می‌دانند، تأثیر جدی‌ای از آیدول‌ها نمی‌پذیرند، زیرا رفتار آنان را متفاوت از آنچه در ظاهر وجود دارد، می‌دانند.

زهرای ۲۴ ساله و ثنای ۱۶ ساله، در مصاحبه‌های خود اثرپذیری جزئی این دست از افراد از آیدول‌ها را به نمایش نهاده اند:

«- روی شما و اطرافیان، شنیده شدن این معانی مثبت تأثیر داشته؟

(با کمی مکث) اگر خودم رو بخوام بگم یه مقداری بله، تأثیر داشته، اما نه تا اندازه‌ای که بگم کلاً رفتار و اخلاق من رو تغییر داده، نه واقعاً این طوری نبوده، اما باعث تغییرات جزئی، بله شده. اگر بقیه افراد رو بخوام بگم، بیش‌تر به شخصیت اون‌ها بستگی داره، کسانی هستن که راحت‌تر و سریع‌تر تحت تأثیر قرار می‌گیرن و احتمالاً بیش‌تر تأثیر می‌پذیرن، اما افرادی که کم‌تر تأثیرپذیر هستن هم وجود دارن و حتی ممکنه تأثیری از این معانی دریافت نکنند.

- می‌تونید نمونه‌ای از همون تأثیرات، هر چند جزئی و کوچک رو بگید؟

در همین موردی که الان گفتم، این که می‌گن فقط هدف رو نبین و از مسیر هم لذت ببر، می‌تونم بگم تأثیر گرفتم. من کاملاً برعکس عمل می‌کردم مثلاً اگر به اختیار خودم به سفر می‌خواستم برم، قطعاً شب رو انتخاب می‌کردم برای راه افتادن، چون مسیر رسیدن رو دوست ندارم و فقط مقصد برای من مهم بود، اما الان تا حدی تغییر کردم توی رسیدن به اهداف و خواسته‌هام مسیر رو هم در نظر می‌گیرم و این روی اخلاق من هم تأثیر گذاشته، البته باز هم می‌گم تا حد کمی تأثیرگذار بوده و الان هم جوری نیستم که بگم من عاشق سختی کشیدن برای رسیدن به هدفم هستم (باخنده)».

«- قبل از آشنایی با جیمین دوست نداشتی به هم‌کلاسی‌ها کمک کنی؟»

یه کم حسودم مثل مامانم، بابام حسوده، ولی نه به اندازه مامانم. جوری تربیت شدم که حسود باشم، به همه حسادت کنم و فکر می‌کنم دلیل حسود بودنم هم اینه که خودم رو دست کم می‌گیرم یا بهتره بگم، می‌گرفتم. بعد از آشنایی با بی‌تی‌اس و جیمین، دیدم یه نفر تو اوج موفقیت می‌تونه خیلی بخشنده باشه و برای موفقیت بقیه هم تلاش کنه. الان دیگه عین قبل‌ها حسادت نمی‌کنم و بهتر شدم. خیلی مهم نیست ممتاز باشم یا از همه بهتر باشم، دوست دارم همه باهم عالی باشیم. یه کوچولو اعتماد به نفسمم بهتر شده، چون دارم کمک می‌کنم و احساس می‌کنم دارم یه کاری انجام می‌دم. خیلی شبیه جیمین هستم».

در هوادارانی که دید نقادی نسبت به کمپانی ندارند و اصولاً رفتار آیدول‌ها را، رفتارهایی تصنعی نمی‌دانند، انتظار می‌رود، تأثیرپذیری ارزشی آنان از آیدول‌ها، به مراتب بیش‌تر از دسته نخست باشد، اگر برای بررسی دقیق‌تر، عرصه اثرگذاری گروه بی‌تی‌اس را تنها در زمینه شعار کلیدی آن‌ها در زمینه جنسیت‌زدایی درآرایش، پوشش و عشق مورد نظر قرار دهیم، اثرپذیری هواداران از آیدول‌ها در این جهت را می‌توان به شکل دقیق‌تری رصد کرد.

الناز ۱۲ ساله و گلاره ۱۴ ساله، در مصاحبه‌های خود از اثرپذیری خویش از آرایش کردن آیدول‌های بی‌تی‌اس یاد کرده اند:

«- خوب در مورد استایل موهاشون خوب ما توی ایران ندیدیم که پسری بیاید موهاش رو زرد یا

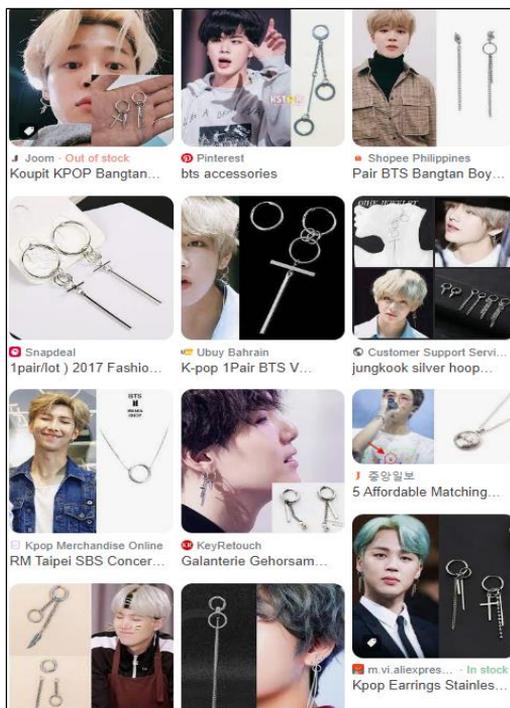
صورتی کنه، نظرت راجع به این موضوع چیه؟»

خب به نظر من این جور چیزها جنسیت نداره و هم دخترها و هم پسرها می‌تونن موهاشون رو رنگ کنن و به نظرم مشکلی نداره.
- خوب به نظرت این کار جدا از این که همه انجام می‌تونن بدن، درسته؟
آره.



- خوب این طوری دیگه از نظر ظاهری تفاوتی بین پس و دختر نیست؟
خب ما هم می‌خواهیم تفاوتی نباشه.
- یعنی به نظرت چون اونا می‌گن درسته و هم دختر و هم پسر انجام می‌دن، این کار اخلاقی و مطلوب هست؟
آره.
- تا قبل از این که اون‌ها همچین چیزی بگن، تو این طوری فکر می‌کردی؟
آره قبل از این که باهاشون آشنا شم بود، الان بیش‌تر شده.
- یعنی توی کره هم پسرها آرایش می‌کنن هم دخترها؟
اوهوم.
- در مورد زیورآلات و اکسسوری چه طور؟
خب توی کره توی کی‌دراما و اینا می‌بینیم که هم پسرا گوشواره می‌اندازن هم دخترها و این هم جنسیت نداره.

– یعنی اگه پسر بودی یا برادر داشتی همچین چیزهایی رو در اون می پذیرفتی و این کار رو تأیید می کردی؟
آره، چرا که نه».



«– نظر شخصی خودت درباره آرایش کردن بی تی اس که پسر هستن چیه؟

تا جایی که من دیدم میکاپ خیلی ساده‌ای دارن و در اینکه که یه برق لب بزنی که اون هم برای نمای خوب لبشونه نه برای این که بخوان شبیه دخترها بشن. کرم پودر و این‌ها رو هم حتی آدم‌های ایرانی هم تو برنامه‌ها می‌زنن. سایه چشم هم می‌زنن، ولی سایه چشمی که ما دیدیم هم نه، البته به ما ربطی نداره هر کاری دل شون می‌خواد بکنن. نظر شخصی‌ام اینکه که اصلاً هیچ مشکلی باهاش ندارم و ببین خیلی شخصی بخوام بگم خوشم نمیاد یه پسر خیلییی خودش آرایش بکنه، ولی در حدی که بتونن این آزادی رو داشته باشن، دوست دارم و حتی لاک زدن به نظرم مشکلی نداره مثل جیهوپ که لاک می‌زنه. در کل به شخصه با این موضوع مشکلی ندارم البته خیلی دلم می‌خواست همیشه با قیافه نرمال (معمولی) خودشون باشن، ولی خب چون که نیاز دارن که خیلی زیباتر باشن، باید میکاپ کنن.



- آیا قبل از آشنایی با بی‌تی‌اس هم چنین نگرشی نسبت به آرایش مردها داشتی؟
نه، عقب‌مونده بودم و اصلاً نمی‌دونستم پسرها ممکنه چنین کاری بکنن و اگر می‌دونستم می‌گفتم
«آه آه».

عرفان ۲۱ ساله، در مصاحبه‌اش در توصیف شدت اثرپذیری خویش از پسران بی‌تی‌اس خاطرنشان
می‌سازد، اثرپذیری وی از گروه بی‌تی‌اس آن‌چنان عمیق است که برای دفاع از آن حتی حاضر به
ایستادن در برابر خانواده و ترک خانواده نیز هست:

«- نظر والدین شما در مورد گروه بی‌تی‌اس چیه؟»

مادرم که نظری نداره و از تغییرات من و خواهرم خیلی خوشحاله، ولی پدرم مخالفه و این تغییرات
من رو سبک و جلف می‌دانه و می‌گه از این کارام دست بکشم.

- پدرت چه تغییراتی در تو را سبک و جلف می‌دانه؟

مثلاً آرایش کردن من رو و برداشتن زیر ابروهایم رو و رژلب کم‌رنگ و رژگونه ملایم زدن من رو و
یا با رنگ کردن موهایم مخالفه.

- چرا به نظرات پدرت گوش نمی‌دی؟

پدرم مال دهه پنجاه هس و من مال دهه هشتاد، حدود سی سال تفاوت فرهنگی باهم داریم. به نظر
من آرایش که فقط مال دخترا نیست. پسرها هم می‌تونن با آرایش و میکاپ حس و حال شون خوب‌تر
بشه.

- در مقابل مخالفت پدرت چی جواب می‌دی؟

می‌گم من راه خودم رو پیدا کردم و با این تغییرات هم حال خوب می‌شه، هم درآمد بیشتر شده و
اگر زیاد مخالفت کنی، می‌رم و مستقل زندگی می‌کنم و دیگه پدرم سکوت می‌کنه و هیچ حرفی
نمی‌زنه».

غزل ۱۶ ساله، مریم ۱۸ ساله، مرضیه ۱۹ ساله و مهشید ۲۱ ساله، در مصاحبه‌های خویش، از اثرپذیری
از اندیشه جنسیت‌زدایی از پوشش بی‌تی‌اس، به قرار زیر یاد کرده‌اند:

«- کی پاپ تلاش می‌کنه نشون بده لباس‌ها جنسیتی ندارند. تو هم این طوری فکر می‌کنی؟»

آره، الآن همه همین طور ان. به نظر من فقط توی کی‌پاپ نیست، همه جا دارن سعی می‌کنند، این طوری باشن. اصلاً چرا باید توی عصری که ما داریم زندگی می‌کنیم، قانونی باشه که به من بگه چون دختری باید این طوری بپوشی».

«... این که پسرها آرایش کنند یا لباس‌ها بدون برچسب زنانه و مردانه وارد بازار بشن، چه اشکالی می‌تونه داشته باشه؟ انتخاب این که من به عنوان یه انسان، چه لباسی بپوشم یا این که صورتم رو آرایش کنم، چه تأثیری در حال جامعه داره که بخواد برای مسایلی که شخصی هستند هم تصمیم‌گیری کنه. تصور کن یه روز می‌ری بیرون و یه پسر با لباس به اصطلاح دخترونه از کنارت رد می‌شه، خب چی شد؟ زخمی شدی؟ نظم ذهنیت بهم ریخت؟ زندگی‌ت مختل شد؟ این انتخاب شخصی اون فرد بوده که تو زندگی تو هیچ تأثیری نداشته و اساساً به تو هیچ ربطی هم نداره، ولی من نمی‌فهمم که چرا همچنان تو کشورهای آسیایی این مسایل پذیرفته نشده و نسل سالمند همچنان این اراده و آزادی که حقوق انسانی هستند رو نمی‌پذیرند و باهاش مبارزه می‌کنند و زندگی خیلی از جوان‌ها رو بهشون زهرمار می‌کنند. خودشون نتونستند اون طور که می‌خوان و حق‌شون هست زندگی کنند، چون پدر مادرهاشون با شیوه تفکر غلط خودشون، جلوی اون‌ها رو گرفتند، حالا این‌ها هم می‌خوان عقده‌های جوونی‌شون رو روی بچه‌هاشون پیاده کنند».

«- به نظرت آیا واقعاً لباس‌ها جنسیت دارن یا نه؟»

نه، واقعاً لباس‌ها جنسیت ندارن و این ماییم که تو برهه‌های زمانی مختلف و مکان‌های مختلف این طوری نام گذاری‌شون می‌کنیم، مثلاً اگر شما تاریخچه کفش پاشنه بلند رو ببینید، اولش متعلق به مردا بوده و بعداً با شعار این که زن و مرد فرقی ندارن، زن‌هایی اومدن کفش‌های پاشنه بلندای مردا رو پوشیدن و این طوری شد که رفته رفته کفش زنونه شناخته شد یا حتی موی بلند که در طول تاریخ می‌بینیم که مردان گذشته هم حتی موهاشون بلند بوده، ولی الآن دیگه مردا غالباً با موی کوتاه‌شون شناخته می‌شن و حتی دامن هم در گذشته برای مردها بوده که راحت‌تر بجنگن و لاک برای مردا بوده که دشمن ازشون بترسه، اگه اشتباه نگم.

- این اطلاعات در این زمینه رو از چه منبعی متوجه شدی؟

یادم نیست واقعاً شاید یوتیوب بوده باشه.

- خوب بی‌تی‌اس تا به حال در این زمینه فعالیتی داشته؟

به نظر من بله، بی‌تی‌اس سعی کرده همیشه این مرزهای جنسیتی رو کنار بذاره، اما بازم این دست فعالیت‌های بی‌تی‌اس یه چهارچوبی داره و خیلی هنجارشکنانه نیست در مقابل سلبریتی‌های غربی و استفاده از رنگ صورتی رو پسرای ایرانی عارشون میاد بپوشن، کلاً تو کره خیلی از مردا و بازیگرا و خواننده‌ها می‌پوشن و عادیه حتی به نظرم استایل بی‌تی‌اس با دامن هم بازم خیلی شیک و مردونه هست و به قول بنگتن، مد هیچ‌وقت جنسیت نداره، هر زمان هم یه چیزی مده.



سارینای ۱۳ ساله، مهتاب ۱۸ ساله، تینای ۱۹ ساله و شبنم ۲۵ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه‌ای که داشته اند، توامان تأثیرپذیری از اندیشه جنسیت‌زدایی از آرایش و پوشش را مورد تأکید خود قرار داده اند:

«- این مقدار زمانی که برای دنبال کردن بی تی اس صرف می‌کردی یا می‌کنی، آیا روی اعتقادات تأثیری گذاشته؟

روی اعتقادات مذهبی‌ام نه، تأثیری نداشته، ولی روی اعتقادات جنسیت‌زدگی چرا.

- می‌تونی درباره این اعتقادات راجع به جنسیت‌زدگی که بی‌تی‌اس روش تأثیر گذاشته، توضیح بدی؟

مثلاً من قبلاً فکر می‌کردم لباس‌ها یا رنگ‌ها جنسیت دارن ولی کی‌پاپ به من فهموند که این چیزها جنسیت ندارن، مثلاً من فکر می‌کردم که آرایش فقط مخصوص زن‌هاست، کت و شلوار فقط برای مردها هست یا رنگ صورتی یه رنگ دخترونه هست، ولی الان به نظرم دامن پوشیدن و آرایش کردن پسرها یا موی کوتاه و استایل پسرונה دخترها، هیچ مشکلی نداره».



«- نظرت در آرایش کردن پسرها چیه، آیا این کار که در فرهنگ ایران یک تابو بوده، به خاطر بی‌تی‌اس کم رنگ شده؟»

خوب تو کره اگر بدونید آرایش پسران خیلی معمولی و اوکیه. منم تو قبل از این که با بی‌تی‌اس آشنا بشم، به خاطر خانواده مذهبی که توش بزرگ شدم، زیاد دید مثبتی به این قضیه نداشتم، اما الان که نگاه می‌کنم، می‌بینم چه ایرادی داره، اگر یه پسر آرایش کنه؟ هیچی. این مرزهای جنسیتی که برای ما تعریف کردند، خوب نیستند. آدم باید بتونه آزادانه خودش رو بروز بده و اگر یه پسری دلش می‌خواد آرایش کنه یا لاک بزنه، نباید جلوش گرفته بشه، همان طور که اگر یک دختری بخواد پیراهن مردونه بپوشه یا کت شلوار رسمی مردونه بپوشه، نباید بگیریم نه، این کار رو نکن، چون مثلاً این کار زشته یا چرته. به نظرم این مرزها که ما تعیین می‌کنیم، بیش‌تر آسیب‌زا اند تا این که مفید باشند و قراره بی‌تی‌اس به این قضیه کمک کنه که هم پسرها و هم دخترها، می‌تونن راحت‌تر خودشون رو بروز بدن و با خودشون راحت باشن، چون یه شعاری هم که این‌ها دارند و مفهومی که توی خیلی از آهنگ‌هاشون بهش اشاره می‌کنند، مفهوم لاو یورسلف هست. البته به جز این هم کلی حمایت‌هایی که بی‌تی‌اس انجام داده از اقلیت‌ها و کلاً تأکیدی که روی دید مثبت فرد به خودش و پذیرش خود داره رو کم‌تر گروهی داره. از این جهت خیلی قویه بی‌تی‌اس».

«... من مثلاً هری استایلز اینا رو هم گوش می‌دم کلاً هم بی‌تی‌اس، هم هری استایلز یا سم اسمیت^۱ و اینا خیلی الآن همه‌شون آرایش کردن و لباسای زرق و برق دار پوشیدن و حتی لباسایی که تو مغازهای زنونه می‌ری می‌خری رو می‌پوشن و خیلی اوکی جلوه می‌دن این قضیه رو. مثلاً همین تهیونگ یه پیرهنی تنش بوده که تو می‌بینی فک می‌کنی پیرهن مردونه هست، ولی در اصل از اون کالکشن زنونه یه برندی بوده یا مثلاً هری استایلز می‌دونم موقعی برای مجله‌ی ووگ یه دامن پوشیده بود، بعد یکی اومد بود گفته بود که خود مردونت رو نشون بده، بعد هری با یه پستی مسخره‌اش کرده بود. یعنی خیلی دیگه بی‌تی‌اس و مثلاً می‌گم همین سم اسمیت و اینا خیلی اوکی ان که مثلاً این قضیه رو رواج بدن، ولی من چون مثلاً با کسی در ارتباط نیستم، نمی‌دونم تأثیرش چه قدر بوده.

- پس فکر می‌کنی تونستن تأثیری در عادی سازی میکاپ پسرا و تغییر دیدگاه‌ها نسبت به میکاپ پسرا و یا جنسیت‌زدایی پوشش، هم داشته باشن؟

1 Sam Smith

سم اسمیت خواننده و آهنگساز بریتانیایی است. او ابتدا به عنوان یک فرد همجنس‌گرا، اما بعداً به عنوان یک غیر باینری خود را معرفی کرد.



۴ Harry Styles

هری استایلز ترانه‌نویس، خواننده و بازیگر انگلیسی است. او بیش‌تر به خاطر فشن و استایل‌های پرزرق و برق و خاصی که دارد شناخته می‌شود و اولین مردی است که به تنهایی روی کاور مجله Vogue قرار گرفته است. او پس از وقفه فعالیت گروه وان دایرکشن با کمپانی Columbia Records به صورت جداگانه قرارداد همکاری بست و اولین آلبوم خود را با نام Harry Styles در ۲۰۱۷ منتشر کرد.



تأثیرگذار که بوده، چون من خودمم الآن نسبت به قبل خیلی اوکی تر با این چیزا دارم رفتار می کنم. قبلش یه کم حتی شاید چندشمم می شد که مثلاً اوه... مثلاً فلان... قبل از بی تی اس البته، ولی الآن خیلی این جوریم که اوکی، مثلاً خیلی نرماله و اینا. مثلاً شما گفتی خودت طرز فکر نسبت به قبل، یه کم مثبت تر شده نسبت به این که لباس جنسیت نداره یا مثلاً میکاپ کردن پسرا.

می دونی من دارم می گم که خودشون رو دارن ابراز می کنن و مثلاً عمدی نیست، چون مثلاً همه ی اعضا شون این کار رو نمی کنن. خوب؟ مثلاً من می گم پیرهنش از کالکشنه زنونه بوده، مال مثلاً همین تهیونگ بوده. در صورتی که توی اون اجرا بقیه شون لباسای مثلاً کالکشنای مردونه و از این حرفا بوده یا مثلاً یه زمان هایی شده که الآن یکی از اعضا شون هست که لاک می زنه، ولی بقیه اعضا شون این کار رو نمی کنن، چون همه شون این کار رو نمی کنن و هر کسی... دقیقاً همون برمی گرده به جمله ی قبلیم که استایل متفاوت خودش رو داره... برای همین من احساس می کنم بیش تر برای اکسپرس (نشان دادن) کردن خودشونه تا این که بخوان با برنامه ریزی این کار رو بکنن، ولی خوب همین اکسپرس کردن شون هم طبیعتاً خیلی تأثیرگذاره. من قبلاً با لاک زدن پسرا مشکل داشتم، ولی مثلاً اولش که هری استایلز و بعدشم که همین یکی از اعضای بی تی اس لاک می زدن، این جور بودم که الآن خیلی واسم یه چیز اوکی هست، خب لاک داره دیگه».



«- از لحاظ لباس پوشیدن چی؟ آیا بی تی اس و هنرمندهای کره ای تأثیری روی شما داشتن؟ خب من همیشه به آرایش صورت علاقه داشتم با این که مامانم گیر می داد که زیاد آرایش نکن. بعد که دیدم میکاپ و آرایش یه جور هنره، بیش تر علاقه مند شدم و از این مسأله خوشم اومد. وقتی هم دیدم که پسرا آرایش می کنن، اولش خیلی عجیب بود برام! احساس می کردم که مرد نباید آرایش بکنه. اما خب بی تی اس حتی لباس پوشیدن رو هم جنسیتی نمی دونه. منم تحت تأثیر اونا یه کم این تعجب

و گاردم کم شدش. حتی شاید قبل‌ترش خودم دنبال رنگ‌ها و طرح‌های لباس دخترانه بیش‌تر می‌رفتم. اما الان دیگه هر چیزی رو که دلم بپسند، انتخاب می‌کنم. مثلاً نمی‌گم این پسرונה هست و اینا».

رهای ۱۸ ساله، مه‌لقا و شقایق ۱۹ ساله و نرگس ۲۱ ساله، در مصاحبه‌هایی که داشته‌اند، اثرپذیری خویش از اندیشه جنسیت‌زایی از عشق پسران بی‌تی‌اس را به نمایش نهاده‌اند:

«- خوب همین قضیه صمیمیت بین پسرها یا گی ریلیشن شیپ‌ها^۱ (رابطه‌ی عاشقانه میان افراد همجنسگرا) حداقل توی جایی که ما داریم زندگی می‌کنم هم چنان تابو به حساب میاد. در حالی که توی کی‌پاپ زیاد دیده می‌شه. فکر می‌کنی بودن توی کی‌پاپ، توی عادی‌سازی این روابط و مسایل برای تو نقش داشته؟

چرا، تأثیر داشته، به نظر من خیلی هم تأثیر داشته.

- کسانی رو دیدی که قبل آشنایی با کی‌پاپ دید بدی نسبت به این قضایا داشته باشند، اما بعد به مرور نظرشون تغییر بکنه؟

من شخصاً خودم تا قبل این که فیکشن بخونم و همچنین چیزایی ببینم، اصلاً از این موضوع خبر نداشتم و خب قطعاً مامان بابام هم قرار نبود بیان راجع به این چیزا باهام حرف بزنن و فکر نمی‌کنم اگه مثلاً با این‌ها آشنا نمی‌شدم، می‌تونستم این قدر راحت درک کنم و بپذیرم که خب همچنین چیزی هست.

- یعنی واقعاً فکر می‌کنی، درک‌شون می‌کنی؟

ببین شاید ندونم چه احساسی دارن، ولی وقتی دیگه یه کاپل گی می‌بینم، حالا نه دیگه حتماً توی کی‌پاپ باشه. شروعش اون جا بود، ولی الان هر جای دیگه ببینم، فیلم یا عکس‌شون رو یا از نزدیک ببینم، چه قدر عاشق هم ان، خوشم میاد. واقعاً انگار حس می‌کنم چه قدر عاشق هم هستن و حس قشنگیه به نظرم. مثل اکثر مردم خودمون نیست که وای چه قدر چنشدش. شاید حال‌شون رو نفهمم، ولی مثل یه عشقی که بین دختر و پسر هست، می‌بینیم و برام قشنگه.

- فکر می‌کنی کی‌پاپ توی عادی‌سازی و جا انداختن چه چیزهای دیگه‌ای برات نقش داشته؟ مخصوصاً توی چیزهایی که توی ایران جا نیفتادن یا هم چنان تابو ان.

توی ایران که کلاً خیلی چیزا تابوئه و براشون غیر قابل درکه. منتها به نظر من رنگ کردن. این که پسرا موهاشون رو رنگ بکنن یا آرایش بکنن و این جور چیزا رو به نظر من یه کم عادی کرده. منتها برای خودمون، نه پدر مادرهامون و کل جامعه».

«- بعد این که بین دوستان کسی بود که هیچ شناختی نداشته باشه یا شناخت خیلی کم یا دید

بدی داشته باشه نسبت به جامعه کوپیرها و از طریق کی‌پاپ آشنا شده یا عادی شده باشه براشون؟ دوست صمیمی همون دورانم که قبل از من هوادار شده بود و بعد من توسط اون هوادار شدم، یک انسان هم‌فوب بود. سال‌ها طول کشید تا تغییر بکنه و به نظرم کی‌پاپ هم کمک کننده بود، با این که

همیشه گارد داشت نسبت به این قضایا. اما به مرور زمان و به کمک کی‌پاپ و دبیرستان و پیشرفت دنیا، اونم سعی کرد خودش رو آپدیت کنه».

«- چه رفتارهایی داشتن که می‌گی جذاب ان؟»

بین کلاً به دلیل کارا و مدل حرف زدن شون که مثلاً صداشون نازک بود یه کم البته و عمل کرده بودن خیلیاشون، کیوت بودن و مثلاً زیادی باهم صمیمی هستن، حتی آدم فکر می‌کنه بعضاً هم جنس-گرایی چیزی هستن در این حد. مثلاً خب اونا همه‌شون پسر ان ولی همدیگه رو از لب ماچ می‌کردن که البته تو آمریکا و اینا هم الان رایج شده بین دوستا و این حرکت مثلاً چند سال پیش که می‌کردن خیلی رایج نبود. حالا چون من الان زیاد فن‌شون نیستم یه کم منتقدانه راجع بهشون می‌گم و گرنه فن‌های فعلی‌شون که اصلاً نمی‌شه جلوشون این جور ی گفت».



«... همون سال‌های ۲۰۱۳ خیلی از همسن و سالای من حتی نمی‌دونستن هم‌جنس‌گرایی چیه. تازه بعد از این که فن‌دوم خارج کلی به این موضوع‌ها پرداخت و شیپ کردن، ایرانیا هم تازه شروع کردن به شیپ کردن اعضا. خیلیا قبلش هموفوبیا (همجنس‌گرا هراسی) داشتن و حتی از کاپل‌های همجنس‌گرا بدشون می‌اومد. اما بعد از قضیه‌ی شیپ کردن نگاهشون تغییر کرد. اما من این جور ی نبودم، قبل از اون آشنایی داشتم با همجنس‌گرایی. وقتی هم که متوجه داستان این شیپ و عشقا شدم، زیاد خودم رو درگیر نکردم. می‌گم اون قدر شوگا رو دوست داشتم که دیگه بقیه مهم نبودن».



۶-۳- کم رنگ شدن ابعاد عقیدتی

از یک منظر می‌توان دیدگاه‌های انسان‌شناختی را به دو دسته تقسیم کرد. دیدگاه‌هایی که انسان را تکلیف‌مدار می‌دانند و دیدگاه‌هایی که انسان را تکلیف‌مدار نمی‌دانند.

غالباً دیدگاه‌های دینی و معنوی آدمی را تکلیف‌مدار دیده اند، به این معنا که از فرد دیندار انتظار داشته اند، در جهت اهداف دینی و معنوی که به اعتلاء رساندن خود، خانواده فرد، جامعه‌ای که فرد در آن زندگی می‌کند و حتی جامعه جهانی خودش کوشش کند و در این مسیر حتی از احترام و پاسداشت زیست محیط اطراف و حتی زیست محیط جهانی‌اش نیز غافل نشود.

اما دیدگاه‌های غیردینی با کنار نهادن تکلیف‌مدار دیدن آدمی، وی را آزاد دیده اند و همین امر سبب شده است که آدمی هدف خویش را در این میان به اعتلاء رساندن لذات خویش بداند. برخی از افراد مصاحبه شده، با تأکید بر اندیشه‌های ایلومیناتی^۱ و شیطان‌پرستی^۲ که جهت تبلیغ بیش از پیش خود

۱ - ایلومیناتی به معنای «روشن‌ضمیر» نامی است که به چندین گروه اعم از واقعی و ساختگی داده می‌شود. از نظر تاریخی، این نام معمولاً به باوارین ایلومیناتی اشاره دارد. باوارین ایلومیناتی یک انجمن مخفی در عصر روشنگری تأسیس شده در ۱ مه ۱۷۷۶ در بایرن بخشی از آلمان امروزی بود. اهداف این انجمن مقابله با نفوذ خرافه، ظلمت‌پرستی و نفوذ مذهب بر زندگی عمومی و سوءاستفاده از قدرت بود. ایلومیناتی در کنار فراماسونری و دیگر انجمن‌های مخفی به تشویق کلیسای کاتولیک، در ۱۷۸۴، ۱۷۸۵، ۱۷۸۷، و ۱۷۹۰ با فرمان پادشاه بایرن ممنوع شدند. در سال‌های بعد این گروه از سوی منتقدان محافظه کار و مذهبی که ادعا می‌کردند فعالیت‌های آن‌ها به‌طور زیرزمینی ادامه دارد و مسوول انقلاب فرانسه هستند با تهمت مواجه بود.

در کاربرد بعدتر، ایلومیناتی به سازمان‌های گوناگونی اشاره می‌کند که مدعی بوده‌اند یا ادعا شده به ایلومیناتی باواریایی اصلی یا انجمن‌های مخفی مشابه وابسته هستند، گر چه این پیوندها بی‌پایه بوده‌اند. این سازمان‌ها اغلب متهم به دسیسه چینی برای کنترل امور جهان از طریق برنامه‌ریزی و هدایت رخدادها و نفوذ عوامل در حکومت‌ها و ابرشرکت‌ها به منظور به دست آوردن قدرت و نفوذ و ایجاد یک نظم نوین جهانی هستند. عنصر کلیدی برخی از نظریه‌های توطئه این است که ایلومیناتی در آن‌ها در سایه به تصویر کشیده می‌شود که همچون عروسک خیمه‌شب‌بازی در رمان‌ها، فیلم‌ها، برنامه‌های تلویزیونی، کامیکس، بازی‌های ویدیویی و موزیک ویدیوها را در کنترل دارد.

۲ - شیطان‌پرستی گروهی از باورهای ایدئولوژیک یا فلسفی است که هواداران آن، شیطان را یک طرح و الگوی اصلی و پیش از جهان هستی می‌پندارند. آن‌ها شیطان را موجودی زنده و با چند وجه از طبیعت انسان مشترک می‌دانند. شیطان‌پرستی را در گروه «راه‌چپ» و مخالف با «راه راست»، طبقه‌بندی می‌کنند. دست چپی‌ها به غنی‌سازی درونی خود در جریان کارهای‌شان معتقدند و نیز بر این باورند که در نهایت باید تنها به خود، جواب پس دهند؛ در حالی که دست راستی‌ها غنی‌سازی درونی خود را از راه وقف کردن و بندگی خود در برابر قدرتی بزرگ‌تر، به دست می‌آورند و باورشان این است که باید در برابر آن قدرت بزرگ‌تر، پاسخ‌گو باشند.

شیطان‌پرستی به جای اطاعت از قوانین خدایی یا قوانین فرستاده شده، عموماً بر پیشرفت فیزیکی خود با کمک الگوها و قوانین طبیعی تمرکز دارد. به همین دلیل بسیاری از شیطان‌پرستان معاصر از باورها و گرایش‌های ادیان گذشته اجتناب می‌کنند و بیش‌تر گرایش‌های خودپرستانه دارند، به گونه‌ای که خود را در مرکز هستی و قوانین طبیعی می‌بینند و بیش‌تر شبیه به مکاتبی چون ماده‌گرایی یا خودمحوری و جادومحوری هستند. به هر حال برخی از شیطان‌پرستان به‌طور داوطلبانه بعضی قوانین اخلاقی را انتخاب می‌کنند.

متوجه سلبریتی‌ها و از جمله خوانندگان شده اند، دیدگاه بسیاری از خوانندگان مشهور را ملهم از جریان‌های اخیر دانسته اند که به این ترتیب خوانندگان وابسته به اندیشه ایلومیناتی و شیطان‌پرستی، در تضاد و تعارض با اندیشه‌های دینی قرار می‌گیرند، شقایق ۱۹ ساله، در مصاحبه‌اش در همین رابطه بیان می‌داشت:

«- یعنی اعضای بی‌تی‌اس خداپرست نیستن؟»

بعیدم نیست نباشن، یعنی خب الآن متأسفانه خواننده‌های معروف دنیا یا بازیگرانش شیطان‌پرست هستند اکثراً و بین‌شون خداپرست کمه، اتفاقاً من دیدم حتی اینا آرم مثلث رو خیلی گردن خودشون می‌اندازن یا انگشتراشون یا گوشواره‌هاشون یا گردن بند مثلثی دارن، یعنی می‌بینی که آرم شیطان خب و چون هیچ وقت هم حرفی از خدا زده نمی‌شه بین‌شون، نمی‌شه گفت خداپرستن یا چی، یعنی در واقع هر کی رو که معروف باشه، باید طرف سرمایه‌دارا باشه و شیطان‌پرست بشه، حتی یه بار یکی از خواننده‌های معروف دنیا توی کنسرتش علناً گفته بود شیطان‌پرسته. اینا در واقع در خدمت یه سریا هستن که اونا خودشون خدا رو قبول ندارن و مثل برده هستن».

البته کمپانی بیگ‌هیت برای زیر پوشش قراردادن تمامی افراد جامعه، پسران بی‌تی‌اس را از اعلان موضع در مسایل مهمی مانند: دیندار بودن با نبودن، نوع گرایش جنسی، گرایش سیاسی و مانند آن‌ها منع کرده است و آنان اجازه اظهارنظر در موارد اخیر را ندارند، بنابراین بحث تبلیغ مستقیم مواردی همچون اندیشه ایلومیناتی و شیطان‌پرستی توسط آن‌ها تعدیل می‌شود (هر چند برخی از هواداران، بر طرفداری پسران بی‌تی‌اس از اندیشه‌های ایلومیناتی تأکید داشته اند)، اما سخن نگفتن اعضای بی‌تی‌اس از مقوله دین، خود به خود مسأله مهم دین را که در زندگی اخلاقی و اجتماعی تک‌تک افراد می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کند، در عادی سازی بی‌دینی مؤثر واقع می‌آید. تینای ۱۹ ساله، در همین رابطه بیان می‌داشت:

«- بی‌تی‌اس راجع به دین‌شون هم صحبت کرده؟ چون صحبت‌هایی که در این رابطه شنیدم یه مقداری تناقض داشته، بعضیا اعتقاد دارن که دین‌شون مسیحیه، بعضیا هم می‌گن که آتئیست هستن. یادمه که همین چند وقت پیشا من توی توئیتر خوندم که بی‌تی‌اس هیچ وقت به صورت آفیشال^۱ (رسمی) نگفتن دین‌شون چیه، مثلاً تو یوتیوب یه بار یه ویدیو دیدم که خودشون حدس زده بودن با توجه به این که چه می‌دونم روی گردنبنند یکی‌شون صلیب دیدن، طرف شاید مسیحی باشه. مثلاً دوتای دیگه رو گفتن که خب هیچ وقت هیچی مطرح نکردن، خب شاید اعتقادی نداشتن، ولی خب کلاً من

شیوه عملکرد شیطان‌پرستان گاهی شبیه به یک جریان وارونه سازی است که در آن برخی از کدهای اخلاقی رایج در جامعه، به شکل عمد دستخوش تغییر واقع می‌شوند. آن‌ها این شیوه را «شوک فرهنگی» می‌نامند و این عملکرد را بر اساس «نسبی‌گرایی اخلاقی» تفسیر می‌کنند.

تا جایی که می‌دونم خود کره‌ای‌ها یا همون مسیحی اینان یا از اینان که هیچ اعتقادی ندارن کلاً. بعد واقعاً اینا نمی‌تونن همچین چیزایی رو بگن دیگه و می‌دونم یه همچین حرفایی نزنن. حالا یا شایدم طرف خونده، من هنوز نخوندم. مثلاً من حالا با اعتماد به نفسم، همه چی رو خیلی رد نکنم. امکانش هست طرف بی‌دین باشه، چون خیلی از کره‌ای‌ها این بین‌شون هست که دین ندارن، شاید حتی از نصف بیش‌تر».

رهای ۱۸ ساله، با طرح نوع اعتقادات برخی از آیدول‌ها که ترکیبی از ادیان الهی و ادیان دست‌ساخته بشری است، به نوع دیگری به لوث مقوله دین و دینداری می‌پردازد:

«- خود آیدول‌ها نمی‌گن دین‌شون چیه؟

بعضی‌ها می‌گن. منتها بعضیام نه. به هر حال شخصیه دیگه.

- بیش‌تر دین‌شون چیه؟

مسیحی دارن. بودایی دارن. اینا رو زیاد دیدم. لاییک و آتئیست هم هست بین‌شون».

بعضی از طرفداران مصاحبه شده گروه بی‌تی‌اس، در اظهارنظر خویش راجع به مقوله دین، گاهی با بی‌توجهی با حضرت حق برخورد کرده و گاهی دین را مقوله‌ای قدیمی می‌دانند که باید آن را به روزرسانی کرد و گاهی از تعدیل دینداری خویش در جریان طرفداری از بی‌تی‌اس یاد کرده‌اند.

گلنوش ۱۴ ساله، شبنم ۲۵ ساله و دیبای ۱۵ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خویش در مورد تغییر نگاه دینی خویش در جریان طرفداری از گروه بی‌تی‌اس، به قرار زیر اظهارنظر کرده‌اند:

«- چیز خاصی هست که از بی‌تی‌اس یادگرفته باشی و دوست داشته باشی بگی؟

من از بی‌تی‌اس یاد گرفتم که باید بیش‌تر از هر چیزی به خودم بهاء بدم. خود ما انسان‌ها هستیم که مهم هستیم و فرصت زندگی بهمون داده شده. باید خودمون به خودمون ارزش بدیم و خودمون رو فدای بقیه نکنیم. به ما ربطی نداره که کی چه کار می‌کنه. باید خودمون رو محدود نکنیم و کامل زندگی کنیم، یعنی همیشه شاد باشیم.

- یعنی این که خود فرد از همه چیز مهم‌تره؟

آره، انسان مهم‌ترین و باهوش‌ترین موجوده و اختیار و استعداد داره.

- یعنی نظر بی‌تی‌اس اینه که انسان از خدا و هستی هم مهم‌تره؟

آره. اگه انسان نباشه چرا باید خدا دنیا رو خلق کنه. همه چی به خاطر انسان شکل گرفته، حتی خدا هم چیزیه که انسان فقط بهش فکر می‌کنه. اگه ما نباشیم انگار هیچی نیست».

«- آخه شما از طرفی هم گفتی به اعتقادات دینی علاقه‌مندی، ولی خب توی ادیان مختلف

همجنس‌گرایی پذیرفته نشده.

بین من مثلاً به مسیحیت علاقه‌مندم، ولی خب دلیل نمی‌شه که به هر چیزی که دو هزار سال

پیش گفتن، پایبند باشم.

- پس به نظر تو اخلاق یه چیز نسبیه نه؟ یعنی مثلاً همینی که تو می‌گی که چیزی به عنوان قوانین اخلاقی ثابت وجود نداره و با توجه به تغییر شرایط، قواعد اخلاقی هم می‌تونن تغییر کنن. خب توی همه شرایط نه، ولی خب یه سری چیزا این طوره. بستگی به شرایط داره. - مثل چی؟

مثلاً این که در گذشته همجنس‌گرایی غیر اخلاقی بوده، ولی الان نیستش... به نظرم دیگه نباید چارچوب‌های کهنه و قدیمی تعیین بکنند که ما باید چه طوری رفتار کنیم و فکر کنیم.

- ولی خب انگار بی‌تی‌اس در کنار صنعت فرهنگ‌سازی غربی هم داره همین کار رو می‌کنه. یعنی قبولاندن چارچوب‌های فکری و رفتاری مورد تأیید خودشون به تمام جهان. به نظرت این مسأله یک جور حذف فرهنگ‌های گوناگون و یک شکل کردن همه آدم‌ها نیست؟ اوم. نمی‌دونم، ولی خب بی‌تی‌اس بر عکس حکومت مثلاً توی کشور ما کسی رو مجبور نمی‌کنه که کاری رو انجام بده. به ما حق انتخاب می‌ده و من می‌تونم انتخاب کنم که این کار رو انجام بدم یا نه».



«- دیا جان با توجه به این که شما گفتی از ۴ یا ۵ سال پیش با کی‌پاپ آشنا شدی، آیا بی‌تی‌اس یا کی‌پاپ روی عقاید شما تأثیری داشته؟

بله، قطعاً تأثیر گذاشته ولی نمی‌تونم بگم هر چیزی که الان هستم به خاطر بی‌تی‌اس یا کی‌پاپه، چون من اون زمان با فضای مجازی هم آشنا شدم و جاهای دیگه هم رفتم، مثلاً آگه بخوام مثال بزنم، درباره مسایل مذهبی الان خیلی میانه‌روتر برخورد می‌کنم».

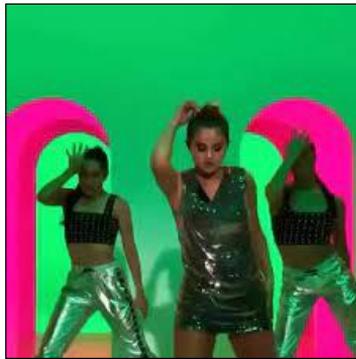
برخی از طرفداران دیگر بی‌تی‌اس، آن چنان تحت تأثیر پسران گروه قرار گرفته اند که آنان را بر دین و دین‌مداری ترجیح داده، در مقایسه دین‌مداری و اعتقاد به گروه بی‌تی‌اس، این گروه را اولی دانسته و در شرایط نیاز به راهنمایی در مورد چگونه رفتار کردن خویش، با توجه به القائات گروه بی‌تی‌اس، دست به انتخاب خط‌مشی برای خویش می‌زنند. فریبای ۴۶ ساله و گلنوش ۱۴ ساله، در مصاحبه‌های خود در همین رابطه به قرار زیر اظهار نظر کرده اند:

«... شوهرم نمی‌ذاره من حتی چادر از سر بردارم. من دوست دارم توی جمع‌های فامیلی برقصم، چه اشکالی داره مثل بقیه.»

– منظور شما رقص در جمع خانم‌هاست یا جمع‌های مختلط؟
جمع مختلط باشه، چه اشکالی داره. شوهرم می‌گه فقط جمع فامیلی زنونه یا توی عروسی جلوی مردای محرم.

– آیا بی‌تی‌اس تأثیری در این طرز تفکر شما در مورد رقص داشته؟
مثلاً چه تأثیری؟

– مثلاً این که باور شما در مورد رقص بعد از آشنایی با بی‌تی‌اس تغییر کرده باشد.
شاید روی این تأثیر گذاشته که امروز فکر می‌کنم یادگیری رقص خوبه.



– درست هست که اعضای بی‌تی‌اس می‌رقصند اما آیا رقص در جمع نامحرم‌ها خلاف عرف و دستورهای دینی شما نیست؟ شما بین دستورات دین و الگوبرداری از بی‌تی‌اس کدام را انتخاب می‌کنید؟
دستورات دینی مهم هستن، ولی وقتی می‌بینم که بی‌تی‌اس که خلاف دستورات دین ما کلاً حرکت کرده و موفق و محبوب هست، به نظر شما باید از کدوم الگو بگیرم؟ دین یا بی‌تی‌اس؟ من بی‌تی‌اس رو انتخاب می‌کنم.

– مگر الگوهایی وجود ندارند که از دین پیروی کرده و به موفقیت و محبوبیت رسیده‌اند؟
الآن دیگه کسی توی دنیا از دین به عنوان الگوی موفقیت حرف نمی‌زنه.
– الگو داریم؟

نه، نداریم، واقعاً الگوهایی که با پیروی از دین به موفقیت رسیده باشن، نداریم.
– یعنی این همه دانشمندی که ایران داشته و داره، همه بی‌دین و ایمان هستن؟
دانشمند بودن که موفقیت نیست. به نظرم شهرت و ثروت ملاک‌های موفقیت در جهان امروزی هستن.

- و بی‌تی‌اس چه قدر در این طرز فکر شما در مورد موفقیت تأثیر داشته؟ خیلی. هم شهرت دارن و هم ثروت بنابراین موفق هستن و محبوب. دوست دارم بچه‌های من، شهرت، ثروت و محبوبیت رو باهم داشته باشن».

«- به نظرت رقصیدن با اعتقادات دینی شما منافات نداره؟

من چه کار به دین دارم اصلاً. دینی که با رقصیدن مخالف باشه، اصلاً به درد من نمی‌خوره.

- دین با رقص مخالف نیست، فقط می‌گه جلوی نامحرم نباید برقصی؟

خب دقیقاً اشکال همین جاشه. اگه نتونی جلوی همه برقصی، دیگه رقص برای چیه پس. چه طوری پس معروف بشی. نمی‌شه که فقط زن‌ها رقصت رو ببینن، وقتی فیلم پخش می‌شه، همه می‌بینن، چه فرقی داره زن باشه یا مرد؛ محرم باشه یا نامحرم. من به هیچ کدوم از اینا اعتقاد ندارم. بعضی از اعضاء بی‌تی‌اس مثل وی، خیلی دیندار هستن، ولی دین‌شون نمی‌گه جلوی نامحرم نخون و نرقص. مگه ما چه فرقی با اونا داریم. حتی زن‌ها نمی‌تونن بخونن توی ایران، دیگه چه انتظاری برای رقصیدن و فرهنگش می‌مونه...»

- خب گفتمی در موقع لزوم از بی‌تی‌اس راهنمایی می‌گیری، چه طوری ازشون راهنمایی می‌گیری؟ من هر موقع که مشکلی برام پیش میاد، آهنگای مورد علاقه خودم رو گوش می‌دم و انگار بهم الهام می‌شه باید چه کار کنم یا بعضی وقتا باعث می‌شه بعضی چیزا بهم الهام بشه، باید چه کار کنم یا بعضی وقتا باعث می‌شه، بعضی چیزا بهم یادآوری بشه و کم‌تر خودم رو اذیت کنم.

- مثلاً چی بهت یادآوری می‌شه وقتی آهنگ‌ها رو گوش می‌دی؟

مثلاً همون آهنگ سووات، همیشه بهم یادآوری می‌کنه، همون چیزهایی که بهت گفتم رو... یا مثلاً خیلی آهنگ‌ها بهم یادآوری می‌کنن که دنیا ارزش غصه خوردن رو نداره و از زندگیم لذت ببرم. - اگه یک روز به این نتیجه برسی که بی‌تی‌اس اشتباه کرده یا تو راه اشتباه رو رفتی، پشیمون نمی‌شی؟

اولاً که بی‌تی‌اس هیچ وقت اشتباه نمی‌کنه. دوماً یک آرمی یاد گرفته که هیچ وقت از کاری که کرده پشیمون نشه».

۶-۴- سوق دادن هواداران به سمت پیوستن به جریان انقلاب جنسی

«- به نظرت این چیزی که گفته می‌شه، بی‌تی‌اس نشانه‌هایی از همجنس‌گرایی داره، درسته یا نه؟ بین از همجنس‌گرایی که حمایت کردن مثلاً جیمین گفته من بایسکسوالم ولی بقیه اعضاء چیزی نگفتن یا جونگ‌کوک هم آهنگ خونده» (گلاره، ۱۴ ساله).
دانشنامه ویکی‌پدیا در شرح انقلاب جنسی می‌نویسد:

انقلاب جنسی یا آزاد سازی جنسی یک جنبش اجتماعی بود که نظام سنتی رفتارهای جنسی و روابط بین فردی را در غرب در فاصله سال‌های دهه ۶۰ تا ۸۰ میلادی به چالش کشید. خیلی از تغییرات در هنجارهای جنسی در این دوره، امروزه جریان غالب شده‌اند.

آزادی سازی جنسی شامل افزایش مقبولیت سکس خارج از روابط دگرجنس‌گرایانه و خارج از حالت تک‌شریکی (عمدتاً ازدواج) بود و به دنبال آن مسایل دیگری شامل جلوگیری از آبستنی و قرص‌های ضد بارداری، برهنگی در ملاء عام و در حضور دیگران، هنجار شدن هم‌جنس‌گرایی و شکل‌های دیگر میل جنسی و قانونی شدن سقط جنین، همگی در این انقلاب مطرح شد.

به لحاظ نظری، اصطلاح «انقلاب جنسی» یا «انقلاب سکسی» ساخته یک روان‌تحلیل‌گر به نام ویلهلم رایش است. ویلهلم رایش دانشمندی اتریشی بود که در سال ۱۹۳۶ کتاب معروفی با عنوان «سکسوالیته در نبرد فرهنگی» نوشت.

به عقیده رایش، غرایز جنسی جزئی مهم از سازوکار جسمی و روانی انسان است. از همین رو، اخلاق دوگانه و سرکوب این غرایز به اختلالات رفتاری و شخصیتی می‌انجامد که نتیجه آن معمولاً یأس و دلمردگی یا رفتارهای تهاجمی است و یا در شکل تمایل به اعمال اقتدار، خشونت پنهان و ایجاد سلسله مراتب بروز پیدا می‌کند.

شعار معروف «هیپی‌ها» با عنوان «عشق بورز، جنگ نکن»، در دهه‌های شصت و هفتاد قرن بیستم، بی‌ارتباط با این آموزه‌های رایش نیست. رایش که خود را کمونیست می‌دانست، در ادامه می‌گوید که تمایل و غریزه جنسی سرکوب شده جلوی شکوفایی ظرفیت‌ها و خلاقیت‌های انسان را می‌گیرد و مانع مقابله و تعارض آن با سرکوب‌های ناشی از نظام سرمایه‌داری می‌شود.

علاوه بر آرا و نظرات رایش، تئوری‌ها و تحقیقات میدانی آلفرد کینزی، پژوهشگر آمریکایی، نیز در پدید آمدن انقلاب جنسی نقشی عمده داشت.

در واقع با پژوهش‌ها و کتاب‌های کینزی بود که مسایلی مانند اورگاسم زنان، خودارضایی، همجنس‌گرایی و مانند آن‌ها از حوزه ممنوعیت‌ها و تابوها بیرون آمدند و درباره آن‌ها در شکل عمومی بحث و گفت‌وگو در گرفت.

در کنار عرصه نظری، وارد شدن قرص ضدبارداری به بازار نیز از عوامل اصلی در بروز انقلاب جنسی بود. گر چه کاندوم و برخی دیگر از وسایل ضدبارداری تا سال ۱۹۶۰ ولو به میزان محدود رواج داشتند، ولی قرص ضدبارداری منشاء تحول عظیمی در مناسبات جنسی انسان‌ها شد.

جا افتادن و گسترش انقلاب جنسی بدون جنبش ۱۹۶۸ و تحرکات قبل و بعد از آن کم‌تر قابل تصور است. فعالان و همراهان این جنبش‌ها از یک سو علیه ارزش‌ها و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی متصلب شده پدران خود قیام کرده بودند، زیرا بروز خشونت و جنگ را ناشی از این ساختارها می‌دانستند.

از سوی دیگر آنان زیر تأثیر آرای رایش و مارکوزه بودند و اعتقاد داشتند که «بدون رفع قید و بندها در مناسبات جنسی، جامعه آزادی شکل نمی‌گیرد».

اما سودجویی رسانه‌های زرد و برخی محافل اقتصادی، موجی افراطی از پورنوگرافی و سودجویی اقتصادی از مناسبات تازه شکل گرفته را دامن زد و شور و احساس در مناسبات جنسی یا ایده‌آلهایی که رایش و مارکوزه دنبال می‌کردند را دستکم تا مدت‌ها در سایه قرار داد.

در سال‌های دهه ۱۹۸۰ با گسترش ایدز، این بحث درگرفت که تا چه حد روابط آزاد جنسی در گسترش این بیماری مؤثر است و آیا باید راه‌های ارتباط را سالم‌تر کرد یا کلاً عقب‌گشتی در مناسبات جنسی را به جریان انداخت. به ویژه نیروهای سنتی و نهادهای مذهبی آن‌ها محملی یافتند که با «استدل‌های پزشکی» به مقابله با خودمختاری جنسی برآیند و دوباره صرفاً روابط جنسی رسمی شده درون خانواده را سالم معرفی کنند. اما انقلاب جنسی از این مرحله نیز کم و بیش عبور کرده و با مراقبت‌ها و آموزش‌های معطوف به داشتن رابطه جنسی سالم، همچنان راه خود را در مسیری کم‌تر آلوده به افراط و تفریط‌ها پیش می‌برد. لیبرالیزه شدن بیش‌تر حقوق جنسی و به رسمیت شناخته شدن گرایش‌های جنسی اقلیت‌هایی که قبلاً منکوب و طرد می‌شدند از نمودهای همین روند است!»

اگر چه اعضای گروه بی‌تی‌اس به صراحت از مفهوم انقلاب جنسی یاد نکرده‌اند، اما رفتار آنان مؤید انقلاب جنسی بوده، به سبب اثر الگویی که از آن برخوردار هستند، هواداران خویش را در عمل به سمت و سوی انقلاب جنسی سوق می‌دهند.

حمایت آشکار از جامعه اقلیت جنسی، یکی از مهم‌ترین فرازهای حمایت پسران بی‌تی‌اس (و در واقع کمپانی بیگ‌هیت) از انقلاب جنسی است.

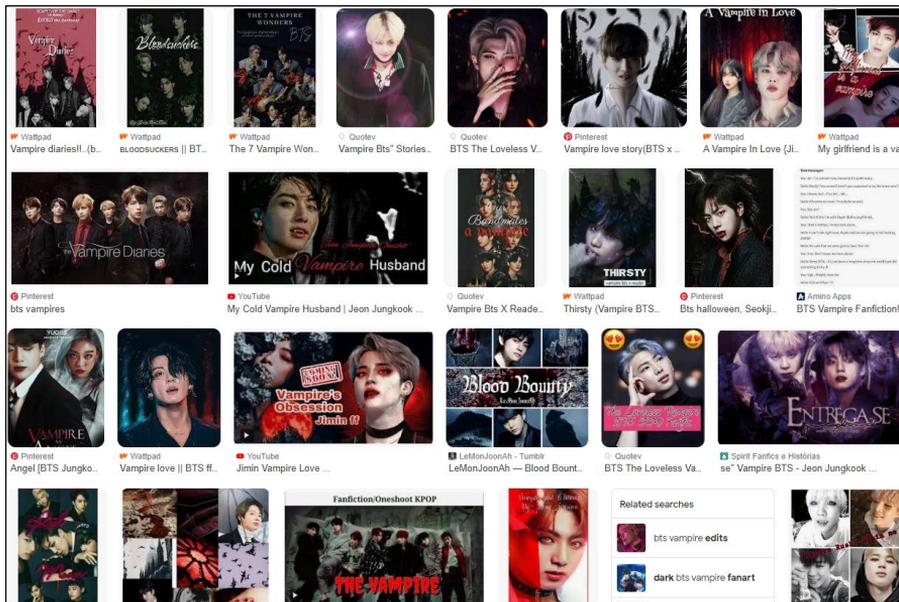
در کنار حمایت گروه بی‌تی‌اس از اقلیت جنسی یا ال‌جی‌بی‌تی‌کیو، برخی از سنت‌های شکل گرفته و موجود در کمپانی، گروه و هواداران بی‌تی‌اس، به شدت افراد را به سمت و سوی اهداف انقلاب جنسی سوق می‌دهد. مواردی مانند تهیه وان‌شات‌ها (تک‌صحنه‌ها) و فن‌فیکشن‌ها (داستان‌سرایی‌های) هرزه-نگار، شیپ کردن افراد (ایجاد رابطه فرضی بین آیدول‌های گروه بی‌تی‌اس) به لحاظ جنسی، تهیه فن‌آرت (تهیه کارهای هنری توسط هواداران)، سنت کی‌رول (ایفای نقش ذیل شخصیت‌های مورد توجه افراد) و مهم‌تر از همه سکوت اعضای بی‌تی‌اس در مورد گرایش جنسی‌شان و اعلان جیمین در ارتباط با گرایش وی به هر دو جنس، از عمده‌ترین مواردی بودند که در راستای اهداف انقلاب جنسی، توسط کمپانی بیگ‌هیت، گروه بی‌تی‌اس و هواداران آن‌ها مطرح شده است و می‌توان همراهی و همگامی کمپانی و گروه، در حمایت از انقلاب جنسی و پیوستن به آن را در این قسمت به عنوان یک نتیجه، مورد تأیید قرار داد.

بررسی آرای هواداران مصاحبه شده در این جهت بسیار روشنگر است. دیبای ۱۵ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، خاطرنشان می‌سازد، اولین آشنایی وی با ال‌جی‌بی‌تی کیو، با خواندن داستان‌سرایی‌های هواداران بی‌تی‌اس در این جهت، حاصل آمده است:

«دیبا جان آیا اهل فن‌فیکشن خواندن هستی یا نه؟»

بله می‌خوانم چون کلاً از رمان به ویژه رمان عاشقانه خوشم می‌آید. به برهه‌ای خیلیییی زیاد می‌خواندم، ولی خب داستان‌هاشون درست و حسابی بود نه الکی و چرت و پرت، ولی الان گاهی اوقات از برنامه و اتپد که پر داستان و رمان هست، می‌رم و می‌خوانم.

– به جز گونه عاشقانه از چه گونه‌های دیگه‌ای فن‌فیکشن می‌خوانی؟
خب همون طور که گفتم، اولی‌اش عاشقانه است و بعد از اون خیالی و ومپایر (خون‌آشامی) و از این ژانرهاست که دوست دارم. درام و از این چیزها که تو فاز گریه و غم هست هم خوشم می‌آید و می‌خونم (می‌خندد).



من بیش‌تر دختر و پسری می‌خوانم شاید یکی دوتا هم شده کاپلی بخوانم.



من کلاً درباره موضوع ال جی بی تی پلاس خیلی فکر کردم و تحقیق کردم باهانش سازش پیدا کردم. می‌دونی چون تو فرهنگ ما این چیزها خیلی عادی نیستن و کلاً خب کسی هم درباره‌اش از دوران کودکی حرف نمی‌زنن که برای آدم یه کم عادی بشه. برای همین برای من خیلی طول کشید تا باهانش سازش پیدا کنم.

- آیا قبل از آشنایی با بی تی اس هم شناختی راجع به ال جی بی تی داشتی یا از طریق اون‌ها با این موضوع آشنا شدی؟

اممم خب اصلاً شروع آشنایی من با ال جی بی تی از طریق بی تی اس بود، چون اون زمان که طرفدار بی تی اس شدن خودم سنی نداشتم و اصلاً پیگیر این نبودم که برم بینم اصلاً این مسایل وجود داره یا نه.»

بنفشه ۲۰ ساله نیز در مصاحبه‌اش از حمایت‌های قابل توجه اعضای گروه بی تی اس از اقلیت جنسی یاد کرده است:

«- نظرت درباره این که خیلیا می‌گن این گروه و کی‌پاپ رواج دهنده جنسیت‌زدایی از آرایش و

پوشش و عشق هست، چیه؟

واقعیتش خیلی موافق این حرف نیستم، چون به نظرم اصلاً ربطی نداره و این که هر کی، هر چی دلش بخواد می تونه بیوشه یا انجام بده، نمی دونم شاید چون این طوری فکر می کنم زیاد نمی تونم این جمله رو درک کنم اما من تا کسی بهم آسیب نزنه مهم نیست که چه کار می کنه.



- آیا در کل بی تی اس از جامعه ال جی بی تی حمایت می کنه؟
آره خب، تو کنسرت ها اکثراً این اتفاق می افته که با نوع پوشش شون حمایت شون رو از جامعه ال جی بی تی نشون می دن، مثلاً دامنی که شوگا توی مجله وگ پوشید و یا جونگ کوک که پرچم ال جی بی تی رو گرفته و نامجونم که لباس دامن طور پوشیدن.



یه بحثی هم که هست، می گن جیمین به حمایت از جامعه ال جی بی تی موهاش رو این رنگی کرده برای موزیک ویدیو، البته من مطمئن نیستم و این فقط یک تئوری هست که آرمیا می گن، وگرنه شاید دوست داشته موهاش رو این شکلی کنه».



توجه گسترده به تک‌صحنه‌ها (وان‌شات‌ها) و داستان‌سرایی‌ها (فن‌فیکشن‌ها)، در جریان روابط متقابل کمپانی و هواداران، به نوع دیگری مؤید انقلاب جنسی و پذیرش انواع رفتارهای جنسی، بدون هیچ مانع و رادعی است.

مریم ۱۸ ساله، در مصاحبه خود یادآور می‌شود که بی‌تی‌اس در صدد عادی‌سازی مقوله هم‌جنس‌گرایی در سطح جهان است. حدیث ۱۴ ساله نیز در تشریح تفاوت‌های تک‌صحنه و داستان‌سرایی‌های هواداران، خاطرنشان می‌سازد، خیلی از داستان‌های ۱۸+ (هرزه‌نگار) را هواداران زیر ۱۸ ساله بی‌تی‌اس تهیه می‌کنند و سایه ۲۱ ساله هم در مصاحبه‌اش از حجم ۶۰٪ داستان‌سرایی‌های هم‌جنس‌گرایانه هواداران یاد کرده است:

«- به نظرت حمایت بی‌تی‌اس از همجنس‌گراها، با هدف عادی‌سازی این امر در سطح دنیا هست یا این که هدفش از این کار، تبلیغ و جذب مخاطب برای خودش؟»

در حال حاضر نه فقط کی‌پاپ بلکه تو تمام دنیا مردم دارن تلاش می‌کنند این موضوع رو عادی‌سازی و فرهنگ‌سازی کنند که ما حق توهین به این افراد رو نداریم و باید گرایشی که دارند رو بپذیریم. بی‌تی‌اس هم الآن تلاشش همینه که بتونه فضا رو برای همجنس‌گراها عادلانه‌تر و انسانی‌تر بکنه، چون سال‌ها هست که این قشر جامعه دارن توسط مردم تحقیر و سرکوب می‌شن و نسل جدید به کمک صنعت موسیقی و فیلم داره کم‌کم یاد می‌گیره که باید به این قشر مثل بقیه مردم احترام بذاره و فرقی وجود نداره. به نظرم این نکته مثبتیه که بی‌تی‌اس و کی‌پاپ هم با توجه به این که جامعه کره یه جامعه آسیاییه و هنوز حالت سنتی و بسته خودش رو داره، با این وجود دارن پا به پای سلبریتی‌های کشورهای دیگه برای این موضوع تلاش می‌کنند تا در این جهت فرهنگ‌سازی بشه. البته که کلاً دنیای سلبریتی‌ها یه دنیای پر از سیاست و تبلیغات زیرپوستیه، واسه همین احتمالش زیاده که این کار نوعی تبلیغ هم براشون باشه، ولی تا وقتی داره این نوع تبلیغ کردن‌شون داره به زندگی قشری از جامعه کمک می‌کنه، اهمیتی نداره که از این راه مطرح‌تر هم بشن».

- فن‌فیکشن‌ها محدودیت سنی هم دارن؟

بعضیاشون آره. اونایی که عاشقانه یا صحنه دارن که خب بیش‌ترم طرفدار دارن حتی کسانی که سن‌شون زیر اون محدوده باشه خب باز براشون بیش‌تر جذابیت داره. این رو مثلاً یکی از سایتا هر هفته آپلود می‌کنه.



- این محدودیت سنی چه طور و برای چه کسانی اعمال می‌شه؟

جور خاص یا حساسی نیست فقط زیر کاورش می‌زنن مثلاً +۱۸ ولی خب اصلاً خیلیاشو خود بچه‌های زیر ۱۸ سال می‌نویسن. توی همه سایتا و کانالا هم در دسترسه.



یه نمونه از این فن فیکشنا برات می فرستم:



نویسنده: ویکوک دریا

کاپل: ویکوک، یونمین، نامجین (هوسوک سینگل نیست)

ژانر: رمنس، درام، برشی از زندگی، اسمات (علامت زده شده)

محدودیت سنی: ۱۸+

روزهای آپ: پنجشنبه

- تفاوت فن فیکشن با وان شات (تک صحنه) چیه؟

وان شات‌ها همون طور که از اسمشون معلومه یه داستان کوتاه در قالب یک یا دو پارت هست یعنی بیش تر از سه یا چهار پارت نمی تونه باشه. پس اگر یک داستان بلند داشته باشیم، اسمش وان شات نیست. فن فیکشن یه داستان طولانی و ادامه دار هست، مثلاً دوازده تا پارت داره. کلاً فرق وان شات و فن فیک توی طولانی بودن شونه و البته این رو هم بگم که وان شات‌ها بیش تر عاشقانه هستن، ولی فن فیک می تونه هر ژانری داشته باشه.



«- سوال بعدیم در مورد فن‌فیک‌ها هست. چه قدر دنبال شون می‌کنید؟

شما اصلاً می‌دونید فن‌فیک چیه؟

- من فکر می‌کنم داستان‌های خیالی‌ای هستند که طرفدارها درباره رابطه اعضای خود گروه می‌نویسند که گاهی هم محتوای اون جنسی هست.

خب فن‌فیک اصلاً این نیست.

- عجب. پس چیه؟

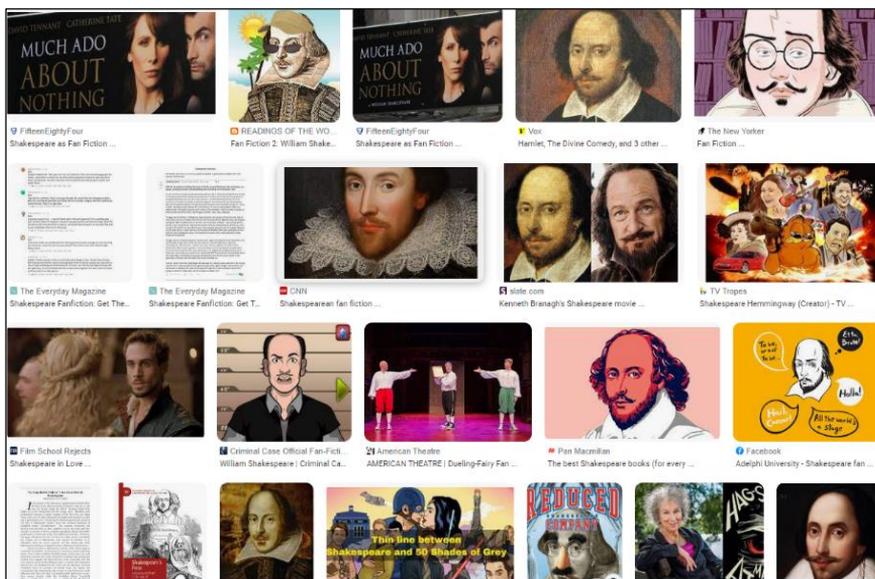
فن‌فیک زمانیه که شما یک شخصیتی رو از یک‌جایی شناختی و الزاماً نباید شخصیت واقعی هم باشه. مثلاً معروف‌ترین فن‌فیک‌ها مال هری پاتر هستند یا مثلاً شکسپیر هم خودش فن‌فیک نویس بوده.

- شکسپیر؟!

آره همین نمایشنامه هملت معروف‌ترین فن‌فیک جهانیه.

- چه طور فن‌فیک حساب می‌شه؟

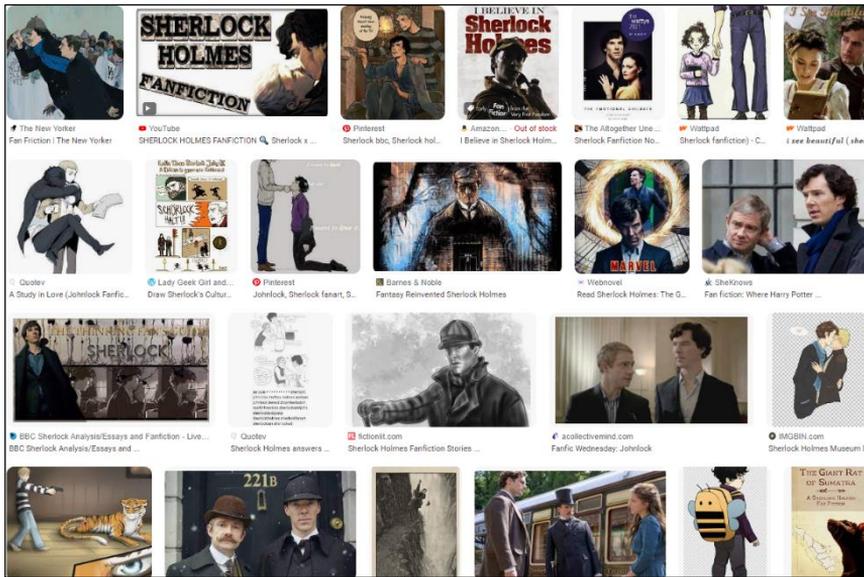
دوتا شخصیت اصلیش واقعی اند، ولی داستان واقعی نیست و هیچ کدوم از اون دوتا شخصیت‌ها نبودند که شکسپیر از شون اجازه بگیره و داستان رو بنویسه. در واقع چیزی که نوشته الان به عنوان نمایشنامه هست، ولی در زمان خودش یه داستان درباره دوتا شخصیت واقعی که وجود داشتند بوده، در حالی که خود داستان زاده تخیل شکسپیره. به خاطر همین می‌گن هملت معروف‌ترین فن‌فیک جهانیه.



ولی در واقع فن فیک این طوریه که شما مثلاً به شخصیتی رو توی یه فیلمی یا چیزی می‌بینی و بعد دلت می‌خواد بیش‌تر ازش می‌دید یا می‌خوندی. مثلاً دیدی، وقتی یه فیلم خوب رو تموم می‌کنی با خودت می‌گی کاش بیش‌تر بود یا کاش بازم می‌تونستم ادامه زندگی این شخصیت رو ببینم؟ فن فیک کارش همینیه یا مثلاً راضی نباشی از پایان یه فیلم یا کتابی چیزی و دلت بخواد یه پایان دیگه رو بخونی. میای فن فیکش رو می‌خونی یا مثلاً یه کتابی می‌خونی می‌بینی به یه شخصیتی که تو ازش خوشت اومده، دو صفحه بیش‌تر نپرداخته. میای فن فیکش رو می‌خونی یا اگر اصلاً نباشه، خودت می‌نویسی. این می‌شه فن فیک.

- و توی کی‌پاپ این اتفاق به چه صورته؟

توی کی‌پاپ هم همین قضیه هست، ولی قبلش بذارید تأکید کنم که فن فیک برای خواننده‌ها فقط مختص کی‌پاپرها نیست. همه خواننده‌ها فن فیک دارند. اگر بگید نیست، براتون نمونه میارم از هر خواننده‌ای که اسم ببرید. حتی خواننده‌های ایرانی هم فن فیک دارند و فن فیک یه چیزیه که طرفدار می‌نویسه و مخاطبش هم طرفدارهای دیگه‌اند، ولی توی کی‌پاپ قضیه فن فیک یه کم پر رنگ‌تر و بیش‌تره. چرا این طوریه؟ چون خب اولاً بگم که گروه‌های نسل دو خیلی این رو داشتند که... مثلاً بذارید شرلوک هلمز رو مثال بزنم. دیدی که مثلاً می‌گن شپ شرلوک و جان واتسون؟

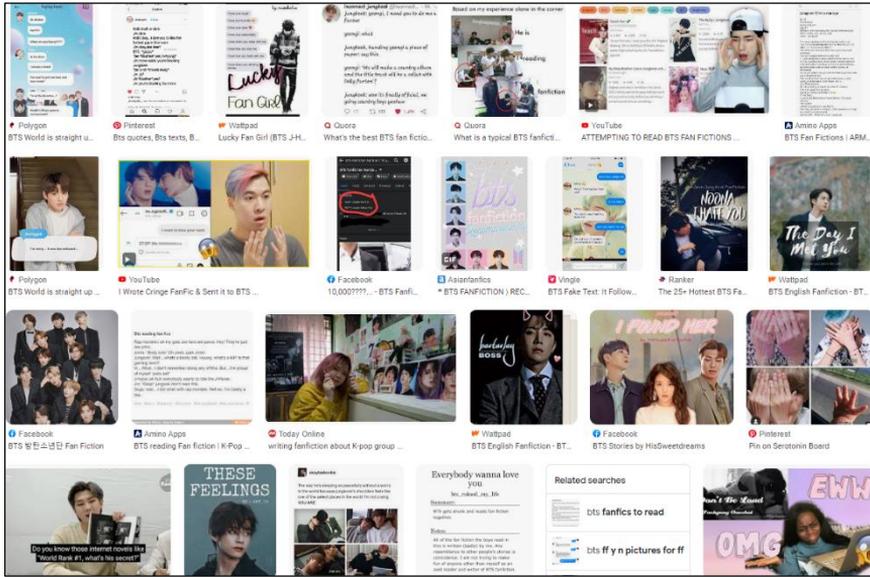


- نه من ندیدم.

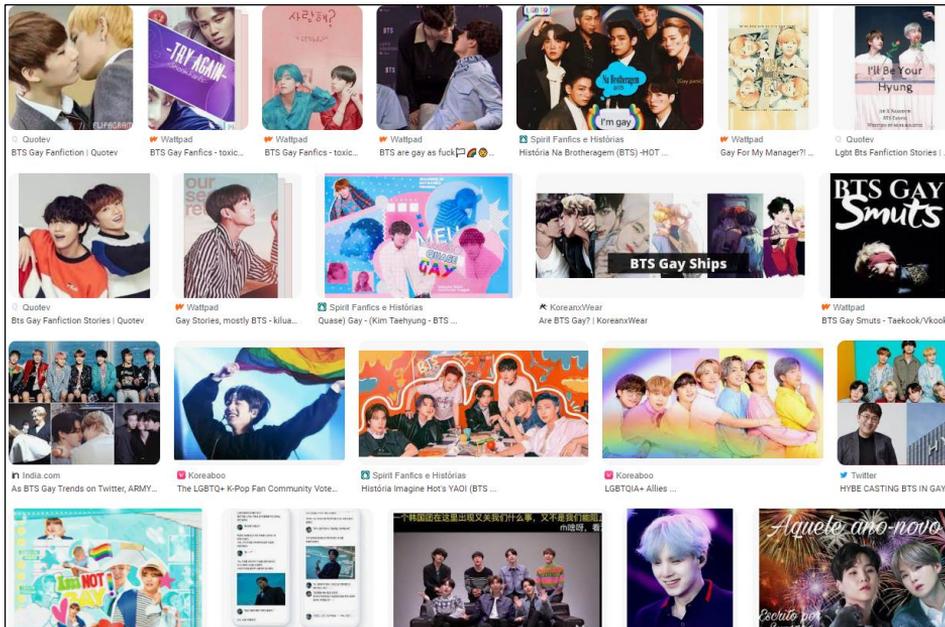
خب این مدلیه که نویسنده یا کارگردان یه دیالوگی توی فیلم یا کتابش می‌ذاره که تله جذب مخاطبه. مثلاً شرلوک برمی‌گرده به واتسون می‌گه تو دوست پسر داری؟ و بعد اونم یک ربع در سکوت نگاهش می‌کنه و تهش می‌گه نه. بعد داستان ادامه داره، ولی اون جرقه رو در ذهن مخاطب می‌زنه و رد می‌شه و بعد فن‌فیک‌های زیادی نوشته می‌شه که طرفدارها رابطه همجنس‌گرایانه این دوتا رو تخیل کرده‌اند و شما تو ته ذهنه یه داستان تشکیل می‌شه که می‌تونه بیش‌تر جذب کنه به ماجرای داستان. بعد هر شیبی رو هم یک گروهی بیش‌تر جذب می‌کنه. مثلاً شیب‌های پسرها، معمولاً دخترها رو بیش‌تر جذب می‌کنه و برعکس شیب‌های دخترها، پسرها رو بیش‌تر جذب می‌کنه. بعد شما فرض کنید که اینا ۷ تا پسر اند که دارن باهم زندگی می‌کنن یا یه گروه دیگه ۱۰ تا پسر اند که دارن باهم زندگی می‌کنند و توی کره هم روابطشون مثل ما نیست، ما تو ایران مثلاً فرهنگ اسلام از قدیم خیلی قاطی فرهنگ‌مون شده و باعث شده این چیزا تبدیل به تابو بشه، ولی خیلی وقتا این نیست و خیلی جاها فرهنگ‌شون با اینجا متفاوته. مثلاً چه می‌دونم بغل کردن بین‌شون یه چیز رایجه و یه طرفدار همین رو می‌گیره و پر و بال می‌ده بهش و تبدیلهش می‌کنه به یه فن‌فیک.

- فن‌فیک تو ایران چه وضعیتی داره؟

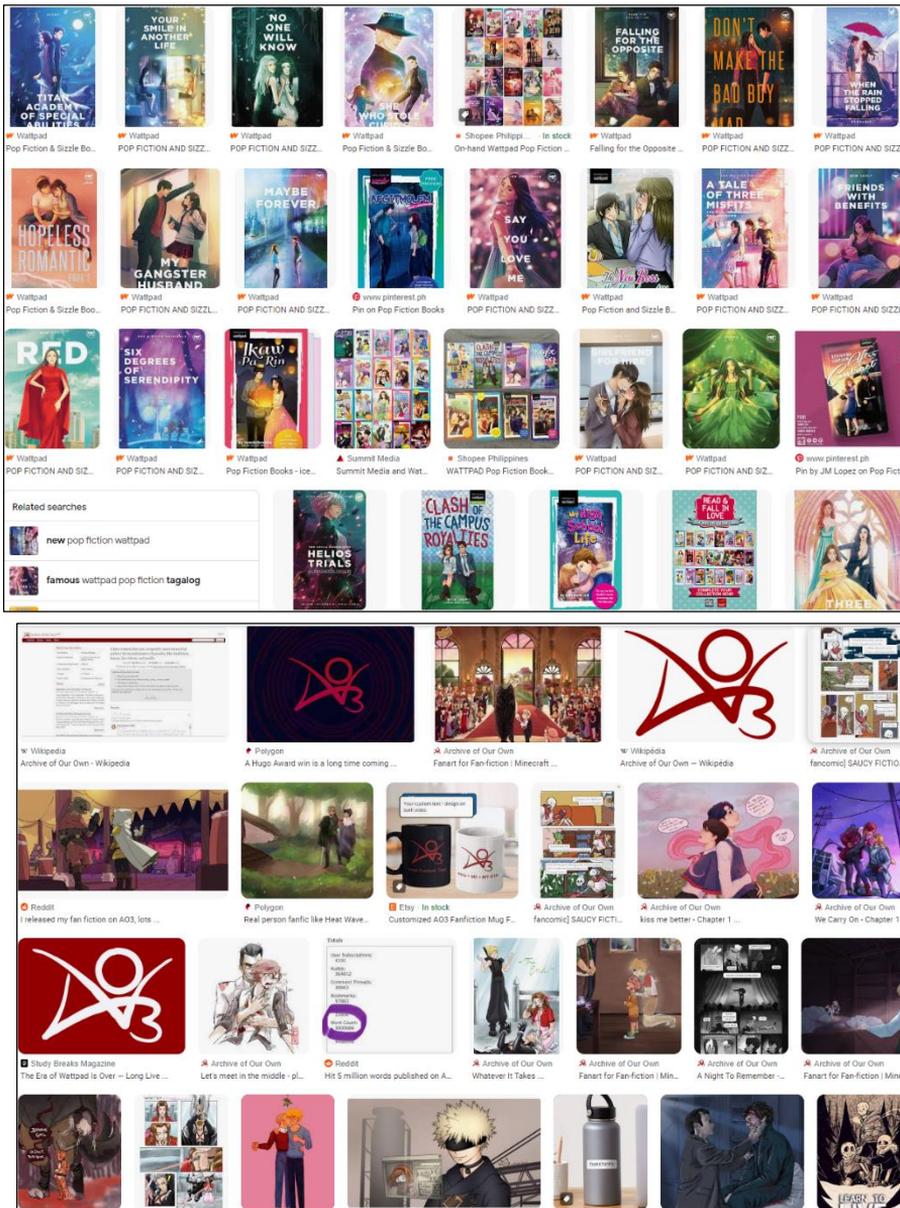
فن‌فیک تو ایران خیلی به اسم آرمی‌ها معروف شده چون جمعیت زیاده. مردم ایران هم با قضیه فن‌فیک آشناییتی نداشتند و بعد یکهو دیدن عه فن‌فیک می‌نویسند آرمی‌ها و خیلی دارن از این اصطلاح استفاده می‌کنند، پس این برای اونا هست.



- آیا محتوای این فن فیک‌ها بیش‌تر روابط همجنس‌گرایانه است؟
 همه مدلش هست. مدل‌هایی هست که اصلاً قضیه جنسی‌ای درشون نیست یا اگر هست بین دو نفر
 با جنسیت مخالفه و مدل‌هایی هست که رابطه جنسی رو به صورت باز و بی‌پرده توصیف می‌کنه.
 - ولی می‌شه گفت، مثلاً ۶۰٪ فن فیک‌ها به روابط همجنس‌گرایانه می‌پردازند؟
 آره، می‌شه گفت. اغلب این طوری‌اند.



– و این فن‌فیک‌ها رو از کجا می‌خوندن یا کجا به اشتراک می‌گذارند؟
دوتا سایت معروف هست براش. یکی واتپد و یکی آ او تیری^۱ئه. مثلاً نمی‌دونم شما توای لایت^۲
رو دیدید یا نه، ولی اونم خودش یه فن‌فیکه که تبدیل به فیلم شده.



✦ Wattpad

✦ AO3

✦ twillight



- و دنبال کردن فن فیک بین آر می‌ها چه قدر رایج‌ه؟ آیا هر آر می‌ای یک ذره فن فیک هم می‌خونه و دنبال می‌کنه یا می‌نویسه؟

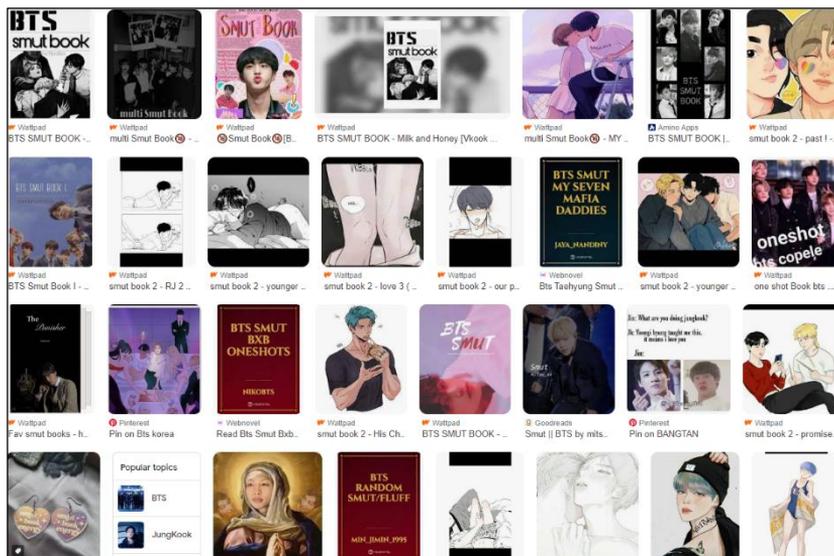
نه اتفاقاً. خیلی‌ها نمی‌خوندند. مثلاً نسبت فن فیک خوان‌ها به اونای دیگه ۴۰ به ۱۰۰ هست.»
پونه ۱۸ ساله ضمن تأیید گستردگی هرزه‌نگاری در وان‌شات‌ها و فن فیک‌ها، از تحریک شدگی کاربران این محتواها یاد کرده است که در پی تحریک شدگی خویش، در عمل به دنبال اقدام جهت تخلیه هیجان‌های جنسی خویش برمی‌آیند:

«- در مورد این سکسیست بودن داستان‌ها بیش‌تر توضیح می‌دی؟»

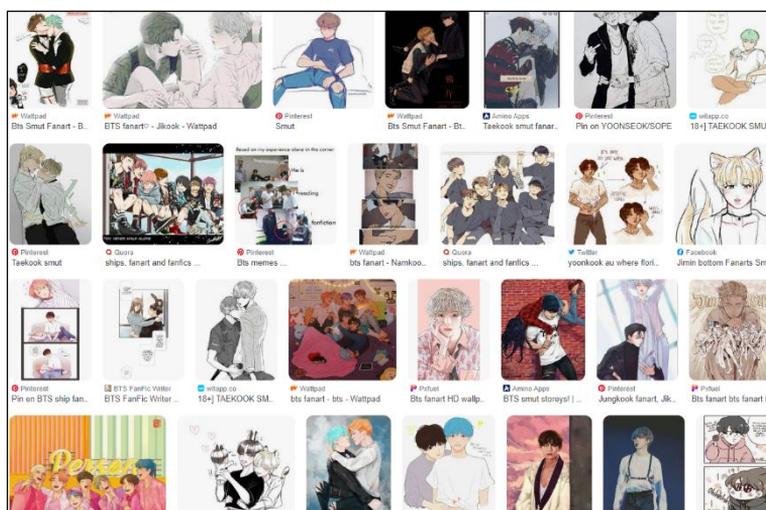
حقیقتش روم نمی‌شه بازش کنم.

- راحت باش. لطفاً هر چیزی که نظرت‌ه یا می‌دونی در موردش بگو.

بین خب این داستانی که نوشته می‌شه تمام رابطه‌ی یه شیپ رو میاد می‌گه توش دیگه، حالا با هر موضوعی یا هر کاپلی که می‌خواد باشه، باشه. از آشنایی و علاقه و عشق و دعوا و همه چیز. نویسنده تو داستان خودش همه‌ی اینا رو جا می‌ده. بعد خب یکی از اتفاقای یک رابطه، سکس و رابطه‌ی جنسیه دیگه. می‌تونم بگم نود و نه درصد داستان‌های واتپد یا اینستاگرام و تلگرام داخل‌شون سکس و اسمات (حاوی محتوای هرزه‌نگار) داره. حتی خیلی از خواننده‌ها اگر بدونن که اون داستان اسمات نداره، اصلاً سمتش نمی‌رن یا نمی‌خوننش. حتی خیلی از بوک‌ها هستن که کلاً در مورد اسماته، بهش می‌گن اسمات بوک. فقط توش میاد مثلاً در غالب یه داستان کوتاه فقط و فقط از سکس دوتا کاپل می‌نویسه و ببخشید که این رو می‌گم، اما خیلی از فنا میان از همین داستان سکسی بین دوتا کاپل لذت می‌برن و بازم ببخشید که این رو می‌گم، اما می‌دونم که خیلیا با این داستانا تحریک می‌شن و اصلاً هم هیچ شرمی ندارن از این قضیه. یه جورایی لذت می‌برن از خوندن این چیزا یا جدای از این اسمات بوکا، خیلی از داستانا عادی هستن که خب خیلی زیاد تو داستان‌شون اسمات می‌نویسن. مثلاً از هر سه پارت و قسمت داستان یک پارتش اسماته.



خیلی از فنا من بارها دیدم که میان و از نویسنده می‌خوان که اسمت بنویسه براشون یا تو تلگرام خیلی چنلای این مدلی زیاده که میان از دوتا شیپ و کاپل فن‌آرت‌های سکسی می‌ذارن یا مثلاً داستانی سکسی و اسمت می‌نویسن یا مثلاً ویس شبیه به صدای آیدولا می‌ذارن که مثلاً دارن باهم سکس می‌کنن. این چیز یکی، دو ساله انگار خیلی زیاد شده. من که خودم از وقتی فن شدم این چیزا بود، اما از بچه‌های قدیم پرسیدم، گفتن که آره، قبلاً اصلاً فضای فندوم این جور نبود و الان خیلی زیاد شده، خیلیا به خاطر همین اتفاقی درون فندومی زده شدن از همه چیز و کلاً ول کردن رفتن فندوم و بی‌تی‌اس رو.



- یعنی با آگاهی می‌خونن که نیاز جنسی شون رفع بشه؟

آره بابا، من خیلپا رو می‌شناسم که خودشون گفتن هر وقت این اسماتا رو می‌خونن، هورمونی می‌شن به جورایی و حالا دست به یه سری کارا می‌زنن. دیگه براشون مهم نیست که این کارشون چه خوندن بیش از حد، چه تخلیه‌ی نیاز با خوندن داستانا‌ی سکسی در مورد آیدول، چه قدر کار زشتیه. هر چه قدر هم بگی، اهمیت نمی‌دن. همین که کیف می‌کنن و رفع نیاز می‌کنن، براشون بسه. عقل ندارن واقعاً. شیپ کردن یا برقراری روابط فرضی بین اعضای گروه با خودشون یا عضو گروه با فرد دیگری، از دیگر موارد مطرح در فرهنگ عمومی کمپانی، گروه و هواداران است. به این معنا که کمپانی و گروه با انفعال و غالباً سکوت معنادار خود در این موارد و هواداران با تهیه متن‌هایی دال بر نزدیکی (دوستانه یا جنسی) دو آیدول یا آیدول و فردی دیگر، به شیپ کردن آنان می‌پردازند.

راضیه ۱۵ ساله، در مصاحبه‌اش در توصیف شیپ کردن و شیپرها می‌گوید:

«- درباره شیپرها هم می‌تونن توضیح بدی؟»

خب شیپ‌ایه اصطلاحیه که توی کی‌پاپ اومده. معنی‌ش می‌شه این که تو تخیلاتت تو رابطه بودن دو نفر رو تصور می‌کنی و یه زوج ایده‌آل رو تو تصورات خودمون به وجود میاریم. حالا این زوج می‌تونه پسر و دختر، دختر و پسر و پسر باشه. شیپ به کسی می‌گن که این تصورات رو توی سرش داره. برای مثال، اون دو نفر رو که باهم شیپ می‌کنیم برای اسم اون شیپ اکثراً اسم هر دو طرف رو ترکیب می‌کنین. مثلاً برای بی‌تی‌اس قدیمی‌ترین شیپ، شیپ تهجینه که اسم جین و تهیونگ رو ترکیب کردن.

- عزیزم خودت شیپ خاصی رو دنبال می‌کنی؟

من خودم شیپ خاصی رو دنبال نمی‌کنم. علاقه دارم ولی نه اون قدر که روی یک شیپ تعصب داشته باشم.

- یعنی نوع خاصی رو که قبل‌تر گفتی، دنبال نمی‌کنی.

نه که علاقه‌ای ندارم، نه، ولی آره شیپ خاصی رو دنبال نمی‌کنم و گرنه من همه‌شون رو باهم شیپ می‌کنم.

خود اعضاء رو؟

آره.

- ولی این طوری نیست که توی پیجت منتشرشون کنی.

۱- شیپ به معنی این است که دو نفر باهم نقاط مشترک زیادی دارند. شیپ‌ها می‌توانند به شکل: فرندشیپ (دوستی ساده)، استریت

(رابطه با جنس مخالف) یا گی شیپ (رابطه بر اساس همجنس‌گرایی) باشد.

آره. اگه هم بذارم سعی می‌کنم از همه‌شون بذارم، چون مثلاً یکی میاد می‌گه چرا فلان شیپ رو نداشتی و حالا چون تو اون شیپ رو نداشتی هیت‌رثون هستی.

- عزیزم به گی شیپ بیش‌تر علاقه داری؟

نه، در کل علاقه‌ام بهشون یه اندازه هست.

- پس جفت‌های دختر و پسر را هم شیپ می‌کنی؟

آره. کاپل‌های دختر و پسر رو هم شیپ می‌کنم».



غزل ۱۶ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، از معروف‌ترین شیپ‌ها در فرهنگ عمومی هواداران بی‌تی‌اس به قرار زیر یاد کرده است:

«- در مورد گی شیپ‌ها چی می‌دونی؟

(با خنده)، گی شیپ ان دیگه.

- منظورم اینه که واقعی ان یا تئوری خود فندومه؟

تو همین بی‌تی‌اس هزارتا شیپ هست. هر کدوم یه طرفداری دارن. همه شیپ‌ها هم گی و اینا نیست. ممکنه بگن مثلاً فرندشیپ‌شون قشنگه، ولی معروف‌ترینا مثلاً بی‌تی‌اس، تهکوک، ویکوکم

می‌گن بهش به خاطر اسم تهیونگ که وی هم هست. ویمین^۲، یونمینه^۳، سوپه^۴ نامجین^۵.

- تو خودت طرفدار کدومی؟

۱- Hate به معنای تنفر داشتن است و Hater به فردی گفته می‌شود که از کسی یا چیزی متنفر است و متضاد طرفدار (فن) هست.

۲- تهیونگ و جیمین

۳- یونگی و جیمین

۴- شوگا (یونگی) و جیهوپ

۵- نامجون و جین

من یونمین (می خندد).

- فقط چون خودت دوست داری با هم شپشون می کنی یا خبری هست واقعاً؟
نه. یونمین واقعیه. (می خندد). مشخصه.

- از روی چی مشخصه؟

کارهایی که شوگا و جیمین می کنن. رفتارهایی که باهم می کنن.

- این ویمین که گفتی جیمین با ویه؟

آره. جیمین و وی.

- خوب یعنی طرفدارا یه چیزی هم از این دو نفر با هم دیدن که گفتن باهم ان؟

نه، ببین، اون دیگه توهم اونا هست. توهمم نه. مثلاً این طوری که هر حرکتی رو ببینن، می گن رلن.

در حالی که این طوری نیست. مثلاً تهیونگ به عنوان یه دوست با بقیه اعضا هم اون رفتار رو داره،

ولی اینا کات می کنن اون صحنه ها رو، و می گن ویمین ایز فاکین ریلل (باخنده).

- کدوم رفتار رو با بقیه اعضا هم داره؟

مثلاً بغل کردن. نگاه کردن.

- خوب بعد از نظر تو چی یونمین و ویمین رو متمایز می کنه که تو فکر می کنی یونمین واقعیه؟

یونمین جلوی جایی که مثلاً دوربین هست، تا جایی که حواسشون هست، این کارا رو نمی کنن.

مثلاً بی هوا دست همو بگیرن، مثلاً لمس کردن. دارن حرف می زنن با یکی دیگه، ولی مثلاً دلشون

می خواد اون یکی کنارشون باشه و بهشون وصل باشه. اینم فقط من نمی گم. خیلیا که اصلاً جزو فن دوام

نیستن می گن. بعد رفتارهای بدن و اینا رو آنالیز می کنند، می گن.»

پونه ۱۸ ساله، در مصاحبه اش، هم زمان با طرح شپش کردن ها، به طرح فن آرت می پردازد که غالباً

پردازش هنری همان مباحث پیشین، در سطح آیدول ها است:

«- مگه روابط و گرایش اعضای بی تی اس رو می دونی؟

نه، ولی خب یه سری نشونه ها می دن به فنا. بعد خب کلاً کره کشور هموفوبیه (هم جنس گرا ستیز)،

نمی تونن این قدر راحت کام اوت (اعلان) کنن، ولی خب با حرفی حرکتی چیزی نشون می دن.

- چه نشونه هایی می دن، می شه مثال بزنی؟

مثلاً همین چند وقت پیش جیمین یه سری شوت منتشر کرد که توش پر از نمادای ال جی بی تی و

بایسکشوالا بود. فنا رفتن تحلیل کردن و آمارش رو در آوردن، دیدن بله جیمین در واقع با عکساش کام

اوت کرده. من یه سری خبر مخفی خوندم حتی در مورد جیمین که گویا دوست پسر هم داره. البته من

خودم چون کوکمین شیپر هستم، می گم که جیمین و کوکی باهم هستن، ولی خب خیلی ها هم باور

دارن که یک دوست پسر مخفی داره. خیلیا هم می گن یونگیه (می خندد)، ولی خب خیلی بعید می دونم.



dimin's home (vibe) Album
راستی گردنبندشم رنگین کمونیه. تیر اخر.
2.4K 11:29 AM

dimin's home (vibe)

یه چیزی بگم اونایی که میگن " جوگیر شدید الکی از خودتون برداشت میکنید و یا شاید حامی باشه " بچهها! واقعا نمیبینید تو ترجمه ها چند بار نوشتم جیمین تنها هدفش از این فوتو فولیو نشون دادن شخصیت و رنگای خودش بود؟ برداشت؟ شما یه دلیل تو این چپتر بگو من بگم راست میگی نمیشه گفت. عزیزم. یه برداشت نیست. چندین برداشته. بعدشم گفتم هیچ وقت تا موقعی که خودش درمورد گرانشش به طور مستقیم نگفته نمیتونیم بگیم ۱۰۰ درصد. ولی هر آدم عاقلی دیگه ۷۰ / ۸۰ درصد رو میفهمه، نمیفهمه؟ 🤔 جیمین داره خودشو نشون میده.

یکم اطلاعات:
طراح تپشترتی که جیمین توی این کانسپت ازش استفاده کرده از برند ایو سن لورانه که یه طراح معروف که همجنسگرا بود. توی روی دستش LOVE FREE به معنای عشق آزاد هست، برگرفته از جنبشی تو قرن ۱۹ که خواسته اونها عدم دخالت دولت توی گرایش جنسی مردم بود و مجسمه ایولو خدای دوجنسگرا / pic.twitter.com/4JKRak2XfM

اپولو لورانه
Apollo was one of the first openly bisexual

جیمینی انگار با این فوتوبوک کام اوت کرده و در مورد توضیحات این فوتوبوک هم گفته براساس احساسات درونی و خود واقعیته که باهم رو به رو میشن...

تتوی " FREE L♂VE " جیمین به معنای عشق آزاد هست یعنی عشق بدون محدودیت. در واقع free love یه جنبش اجتماعی بوده که توی قرن نوزدهم شروع شده و کسانی که جنبشو راه انداختن خواهان عدم دخالت دولت توی روابط احساسی و جنسی که یه مسئله خصوصیه بودن مثل روابط جنسی بدون ازدواج یا همجنسگرایی و ... هدف اولیه این جنبش جدا کردن دولت از مسائل جنسی و عاشقانه بود و افراد پیرو معتقدند که محدودیتی برای عشق تعریف نشده و همه اشکال اون پذیرفته شدست. ♂ این علامت هم نشونه ی پسره.

- تو خودت بر چه اساسی می گی که این دوتا باهم هستن؟

توی کنسرت و مصاحبه ها خیلی شبیه کاپلا رفتار می کنن. البته ببین خیلی ها هم می گن که چون جونگ کوک با یونگی در ارتباطه پس کوکمین ریل (واقعی) نیست، ولی خب من خودم به نظرم رابطه ی تهکوک ریل نیست و چون صرفاً بیش تر شیپ می کنن، کمپانی بیش تر بهشون می گه که حرکتی چیزی بززن، ولی داستان کوکمین فرق داره. اصلاً وایب این رو نمی دن که مثلاً از روی اجبار یا مثلاً واسه جذب مخاطب حرکتی می زنن. مشخصه که یه حسی بین شون هست،

- یعنی چی که کمپانی می گه حرکتی بززن؟

ببین اگر نگاه کنی بین طرفدارای کی پاپ می بینی که خیلی بیش تر از جاهای دیگه شیپ می کنن اعضای خودشون رو باهم. خب قطعاً امکان نداره که همه ی اعضای گروه ها باهم دیگه رابطه داشته باشن. خب پس یه جای کار می لنگه دیگه. قضیه از این قراره که توی کی پاپ، کمپانی ها میان اعضای یک بند رو آموزش می دن تا بیان توی کنسرت و مصاحبه ها و جاهای مختلف دوتایی یک سری حرکت باهم بززن. مثلاً هم رو لمس کنن. به هم خیره بشن یا مثلاً در مورد هم صحبت کنن یا مثلاً اگر یکی دیگه از اعضا به یکی از این دوتا به اصطلاح کاپل محبتی کرد یا لمسش کرد، یه جور رفتار کنن که انگار حسودی می کنن یا دوست ندارن. همه ی اینا رو بهشون می گن و توجیه شون می کنن. بعد فنا که اینا رو می بینن، خوش شون میاد و شروع می کنن به ساخت یه سری تتوری و داستان، براشون فن آرت می کشن، در موردشون فیکشن می نویسن. فن بیچ می زنن و کلی کارای دیگه. بعد کلی طرفدار پیدا می کنه اون شیپ و خب می دونی این شیپ و کاپلای گی، خیلی خیلی زیاد تو جذب مخاطب تأثیر دارن. من خودم چندتا دوست دارم تو توئیتر که به واسطه ی شیپ تهیونگ و کوک اومدن و آرمی شدن و الان دیوانه وار عاشق تهکوک هستن.

تو بی‌تی‌اس شیپ‌های زیادی هست که البته معروف‌ترین شون تهیونگ و کوکه، قبل از ته‌کوک یه شیپ دیگه هست که اون خیلی بیش‌تر طرفدار داره اونم شیپ تهیونگه. اونم خیلی تابلو فیکه و مشخصه که برای جذب مخاطب بیش‌تر دارن این جووری نشون می‌دن که جنی و تهیونگ باهم هستن. بعد از این شیپ کوک و تهیونگه که بیش‌ترین طرفدار رو داره، ولی خب خلیا جیمین و کوک یا جیمین و یونگی رو شیپ می‌کنن یا نامجون و جین رو هم شیپ می‌کنن».



کی‌رول، مقوله دیگری در فرهنگ کمپانی، گروه و هواداران به شمار می‌رود. در کی‌رول برخلاف شیپ کردن‌ها که روابط دو آیدول به طور فرضی پردازش می‌شود، افراد در نقش فرد مورد علاقه خودشان ظاهر شده و با استفاده از نام همان فرد، شروع به برون‌ریزی عواطف و احساسات خود کرده و این نقش بازی کردن از سوی هر دو طرف رابطه پی گرفته می‌شود. تجربیات انجام شده در این جهت، دلالت بر آن دارند که این نوع از ایفای نقش‌ها بدون حاشیه پیش نمی‌روند. فرشته ۱۹ ساله، در مصاحبه خودش در توصیف کی‌رول و برخی از پیامدهای آن چنین می‌گوید:

«- چرا با بخش فارسی فن‌دوم‌ها نمی‌سازی؟»

چون اول‌ها به نسبت فنای اینترنشنال هر چیزی کلاً ایرانیا یه کم ذهن‌شون بسته‌تره. از این نظر که قدیمی‌تر فکر می‌کنن، ذهن‌شون بسته‌تره و یه کم انگار همه چی شخصی می‌شه بین‌شون، به خاطر

این که همه ایرانی ان. مثلاً همین کی رول. نمی دونم چه قدر درباره اش می دونی، ولی یه چاهیه که انتها نداره. چند وقت پیش هم به لطف یه وکیلی که خودجوش پیگیر کاراش شد، گند ماجرا دراومد.

- کی رول اصلاً چی هست؟

یه سری بچه جمع می شن دور همدیگه، هرکدوم شون نقش یه آیدول رو می گیرن، بعد شروع می کنن به جای اون زندگی می کنن تو فضای مجازی. بیش تر هم تو تلگرام ان. یعنی مثلاً وارد رابطه می شن، مهمونی می رن، کلاب می رن، حتی به جای اون آیدول سکس چت می کنن و اینا. من خودم هیچ وقت توش نبودم، ولی خیلی می شنیدم ازش.

درسته اکثریت کسایی که توش ان کم سن و سال هستن، ولی یه سری آدم هم هستن که تو جریان کی رول از بچه های کوچیک تر سوءاستفاده می کنن، چون اولش تو رول نمی پرسی تو واقعاً چند سالته، اما بعد یهو می بینی بعد یه ماه حرفای ناجور زدن، می فهمن یکی شون ۱۴ سالشه یکی شون ۳۰ سال. واقعاً این چیزا پیش اومده هااا.

بعد خب بچه های کوچیک تر بی احتیاطی می کنن زود اعتماد می کنن. از رول و نقش آیدول شروع می شه، ولی کم کم شروع می کنن اطلاعات شخصی خودشون رو بدن. از اسم اصلی گرفته تا حتی کد پستی و آدرس خونه به بهونه های مختلف. همچین چیزی خیلییی می تونه خطرناک باشه.

این آقای وکیله، اسمش رو یادم نمیاد دقیقاً، ولی یادمه پیگیر این ماجرا شد. آخرش مشخص شد رأس این ماجرا که یه آدم خیلی معروفی بود بین کی پاپا در واقع یه آدم ۳۰، ۴۰ ساله بوده که سوءاستفاده می کرده از بچه ها. سر همین چیزها هست که می گم شخصی می شه.

- می شه بگی یعنی چی که سکس چت می کنن، یعنی به جای اون آیدول صحبت می کنن؟ نمونه از سم موجود تو کی رول برات می فرستم ببینی.



ولی آره دقیقاً یعنی همین. به قول خودشون با یکی کاپل می‌شن، حالا گی یا استریت. خیلی کم‌تر پیش میاد که استریت باشن هر چند.

خب آره تصور کن یه بچه ۱۳ ساله نقش جونگ‌کوک رو برمی‌داره، با یکی که نقشش تهیونگه، کاپل می‌شه بعد اینا شروع می‌کنن حرفای ناجور بزبن و سکس‌چت کنن. بعد یه مدت که حرف زدن شروع می‌کنن اطلاعات شخصی بدن و اینا بعد می‌فهمه طرفش مثلاً ۲۰ سال بزرگ‌تره ازش. یه وقتایییم به بهونه کادو فرستادن و اینا آدرس می‌گیرن از بچه‌ها. دیگه خودت تصور کن چه داستانیه».

گذشته از طرح مباحثی مانند: حمایت از ال‌جی‌بی‌تی‌کیو، تهیه وان‌شات‌ها و فن‌فیکشن‌های غالباً هرزه‌نگار، تهیه فن‌آرت‌های بعضاً نامناسب، تهیه کی‌رول‌های غالباً غیراخلاقی و شیپ کردن‌های بیشتر هرزه‌نگار، تا حال حاضر یکی از آیدول‌ها با طرح غیرمستقیم دو جنس‌گرا بودن خودش، در عمل بر مفاهیم مطرح در انقلاب جنسی صحه نهاده است. به این معنا که اگر چه در انقلاب جنسی روابط آزاد دو جنس، در مرکز ثقل مباحث مطرح شده قرار داشت و روابط نامتعارف جنسی به شکل حاشی‌های در انقلاب جنسی مطرح بودند، اما با تأکید محتواهایی نظیر تک‌صحنه‌ها، داستان‌سرایی‌ها، توصیف روابط نزدیک آیدول‌ها، تولیدهای هنری معطوف به آیدول‌ها و ایفای نقش به عنوان آیدول‌ها، بر هم‌جنس‌گرایی، بردگی جنسی و مانند آن‌ها و اقدام عملی یکی از آیدول‌ها دال بر اعلان دو جنس‌گرا بودن خویش، به نوعی تداعی‌گر انقلاب جنسی دوم است که با در نوردیدن روابط آزاد دو جنس، اکنون به فلسفه لذت بردن جنسی به هر شکل و طریق ممکن رسیده است.

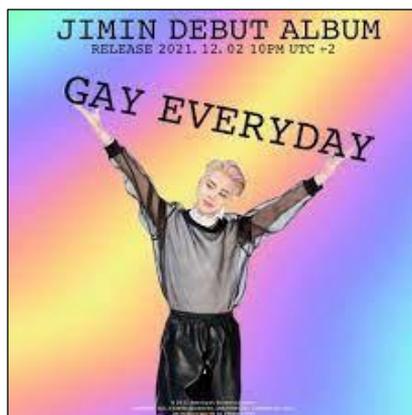
نگین ۱۳ ساله، ترنم ۱۸ ساله و ریحانه ۱۷ ساله در مصاحبه‌های جداگانه خویش در ارتباط با اقدام جیمین در اعلان غیرمستقیم دو جنس‌گرا بودن وی می‌گویند:

«- برای خود شما اعلام مواضع جیمین دال بر دو جنس‌گرا بودن چه احساس‌هایی ایجاد کرد؟ راستش برای من مهم نبود، آخه خوب اصلاً باشه به من چه، زندگیشه دیگه می‌خواد هر کاری بکند، اصلاً بگو بخواد نابود بکنه زندگی‌اش راه، تا وقتی به من آسیبی نرساند، اصلاً مهم نیست.»

«جیمین تو فوتوبوک‌هایی که اخیراً منتشر کرده انگار کام اوت کرده ۵۰ درصد به زن‌ها و ۵۰ درصد به مردها گرایش داره و این رو هم خودش اعلام نکرده، فقط براساس تئوری فن‌ها به دست اومده».

«- عزیزم من یه خبری رو شنیدم در ارتباط با گرایش جیمین، تو درباره‌اش چیزی می‌دونی؟ آره، تئوری خود آرمیا هست، ولی خب جیمین از یه طرف توی خود مصاحبه گفته که این مننه واقعیه و اینجا خیلی ابهام پیش میاد، ولی خب، نظر کلی من اینه که به خودش مربوطه و زندگی اونه، قطعاً افرادی که بایسکسوال ان یا گی ان، این گرایش دست خودشون نبوده و سختیای زیادی کشیدن توی

این راه که بتونه یه روز حقیقت رو بگه، در هر صورت چه بایسکشوال باشه، چه نباشه، من حمایت می‌کنم، چون به خاطر گرایش یا تیپ و قیافه نبوده که فن‌شون شدم، مثلاً مثل خیلیا یهو یه تیکه از تیک تاکی چیزی دیده باشم یا عکسی که به خاطر قیافه بوده باشه، نبود و به خاطر بی‌نظیر بودن و استعدادشون توی موزیک و رنگ صدای قشنگ‌شون بود».



نتیجه کاربری از مواردی مانند تک‌صحنه‌ها، داستان‌سرایی‌ها، طرح روابط نزدیک آیدول‌ها، تولیدهای هنری، محتوای تهیه شده ذیل عنوان ایفای نقش آیدول‌ها و نظایر آن‌ها که غالباً ناظر بر مسایل جنسی هستند، در ساده‌ترین سطح خود، عادی شدن روابط نامتعارف مانند هم‌جنس‌گرایی را در بردارند. در سطوح بعد ممکن است هواداران دست به ستایش موارد نامتعارف پیش‌گفته زده و در مراحل بعد، از تحریک‌شدگی خویش یاد کنند و سرانجام به صراحت از اتخاذ مواضع تبلیغ‌شده در مجموعه رفتاری خودشان سخن به میان بیاورند.

شب‌نیم ۲۵ ساله، از عادی‌سازی روابط هم‌جنس‌گرایانه در جریان کاربری از بی‌تی‌اس به قرار زیر یاد کرده است:

«- حالا نظر خود شما نسبت به همجنس‌گرایی چیه؟ یادمه که گفتی قبل از آشنایی با بی‌تی‌اس اصلاً آشنایی‌ای با این موضوعات نداشتی، اما نگفتی الان چه فکری می‌کنی؟
نگفتم؟ (می‌خندد) خب من واسه خودم که اصلاً علاقه‌ای ندارم به همجنس و اینا، ولی خب این جوریم که اگه دوستم مثلاً همجنس‌گرا باشه، اوکیم تا جایی که به حریم من احترام بذاره. حالا اون می‌خواد با همجنس خودش روابط عاشقانه داشته باشه به خودش مربوطه، ولی با من هم می‌تونه دوست معمولی باشه. یعنی دیگه مثل قدیم برام یه آدم و یه چیز عجیب غریب نیس. مهم اینه که آدمه دیگه حالا زندگی شخصیش دیگه به خودش ربط داره».

نیکوی ۱۵ ساله، در مصاحبه خود به نوعی دست به ستایش روابط افراد همجنس‌گرا زده است:

«- تو از طریق بی‌تی‌اس با همجنس‌گرایی و جامعه کوئیر آشنا شدی؟
نه، من فیلم زیاد می‌بینم، واسه همین از قبل هم در موردشون می‌دونستم و خوشم می‌اومد ازشون. البته در مورد گرایش خودم هنوز هیچی نمی‌دونم، چون به نظرم زوده آدم تو نوجوانی بخواد در این مورد به نتیجه برسه و ممکنه اشتباه کنه.

- یعنی بی‌تی‌اس روی علاقه‌ای که به همجنس‌گرایان داری، تأثیری نداشته؟

نه، می‌گم از طریق فیلم‌هایی که دیدم بهشون علاقه‌مند شدم.

- به نظرت دلیل این علاقه‌مندی به جامعه کوئیر چیه؟

به نظرم عشقی که بین‌شونه خالص‌تره، چون توی روابط افراد استریت^۱ مسایل جنسی خیلی زیادی مطرحه، یعنی اکثر پسرها حواس‌شون فقط به این موضوعه، ولی تو روابط کوئیرها، به دلیل محدودیت‌هایی که دارند، باید عشق‌شون به هم خیلی زیاد باشه که جرأت کنند به همدیگه اعترافش کنند و تو جهانی که خیلی‌ها علیه همجنس‌گرایی اند، این شجاعت رو داشته باشند که دست هم رو بگیرند. ممکنه حتی به خاطر رابطه‌شون با خانواده‌هاشون دچار چالش بشن و البته مشکلات دیگه‌ای هم هست. کلاً همجنس‌گرا بودن چیز آسونی نیست و دردسر زیاد داره، واسه همین اکثر همجنس‌گراهایی که باهم هستن، برای این باهم بودن دارن هر روز می‌جنگند و این عشق‌شون رو واقعی‌تر می‌کنه. روابط استریت اون قدر راحت و دم‌دستی شده که کسی قدرش رو نمی‌دونه و همه فکر می‌کنند، این نباشه، صدتا مثل این هست، پس چرا به خاطرش تلاش کنم یا دوست داشته باشمش. به نظرم سوءاستفاده احساسی و جنسی تو جامعه کوئیر کم‌تر پیش میاد و ارزش عشق رو بیش‌تر می‌دونند».

مرضیه ۱۹ ساله نیز از تحریک‌شدگی خودش در جریان کاربری از وان‌شات‌ها یاد کرده است که گاهی ممکن است توام با تصویر و یا ضبط ویدیویی باشند:

«- به نظرت وانشات‌ها چه تأثیری روی حالت‌های روحی و جسمی افراد دنبال کننده‌ی اون می‌گذاره؟ از نظر من وانشات بدتر از فیکشنه، وانشات این طوره که میاد روی ایمجینیشن تو تمرکز می‌کنه و اثر می‌ذاره به همراه عکس یا ویدیوی اون آیدول و فیک‌ساب و نوشته‌هایی تحریک‌آمیز، همین باعث می‌شه واقعاً برای مدت کوتاهی هم روحی و جسمی تحت تأثیر قرار بگیری و اون سناریو رو خودت با اون آیدول تجربه کنی.

- باعث تحریک شدن خواننده‌ها و بیننده‌ها می‌شه؟
دقیقاً، روم به دیوار.



- تو خودت شدی؟

قبلاً بله و یادآوریش هم اذیتم می‌کنه، چون من نماز می‌خونم و روزه می‌گیرم، واس همین سعی می‌کنم اصلاً ازشون دور باشم، چون ممکنه وقتی بازشون کردم دیگه نتونم ازش پیام بیرون، در حالی که اگه از چشمم دور باشن بهتره».

رخساره ۱۶ ساله، در مصاحبه خودش اظهار می‌دارد، طی ۳-۴ سالی که طرفداری بی‌تی‌اس بوده است، به این مسأله وقوف پیدا کرده است که عشق جنسیت‌پذیر نیست و در ادامه شخصاً به سمت روابط دوجنس‌گرایانه رفته است:

«- بعد وقتی که فکر کنی این که دوتا از این‌ها باهم دیگه هم در ارتباط ان، چه احساسی پیدا می‌کنی که دوتاشون هم جنس ان و باهم در رابطه هستن؟

من به این گرایش کاملاً احترام می‌ذارم، حتی خودمم بایوسکچوالم. من گرایش و جنسیت اصلاً برام مهم نیست و از کسانی نیستم که بگم وای چه قدر چندان و این دوتا دختر یا این دوتا پسر باهم ان. من خودم کسی هستم که با یک دختر بودم. برای همین برای من عادیه.

- از چه زمانی راجع به خودت این طوری فکر می‌کنی؟
کمتر از یک سال می‌شه این حدوداً.

- فکر می‌کنی این مسأله ارتباطی با گروه بی‌تی‌اس داره؟

من ۳، ۴ سالی هست که طرفداره بی‌تی‌اس هستم، خیلی بعدش بود به بی‌تی‌اس ربطی نداره. من وقتی که داخل یک گپ بودم با یه نفر آشنا شدم، بعد از هم خوش‌مون اومد و خوب رفتیم توی رابطه، توی یک گروهی بهویی دیدم خیلی ازش خوشم اومد.

- اطلاعاتت را در مورد این که می‌شه بایوسکچوال بود را از کجا به دست آوردی؟
به نظر من اصلاً مهم نیست که آدم‌ها گرایش‌شون چی باشه، بالاخره هر کسی می‌تونه از هر کسی خوشش بیاد، ممکنه که یکی دختر باشه از یه دختر خوشش بیاد، یکی پسر باشه، از یه پسر خوشش بیاد، از نظر من جنسیت مهم نیست.

- چه چیزهایی باعث شد که جنسیت برات مهم نباشه؟
مثلاً من یه کلیپ‌های زیادی توی پینترست دیدم، لزیبن و گی و یک سری از رفیق‌هام، همین طوری بودند.

- چه چیزی کنجکاو کرد که این کلیپ‌ها رو ببینی؟
نرفتم خودم نگاه کنم، وقتی می‌گشتم بهو خودشون اومدن تو اکسپلور.
- بین دوستانت الان این مسأله به چه صورته؟
دوست‌هایی که من دارم با این مسأله مشکلی ندارند.
- چه تعدادشون همین طوری بایسکشوال هستند؟
آدمایی مثل من زیادن، همین دیروز بیرون بودم با یه نفر آشنا شدم، فهمیدم همین شکلیه.
- ببینم به نظرت این که توی بی‌تی‌اس راجع به این مسایل حرف می‌زنند، تأثیری در این امر گذاشته؟

نه فکر نکنم، به خاطر این که من وقتی شیپ گروه بی‌تی‌اس رو می‌دیدم، هیچ احساسی نداشتم تا وقتی رفتم توی اون گروه و با اون دختر آشنا شدم و کلیپ‌های پینترست رو دیدم.
- ممکنه ذهنت آماده این مسأله شده باشه؟

ممکنه این طور باشه، من قبلاً اصلاً به این فکر نمی‌کردم که دوتا دختر باهم باشن، ولی حالا نمی‌دونم به خاطر این که بچه بودم، بهش فکر نکرده بودم، ولی تو این ۳، ۴ سال بزرگ‌تر شدم (همین مدت است که آرمی است) و دیدم نه، اصلاً اشکالی نداره، جنسیت مهم نیست. خودمم دیگه هم این طوری فکر می‌کنم که جنسیت مهم نیست، بعدش که دیگه تو مهمونی اون دختر رو دیدم و خیلی ازش خوشم اومد، فهمیدم درسته ممکن آدم این طوری باشه، اونم از من خیلی خوشش اومد. به نظرم دیگه خوب خیلی چیز معمولیه».



۶-۵- پذیرش اخلاق نسبیّت‌گرا

«جزو سامپو^۱ هستی یا جزو اوپو^۲؟»

من عدد شش رو دوس دارم، میخوای منم جزو یوکیو^۳ شم.

رسانه‌ها و بزرگ‌ترا می‌گن که ما اراده نداریم،

اونا باهامون درست رفتار نمی‌کنن،

چرا قبل این که تلاش‌مون رو بکنیم، ما رو می‌کشن، دشمن، دشمن، دشمن،

چرا شماها این قدر راحت قبول می‌کنین، به خودتون بیاین، انرژی، انرژی، انرژی،

هیچ وقت تسلیم نشو، می‌دونی که تنها نیستی،

طلوع ما از روشنایی روز هم درخشان‌تره،

یه کم امید به خودت تزریق کن،

جوونیت رو هدر نده، بزنی بریم» (قسمتی از آهنگ دوپ).

یکی از نظریات مطرح در جهان حاضر در مورد مسایل اخلاقی، نسبی‌گرایی اخلاقی است. نسبی-

گرایان اخلاقی معتقد هستند که هیچ اخلاق ثابت و تغییرناپذیری در جهان حاضر وجود نداشته و میل،

سلیقه و یا قرارداد افراد در این میان تعیین‌کننده مسایل اخلاقی هستند. به تعبیر دیگر، در نظریه

۱ - سامپو به افرادی گفته می‌شود که قید سه اصل عشق، ازدواج و بچه‌دار شدن را می‌زنند.

۲ - اوپو هم به افرادی گفته می‌شود که قید ۵ اصل عشق، ازدواج، بچه‌دار شدن، شاغل شدن و خانه خریدن را می‌زنند.

۳ - یوکیو افرادی اند که قید شش اصل عشق، ازدواج، بچه‌دار شدن، شاغل شدن، خانه خریدن و روابط اجتماعی را می‌زنند.

نسبی‌گرایی اخلاقی خوبی یا بدی و درستی یا نادرستی و باید و نبایدهای اخلاقی ثابتی وجود ندارد و همه موارد فوق وابسته به علایق و سلاطین افراد و گروهی که افراد وابسته بدان هستند، هست. نسبی‌گرایی اخلاقی در سه قرائت نسبیت‌گرایی توصیفی، نسبیت‌گرایی فرااخلاقی و نسبیت‌گرایی هنجاری مطرح شده است که همگی تفاسیر اخیر، در صدد تبیین عدم وجود بنیان‌های ثابت اخلاقی در جهان هستند.

ناقدان نظریه نسبی‌گرایی اخلاقی با تأکید بر این که زیربنای حسن و قبح، وجدان آدمی است و هر فردی وجدان را در وجود خویش احساس می‌کند، نسبی‌گرایی اخلاقی را رد می‌کنند. از نظر این ناقدان با پذیرش نسبی‌گرایی اخلاقی اولاً هیچ کار بدی نباید مشمول عقاب شود. ثانیاً هیچ کار خوبی هم نباید مشمول ثواب گردد و ثالثاً با ایجاد تردید در صحّت و سقم تمامی امور انسانی، انسان‌ها به شکاکیت اخلاقی گرفتار می‌آیند. بنابراین به نظر می‌رسد، همان‌گونه که قوانین مدون جهان، مجرمان و مصلحان را یک‌سان ندیده و برای مجرمان عقاب و برای مصلحان ثواب را در نظر گرفته اند، باید نسبت به حسن و قبح اخلاقی مسایل پذیرش داشت. گروه بی‌تی‌اس از سویی به دلیل عدم اتکاء به دیدگاه‌های دینی یا دیدگاه‌های مدون اخلاقی، و از سوی دیگر به سبب تلاش برای انقلابی ظاهر شدن در چشم و دل مخاطبان نوجوان و جوان خویش، با نفی آنچه هست و اثبات نوعی از هرج و مرج طلبی فردی و اجتماعی (که پیش‌تر بدان اشاره شد)، در عمل هواداران ایرانی خویش را که در فرهنگی معتقد به حسن و قبح امور و اعتقاد به اخلاقیات ثابت تربیت شده اند، در ابتدا با طرح ایده‌های هنجارشکن خویش

۱ - وجدان کلمه‌ای است که برخی از فیلسوفان و حکمای اخلاقی در طول تاریخ از آن سود برده اند. این کلمه به نظر می‌رسد می‌تواند معادل سلول‌های آئینه‌ای در نظر گرفته شود که طی سه دهه اخیر در ابتدا در میمون و سپس در آدمی کشف شده اند. جیاکومو ریزولاتی و همکارانش در دانشگاه پارامای ایتالیا، الکترودهایی روی قشر و نترال پریموتور مغز میمون ماکاک قرار داده بودند تا نورون‌هایی را که حرکات دست و دهان میمون را کنترل می‌کنند، مطالعه کنند. آن‌ها وقتی میمون تکه‌ای غذا برمی‌داشت، دست به ثبت واکنش نرون مربوطه می‌زدند، اما ریزولاتی و همکاران در یک اکتشاف تصادفی دریافتند، هنگامی که میمون انسان یا میمون دیگری را می‌بیند که یک تکه غذا برمی‌دارد، نورون مربوط وی نیز به واکنش و فعالیت می‌افتد.

اگر چه سلول‌های آئینه‌ای در ابتدا در میمون‌ها یافته شدند، اما مطالعات بعدی نشان دادند که نظام مشابهی در مغز انسان‌ها وجود دارد (سیف، کیان‌ارثی، ۱۳۹۰). ریزولاتی در توصیف سلول‌های اخیر که بعداً به نام سلول‌های آئینه‌ای نامیده شدند، بیان می‌داشت: سلول‌های آئینه‌ای به ما اجازه می‌دهند که ذهن دیگران را نه از طریق تفکر و استدلال، بلکه از طریق احساس و شبیه‌سازی مستقیم بخوانیم (دانشنامه ویکی پدیا).

به تعبیر دیگر، اگر فردی انسان دیگری را در حالتی غمگین ملاحظه کند، سلول‌های آئینه‌ای موجود در مغز وی، با بازسازی عواطف فرد مغموم، حالت اندوهناکی در ذهن فرد نخست ایجاد می‌کند تا وی به شکل خودکار به دلسوزی و همدلی با فرد درمانده و غمگین بپردازد.

والش (۲۰۱۱) در توصیف سلول‌های آئینه‌ای خاطر نشان می‌سازد، به نظر می‌رسد ما برای فهم، ارتباط و صمیمی شدن با انسان‌های دیگر به نوعی عصب‌کشی شده‌ایم و نمی‌توانیم مدار ایجاد شده بین خودمان و دیگر انسان‌ها را خاموش کنیم، زیرا ما با ملاحظه علایم رفتاری دیگران، به شکل ناهشیار از آن‌ها تقلید می‌کنیم، مانند دیدن خنده یا اندوه فردی که ما نیز به تبع عواطف شاد یا ناشاد وی به خنده یا اندوه واداشته می‌شویم.

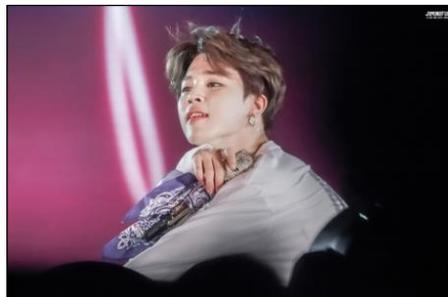
سردرگم کرده و در ادامه با القائات خود آنان را به سمت و سوی پذیرش نسبیّت‌گرایی اخلاقی سوق داده‌اند.

گلاره ۱۴ ساله، در مصاحبه خود، مصداق بارزی از سردرگمی ارزشی را به نمایش نهاده است. گلاره که در فضایی با فرهنگ نسبتاً دینی رشد یافته است و مبتنی بر ارزش‌های دینی، اخلاقیات را متغیر نمی‌داند، در مواجه شدن با مقوله هم‌جنس‌گرایی، نسبیّت‌گرایی اخلاقی را برای دیگران و ثبات اخلاقی را برای خودش در نظر گرفته است که جمع دو نظریه متضاد اخیر، برای تحلیل و حل و فصل مسایل اجتماعی قابل پذیرش نیست:

«در کل خیلی به عقاید مردم احترام می‌گذارن و این خودش یه نوع به اصطلاح روشن‌فکریه که بهمون یاد می‌دن چه جور آدم خوبی باشیم. به‌نظر من طرفداری از بی‌تی‌اس نمی‌تونه به دین‌مون آسیب بزنه، مگر این که ما خودمون راهمون رو بد انتخاب بکنیم، مثلاً هم‌جنس‌گرایی توی کشورهای خارجی رایجه یا بعضی جاها ممنوعه، ولی این که ما بتونیم این خوب یا بد رو از هم تشخیص بدیم، مهمه.»

- حالا به نظر خود شما این موضوع هم‌جنس‌گرایی خوبه یا بد؟

برای کسانی که دین‌شون شیعه هست و مسلمون ان چون خدا گفته بده. خودم هم دوست ندارم قاطی این مسایل بشم و برای خودم نمی‌پسندم، اما خب علاقه ممکنه تو هر دوتا آدمی شکل بگیره برای همین به نظرم برای من بده، ولی برای اون‌ها نه.»



نسترن ۱۹ ساله نیز در بیانات خودش در برخی از موارد طرفدار نسبیّت‌گرایی اخلاقی و در برخی از موارد دیگر طرفدار ثبات اخلاقیات است:

«- اگه یه رسوایی از آیدول مورد علاقه‌ات دربیاد و خب صحتش هم بررسی بشه و بگن آره صحت داره. اون موقع واکنشت چیه؟

بین بستگی داره رسوایی چی باشه. مثلاً نمی‌دونم، مصرف نمی‌دونم، ماری جوانا، رسوایی حساب می‌شه دیگه. من به شخصه برام مهم نیست اگه مثلاً یه چیزی مثل مصرف ماری جوانا باشه، نه خب اوکی. بدن خودشه به من ربطی نداره. تا وقتی نیاد تبلیغش کنه، ولی نمی‌دونم... چی مثلاً... مثلاً خبر

نمی‌دونم شاید تجاوزی چیزی باشه (باخنده) مسلماً این آدم رو می‌بوسم می‌ذارم کنار. بستگی داره که مثلاً رسوایی چی باشه. یعنی نگاه نمی‌کنم که ببینم اوکی، این اسمش رسواییه. نگاه می‌کنم این حرکتی که کرده به عقاید من می‌خوره یا نه. وقتی که به عقاید من نخوره، مسلماً تو زندگی من جایی نداره دیگه».

گذشته از هوادارانی که در برخورد با آرای پسران بی‌تی‌اس، به نوعی از سردرگمی در قضاوت‌های اخلاقی خویش گرفتار آمده‌اند، بسیاری از هواداران تحت تأثیر گروه بی‌تی‌اس نسبت‌گرایی اخلاقی را در دستور کار خویش قرار داده‌اند.

مهدیه ۲۰ ساله، در مصاحبه خویش اظهار می‌دارد، از گروه بی‌تی‌اس یاد گرفته است که کسی را قضاوت و متهم نکند:

«... مثلاً یک سری از ذهنیت‌ها در من اصلاح شده. مثلاً این که دیگران را الکی قضاوت نکنم یا با حرف‌هایی که می‌زنم زحمات کسی رو به باد ندم، الکی کسی رو متهم نکنم، یا این که اگه کسی مشکلی پیدا کرد، بهش کمک کنم. این رو هم یاد گرفتم که اگه کسی نیاز داره که من به حرف‌هایش گوش بدم، حتماً این کار رو بکنم.

آهان مثلاً این که همه نژادها و فرهنگ‌ها یکی‌ان. رنگ پوست یک آدم اون رو با آدمای دیگه متفاوت نمی‌کنه. آدم‌ها در هر جای دنیا با هم یکی‌ان. ما از هر جای دنیا که باشیم، با هر دین و عقیده‌ای که داریم، می‌تونیم با هم دیگه دوست باشیم، با هم زندگی کنیم، ارتباط برقرار کنیم، کنار هم درس بخونیم و این که هر کسی می‌تونه به روشی که خودش می‌خواد، زندگی کنه. ما نباید کسی رو مجبور کنیم جور دیگه‌ای زندگی کنه یا اون جوری که ما بهش می‌گیم، زندگی کنه».

گلاره ۱۴ ساله، نیکو و دیبای ۱۵ ساله و تینای ۱۹ ساله، در مصاحبه‌های خودشان با طرح مقولاتی مانند آرایش پسران، هم‌جنس‌گرایی، مصرف الکل یا مواد مخدر و مانند آن‌ها، به صراحت اظهار داشته‌اند که کار این افراد به خودشان مربوط است و به آنان ربطی ندارد. حال آن که به دلیل زندگی اجتماعی انسان‌ها، آسیب زدن یک انسان به خودش، نه تنها آسیب زدن به سرمایه‌های جامعه محسوب می‌شود، بلکه بر مبنای یادگیری مشاهده‌ای، انجام رفتارهای غیرمتعارف به یاد دادن آن رفتارها به دیگران، خاصه کودکان و نوجوانان که به تفکر انتزاعی و انتقادی دست نیافته‌اند و در مرحله دیگر پیروی اخلاقی خویش هستند، انجامیده، می‌تواند بسیار آسیب‌زا عمل کند:

«- عزیزم به طور کلی واکنش آرمی‌ها در مقابل هیترهای بی‌تی‌اس چیه؟

دسته اول فاقد اهمیت می‌دونن، یعنی اصلاً براشون مهم نیست هیترها چی می‌گن و کار خودشون رو می‌کنن. دسته دوم اون‌هایی هستن که جواب هیترها رو می‌دن و ثابت می‌کنن اعضاء خوبن. دسته سوم تعصبی‌ها هستن که خودشون رو می‌کشن و فقط دعوا می‌کنن.

- خود شما جزو کدوم دسته به حساب می‌ای؟

اولی‌ها. جواب ابله‌هان خاموشی است.

- کسی رو توی دور و برت دیدی که جزو دسته دوم یا سوم باشه؟

بله خیلی. تو دوست‌هام زیادن که معمولاً دهن به دهن می‌کنن و عصبی می‌شن.

- مثلاً توی این دهن به دهن گذاشتن‌ها چه حرف‌هایی بین آرمی‌ها و هیترها رد و بدل می‌شه؟

هیترها تیکه می‌اندازن و از بدی‌های بی‌تی‌اس و اشکالات نداشته اون‌ها حرف می‌زنن و آرمی‌ها همه رو تکذیب می‌کنن و از اعضاء حمایت می‌کنن، مثلاً تو همین بحث همجنس‌گرایی آرمی‌ها هم مثل من می‌گن گرایش‌شون به خودشون مربوطه و ما هم علایق‌مون به خودمون مربوطه».

«- تا حالا بی‌تی‌اس باعث شده باورهای تو تغییر کنه؟

آره این اتفاق افتاده و تأثیر زیادی گذاشته، ولی تأثیر بدی نبوده، مثلاً این که یه عده آدم‌ها هستن که محجبه و مذهبی هستن و این عقیده رو دارن که افراد مسلمان حتماً باید حجاب داشته باشن یا اونایی که حجاب ندارن خیلی بد هستند و بی‌تی‌اس اومده بود گفته بود که افراد زیادی رو که باحجاب هستن، ما می‌بینیم و خیلی هم افراد زیبایی هستن، یعنی باحجاب هنوز هم زیبا هستند. یه بار هم یه مجری پرسیده بود از شون که خودتون دوست دارید افراد بی‌حجاب بیان فن‌میتینگ‌ها یا باحجاب باشن؟ و بی‌تی‌اس گفته بود که هر طور که راحت هستن و هر طور که عقیده خودشونه و هر جور که دوست دارن، همیشه سعی می‌کنند این فرهنگ‌سازی رو بکنند که عقاید مذهبی دیگران، هیچ ربطی به ما نداره و این چیزیه که خودشون باید انتخاب کنند. حتی گفتند که اگر یه جایی یه فرد محجبه دیدید، این طوری نباشین که اگه خودتون محجبه نیستید، آه آه بکنید یا بگید یارو رو بین حجاب داره و برعکسش هم همین طور، افراد محجبه نباید برن به اونایی که حجاب ندارن گیر بدن یا تیکه بندازن و این موضوع خیلی دید من رو تغییر داد، خودم تا قبل از شنیدن این‌ها دید مثبتی نسبت به افرادی که خیلی محجبه بودن نداشتم، البته مسخره نمی‌کردم و کاری هم نداشتم، ولی بعد از این که بی‌تی‌اس این حرف‌ها رو زد، تأثیر گذاشت روم و به نظرم عقیده افراد به خودشون بستگی داره و به خودشون ربط داره».

«- نظر شخصی خودت راجع به این که بی‌تی‌اس پسر هستن و آرایش می‌کنن، چیه؟

نظر خود من درباره این موضوع اینه که میکاپ بی‌تی‌اس بیش‌تر حالت گریم داره و خب هر سلبریتی‌ای که یه چهره اجتماعی داره، باید یه چهره معقول و زیبایی داشته باشه که بقیه خوششون بیاد. به نظر من میکاپ بی‌تی‌اس، خیلی ابتداییه و همون گریمی هست که چهره رو بهتر می‌کنه و خب ما این‌ها رو توی سلبریتی‌های خودمون هم می‌بینیم که موهاشون رو رنگ می‌کنن یا یه چیزی به صورتشون می‌زنن که تو دوربین چهره‌شون خوب‌تر بشه، ولی در کل این که پسرها یهو رژ قرمز بزنن یا خط‌چشم بکشن، علاقه خودشونه و به من ربطی نداره.



- آیا پیش از این که با بی‌تی‌اس آشنا بشی هم چنین نگاه و فکری نسبت به آرایش آقایون داشتی؟ نه، بعد از آشنایی با بی‌تی‌اس نگاهم به این مسئله این شکلی شد، چون اون زمان اصلاً از لحاظ عقلی تکمیل نبودم که بخوام به چنین چیزهایی فکر بکنم و اصلاً با این موضوعات سر و کار نداشتم، ولی بعد از این که با بی‌تی‌اس آشنا شدم این جوری بودم که اوکی اگر کسی بخواد میکاپ کنه به من ربطی نداره که من بخوام درباره‌اش نظری بدم، چون اون شخص توی زندگی من دخالتی نداره و هر کاری دلش بخواد رو می‌تونه انجام بده و آسیبی به من نمی‌زنه که بخوام در مقابلش مقاومت کنم و در کل من آدمی هم نیستم که بخوام کسی رو بر اساس ظاهرش قضاوت بکنم برای همین کلاً نگرش منفی‌ای درباره این موضوع نداشتم».

«... چند وقت پیشا توی همین پشت صحنه‌ی گرمی، عکس اومده بود که تهیونگ داشت سیگار می‌کشید، بعد یه سری آدم از همین آرمیا، هیت می‌دادن که وای تهیونگ سیگار می‌کشه. بعد من این جور بودم که خب چی کار دارین، زندگی شخصیشه و به شماها چه؟ احساس می‌کنم بعضیا واقعاً یادشون می‌ره که این درسته خواننده هست، ما داریم آهنگاش رو گوش می‌دیم، ولی خودش یه زندگی داره و این حرفا.

یا مثلاً طرف اعتیاد به الکل داشته باشه یا مواد مصرف کنه و اینا، من این جوریم که ای بابا داری گند می‌زنی به زندگیت، ولی بازم به من ربطی نداره، زندگی خودته».

۶-۶- تحول‌آفرینی اخلاقی در محیط خانواده

پیش‌تر در بحث سردرگمی نوجوان به این مسأله اشاره شد که با تولد کودک، وی در عمل دارای دو مغز است، مغز پایینی (پایین‌تر از پل بینی) که مغزی کامل بوده، به اعمال حیاتی بدن نظم و نسق می‌دهد و مغز بالایی (بالتر از پل بینی) که مغزی در حال ساخت است و ساخت آن تا حدود ۲۰ سالگی به طول

می‌انجامد و بالطبع اولیاء باید در این مقطع زمانی به مقدار زیادی ایفاگر نقش مغز بالایی فرزندشان باشند.

به همین ترتیب خاطرنشان شد که مغز نوجوان به دلیل تحول‌های شدیدی که به خود می‌بیند (نظیر هرس کردن سلولی، نازک‌تر شدن ماده خاکستری مغز، کاهش حجم هسته آکومبنس، میلینی شدن زودتر مراکز هیجانی در قیاس با مراکز شناختی مغز)، موجد برخی از تحول‌های روانی در نوجوان هست که این تحول‌ها غالباً به دلیل ناشناخته بودن از سوی اولیاء، پدر و مادر را بعضاً با نوجوان و جوان مواجه کرده، اسباب اختلاف آنان را فراهم می‌آورد.

از سوی دیگر در وصف کمپانی بیگ‌هیت اشاره شد که کمپانی با شناخت دقیق تحول‌های نوجوانی و جوانی، گروه بی‌تی‌اس را موظف کرد تا دقیقاً متمرکز بر قضاوت نکردن، امیدبخشی، انگیزه دادن به نوجوان و جوانان، ارضای هیجانی آنان و نظایر آن‌ها، عمل کند تا ضمن رسوخ در قلب آنان، با گرد آوردن انبوهی از هواداران برگرد گروه بی‌تی‌اس، ضمن تضمین منافع مادی کمپانی و گروه، در عمل گروه در نقش هادی و راهنمای نوجوانان و جوانان قرار گرفته و عمل کند.

بررسی‌های میدانی انجام شده در سطح اعضای گروه بی‌تی‌اس دلالت بر آن دارد که اعضاء با برخورد‌های عاطفی و دال بر حمایت از نوجوانان و جوانان به القای این مسأله پرداخته‌اند که در عمل با هواداران یک خانواده شمرده می‌شوند، مرضیه ۱۹ ساله در مصاحبه خودش در همین رابطه بیان می‌دارد:

«- چه طوری نظرت عوض شد؟»

خب ببین وقتی واردشون شدم و با چندتا شون صحبت کردم، دیدم چه قدر انرژی‌های خوب و بالایی دارن، چه قدر قشنگ صحبت می‌کنن و خونگرم هستن و می‌تونن این طوری از هر جای این جغرافیا، دوست داشته باشی، باهم صحبت کنید و احساسات رو در مورد اعضاء پیش‌شون ابراز کنی و اونا قشنگ می‌فهمنت و بعد مثلاً یه ویدیویی چیزی از اعضاء پخش می‌شه و کلی هیجان زده می‌شی، می‌ری اونجا هیجانت رو خالی می‌کنی و واقعاً این طوری که اگر در هر زمینه‌ای کمک بخوای پشتت در میان و هر کمکی که بتونن برات انجام می‌دن، اوکی شاید از دور بخوای ما رو نگاه کنی متعصب و این طوری به نظر بیایم، ولی وقتی بیای از نزدیک باهامون آشنا بشی، خودت متوجه می‌شی این طور نیست و البته بگم، منکر این نیستیم که ما فنای تعصبی هم داریم، تعصب رو همه‌ی ما یه کوچولو داریم، ولی اون که به صورت افراطی در این زمینه هست، ما خودمون هم نسبت بهش احساس خوبی نداریم و سعی می‌کنیم راهمون رو ازش جدا کنیم. آدما باهم متفاوت‌اند، تو فنوم بی‌تی‌اس از نوجوان تا بزرگ‌سال رو داریم با هر دین و مذهب و عقیده‌ای با هر ویژگی شخصیتی و این که شما بیای جمع‌بندی، تارگت بزنی، بزنی بگی فنای بی‌تی‌اس این طوری ان و اون طوری ان، اصلاً قشنگ نیست و حداقل چیزی که ما از بی‌تی‌اس یاد گرفتیم، اینه که به همه‌ی علایق و سلیقه‌ها، اقلیت‌ها احترام بذاریم، ولی خب

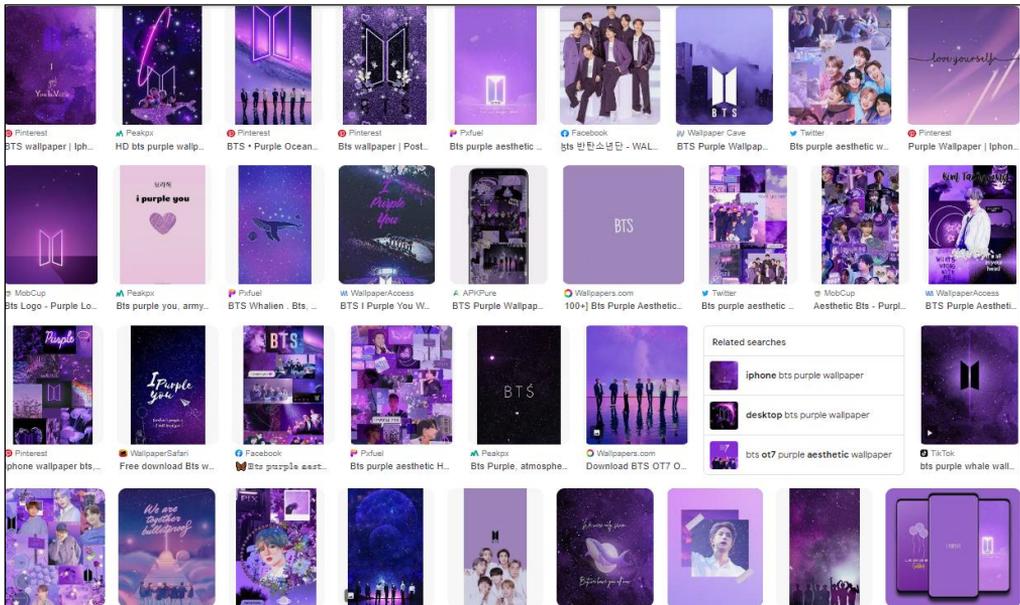
خیلی جاها درک نمی‌شیم، به علاقه‌موند توهین می‌شه، مسخره‌مون می‌کنن، به هر حال این مسأله هست ولی باید بهترتون بگم که اون قدر خوبی تو وجود اعضا هست که قابل لمس و همین برای من کافیه، کافیه برای این که این قدرت رو به ما بده که قوی بمونیم در برابر همه‌ی اینا.

- الان نسبت به این گروه احساس تعلق داری؟

صد در صد، البته صد در صد که نه، ولی به میزان زیادی دارم.

- چه طور چنین احساسی توی تو شکل گرفته؟

ببین مثلاً ما همدیگه رو مثل یه خانواده می‌بینیم که پشت همیم و از پسرانمون حمایت می‌کنیم و این خانواده بنفشه، به گفته تهیونگ، بنفش آخرین رنگ رنگین کمانه و به معنی عشق و اعتماد از ته قلبت به یه نفر هست... از اون لحظه به بعد این خانواده رنگ بنفش رو به خودش گرفت و حتی می‌تونم بگم هر کدوم از آرمی‌ها، یکی از ستاره‌های آسمون تهیونگ هستیم.»



احساس یک خانواده بودن آیدول‌ها و هواداران، بدانجا می‌انجامد که برخی از هواداران به دلیل موانعی که در اثر تحول‌های مغزی و روانی- اجتماعی آنان به شکل موقت در روابط خانوادگی آنان و اولیای‌شان بروز و نمود پیدا کرده‌اند، گروه بی‌تی‌اس را جایگزین مناسبی برای خانواده خویش تصور می‌کنند. مسأله اخیر خاصه در خانواده‌هایی که در اثر کژکارکردی اولیاء به برخی از مشکلات گرفتار آمده است (نظیر طلاق اولیاء، ناهمسازی اولیاء با یکدیگر، تخلیه تنش‌های زندگی اولیاء روی فرزندشان و مانند آن‌ها)، به شکل عیان‌تری مشهود است.

گذشته از آنچه از آن یاد شد، برخوردهای هیجانی کمپانی و گروه بی‌تی‌اس، سبب می‌شود هواداران گروه بی‌تی‌اس نیز خود به خود در فضایی هیجانی قرار بگیرند و در مواجهه و رقابت با گروه‌های رقیب در عمل خودشان را با دیگر هواداران بی‌تی‌اس یک خانواده بپندارند.

اثرات عمیقی که به اجمال از آن‌ها یاد شد، در مجموع سبب می‌شوند، نقش کمپانی و گروه در ذهن هواداران (خاصه هواداران کم سن‌تر و مسأله‌دارتر) بیش از پیش حک شده، در زندگی آنان متجلی شود. اظهارنظر مسعود ۲۰ ساله، دال بر این که برخی از هواداران به تبعیت از آیدول‌های مورد علاقه‌شان که ازدواج و تشکیل خانواده را در دستور کار خود ندارند، از ازدواج استنکاف دارند، نمودی از وابستگی شدید هواداران به استانداردهای اخلاقی گروه بی‌تی‌اس را به معرض دید می‌گذارد:

«- هواداران در این مورد از آیدول‌ها تقلید نمی‌کنند؟»

بعضی از هواداران تعصبی که خیلی آیدول‌ها رو دوست دارند و آن‌ها رو می‌پرستند، در مورد ازدواج نکردن هم از بی‌تی‌اس تقلید می‌کنند و از نظر آن‌ها تا زمانی که آیدول‌ها حق ازدواج پیدا نکنند، این‌ها ازدواج رو بر خودشون حرام می‌دانند و دوست دارند شبیه آیدول‌هاشون عمل کنند».

در سطحی دیگر، بعضی از شواهد میدانی حکایت از آن دارند، برخی از هوادارانی که ازدواج کرده و در عمل مسوولیت خانوادگی را پذیرفته‌اند، با ملاحظه محدودیت‌هایی که همسر آنان برای هواداری آن‌ها فراهم آورده‌اند، آرزوی خلاص شدن از زندگی خانوادگی را می‌کنند و یا با دست زدن به رفتارهایی ملهم از گروه بی‌تی‌اس (مثلاً با داشتن یک شوهر غیرتی، رقصیدن در برابر نامحرمان و یا تهیه فیکشن‌های عاشقانه با آیدول‌ها) را در دستور کار خویش قرار می‌دهند که رفتارهای اخیر به سادگی به اختلاف‌های عمیق خانوادگی و احياناً طلاق منجر می‌گردد.

رخساره ۱۶ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، با اشاره به مسأله پیش‌گفته، خاطرنشان می‌سازد، پس از طلاق گرفتن زنی از شوهرش (برای آن که از تقید تأهل‌رهایی یافته، خود را به مثابه کاندیدی برای ازدواج با آیدول‌ها ببیند)، شوهر آن زن با تهیه آهنگی که بیانگر همین حکایت بود، از جونغ کوک که عامل طلاق همسرش شده بود، شکوه و شکایت می‌کند، اما در گامی فراتر، صبا ۱۶ ساله، در مصاحبه خودش گزارش می‌دهد، حتی برخی از افراد هم‌جنس‌گرا، با ملاحظه رفتارهای بعضاً هم‌جنس‌گرایانه اعضای گروه بی‌تی‌اس، در اندیشه تشکیل خانواده‌ای هم‌جنس‌گرا با اعضای بی‌تی‌اس برآمده‌اند:

«- ممکنه فن‌ها درباره آیدول‌ها مثلاً خیال‌پردازی‌های احساسی بکنن؟»

مثلاً خودشون رو با اونا تصور کنن؟

- آره.

آره، مخصوصاً دخترا زیاد خیال‌پردازی‌های احساسی دارن. من خودم هم حالا قبلاً بیش‌تر بودم، چون به هر حال تو اوج بلوغ بودم و تغییرات هورمونی و اینا باعث این کار می‌شدن. خودم رو هر دفعه با یکی شون تصور می‌کردم (خنده) که مثلاً باهمیم و ازدواج کردیم و بچه داریم حتی (باخنده). رفته رفته

که سن آدم می‌ره بالاتر، این قضیه کم می‌شه، ولی بلوغ خیلی بدترش می‌کنه. الان بچه‌های ما تو مدرسه خیلیاشون این جور هستن و سر آیدولا باهم دیگه دعوا می‌کنن که فلانی واسه منه و شوهر منه و اینا (خنده) یا حتی اونا که هم جنس‌گرا هم هستن یه جور دیگه تصور می‌کنن خودشون رو با اینا، چون بالاخره اینا هر دو گرایش رو به نمایش می‌گذارن دیگه».



آنچه از آن یاد شد، بیانگر تحول‌آفرینی اخلاقی گروه بی‌تی‌اس در خانواده به شمار آمده، بیانگر تلاقی ارزش‌های اخلاقی ثابت (که به خانواده ارج می‌گذارد) و ارزش‌های اخلاقی نسبیت‌گرای گروه بی‌تی‌اس است که با القائات مستقیم و غیرمستقیم خویش، موجب تحول‌های عمده‌ای در مقوله خانواده و تحول‌آفرینی‌های اخلاقی در خانواده هواداران شده است.

۶-۷- تحول‌آفرینی در اخلاق فردی، اجتماعی و زیست‌محیطی برخی از هواداران

برای بررسی آدمی به لحاظ اخلاقی، می‌توان از چند منظر وی را مورد بررسی و کاوش قرار داد. اخلاق بندگی که به ارتباط آدمی با خالق هستی (در صورت دین‌مداری آدمی) می‌پردازد، اخلاق فردی که به ارتباط انسان با خودش می‌پردازد، اخلاق اجتماعی که به ارتباط آدمی با اطرافیان و دیگر انسان‌ها توجه دارد و سرانجام اخلاق زیست‌محیطی که به ارتباط آدمی با زیست‌محیطش ناظر است. در ارتباط آدمی با خودش یا اخلاق فردی، ویژگی‌های آدمی فارغ از دیگر انسان‌ها مدنظر قرار گرفته، مواردی مانند: اعتماد به نفس، صبر، حلم، ایثار و همین‌طور مواردی نظیر مصرف‌گرایی، ناشکیبایی، بدبینی و نظایر آن‌ها، مضامین اخلاق فردی آدمی را تشکیل می‌دهند.

اخلاق اجتماعی ناظر بر ارزش‌های حاکم بر روابط انسانی آدمی با اطرافیان، جامعه و جامعه جهانی وی است و شامل مواردی مانند: معاشرت نیکو، احساس مسوولیت اجتماعی، همکاری‌های اجتماعی، احسان، عدالت‌خواهی، همدردی و نظایر آن‌ها است.

اخلاق زیست‌محیطی نیز ناظر بر احکام ارزشی حاکم بر مناسبات آدمی با زیست‌محیط وی (حیوان‌ها، گیاهان، بیابان‌ها، دریاها، کوه‌ها و مانند آن‌ها) است.

با بررسی اظهارات جمعیت مورد بررسی مشخص می‌شود، در برابر گروه اندکی که در برخوردی نقادانه با گروه بی‌تی‌اس، معیارهای اخلاقی ارایه شده وی را نپذیرفته اند، اقبال قابل تأملی از هواداران نسبت به گروه بی‌تی‌اس خاضع بوده و در اخلاق فردی، اجتماعی و زیست محیطی خویش تحت تأثیر آنان قرار گرفته و عمل کرده اند.

افرادی که با دیده تردید به القائات اخلاقی گروه بی‌تی‌اس نگریسته اند یا با الهام از نسل بزرگسال، گروه را به دلیل جنسیت‌زدایی از آرایش، پوشش و عشق زیر سوال برده اند و یا افرادی بوده اند که به دلیل زیر سوال بردن هویت مردانه مردان توسط آنان، اعضای گروه را سوسول نامیده اند.

افراد اخیر در مواجهه با ارزش‌های بی‌تی‌اس و قطعیت یافتن در اطلاعات خودشان از گروه (نظیر اعلان جیمین دال بر دو جنس‌گرا بودن وی)، یا آشکارا از هواداری انصراف داده اند و یا هواداری خویش را به هواداری مخفیانه تغییر داده اند و به شکل آشکار، حاضر به طرفداری از آیدول‌ها و گروه آنان نیستند، برخی از هواداران دیگر با نفی برخی از ارزش‌هایی که پسران بی‌تی‌اس مستقیم یا غیرمستقیم به طرح آن‌ها پرداخته اند، به هواداری نسبی خود ادامه داده اند.

عرفان ۲۱ ساله، در مصاحبه‌اش از نگاه منفی بزرگسالان جامعه نسبت به گروه بی‌تی‌اس یاد می‌کند:

«در فن‌پیچت شده برای گروه بی‌تی‌اس تبلیغ کنی؟»

نه تاحالا این کار رو نکردم.

- چرا این کار رو نکردی؟

هواداری من از بی‌تی‌اس کاملاً شخصی و محرمانه اس. نمی‌خوام کسی بفهمه من از بی‌تی‌اس

الگوبرداری می‌کنم. به همین دلیل تو پیچم برای بی‌تی‌اس تبلیغ نمی‌کنم.

- چرا نمی‌خواهی کسی بفهمه تو از بی‌تی‌اس هواداری می‌کنی؟

اکثر مردم فکر می‌کنن گروه بی‌تی‌اس یه گروه همجنس‌گرا و هر کسی از اون‌ها هواداری کنه، با

دید بدی بهش نگاه می‌کنن و من نمی‌خوام کسی بفهمه من هوادار بی‌تی‌اس هستم.





- عرفان بین دوستان صمیمیت باز هم کسی هست هواداری خودش رو پنهان کنه؟
بله یکی از خواننده‌های گروه‌مان باز مثل من فکر می‌کنه و هواداریش رو مخفی می‌کنه. اون هم فکر می‌کنه، نباید مردم و دوست و آشنا بفهمن که هوادار گروه بی‌تی‌اس هست و نمی‌خواد لطمه به معروفیت و محبوبیتش وارد بشه.
- خوب با این که هواداریت رو مخفی می‌کنی، چه طور و از چه راهی برای گروه بی‌تی‌اس تبلیغ می‌کنی؟

(کمی می‌خندد) من از جمله نادرترین هوادارانی هستم که در عمل و با رفتارام و طرز پوشش و مدل موی سر و میکاپ مخصوص بی‌تی‌اس در اشاعه گروه بی‌تی‌اس نقش دارم، ولی شفاهاً هیچ تبلیغی در پیچم و یا در بین عامه مردم نمی‌کنم».

محسن ۲۲ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، گزارش می‌دهد که دوستان وی، طرفداران پسر بی‌تی‌اس را سوسول می‌دانند:

«- اگر یک پسر همین قدر که مد نظر شماست، به بی‌تی‌اس علاقه‌مند باشد چه می‌شود؟
بعضی وقتا مسخره‌اش می‌کنن.

- چه کسانی و چرا؟

همین دوستان رو دوستای مشترکمون مسخره می‌کنن که مگه تو دختری این قدر به این گروه علاقه داری، منم از این دوستان حمایت می‌کنم، ولی بچه‌های دیگه مثل من فکر نمی‌کنن. به نظر اونا سوسول بازی، یعنی یه کار دخترونه هست (با لبخندی که بر صورت داشت توضیح می‌داد)».

عرفان ۲۱ ساله در مصاحبه‌اش، از انصراف دادن خودش و جمعی از دوستانش از هواداری بی‌تی‌اس یاد کرده است، زیرا اعضای گروه خود را بیش از پیش در مضان هم‌جنس‌گرایی و مانند آن قرار داده اند:

«- عرفان این که آیدول‌ها هویت جنسی مشخصی ندارن، چه تأثیری روی هواداران می‌گذاره؟
هواداران فرقی نمی‌کنه دختر باشه یا پسر. همه‌ی هواداران اعضاء بی‌تی‌اس رو دوست دارن و هر هواداری سعی می‌کنه از آیدول مورد علاقه‌اش تقلید و الگوبرداری کنه.

- این که کمپانی سعی می‌کنه از طریق بی‌تی‌اس جامعه کوپیرها رو به جهانیان معرفی کنه. هواداران چه واکنشی دارن؟

هواداران به شدت از لحاظ روحی و روانی آشفته هستن، ابتدا علاقه به آیدول‌ها ایجاد شده، ولی دو، سه سالی هست که کمپانی از آیدول‌ها سوءاستفاده در ترویج دگرباشی و همجنس‌گرایی می‌کنه. نمی‌تونن باور کنن که آیدول‌هاشون دگر باش یا همجنس‌گرا باشن.

- این قضیه باعث شده بعضی از هواداران از طرفداری انصراف بدن؟
بله، خیلی از دوستای خودم دیگه مثل قبل بحث بی‌تی‌اس رو وسط نمی‌کشن و اظهار پشیمانی می‌کنن که یه مدتی هوادارشون بودن.

- خودت چی عرفان؟

من از ابتدا هواداریم رو مخفیانه ادامه می‌دادم، ولی خوب یکی، دو سالی هستش که برام مهم نیستن و من از الگوبرداری از جین پشیمان نیستم. این تقلید و الگوبرداری جرقه‌ای در زندگیم ایجاد کرد و در معروفیت و موفقیتیم بی‌تأثیر نبود.

- یعنی دیگه از شون هواداری مخفیانه هم نمی‌کنی؟

نه، مثل قبل از شون طرفداری نمی‌کنم، ولی یه حسی در وجودم هست که من رو وادار می‌کند که پیگیر کارها و آهنگ‌هاشون باشم».

مسعود ۲۰ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، اظهار داشته است که برخی از دوستان وی با قوت گرفتن شایعات جنسیت‌زدایی از عشق توسط گروه بی‌تی‌اس، هواداری خویش از گروه بی‌تی‌اس را پنهان کرده‌اند، اما خود وی در صورت به قطعیت رسیدن در این امر، از هواداری گروه انصراف خواهد داد:

«- مسعود تو تا به حال شده که طرفداریت از بی‌تی‌اس رو پنهان کرده باشی؟

من خودم شخصاً این کار رو نکردم، اما بعضی از دوستانم از ترس والدین و یا فامیل‌هاشون پنهان‌کاری کردن و من متوجه این مخفی‌کاری آن‌ها شده‌ام.

- این مخفیانه هواداری کردن باعث شک و تردید در هواداری‌شون نمی‌شه؟

نمی‌دونم، شاید این همه مخفی‌کاری و ترس باعث تردید شون نسبت به بی‌تی‌اس بشه و یه زمانی از هواداری منصرف بشن.

- چه چیز مهمی پشت این همه ترس و مخفی‌کاری هست؟

قضیه شایعه تهمت همجنس‌گرایی در پشت این همه مخفی‌کاری پنهان شده. در بین عامه مردم هر پسری آرایش بکنه و خودش رو مانند دختران خوشگل کنه، همجنس‌گرا هست و گروه بی‌تی‌اس پیام‌آور آرایش پسران و برابری جنسیتی هستند. برای همین بعضی از هواداران دوست دارن طرفداری‌شون مانند یه راز بماند.

– مسعود اگر مشخص بشه گروه بی‌تی‌اس همجنس‌گرا هستند، تو باز به طرفداری خودت ادامه می‌دی؟
نه، به هیچ وجه، سریع از هواداری انصراف می‌دم و لکه ننگ رو از حافظه‌ام پاک می‌کنم.



– مسعود تو به ازدواج فکر می‌کنی؟
البته که فکر می‌کنم و شب و روز کار می‌کنم و پس‌انداز می‌کنم تا به وقتش دست و بالم خالی نباشه و ازدواج کنم و در این مورد هم از بی‌تی‌اس تقلید نمی‌کنم.»
اما همان‌گونه که از آن یاد شد، بسیاری از هواداران بی‌تی‌اس بدون توجه به هنجارشکنی‌های گروه بی‌تی‌اس و شایعاتی که پشت سر آنان وجود دارد، به دلیل علاقه وافری که به اعضای گروه یافته‌اند، آنان را به عنوان الگو و مرجع اخلاقی و ارزشی خویش پذیرفته و سعی می‌کنند در همه ابعاد اخلاق فردی، اخلاق جمعی و اخلاق زیست محیطی، طبق رهنمودهای گروه بی‌تی‌اس عمل کنند.
پونه، پریناز و مهتاب ۱۸ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خویش اذعان داشته‌اند که اخلاق فردی آن‌ها تحت تأثیر القائات گروه بی‌تی‌اس قرار داشته، آنان تحت تأثیر گروه، روشنفکرتر شده‌اند، سبک زندگی خویش را تغییر داده‌اند و دیگر مواردی مانند هم‌جنس‌گرایی را با شناخت ارزیابی نمی‌کنند:
«– چی شد که چنین حس قوی‌ای به پسرهای بی‌تی‌اس پیدا کردی؟
می‌دوننی خیلی دلایل داره. اونا بهم خیلی چیزا دادن. قبلاً من که فن رپ بودم، صرفاً به عنوان یه سرگرمی دنبالش می‌کردم، ولی الان نسبت به بی‌تی‌اس این جور نیست. از وقتی باهاشون آشنا شدم، خیلی اتفاقی خوب افتاده، هدف پیدا کردم، انگیزه گرفتم، کلی دوست خوب پیدا کردم، کلی خاطره‌های

قشنگ ساختن برام، باعث شدن خودم رو بیش تر دوست داشته باشم، به دیگران احترام بذارم، نژادپرست و هموفوب نباشم، تونستم سبک زندگی و فکرم رو تغییر بدم و کلی حس و حال خوب دیگه و بعد از همه‌ی اینا، نمی‌تونم بگم که اونا صرفاً برای من یه خواننده‌ی معمولی هستن».

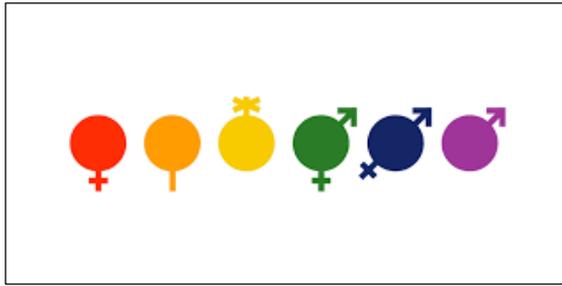
«- گروه بی‌تی‌اس و دنبال کردن اون‌ها چه تأثیرات مثبتی توی زندگیت داشته؟»

بی‌تی‌اس واقعاً، واقعاً توی زندگی من تأثیر زیادی داشته، یکی از بزرگ‌ترین‌هاش دگرگونی من و زندگی من بوده، یعنی کلاً بهم انگیزه داد که رؤیاهای بزرگ داشته باشم و تلاش کنم براشون و این که هر کدوم از ما می‌تونیم یه آدم خاص باشیم کافی هدف داشته باشیم و برای اون هدف بجنگیم و این که جا نزنم، کنار نکشم و قوی باشم. من با جملات بی‌تی‌اس دارم زندگی می‌کنم، قبلاً شاید به خاطر عیب‌هام خودم رو سرزنش می‌کردم، ولی الان پذیرفتم که هیچ کس بی‌نقص نیست و طرز دید من رو نسبت به آدم‌های اطرافم تغییر داده، مثل کسی که دیدش تاره، ولی وقتی عینک می‌زنه، شفاف می‌تونه ببینه، واقعاً برای من این طوری بود. این گروه باعث شد نسبت به آینده و حتی زمان حال خودم شفاف‌تر فکر کنم، روشن‌فکر بشم یه جورایی».

«- آیا حمایت بی‌تی‌اس از اقلیت‌های جنسیتی تأثیری توی دیدگاه شما نسبت بهشون داشته؟»

من توی یه خانواده‌ای بزرگ شدم که خیلی مذهبی بودند و من از بچگی با این فکر بزرگ شدم که این کارا گناهه و خوب نیست و بعدش آدم‌ها رو می‌اندازن تو جهنم به خاطرش و به خاطر همین دید مثبتی بهش نداشتم و بعد که یه کم بزرگ شدم و خودم بیش تر خوندم و درباره‌اش فکر کردم، به این نتیجه رسیدم که هیچ ایرادی نداره، دو نفر که مثل هم جنس هستند به هم علاقه داشته باشند یا ایرادی ندارد، اگر یک نفر به هر دو جنس گرایش داشته باشه تا وقتی که هر دو طرف تو یک رابطه راضی اند و کسی به کسی زور نگفته. بعد بی‌تی‌اس هم حمایت‌های زیادی از گروه‌های اقلیت‌های جنسی کرده که به نظرم کار درستی‌ه، چون تابو دانستن این نوع روابط هنوز هم تو خیلی از کشورها وجود داره، مثلاً تو همین کشور خودمون، اگر دو نفر همجنس‌گرا باشند یا اعدام می‌شن یا فکر کنم شلاق می‌خورن و بی‌تی‌اس کاری که کرده اینه که آگاه‌سازی زیادی تو این زمینه انجام داده، ولی اگر سوال شما اینه که من به خاطر بی‌تی‌اس از حقوق اقلیت‌های جنسی دفاع می‌کنم، جوابش اینه که نه، ولی این کار بی‌تی‌اس رو مفید می‌دونم».





عرفان ۲۱ ساله، در مصاحبه‌اش اظهار می‌دارد، وی در جریان کارش (که خوانندگی در مراسم عروسی و ازدواج است)، با الهام از اعضای گروه بی‌تی‌اس، سعی در اعمال خودکنترلی شدیدی بر خویش دارد. فریبای ۴۶ ساله نیز در مصاحبه‌ای که دارد، اظهار می‌دارد، پسران بی‌تی‌اس به او (و دخترش) این جرأت را بخشیده‌اند که وی (و دخترش) خلاف ارزش‌ها و هنجارهای عقیدتی و عرفی جامعه‌اش، در محافل مختلط برقصند:

«عرفان به اقتضای شغلت در جمع دختران و پسران زیادی قرار می‌گیری آیا شده نگاهت گناه آلود بلغزد؟

(می‌خندد و کمی مکث می‌کند) حقیقتش را بگم تاحالا این اتفاق برام افتاده، ولی برای حفظ شغلم سریع خودم رو جمع و جور کردم.

- می‌شه یه مثالی بزنی؟

پارسال تو یه جشن عروسی مراسم مختلط بود، یعنی مردا و زن‌ها باهم می‌رقصیدن، دخترا همه زیبا و بدون حجاب با موهای رنگی پریشان و آرایش کرده. انگار جلو چشم من رژه می‌رفتن. یکی از دخترا خیلی زیبا و در عین حال نیمه لخت بود و مرتب جلو چشم همه می‌آمد، قسمت موزیک به من لبخند می‌زد و هی به من شاباش می‌داد.

- برخورد تو چه طور بود؟

ابتدا خیلی حس و حال خوبی به من دست داد، ولی از نگاه‌های دوستانم و پوزخندهاشون فهمیدم باید جدی برخورد کنم و فکر کنم خانواده خودم و فامیل‌های خودم هستن. سریع جهت نگاهم رو عوض کردم.

- این عکس العمل تو به خاطر چه بود؟

من تو یه خانواده تقریباً مذهبی به دنیا آمدم و درست و پاک بودن رو از پدر و مادرم یاد گرفتم، نمی‌خوام تو اجتماع به یه آدم هرزه معروف بشم. در ثانی شغل من همیشه این طور مراسمات رو داره، باید برای حفظ معروفیت خودم و گروه نوازندگان و خواننده‌مان هر کدامان پایبند اخلاقیات باشیم.

- آیا گروه بی‌تی‌اس نیز تأثیری در این پایبندی اخلاقی شما داشته؟

تقریباً آره، بی تأثیر نبوده. وقتی پسران گروه بی‌تی‌اس حق ازدواج و یا دوست دختر رو ندارند و با این همه جذابیت خودشون رو کنترل می‌کنن، من که بهترین الگویم جین هست، چه طور می‌تونم نگاه منحرف و خلافی داشته باشم. گر چه در جامعه‌ای بزرگ شده‌ام که پدرم و مادرم بهترین الگویم هستن. در ضمن من نمی‌خوام خدشه‌ای به شغل و شخصیت اجتماعی‌م وارد بشه».

«- گفتید که به رقص شون علاقه دارید. مگه مدل رقص شون پسرانه نیست، این مسأله مهم نیست؟ نه، من این جواری فکر نمی‌کنم، رقص پسرانه هم باشه یاد گرفتنش ضرری نداره، هم ورزشه و هم هنر. رقص رو هنر زن می‌دونم. از همون بچگی هم سعی کردم دخترم رو هل بدم به این سمت که یاد بگیره.

- نظرتون در مورد رقصیدن در کنسرت برای یک زن چیه؟

چه اشکالی داره یک زن برقصه توی کنسرت؟ اعتقاد ندارم باید دست و پای زن باید بسته باشه. رقصه دیگه.

- بی‌تی‌اس در این باور شما تأثیری داشته یا از گذشته نظرتون همین بوده؟

این جواری نبوده که باورم ۱۸۰ درجه متفاوت بوده باشه و بی‌تی‌اس بیاد کلاً همه چیز رو عوض کنه. رقص رو دوست داشتم و یک زن باید آزاد باشه مثل مردا. چرا کسی به رقص مردا کاری نداره. من اتفاقاً اون گروه بلک پینک رو خیلی دوست دارم، به خاطر این که خانمها در اون می‌رقصن.



- متوجه نشدم یعنی بی‌تی‌اس تأثیری نداشته؟

بی‌تی‌اس و بلک پینک این جواری تأثیر داشتن که من روم نمی‌شد توی جمع برقصم، حتی در جمع زنانه، الان داخل مهمونی‌های مختلط می‌رقصم، بدون این که خجالت بکشم. عادت دارم وقتی یک چیزی رو می‌بینم و خوشم میاد ناخودآگاه الگوبرداری می‌کنم. از دل و جرأت خواننده‌ها و بازیگرای تئاتر خیلی خوشم میاد، چون جرأت می‌کنن توی جمع هنرنمایی کنن، کاری که خیلی دوست داشتم و دارم یک روزی انجام بدم. دخترم رو هم تشویق می‌کنم تا ترس و خجالتش بریزه. دخترم هم مثل خودمه، یه چیزی ببینه و خوشش بیاد، همون رو یاد می‌گیره. از موقعی که مدارس حضوری شد با دوستاش گروه تئاتر موزیکال تشکیل دادن و دخترم هم یکی از بازیگرای تئاتره و یک مراسمی توی سالن آمفی

تئاتر فرهنگسرای... برگزار شد که دخترم نقش اول تئاتر بود و خیلی مسلط بازی کرد. خیلی خوبه که تونسته به ترسش غلبه کنه و خودش همیشه می‌گه که چه طور جین و دوستاش می‌تونن اون وقت من نتونم؟ آخرش هم همیشه می‌گه، آره من می‌تونم. با این حال روی موضوع رقص همسرم یک مانع بزرگه، ولی دخترم از این گوش می‌گیره و از اون گوش می‌ده بیرون و کار خودش رو انجام می‌ده».

نگین ۱۳ ساله نیز در مصاحبه‌ای که دارد، خاطرنشان می‌سازد، وی با اخذ انگیزه از پسران گروه بی‌تی‌اس، از عملکرد و تیپ بهتری برخوردار شده است:

«... هر موقع که می‌بینم نمی‌کشم یک وقت‌هایی یک یادآوری به خودم می‌کنم که چه قولی به خودم دادم، به خودم که نه همه آرمی‌ها این جور یان که برای این که پیشرفت کنن، می‌گن تو به آیدول خودت این قول را دادی که موفق بشی و این که به فرد مورد علاقه‌ات یک قولی را بدی، قطعاً انگیزه‌ات برای انجام اون کار بیشتره.

- یک قولی که هر کسی داخل ذهن خودش به آیدول مورد علاقه‌اش می‌ده؟
بله.

- چه هدف‌های کوتاه مدتی برای خودت در نظر گرفته‌ای؟
مثلاً کارنامه مهر ماه خودم خوب باشه.

- قبلاً این قول را به خودت نمی‌دادی؟

نه، من مثلاً قبلاً فقط درس را می‌خواندم که یک امتحان بدم و دو روز دیگه تمام چیزهایی که خواندم از یادم بره، ولی الان یکی، دو ساله که تا درس را نفهمم، آمادگی امتحان را ندارم و یک طوری می‌خوانم که تا ۲، ۳ سال بعدش همه‌اش یادمه.

- تو ذهن خودت قول دادی همه چیز را یاد بگیری؟
بله این که یاد بگیرم نه این که فقط حفظ کنم.

- چه قول‌های دیگری دادید؟

چیزی که من تو بی‌تی‌اس خیلی دوست دارم اینه که تو همه سخنرانی‌هاشون می‌گن خودتون را دوست داشته باشین، تلاش کنین حتماً به یک جای خوبی می‌رسید و من حداقل این شکلی فکر می‌کنم وقتی یک نفر از فرد مورد علاقه‌اش یک چیزی را می‌شنود، تو ذهنش می‌گه، ممکنه که طرف نداند من این قول را بهش دادم، ولی من قول می‌دم که خودم را دوست داشته باشم.

- قبلاً که خودت را دوست نداشتی، نگاه شما به خودت، ظاهر، اخلاقت و استایل چگونه بود؟
من اعتماد به نفس خیلی بالا رفتم از وقتی که کی‌پاپ و این‌ها گوش کردم، ولی قبلش خیلی آشفته بودم، مثلاً اگر یکی من را تو خیابان می‌دید، فکر می‌کرد تازه از خواب پا شدم.

- از روی چه چیزهاییت آشفته‌گی مشخص می‌شد؟
همه چیز، لباس، ظاهر.

- همیشه این طوری بودی یا یک زمانی؟

همیشه.

- الآن وقتی می‌خواهی بری بیرون، چه طوری می‌ری؟

الآن همیشه به خودم می‌رسم، حتی اگر خانه باشم و جایی نرم.

- دقیق تغییرات خودت را توصیف کنی؟

قبلاً لباس چروک می‌پوشیدم، الآن لباس‌ها را اتو می‌کنم. موهام را مرتب می‌کنم. کلاً وقتی از

خواب بیدار می‌شم دست و صورتم را می‌شویم که مثلاً خیلی آشفته به نظر نیام.

- قبلاً متوجه آشفتنگی خودت شده بودی؟

بعد از این که یک میزانی تغییر کردم، فهمیدم. یکی از دوست‌ها بهم گفت چه قدر استایل و جواری

که حرف می‌زنی فرق کرده، بعد کلاً اون موقع فهمیدم. الآن عکس‌الآنم را با اون موقع مقایسه می‌کنم،

می‌فهمم چه قدر بهتر شدم نسبت به اون زمان».

شواهدی که از آن‌ها بحث شد، بیانگر آن هستند که بعضاً اخلاق فردی هواداران گروه بی‌تی‌اس،

تحت تأثیر القای اعضای گروه قرار گرفته و از آن‌ها تأثیر پذیرفته‌اند.

بررسی اظهارات ناظر بر اخلاق اجتماعی هواداران نیز دلالت بر اثرپذیری هواداران از ارزش‌ها و

القائات گروه بی‌تی‌اس دارد.

دیپای ۱۵ ساله و پریناز ۱۸ ساله، در مصاحبه‌های خودشان اظهار داشته‌اند که پسران بی‌تی‌اس،

بدون قضاوت کردن، به اقشار مختلف که دارای دیدهای متفاوت هستند، احترام می‌گذارند:

«- نظر خودت راجع به این رفتارهایی که بعضی طرفدارها درباره قرار گذاشتن آیدول‌شون نشون

می‌دن، چیه؟

از نظر من این مدل طرفدارها خودشون رو جای آیدول‌شون نمی‌گذارن و این رو در نظر نمی‌گیرن

که اون آیدول هم یه زندگی شخصی برای خودش داره و خودش باید درباره اون زندگی تصمیم بگیره

و یه مشت طرفدار نمی‌تونن جمع بشن و برای زندگی اون تصمیم‌گیری کنن. به نظر من کلاً این طرز

فکر خیلی کودکانه است و خب ما همه اگه کسی بخواد تو زندگی مون دخالت کنه، قطعاً مسالمت‌آمیز

باهش رفتار نمی‌کنیم.

- به طور کلی در نهایت بی‌تی‌اس و کی‌پاپ چه اثرات منفی و مثبتی بر روی شما داشته؟

شاید بعضی از چیزهایی که می‌گم مسخره به نظر بیان، ولی برای خودم خیلی با ارزش هستن مثلاً

الآن خودم رو جواری که هستم دوست دارم، سعی می‌کنم درباره کسی نظر الکی ندم یا کسی رو قضاوت

نکنم چون زندگی آیدول‌ها رو دیدم و به هر آدمی با هر نظر، شکل و گرایشی می‌گذارم و منفی هم

شاید وقت و اینترنت باشه که مامان آدم رو عصبی می‌کنه؟ (می‌خندد)».

«... بعد یه نکته بگم، چیزی که باعث جذب این همه آدم به آرمی‌ها می‌شه احترامه، اون‌ها واقعاً احترام خیلی زیادی برای همه قایل هستن، برای مثال گروه بی‌تی‌اس در طول سال میتینگ (ملاقات) دارند با آرمی‌ها و باهاشون طی این میتینگ صحبت می‌کنن، همه از جاهای مختلف می‌رن که پسرآمون رو ببینن، وقتی که آرمی‌های مسلمون رفتن دیدن‌شون، برای این که خانم‌های مسلمون که حجاب داشتند، اذیت نشن سعی می‌کردن به اون‌ها زل نزنن یا موقعی که به قول خودمون می‌زنن قدش، خب آرمی‌های مسلمون چون به تماس با نامحرم و اینا حساس ان، پسرآمون حواس‌شون بود تا اونا اگه اقدامی نکردن، دست ندن یا مثلاً اگه اونا دست‌شون رو جلو آوردن، دست بدن و این حرفا یا وقتی کنسرت دارن، وقتی اذان پخش شد، توی یکی از کنسرت‌ها به احترام اذان آهنگ رو قطع کردن و گذاشتن اذان تموم بشه، بعد کنسرت رو ادامه دادن که به آرمی‌های مسلمون احترام گذاشته باشن یا در یه مثال دیگه، هر کدوم از اعضاء رنگ میکروفون‌هاشون خاصه و مختص خودشونه، مال جیمین طلاییه که توی عربستان این رنگ رو برای مرد جایز نمی‌دونن (!)، ظاهراً برای همین وقتی اونا کنسرت داشتن، جیمین دور میکروفنش پارچه پیچید که یه جورایی به این سنت احترام گذاشته باشه و حتی اعضاء برای سایر ادیان احترام قایلن حتی برای بغل کردن دخترا دست‌هاشون رو مشت می‌کنن که یه وقت دست‌شون بدن دختر رو لمس نکنه یه وقت اون‌ها معذب شن یا احساس بدی بهشون دست بده و این احترامی که برای همه قایل هستن قابل ستائشه».

راضیه ۱۵ ساله و مسعود ۲۰ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خود بیان داشته اند که از اقدام‌های خیرخواهانه پسران بی‌تی‌اس تأثیر پذیرفته و شخصاً در صدد انجام اقدام‌های خیرخواهانه برآمده اند:

«- می‌تونن از صحبت‌هاشون که بهت انگیزه می‌دن برام بگی؟»

انگیزه‌ای بهم می‌دن با حرفاشون که برای هدفم مصمم‌تر بشم و برای خوشحال کردن خودم به کسی محتاج نباشم. وقتی می‌بینم به دیگران کمک می‌کنن، این مسأله باعث می‌شه من هم برای کمک به دیگران تردید نداشته باشم.

- یعنی نسبت به قبل از این که آرمی بشی، بیش‌تر به دیگران کمک می‌کنی؟
آره.

- یعنی کمک مالی؟

کمک‌های مالی و کمک‌های دیگه.

- می‌تونن در مورد کمک‌های دیگه برام مثال بزنی؟

مثلاً یکی که کنارم مشکل روحی داره، باهاش حرف می‌زنم و بهش کمک می‌کنم تا برای مشکلش یه راه حلی پیدا کنه».

«- مسعود شنیدم که آیدول‌ها در کارهای خیرخواهانه شرکت می‌کنند، این صحت دارد؟»

بله، صحت دارد، مثلاً مقداری از درآمدشون رو کمپانی اختصاص به کارهای خیرخواهانه قرار داده مثل مدرسه‌سازی، بیمارستان‌سازی در مناطق محروم کره جنوبی و حتی ژاپن و کمک به یتیمان و پرورشگاه‌های کودکان بی‌سرپرست و کمک به بیماران سرطانی و خیلی کمک‌های خیرخواهانه دیگه.

- این کار آیدول‌ها روی هواداران چه تأثیری گذاشته؟

باعث شده تا هواداران همیشه این کارهای خیرخواهانه رو با الگوبرداری از آیدول‌ها انجام بدن.

- می‌شه چند مثال بیاری؟

مثلاً مدیران فن‌پیج‌ها به شماره حساب در پیج‌شون می‌ذارن که اختصاص به جمع‌آوری کمک‌های هواداران هست. هر بار به مناسبتی از هواداران می‌خوان که کمک‌های نقدی خودشون رو مثلاً برای کمک به بیماران پروانه‌ای به اون شماره حساب بریزند و یا بعد از هر جشن تولدی از هواداران می‌خوان که کمک‌های نقدی‌شون رو به حساب پیج و اریز کنند برای کمک به سرای سالمندان و واقعاً هواداران هم چون تعدادشون زیاد هست هر چند مقدار واریزی هم کم باشه، ولی روی هم جمع می‌شه و مدیر پیج زحمت می‌کشه و با ارایه فیلم از بازدید از این مراکز حسن نیت خودش رو ثابت می‌کنه و این رسم قشنگ ادامه داره».



رخساره ۱۶ ساله نیز در مصاحبه خود بیان می‌دارد، وی به عنوان یک هوادار، به رفتارهای زیست محیطی اعضای گروه بی‌تی‌اس توجه دارد و سعی می‌کند از آن‌ها تبعیت کند:

«- رابطه بی‌تی‌اس با محیط زیست به چه صورته؟»

عاشق محیط زیستن، داخل جنگل فیلم و کلیپ می‌سازن، درختکاری می‌کنن، آب می‌دن به گیاه‌ها، کمک به حیوان‌ها و به محیط زیست کلی پول اهدا می‌کنن، خودشون حیوون خانگی دارن. یه ویدیویی جدیداً ساختن خیلی قشنگه در مورد اقیانوس و کارهایی که ماها باید انجام بدیم.»



در ارتباط با اثرپذیری هواداران از القائات گروه بی‌تی‌اس در زمینه‌های اخلاق فردی، جمعی و زیست محیطی باید به چند نکته توجه داشت.

نکته نخست تفسیر به رأی برخی از هواداران در ارتباط با القائات اخلاقی و ارزشی گروه بی‌تی‌اس است. به عنوان مثال، محسن ۲۲ ساله گزارش می‌کند، دوست وی با این استدلال که پسران بی‌تی‌اس فقط با آهنگ خواندن، به ثروت زیادی دست یافته‌اند، او نیز مجاز است که بدون زحمت کشیدن زیاد در امتحانات درس‌های دانشگاهی خویش، با تقلب نمره کسب کند:

«- یعنی دوستت از مسوولیت پذیری فرار می‌کنه؟

خودش که این طوری می‌گه. تکالیف کلاسی هم من ندیدم انجام بده و همیشه از زیر کار در رفته.

- بی‌تی‌اس هم تأثیری داشته در مورد این مسأله؟

یک بار فقط به من گفت که وقتی می‌شه راحت زندگی کرد، چرا باید این قدر سختش کنیم زندگی

رو.

- یعنی چی؟ اگر ممکن هست لطفاً کمی بیش‌تر توضیح بده.

یکی دو تا از این بی‌تی‌اسی‌ها رو مثال زد، البته کنارش چندتا از این شاخ‌های مجازی رو هم مثال زد، ولی کل حرفش این بود که وقتی می‌شه خیلی راحت به راحتی رسید و موفق شد، چه لزومی داره این همه درس بخونیم و تلاش کنیم.

- منظور دوستت از راحت دقیقاً چی هست، آیا اعضای بی‌تی‌اس به راحتی به این جایگاه رسیده‌اند؟

از نظر دوستم بله. فکر می‌کنه خوانندگی و رقص خیلی راحت‌تر از درس خوندن هست و تلاش زیادی نمی‌خواد و چون رقص و آهنگ طرفدار زیاد داره، خیلی‌ها پول درست و حسابی خرج می‌کنن برای آهنگ و رقص».

کوثر ۲۵ ساله، در مصاحبه خویش از اخذ روش برخورد هیجان‌مدار در ارتباط با آیدول‌ها سخن به میان آورده است که بالطبع برخوردهای هیجان‌مدار، بیش‌تر از آن که حاوی اثرات مثبت باشند، واجد اثرات تخریبی و منفی هستند:

«... برای همین مثلاً به حالت تاکسیکی داره و همه هم تو کی‌پاپ به این قایل اند که کمپانی‌های کی‌پاپ باید برن انداخته بشن تو سطل آشغال و واقعاً به درد نمی‌خورن و طرفدارای کی‌پاپ هم آدمای تاکسیکی شدن و محیط محیط سمی‌ای شده».

ترویج هنجارشکنی توسط گروه بی‌تی‌اس، مقوله دیگری است که باید بدان اشاره داشت. به این معنا که الزاماً هر نوع هنجارشکنی در جامعه مثبت ارزیابی نمی‌شود و هوادارانی که مثلاً با اخذ القاتات گروه، دست به جنسیت‌زدایی در آرایش، پوشش و عشق می‌زنند، ممکن است در برخورد با محیط اجتماعی‌شان که موارد اخیر را بر نمی‌تابد، دچار مشکلات عدیده شوند.

ارایه استانداردهای غلط، مشکل دیگری است که در القای ارزش‌های اخلاقی فردی و اجتماعی و زیست محیطی گروه بی‌تی‌اس قابل مشاهده است. به این معنا که برخلاف الگو دادن بی‌تی‌اس در نگه‌داری حیوانات، اصولاً جدا کردن حیوان از محیط طبیعی خودش و انتقال آن به محیط آپارتمانی زندگی خود، ظلم مضاعفی به حیوان است. همان‌گونه که مصرف زیاد اعضای گروه بی‌تی‌اس در تضاد و تعارض با اهداف زیست محیطی به شمار می‌آید.

نکته بعد این که اعضای گروه بی‌تی‌اس، به القای برخی از شعارها اقدام می‌کنند، اما ممکن است خودشان عکس شعارهایی که می‌دهند، رفتار کنند که این امر اسباب شکل‌گیری تعارض در اذهان هواداران را فراهم می‌آورد. به عنوان مثال، عرفان ۲۱ ساله، در مصاحبه خودش از شعار جین سخن می‌گوید که در بند دغدغه‌های مادی نباشید، در حالی که اعضای گروه، نه تنها شخصاً اوجی از مصرف-زدگی را در زندگی خویش به نمایش می‌گذارند، بلکه گاهی مبلغ برندهای فوق‌العاده گران قیمتی می‌شوند که خرید کفش یا لباس مورد نظر، حتی از عهده بسیاری از افراد ثروتمند جامعه نیز بر نمی‌آید:

«- عرفان قبلاً گفتمی که بیش‌تر از آیدول جین تقلید می‌کنی تا چه حدی درباره اون تحقیق کردی و می‌شناسیش؟»

جین قبل از این که بیاد عضو بی‌تی‌اس بشه، دوست داشت در آینده بازیگر بشه و تو تتاثر کارکنه. هیچ وقت فکرش رو نمی‌کرد که یه زمانی خواننده معروفی بشه. در حال حاضر جین از بهترین خوانندگان بی‌تی‌اس و خود کشور کره هست. چهره گروهه از نظر زیبایی، شعار جین، بدون نگرانی زندگی کردن هست. اون می‌گه شما فقط یه بار زندگی می‌کنین و باید بدونین که زندگی تون هم خیلی سریع می‌گذره.

- شعار جین دال بر بدون نگرانی زندگی کن رو توی زندگی شخصیت استفاده می‌کنی؟
من عاشق این شعارم. زندگی ممکنه خیلی کوتاه‌تر از آنچه که فکرش رو بکنیم، باشه. اگر آدم بدون نگرانی از دغدغه‌های مادی این دنیا بگذره، زندگی باکیفیت‌تر و اعصاب آرام‌تر و خونسردی بیش‌تری خواهد داشت».

بنابراین با اذعان به اثرپذیری اخلاق فردی، جمعی و زیست محیطی برخی از هواداران از پسران بی‌تی‌اس، باید به سردرگمی که القائات ارزشی و اخلاقی بی‌تی‌اس برای هواداران پدید می‌آورند نیز توجه داشت.

۷- اثرهای اقتصادی - سیاسی

هواداری از گروه‌های مختلف از جمله بی‌تی‌اس، واجد آثار مختلفی نظیر اثرهای روانی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی - عقیدتی، آموزشی، اقتصادی - سیاسی، زیباشناختی، هنری، سلامت و بهداشت و خانوادگی است که در این قسمت، بررسی اثرهای اقتصادی - سیاسی، هواداری از گروه بی‌تی‌اس، مدنظر قرار گرفته و مورد بحث قرار خواهد گرفت. عناوینی که در ذیل بررسی اثرهای اقتصادی - سیاسی هواداری از پسران بی‌تی‌اس، در این قسمت مورد بررسی قرار خواهند گرفت، به ترتیب عبارتند از: همسویی گروه بی‌تی‌اس با نظام سرمایه‌داری، ترویج مصرف‌گرایی، نفوذ کانون قدرت در هنر، فعالیت سیاسی گروه بی‌تی‌اس، اخذ الگو برای حرفه آینده، صرف هزینه جهت هواداری از گروه بی‌تی‌اس و در آمدزایی برخی از هواداران بر مبنای تبلیغ برای بی‌تی‌اس. در ادامه به بررسی عناوین پیش گفته، پرداخته خواهد شد.

۷-۱- همسویی گروه بی‌تی‌اس با نظام سرمایه‌داری

برخی از هواداران مصاحبه شده در بیانات خویش به همسویی گروه بی‌تی‌اس با نظام سرمایه‌داری اشاره داشته و تأکید کرده اند که کمپانی بیگ‌هیت و گروه بی‌تی‌اس، در نهایت دقیقاً در راستای منافع نظام سرمایه‌داری گام برداشته و در جهت حفظ منافع و بقای آن عمل می‌کنند.

استدلال هواداران اخیر متفاوت است. بسیاری از هواداران مصاحبه شده، خاطرنشان ساخته اند که حاشیه‌پردازی‌های کمپانی برای اعضای گروه (نظیر شائبه هم‌جنس‌گرا بودن) که در سطح هواداران به صورت زوج (کاپل) نشان دادن آن‌ها یا مرتبط نمایاندن (شیپ کردن) آن‌ها محقق می‌شود، عمدتاً اقدام‌هایی تعمدی هستند. زیرا حاشیه‌پردازی‌های بیشتر، با جذب بیشتر هوادار توأم بوده و جذب بیشتر هوادار هم مترادف کسب سود فراوان‌تر هست.

هواداران دیگری با تأکید بر برگزاری جشن تولدهای میلیاردری آیدول‌ها، غایت هزینه کردن کمپانی را چشم‌داشت کمپانی به شهرت بیشتر و در نتیجه کسب سود فزون‌تر تبیین کرده اند.

افراد دیگری نیز با استناد به تبلیغ برندهای فوق‌العاده گران‌قیمت توسط گروه بی‌تی‌اس، پسران عضو گروه را مبلغان نظام سرمایه‌داری معرفی کرده اند که برخلاف شعارهای زیبای‌شان، با تبلیغ برندهای فوق‌العاده گران، در عمل تحقیر را برای غالب هوادارانی که قدرت خرید برندهای اخیر را ندارند، رقم می‌زنند.

هواداران دیگری با تأکید بر رهنمودهای نهایی که از کاربری از گروه بی‌تی‌اس به دست آورده اند (نظیر فردگرایی مفرط و یا غایت آمال دانستن پول)، به شکل غیرمستقیم به تأیید حاکمیت اندیشه سرمایه‌داری بر کمپانی بیگ‌هیت و گروه بی‌تی‌اس پرداخته‌اند.

بنابراین از دید این دسته از هواداران، حاکمیت اندیشه کسب سود در کمپانی بیگ‌هیت از سویی و حاکمیت حمایت از خطمشی نظام سرمایه‌داری در سطح اعضای گروه بی‌تی‌اس، در مجموع گروه را بیش‌تر از آن که مجری نیت خیرخواهانه و تعالی بخش برای جوانان و جامعه کره و جامعه جهانی ترسیم کند، گروه بی‌تی‌اس را مجری اوامر و نواهی نظام سرمایه‌داری کره و نظام سرمایه‌داری جهانی معرفی می‌کند.

مه‌لقای ۱۹ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، خاطر نشان می‌سازد، نظام کاپیتالیستی، تنها دنبال کسب سود بیش‌تر و بیش‌تر است و با شست‌وشوی مغزی افراد، می‌کوشد تا آنان را به مصرف کالاهایی که نظام سرمایه‌داری تولید کرده است، ترغیب کند (بنابراین وظیفه گروه‌هایی نظیر بی‌تی‌اس، در نهایت شست‌وشوی مغزی مخاطبان خویش هست):

«- این که می‌گی خیلی خوشگل ان دلت نخواست که با عمل و این چیزا شبیه اونا بشی؟ نه، هیچ وقت این طوری نبوده، چون هیچ وقت عمل کردن رو کلاً دوست نداشتم و قبولش نداشتم، مخصوصاً الآن باز بیش‌تر به خاطر این که این طوریم که برای چی باید خودمون رو بازیچه معیارایی بکنیم که سیستم سرمایه‌داری اومده درست کرده که به خودش سود برسه، قرار نیست که سودی به ما برسونه که ما خودمون رو شبیه هم بکنیم که ما خودمون رو نزدیک به معیارهای زیبایی اونا بکنیم و صرفاً سعی کردم که تحسین بکنم زیبایی اونا رو و هیچ وقت این طوری نبوده که... البته گاهی وقت‌ها شاید کمی حسودی می‌کردم، اما هیچ وقت این طوری نبوده که بخوام عمل کنم و یه کاری کنم که شبیه اونا بشم.»

- به نظرت هدف سیستم سرمایه‌داری چیه؟

اسمش روشه دیگه. واسه پول و سرمایه. میان مغزای ما رو شست و شو می‌دن و با ترفندای خاص شون، خیلی ریز بدون این که بفهمیم کاری می‌کنن که ما حس کنیم به محصولاتی که این سیستم برامون تدارک دیده، نیاز داریم. اون قدر زیر پوستی رخنه می‌کنه که به هیچ وجه نمی‌فهمیم و حتی نمی‌تونیم دنیایی رو تصور کنیم که توش پولی وجود نداره. مثل سیستم همسان ساز کره شمالی که کاری کرده که مردمش حتی نتونن تصور کنن جور دیگه‌ای هم می‌شه زندگی کرد و هیچ تعریف درستی از آزادی نداشته باشن. کاپیتالیسم می‌خواد دنیا روی پول بچرخه و برای مردم احساس نیاز ایجاد می‌کنه و هر چه قدر تقاضا بالاتر بره، سود این سیستم بالاتر می‌ره.»

مریم ۱۸ ساله و نرگس ۲۱ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه‌ای که داشته‌اند، حاشیه‌پردازی‌های متعدد در مورد روابط هم‌جنس‌گرایانه اعضای گروه و مانند آن را بیش‌تر امری برنامه‌ریزی شده دیده‌اند که جذب هوادار بیش‌تر و در نتیجه کسب سود فزون‌تر، هدف غایی و نهایی آن است:

«- به نظرت خبر رابطه بین اعضاء با سلبریتی‌های دیگه واقعه یا ساختگی و برنامه‌ریزی شده هست و جنبه تبلیغاتی داره؟»

هر دوش می‌تونه باشه. این خیلی احتمالش بالا هست که هدف کمپانی‌ها از نشر این جور خبرها این باشه که اون آیدول‌ها رو بندازن سر زبونا و کلی هشتگ و حاشیه درباره‌شون درست بشه، چون روابط توی صنعت کی‌پاپ مثل روابط توی هالیوود زیاد و عادی نیست، معمولاً توی کی‌پاپ کمپانی‌ها خیلی حواس‌شون جمع هست که همچین چیزهایی پیش نیاد و خبرش پخش نشه، مگر این که به نفع خودشون باشه و خودشون خواسته باشن این حاشیه درست بشه، برای همین احتمال زیاد وقتی داستان رابطه توی کی‌پاپ پیش میاد، الکیه و برنامه کمپانی‌ها هست، ولی از طرف دیگه ممکن این وسط یه سری روابط هم واقعی باشند و خارج از کنترل کمپانی لو رفته باشند و پخش شده باشن. به نظرم هر دوش محتمله.»

«- یعنی تبلیغ کردن هم‌جنس‌گرایی براشون سود داره؟»

بله. خیلی از کسانی که جذب موسیقی کره و کی‌پاپ شدن، علتش همین بوده. کافیه خودتون برید یه نگاه بندازید و ببینید توی کی‌پاپ چه جوری اعضای گروه‌ها باهم رفتار می‌کنن. البته یه بخشیش، علتش اینه که کلاً توی کره افراد خیلی باهم راحت هستن، برای همین کسانی که طرفدار کره‌ای‌ها هستن، این رفتارها رو می‌ذارن روی حساب این که اونا باهم صمیمی هستن، ولی خب خارج از کره اعضاء رو خیلی بیش‌تر شیپ می‌کنن. چون از نظرشون رفتارها مثل کاپل‌های هم‌جنس‌گرا هست. این رفتارها هم خانواده‌ی کوئیر و هم دخترای تینیجر رو به شدت جذب می‌کنه. اینا براشون کیوت و جذابه. می‌بینن خوش‌شون میاد و طرفدار می‌شن، بعدش هم کلاً می‌افتن تو کار شیپ کردن و داستان و فن‌فیکشن خوندن و این جور کارا، خیلی از آرمی‌ها حالا تو ایران رو دارم می‌گم، صرفاً طرفدار یه شیپ هستن. اکثراً هم جونگ‌کوک و تهیونگ رو شیپ می‌کنن و عاشق همین دو نفر هستن. الان خیلی هم طرفدارای این شیپ زیاد شده. من خودم باور ندارم بهش، ولی خب اون قدری که از سادگی این بچه‌های تینیجر استفاده می‌کنن، با کلی مومننت و عکس و تئوری جوری نشون می‌دن که انگار واقعاً اینا باهم تو رابطه هستن. در مجموع سود داره دیگه. طرفدار بیش‌تر یعنی پول بیش‌تر و یکی از راه‌های جذب طرفدار هم همین شیپ کردن و کاپل نشون دادنه.»

عرفان ۲۱ ساله، در مصاحبه‌اش خرج‌های میلیاردی کمپانی برای تولد اعضای بی‌تی‌اس و برگزاری جشن تولد اعضای گروه را در سطح تعداد زیادی از کشورهای جهان، فقط برگزاری یک جشن تولد

ساده تلقی نکرده و اهداف پشت سر مواردی مانند انداختن تصویر آیدول‌ها بر برج خلیفه دبی یا برج‌های مشابه در ژاپن و کشورهای دیگر را تبلیغاتی برای جذب بیش‌تر سود دانسته است:

«- عرفان کمپانی برای جشن‌های دیگر هم هزینه‌های زیادی می‌کنه؟

بله، برای همه‌ی جشن‌ها کلی هزینه می‌کنه.

- یه نمونه دیگه می‌شه مثال بزنی؟

بله، مثلاً هزینه‌هایی که برای جشن تولد هر کدام از آیدول‌ها می‌کنه، ده‌ها برابر جشن فستا است. برای تولد آیدول‌ها نه تنها در کره جشن می‌گیره، بلکه در اکثر کشورها هم کلی بنر و پوستر از آیدول‌ها بر در و دیوار و برج‌های معروف جهان می‌چسبانن. برای تولد هر کدام‌شان از یه رنگ استفاده می‌کنن، مثلاً برای تولد تهیونگ از رنگ بنفش استفاده کردن و برای تولد جین از رنگ صورتی استفاده کردن.

- عرفان به نظرت کمپانی این همه هزینه برای جشن‌ها رو از کجا می‌آورد؟

اگر کمپانی برای هر جشنی هزینه کند، آنقدر با قدرت برای جشن‌ها تبلیغات می‌کنه و از قبل آهنگ‌هایی آماده می‌کنه که نه تنها هزینه‌ها برمی‌گرده، بلکه چندین برابر نیز سود می‌کنه.

- چه طور همچین چیزی ممکنه؟ مثالی بزنی.

مثلاً وقتی جشن تولد تهیونگ رو گرفتن، عکس و بنر تهیونگ رو بر روی معروف‌ترین برج‌های دبی و ژاپن و ویتنام و ده‌ها کشور دیگه با نور افشانی به رنگ بنفش نشان داده شد. یعنی آنقدر تهیونگ رو به دنیا شناساندن که کافی بود تهیونگ بره به هر کدام از این کشورها و آلبوم خودش رو اجرا کنه. آن وقت بلیط برای فروش کم می‌آوردن یا حتی می‌تونستن بلیط‌ها رو دو، سه برابر قیمت واقعی شون به فروش برسانن. در نتیجه هر چه هزینه می‌کنن، ده‌ها برابرش از راه‌های دیگه به جیب‌شون برمی‌گرده».



محمدرضای ۲۱ ساله، وظیفه تبلیغ برندهای بسیار گران قیمت اعضای گروه بی تی اس را وظیفه‌ای در راستای خدمت به اهداف نظام سرمایه‌داری می‌داند:

«- آلبوم یا کلاً وسایلی که خود آیدول‌ها استفاده می‌کنن یا مثلاً تبلیغ می‌کنن رو خریدی؟ من نه راستش تو این مورد من اصلاً حوصله‌اش رو ندارم، بعد هزینه کردن برای خرید اینا هم زیاده واقعاً، ولی خب دوستایی دارم که آره این کارا رو انجام می‌دن.

می‌دونی چیزایی که تبلیغ می‌کنن، واقعاً در سطح توان خرید خیلیا نیست، اصن یعنی چیزایی تبلیغ می‌کنن که همه‌شون برندن، مثلاً یه لباسش شاید نزدیک ۱۴، ۱۵ تومن قیمتش باشه، بالای دو، سه هزار دلار قیمت هر کدوم از لباسایی هست که تبلیغ می‌کنن یا مثلاً یه کاپشن تبلیغ کرده بودن من دقیق یادمه به پول ما ۲۳ میلیون تومن بود یا یه کفش تبلیغ کرده بودن، اگه درست یادم باشه ورساچه بود، نمی‌دونم یا گوجی یا ورساچه بود، یکی از این دوتا قیمتش ۱۱۵ میلیون بود. خیلی چیزای دیگه هم هست که خب با این قیمتا تعداد خیلی کمی توان خریدش رو دارن».

بررسی اظهارات جمعیت مورد بررسی حکایت از آن دارد که برخی از این هواداران، پیام غایی و نهایی گروه بی تی اس را فردگرایی افراطی و غایت پنداشتن پول دانسته اند که به خوبی بیانگر القای اهداف نظام سرمایه‌داری در مخاطبان گروه بی تی اس است:

«- چیز خاصی هست که از بی تی اس یاد گرفته باشی و دوست داشته باشی بگی؟ من از بی تی اس یاد گرفتم که باید بیش تر از هر چیزی به خودم بهاء بدم. خود ما انسان‌ها هستیم که مهم هستیم و فرصت زندگی بهمون داده شده. باید خودمون به خودمون ارزش بدیم و خودمون رو فدای بقیه نکنیم. به ما ربطی نداره که کی چه کار می‌کنه. باید خودمون رو محدود نکنیم و کامل زندگی کنیم، یعنی همیشه شاد باشیم».

- یعنی این که خود فرد از همه چیز مهم‌تره؟

آره» (گزنوش، ۱۴ ساله).

«- میزان پولی که در میارن روی تو تأثیری داشته؟

بستگی داره دید شما چه طوری باشه، من این طوری نگاه می‌کنم که طرف خیلی تلاش می‌کنه و یک پول گنده در میاره، من می‌گم خوب منم تلاش می‌کنم که بتونم پول در بیارم.

- اگه که تو چه کاره بشی می‌تونی این قدر پول در بیاریم؟

طبق آخرین تحقیقات، من اگه بتونم جراح بشم، اون موقع می‌تونم یه همچین پولی در بیارم و حتی بیش تر.

- یعنی تأثیری که گروه برای تو داشته چه طوری بوده؟

برای من رو میزان تلاشم تأثیر گذاشته، چیزی که من بهش باور دارم اینه که پول خوشبختی میاره و خوب دوستای منم همین طور، برای همین می‌گم که من تلاش زیاد می‌کنم که پول زیاد به دست بیارم که خوشبخت بشم» (نگین، ۱۳ ساله).

۷-۲- ترویج مصرف‌گرایی

اعضای گروه بی‌تی‌اس ضمن تلاش برای طرح خویش به مثابه افرادی که جوانان را فهم کرده و بدون قضاوت با آنان برخورد می‌کنند، با اجراهای پر شکوه خویش به لحاظ طراحی صحنه و توام شدن موسیقی، آواز و رقص خود را برای جوانان مطرح ساخته، در ادامه با ارایه انبوهی از برنامه‌های جانبی که در عمل موسیقی بی‌تی‌اس را به صنعت سرگرمی و تفریح ارتقاء می‌دهد، خود را در اذهان جوانان و دیگر اقشار جامعه نهادینه می‌سازند.

جذابیت‌های اخیر سبب می‌شود، هر فرد یا نهادی در صدد بهره‌گیری جانبی از این جذابیت‌ها برآید. از این رو نظام سرمایه‌داری حاکم بر کره جنوبی و نظام سرمایه‌داری جهانی با استفاده از فرصت پیش آمده، از اعضای گروه و جذابیت آنان برای مخاطبان در جهت تبلیغ کالاهای مختلف خودشان سود می‌برند.

فرشته ۱۸ ساله، در مصاحبه خود مصداقی از جذابیت اقتصادی آیدول‌ها که سبب جذب دنیای سرمایه‌داری به سوی آنان شده است را به دست می‌دهد:

«... جونگ‌کوک طی یک لایو آبمیوه می‌خورد و یه کم هم ازش تعریف کرد و توی لایو بعدی، وقتی می‌خواست آبمیوه سفارش بده، آبمیوه سولد اوت (تمام) شده بود و آرمی‌ها این کار رو کرده بودن، حتی عکساشون هم موجوده.

- ممکنه این عکس رو برام بفرستی؟

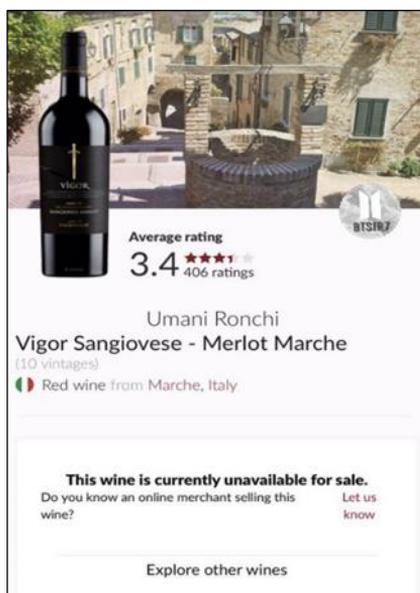
آره حتماً. بعد نمونه‌های دیگه‌ای هم می‌تونم بفرستم؟

- حتماً فرشته جان راحت باش.

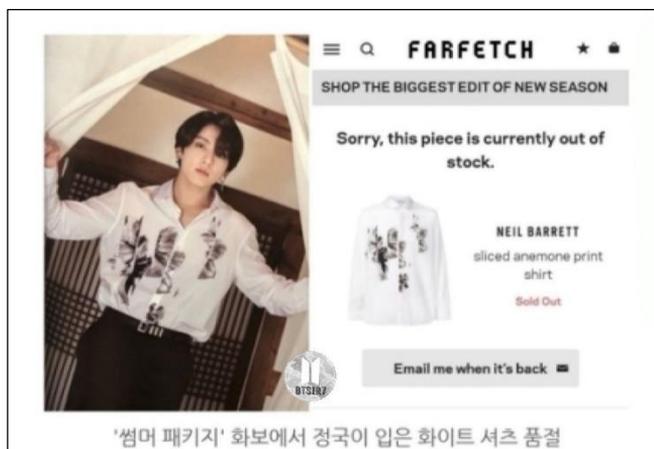


در یه نمونه دیگه، اعضای بی‌تی‌اس برند لباس‌های خیابانی رو در ویدیوی "Euphoria" پوشیدند و اون لباس‌ها بلافاصله سولداوت شدند. بعد از پوشیدن لباس‌های برند A Piece of Cake توسط بی‌تی‌اس در یوفوریا محصولات اون به سولداوت رسید. بی‌تی‌اس به طور رسمی به اون تصویر استایل ایده‌آل رسیده، در حالی که می‌دونیم اون‌ها لباس‌هاشون بی‌عیب و نقص هست، این هفته یک قدم به جلوتر برداشتن، در ویدیو جدیدشون یوفوریا، جیهوپ و جونگ‌کوک هر دو لباس‌هایی رو از برند کره جنوبی A Piece of Cake هست رو پوشیدند و طبق گفته‌های این برند، این استایل به طور کامل به فروش رسیده.

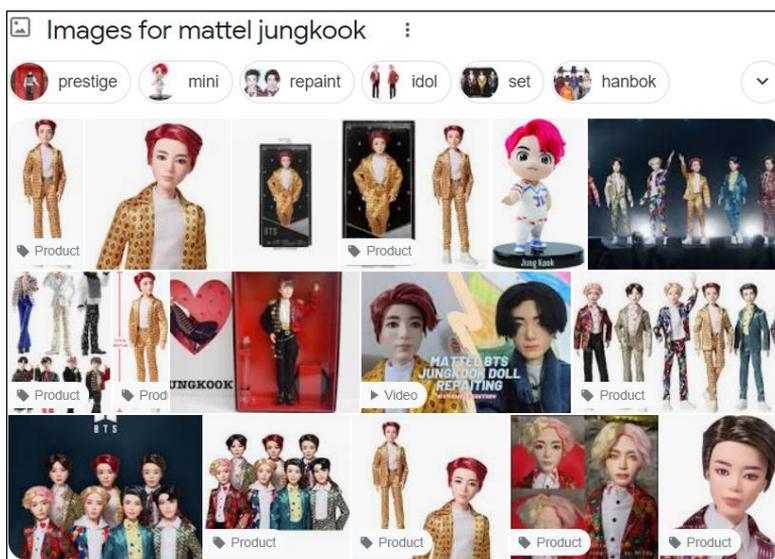
در گفته‌ای از این برند، اون‌ها نوشتند: «این خیلی خوب بود که اون‌ها با این حالت جالب انگیز محصولاتمون رو به بقیه نشون دادند. ممنون بی‌تی‌اس برای این علاقه‌تون». این طور به نظر می‌رسه که اون‌ها توقع این بازخورد سریع رو برای آیتم‌هایی که توسط بی‌تی‌اس پوشیده شده رو نداشتند. این برند همچنین گفته که «برای این که تقاضاهای زیادی که داشتیم، بی‌جواب نمونه ما تصمیم به تولید دوباره اون دو آیتم کردیم. فقط ممکنه چند روز طول بکشه تا به دست‌تون برسه، ما می‌خواهیم ازتون تشکر کنیم برای صبر و عشقی که نشون دادید».



در مورد دیگه‌ای تنها یک روز بعد از آن که جونگ‌کوک شراب Sangiovese را در وی‌لایوش خورد، سولداوت شد.



چونگ کوک که رسانه‌های کره‌ای به او لقب «پادشاه سولداوت» رو دادن، بار دیگه محبوبیت و قدرتش رو در این زمینه ثابت کرد و دو تیشرتی که یکی در لایو جیهوپ و دیگری لباسی که در سامر پکیج به تن داشت، در سریع‌ترین زمان ممکن سولداوت شدند. همچنین باید اضافه کرد که عروسک چونگ کوک که ماتل (کمپانی سازنده باربی) اون رو ساخته، در حال حاضر در لیست پرفروش‌ترین محصول است.



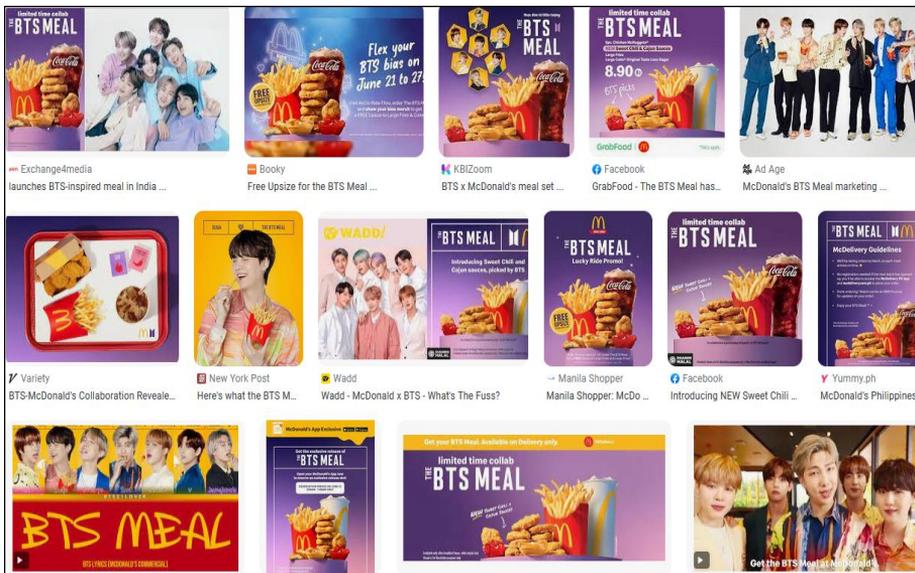


طبق اطلاعات منتشر شده، Shin نویسنده‌ی کتاب 'Life energy of Language' که پس از دیده شدن در دست تهیونگ، سولد اوت شد، به تازگی کتابی با عنوان 'Humanities' منتشر کرده که در پیش‌گفتار آن از تهیونگ تشکر کرده و گفته امیدواره داستان‌های زیبای بی‌تی‌اس و طرفداران بیش‌تر گسترش پیدا کند.

بسیاری از هواداران شاهد تبلیغات اعضای گروه بی‌تی‌اس بوده و بالطبع به دلیل علاقه به افراد مزبور، بر مبنای مدل شرطی شدن کلاسیک، کالاهای تبلیغ شده توسط آیدول‌ها را نیز مطلوب دیده و احساس کرده‌اند. ریحانه ۱۵ ساله، سمانه ۱۷ ساله و شقایق ۱۹ ساله، در مصاحبه‌های خودشان در توصیف حضور اعضای بی‌تی‌اس در تبلیغات برندهای مختلف می‌گویند:

«بی‌تی‌اس محصولاتشون رو معرفی هم می‌کنن؟»

بین بیش‌تر مثلاً توی تبلیغات ازشون استفاده می‌کنن یا مثلاً مدلینگ ان، مثلاً تبلیغ گوشی سامسونگ، تبلیغ خوراکیا، تبلیغ حتی صندلی! خب چون ظاهر و اندامشونم خوبه، مدلینگ هستن دیگه، یه نوع نوشیدنی‌هایی هست که عکس اعضای بی‌تی‌اس روشه باهشون موبکبانگ درست می‌کنن، یا کوکی و خوراکی‌های دیگه‌ای که عکس بی‌تی‌اس روشون خورده و خوردن‌شون صدا می‌ده و باهشون موبکبانگ می‌سازن.



– خوب بی‌تی‌اس که لاغر هستن و رژیم‌های افراطی رو دنبال می‌کنن، پس چه طور اعضاهاش با خوردن غذا و نوشیدنی زیاد موبکبانگ می‌سازن؟ این واسه من تناقض ایجاد کرده.

۱ Mukbang

موبکبانگ به عنوان برنامه خوردن شناخته می‌شود، یک پخش آنلاین سمعی و بصری است که در آن یک میزبان هنگام تعامل با مخاطب، مقدار زیادی غذا مصرف می‌کند. در سال ۲۰۱۰ در کره جنوبی محبوب شد و از آن زمان به یک روند جهانی تبدیل شد (ویکی‌پدیا).

خب بیش تر جنبه تبلیغی داره، بعدم همیشه که این همه غذا نمی خورن، برای گرفتن کلیپ و یا مثلاً تبلیغ این کار رو می کنن، اون جووری که باید چاق می بودن، ولی خیلی هاشون لاغر ان حتی. بیش تر جنبه تبلیغش منظورشونه به نظرم.

- خوب بی تی اس خودش مروج لاغری و رعایت رژیم و این هاست، ولی طرفدارهاش با این کار به نظرت نسبت بهشون خیانت نمی شه؟

نه. واسشون تبلیغ می کنن!

- یعنی تبلیغ به قیمت کنار گذاشتن اصول گروه؟

خب اصول گروه بیش تر برای خود آیدول ها هست، طرفدارهاش که مجبور نیستن این همه افراطی رعایت کنن.

- ولی خب طرفدار واقعی اصول آیدول مورد علاقه اش براش مهمه نه؟ سعی می کنه هر چه بیش تر شبیهش بشه.

بین خب اونا به خاطر کارشون مجبورن یه سری اصول رو رعایت کنن و اگر کارشون نباشه، خودشون شاید این جووری نباشن. پس یه آدم معمولی که تحت فشار خاصی از جایی نیست، مجبور نیست که».



«- اعضای گروه بی تی اس تبلیغات هم انجام می دن؟

اممم آره برندهای اکسسوری لباس و اینا براشون می فرستن، تبلیغ می کنن، هر دفعه مثلاً یه برندی رو لباسش رو می پوشن، هم زمان همه شون معمولاً و تبلیغاتش رو انجام می دن دیگه یا اکسسوری حالا می اندازن، تبلیغات می کنن دیگه، هر دفعه یه مدل لباس می پوشن معمولاً هم هی تغییر می کنه».

«- آیدول ها تبلیغات هم انجام می دن؟

تبلیغ مهاجرت به کشورشون آره، خیلی فراوانه. هی از زیبایی های کشورشون می گن و این که چه قدر همه اینجا به اندامشون اهمیت می دن و چه قدر همه حالشون خوبه و چه قدر خوشحال هستن اونجا متولد شدن و صمیمیت بین مردمش چه قدر زیاده، مثلاً یا لباسای برندها رو می پوشن و میان کنسرت یا تبلیغ می کنن به عنوان مدل کلاً کره ای ها عقلشون به چشمشون هست».



مسأله مهمی که طرفداران ایرانی بی‌تی‌اس با آن مواجه هستند، عدم ارایه غالب کالاهای تبلیغ شده بی‌تی‌اس در ایران هست. دلایل عدم عرضه کالاهای تبلیغ شده پسران بی‌تی‌اس در ایران را می‌توان در مواردی مانند: سطح درآمدهای پایین مردم ایران، عدم کارآیی برخی از وسایل تبلیغ شده در ایران - مانند چراغ‌های نورافشانی (لایت استیک) در کنسرت‌ها که با یک مدیریت بلوتوثی، شورآفرینی قابل توجهی در کنسرت پدید می‌آورند- و تحریم ایران، دید. به عنوان مثال، گلاره ۱۴ ساله، در مصاحبه خودش بیان می‌دارد، قید خرید لایت استیک چند میلیونی که به دلیل عدم برگزاری کنسرت‌های بی‌تی‌اس در ایران، کارآیی چندانی برای هواداران ایرانی ندارد را زده است:

«- چرا به خریدن آلبوم و این مدل وسایل خیلی اصراری نداری؟»

چون اولویت زندگی‌ام اول خودم هستم و بعد بی‌تی‌اس. مامان و بابام تا یک جایی من رو درک کردن پس من هم درکشون می‌کنم، چون می‌دونم نمی‌تونن دو، سه میلیون بدن که من فقط یک لامپ که مثلاً لایت استیکه^۱ رو داشته باشم پس مراعات می‌کنم. به خاطر همین بهم القا شده که بهتره به این چیزها فکر نکنم.»

۱- لایت استیک (light stick) یک دستگاه الکترونیکی قابل حمل و درخشان است که برای هر آیدول یا گروه به صورت‌های متفاوت طراحی شده است.



ریحانه ۱۵ ساله، در مصاحبه‌اش از این که همه موارد تبلیغ شده توسط بی‌تی‌اس در ایران وجود ندارد، گله‌مند است:

«- به نظرت چرا عکساشون رو روی خوراکی‌ها یا محصولات دیگه می‌زنن؟»

خب چون معروف ان و همه دوست‌شون دارن، وقتی عکس‌شون رو روی یه محصولی می‌بینن ترغیب می‌شن که بخرنش.



تو هم دوست داری اون محصولات رو امتحان کنی؟

آره ولی خب همه چیزاشون تو ایران نیست، ولی بعضی وسایل و محصولاتی هستن که عکس اعضای بی‌تی‌اس یا نمادشون روشه».

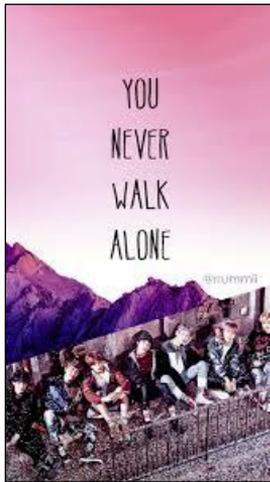
در شرایط ورود سخت و دشوار کالاهای تبلیغ شده توسط پسران بی‌تی‌اس، برخی از هواداران ایرانی به گشتن پاساژهای مختلف روی می‌آورند تا شاید اجناس اصل (اورجینال) بی‌تی‌اس را بیابند. برخی نیز به آشنایان‌شان در خارج متوسل شده، از آن‌ها می‌خواهند تا کالاهای اصل بی‌تی‌اس را برای آنان بیاورند:

«- لباس‌های مارک بی‌تی‌اس رو از کجا تهیه می‌کردی؟»

گاهی یه هفته کل پاساژهای تهران و کرج رو با دوستانم می‌گشتم تا لباس مورد نظرمان رو تهیه کنیم» (شیرین، ۲۲ ساله).

«- تا حالا آلبوم اصل خریداری کردی؟»

آره، یکی از فامیلامون آمریکا زندگی می‌کنه، یه بار می‌خواست بیاد ایران، زنگ زد ازم پرسید، سوغاتی چی می‌خوای، منم بهش گفتم آلبوم وینگز و یو نور واک الون (تو هیچ وقت تنها راه نمی‌ری) بی‌تی‌اس رو برام بگیره. خیلی خفن بود آلبوم‌ها، اگه تو ایران دسترسی داشتی، همه آلبوم‌هاشون رو می‌گرفتم، ولی اینجا متأسفانه گیر نمیاد» (مریم، ۱۸ ساله).



با توجه به سطح پایین درآمدها در ایران و شرایط تحریم ایران، بسیاری از هواداران ایرانی، در یک توافق نانوشته، پذیرفته اند که کاربری از وسایل غیر اصل (فیک) بی‌تی‌اس را جدی نپندارند و نسبت به آن روی خوش نشان دهند، سحر ۱۵ ساله و محسن ۲۲ ساله، در همین رابطه در مصاحبه‌های خودشان بیان می‌داشتند:

«- چه قدر از وسایلی که طرح بی‌تی‌اس روش هست، خریداری می‌کنی؟»

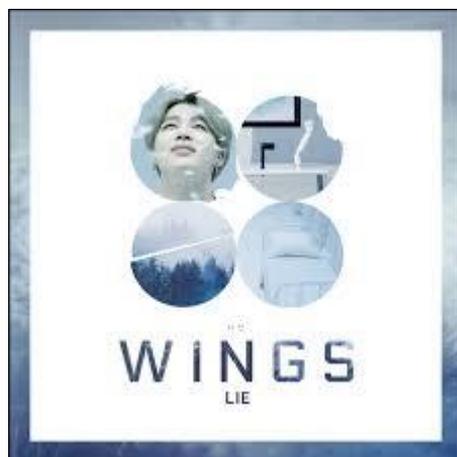
من کل اتاقم پره ازشون. البته همه‌اش از بی‌تی‌اس نیست، از کل کی‌پاپ وسیله دارم.

- این وسایل رو از کجا خریداری می‌کنی؟

معمولاً از تو نت عکس پیدا می‌کنم، می‌رم می‌دم چاپ می‌کنم، می‌چسبونم تو اتاق. یا یه وقت‌هایی تو دیجی کالا می‌گردم، چیزهای خوب توش پیدا می‌شه، سفارش می‌دم. یه وقت‌هایی هم بعضی مغازه‌ها وسایل‌شون رو دارن می‌خرم مثل پیکسل و ماگ و این جور چیزها.

- تا حالا آلبوم اصل خریدی؟

نه بابا، من پول این چیزها رو ندارم (می‌خندد). فقط یه دونه آلبوم فیک دارم که مثل جونم می‌پرستمش. آلبوم وینگزه (بال‌ها)».



«- تا حالا خود شما هم از محصولات بی‌تی‌اس خرید کرده‌اید؟ راستش آره زیاد اهلش نیستم خب. چون دوستم که باهاش هم‌کلاسی هستم تو همین دانشگاه گروه بی‌تی‌اس رو خیلی دوست داشت، برای همین واسه تولدش یه تی‌شرت گرفتم که آرم بی‌تی‌اس روش بود، ولی می‌دونید، اینایی که تو ایران می‌خریم فیک ان. - یعنی خود کمپانی تولید نکرده؟ دقیقاً. تو ایران تولید می‌کنن، بعضی وقتام به اسم اورجینال می‌اندازن به بچه‌ها. - تی‌شرتی که خریدی اورجینال بود یا فیک؟ - فیک بود، ولی ما خیلی به این چیزا اهمیت نمی‌دیم».



بررسی اظهارات هواداران مصاحبه شده، دلالت بر آن دارد که هواداران با وجود محرومیت از اجناس اصلی (اورجینال) که بی‌تی‌اس به تبلیغ آن می‌پردازد، با مصرف اجناس غیر اصل (فیک) اما با برچسب بی‌تی‌اس، خود را سرگرم می‌سازند:

«چه جوری با بی‌تی‌اس آشنا شدی و بهشون علاقه‌مند شدی؟»

سال ۲۰۱۶ خیلی سال پرموفقیتی برای بی‌تی‌اس بود و تازه داشتن معروف می‌شدن. تازه آلبوم وینگز^۱ (بال‌ها) و آهنگ بلاد سوویت اند تیرز^۲ (خون، عرق و اشک‌ها) رو داده بودن بیرون و ترکونده بود، همین جور پشت سر هم داشتن توی جشنواره‌های مختلف جایزه می‌گرفتند و اسم بی‌تی‌اس سروصدا کرده بود و فن‌هاش داشتن کم‌کم زیاد می‌شدن. منم اسم‌شون همون موقع‌ها به گوشم زیاد می‌خورد و جذب‌شون شدم. از اون موقع ۶ سال می‌گذره، الان دیگه کی پاپر و آرمی بودن مد شده و بیش‌تر نوجوون‌ها به این سمت کشیده شدن. زمانی که من فن‌شون بودم شرایط متفاوت بود.



1 Wings

2 Blood, sweat and tears



- شرایط از چه نظر متفاوت بود؟

خب الان تو هر جمعی قرار می‌گیری، بالاخره یه آرمی اونجا هست، راحت می‌تونی کسایی رو پیدا کنی که علاقه‌شون باهات یکیه، ولی اون زمان من هیچ کس رو نمی‌شناختم و تنها آرمی‌هایی که بهشون دسترسی داشتم، ادمین فن‌پیج‌ها بودن. خلاصه دور و بر من هیچ کس نه آرمی بود، نه حتی بی‌تی‌اس رو می‌شناخت. از طرف دیگه اون موقع وسایل با طرح بی‌تی‌اس به زور گیر می‌اومد و خیلی کم بود. فقط یه سری پیج‌ها توی اینستا داشتن که اعتمادی زیاد بهشون نبود که چیز با کیفیتی برات می‌فرستن یا نه، یه پیج‌هایی هم بود که می‌تونستی خودت طرح انتخاب کنی بزنن رو تیشرت و ماگ و پیکسل که باید خودت یه سری عکس از بی‌تی‌اس می‌دادی بهشون، این شکلی مثل الان نبود که تو تمام پاساژها و مغازه یه اثری از بی‌تی‌اس هست و طرح‌شون رو هر چیزی که فکرش رو بکنی، داره چاپ می‌شه حتی روتختی یا پرده با طرح بی‌تی‌اس اومده....

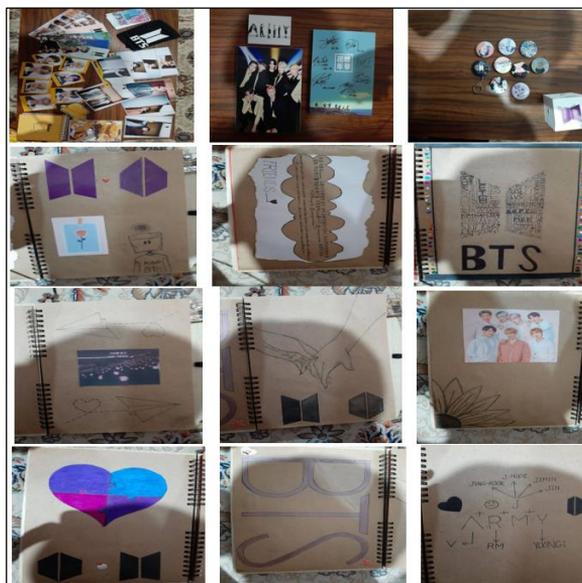
- آیا وسایلی که مربوط به بی‌تی‌اس باشه و طرح بی‌تی‌اس باشه رو خریداری کردی؟
آره، چون اون اوایل که آرمی شده بودم، هیچ وسیله‌ای ازشون گیر نمی‌اومد، واسه همین تو دلم مونده بود، الان که همه جا پر شده، دلم می‌خواد هر چی می‌بینم بخرم. اتاقم رو هم با وسایل‌هاشون تزئین کردم، الان تم اتاقم کلاً کی‌پاپه. البته خیلی هم خودم نمی‌خرم، بیش‌ترش رو دوست و آشناها کادو می‌دن و چون می‌دونن بی‌تی‌اس رو دوست دارم، هر مناسبتی که می‌شه چیزهایی که برام می‌خرن، همه‌اش یه ربطی به بی‌تی‌اس داره، مثلاً روز تولدم تمام کادوها با طرح بی‌تی‌اس بود، واسه همین زیاد نیاز نمی‌شه خودم چیزی بخرم، تقریباً همه چیز رو یه دور کادو بهم دادن» (مریم، ۱۸ ساله).

«- از لباس‌هایی که آرم بی‌تی‌اس دارند استفاده می‌کنی؟

دستمال سر بی‌تی‌اس خریدم و کاپشن بی‌تی‌اس هم تولدم بود، مامانم خرید برام، چون می‌دونست خیلی دوست دارم» (ثناء، ۱۶ ساله).



«سعیده: من تو اتاقم پر از هدیه‌هایی هست که نگین واسه تولدم خریده. (می‌خندد و می‌گوید) دیگه هدیه نگین هم غیر از چیزی که مربوط به بی‌تی‌اس باشه، می‌تونه چی باشه؟! فقط چیزایی که به اونا ربط داره می‌تونه من رو تا سر حد مرگ خوشحال کنه. من همه‌اش رو گذاشتم جایی که جلو چشمم باشه. بعضی وقتا از بی‌تی‌اس نقاشی می‌کشم. یا همیشه می‌رم تو دیجی کالا سرچ می‌کنم کالای بی‌تی‌اسی، هر چیزی که می‌خواد باشه، فقط آرم بی‌تی‌اس داشته باشه. تو اون قفسه کتاب هم فوتو کارت‌های بی‌تی‌اس هستند. دو نوع فوتو کارت هست که واسه موزیک ویدیوی باتره. بعد دوتا تابلو از بی‌تی‌اسه. بقیه‌اش هم پیکسل، دفترچه، ماسک، لباس و چیزای دیگه درباره بی‌تی‌اسه. یه دفتر هم درست کردم که توی اون عکس‌های بی‌تی‌اس رو می‌زنم یا نقاشی می‌کشم» (سعیده ۲۰ ساله و نگین، ۱۹ ساله).



با توجه به آنچه از آن یاد شد، در یک جمع‌بندی اجمالی می‌توان بیان داشت، شعارهای گروه بی‌تی‌اس، دال بر دوست داشتن خود (لاو یورسلف)، در کنار تبلیغ کالاهای مختلفی که اعضای گروه به تبلیغ آن‌ها همت می‌گمارند، هواداران را به این نتیجه می‌رساند که در فردگرایی و مصرف زدگی خویش (یعنی جدی‌ترین مسایل مطرح در نظام سرمایه‌داری) به جست و جوی شادمانی بپردازند. نکته اخیر در بیانات برخی از هواداران مصاحبه شده، منعکس شده است:

«نامجون می‌گه، اگر می‌خواهی بقیه رو دوست داشته باشی، باید اول خودت رو دوست داشته باشی، این رو خیلی دوست دارم و نامجون تو کنسرت هم یه بار گفت، از ما استفاده کنی تا خودتون رو دوست داشته باشید و کلاً راجع به سلف لاو خیلی صحبت می‌کنن.

یونگی هم می‌گه، کسایی که رؤیایی ندارن، مشکلی نیست. مهم اینه که خوشحال زندگی کنین، اینم خیلی دوست دارم، یه موقع‌هایی می‌شه تو زندگی که حال آدم خوب نیست و خسته شده از دویدن و تلاش کردن و این جمله یونگی همیشه بهم امید می‌ده که مهم اینه خوشحال باشی و اینا. این آهنگ رو وقتایی که انگیزه‌ام پایینه گوش می‌دم، خیلی دوستش دارم.

لیریک مورد علاقه‌ام خیلی زیاده همه‌شون رو به شدت دوست دارم، ولی قفلی الانم آهنگ استیل ویت یو از کوکبه. وای خیلی آهنگش خوبه می‌خوام یه تتو ازش بزدم» (باران، ۲۰ ساله).

۷-۳- نفوذ کانون قدرت در هنر

برخی از هواداران مصاحبه شده که از دیدگاهی انتقادی‌تر برخوردار بودند، در مصاحبه‌های خودشان کمپانی بیگ‌هیت و گروه بی‌تی‌اس آن را زیر سیطره نظام سرمایه‌داری دیده و فراتر از آن، آنان را طرف قرارداد با جریان ایلومیناتی معرفی کرده اند.

جریان مخفی ایلومیناتی که طبق برخی از نظریات در صدد سیطره‌یابی بر جهان حاضر است، با طرف قرارداد شدن با سلبریتی‌ها، از آنان می‌خواهد تا به حمایت و نمایش نمادهای ایلومیناتی بپردازند و در برابر از امکانات حمایتی این جریان برخوردار شده و به شهرت و امکانات مالی قابل توجه دست یابند، اما به تعبیر برخی از افراد مصاحبه شده، سلبریتی‌ها در این ارتباط، باید روح خویش را به شیطان بفروشند و مجری بی‌چون و چرا و تام و تمام رؤسای جدید خویش باشند.

شکوفه ۱۸ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، از نفوذ کانون قدرت در هنر یاد کرده، خاطرنشان می‌سازد، به زعم وی، کمپانی بیگ‌هیت برای کسب پول و اعتبار بیش‌تر، زیر سیطره ایلومیناتی قرار گرفته است:

«- کمپانی خودش مستقلاً کار می‌کنه یا تحت نظر ارگان دیگه‌ای فعالیت می‌کنه؟

ظاهراً مستقل عمل می‌کنه، البته شایعاتی مبنی بر عقد قرارداد بین کمپانی و ایلومیناتی هست که اگر صحیح باشه، یعنی ارگان بالا دستی، کمپانی ایلومیناتی هستش، ولی کسی در این باره اطمینان نداره.

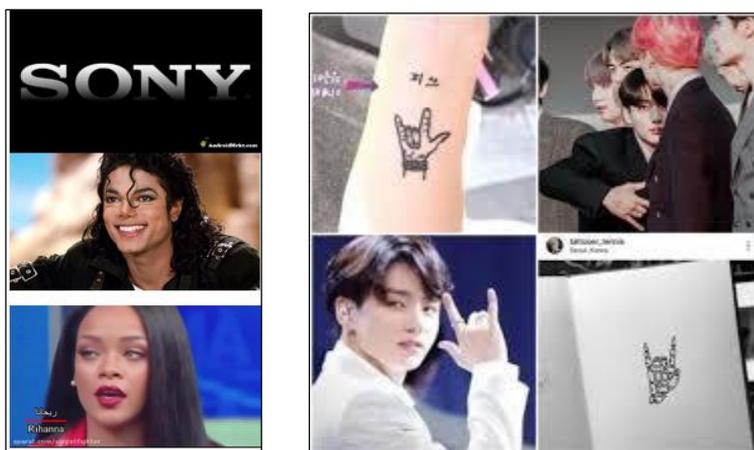


- درباره ایلومیناتی چی می دونی؟

ایلومیناتی یه کمپانی فراماسونری هستش که با شرکت های تولید محتوا و یا سلبریتی های جهان قرارداد می بنده و در ازای شهرت ازشون می خواد که به طور نامحسوس نمادها و علایم و افکار اونا رو در محتواها و اجراهاشون جا بدن و استفاده کنن و در واقع این طور تعبیر می شه که سلبریتی ها روحشون رو به شیطان می فروشن. این کمپانی قدرت خیلی زیادی داره و همون طور که می تونه به طور شگفت-آوری سبب شهرت سلبریتی ها بشه، به همون اندازه هم می تونه اونا رو از عرصه فعالیت خودشون محو کنه، به طوری که در سطح جهان دیگه آثارشون دیده نشن و این خیلی ترسناکه. در کره سن سر بازی تا ۳۰ سالگیه و ایلومیناتی از دوره تین ایجری با آیدول ها قرارداد می بندن و قراردادهاشون ۱۰ تا ۲۰ ساله است و زمانی که قراردادشون تموم می شه دیگه به سن سر بازی رسیدن و بعد از دوره سر بازی، دیگه نه شهرتی دارن و نه درآمدی.



- از هنرمندهایی که با ایلومیناتی قرارداد دارن، می تونی کسی رو اسم ببری؟
بله، افرادی مثل امینیم و ریحانا در اجراها و شعرهاشون می گن که ما روحمون رو به شیطان فروختیم و بعضی از آهنگ ها هم هستن که اگه ریورس کنی، یعنی با استفاده از دستگاه، برعکسش کنی، توش جملاتی پیدا می کنی که عقاید شیطان پرستی بیان می شه و گفته می شه که عضو این گروهند. همین طور شرکت سونی زیر مجموعه ایلومیناتی هستش. همسر صاحب کمپانی سونی «ماریا کری» بود. زمانی که مایکل جکسون زنده بود، ماریا کری به مایکل می گه که شوهرش آدم خوبی نیست و دیوانه است و این حرفا، مایکل توی یکی از آهنگ هاش علیه کمپانی سونی چیزی می خونه و بعد از اون مایکل جکسون به طور مرموزی می میره. گفته می شه کمپانی حامی بی تی اس، زیر مجموعه کمپانی سونی هستش.



- سلبریتی ها نمی تونن بعد از اتمام قراردادشون دوباره با ایلومیناتی قرارداد ببندن؟
معمولاً دل شون می خواد زودتر از ایلومیناتی خارج بشن، مثلاً می گن بریتنی اسپیتز از قصد دیوانه بازی در می آورد که زودتر از قرارداد بیرون بیاد.



- نماد ایلومیناتی چیه؟
نمادش همون مثلث معروفه و می گن اگر در اجراها با دست علامت مثلث رو نشون بدن یعنی از نماد ایلومیناتی استفاده کردن و اعلام می کنن که عضو ایلومیناتی شدن.

– سلبریتی‌ها می‌تونن بدون قرارداد با ایلومیناتی به شهرت برسن؟
می‌گن یه همچین چیزی اصلاً امکان نداره و راه کلاً برای شهرت بسته هست.
– خوب چرا این قدر درباره بی‌تی‌اس شایعه زیاده؟

خب افرادی که شهرت دارن و معروف ان، قطعاً درباره‌شون شایعه زیاده و هیترها به خاطر این که ازشون خیلی متنفرن، سعی می‌کنن یه جورایی اینا رو بد جلوه بدن و خیلی‌ها هم هستن که این شایعات رو باور می‌کنن، مثلاً همین موضوع همجنس‌گرایی و این که شیطان‌پرستان و روح‌شون رو به شیطان فروختن».



سحر ۱۵ ساله نیز که دوست دارد به کره مهاجرت کرده و در آنجا خواننده شود، در مصاحبه‌اش به طرح مسأله ایلومیناتی پرداخته، اظهار می‌دارد، بسیاری از گروه‌های کی‌پاپ زیر سیطره ایلومیناتی درآمدند و وی به سبب پرهیزی که از این کار دارد، در صدد است با تمرین‌های زیاد، در عمل بتواند به عنوان یک آیدول تنها و بدون پشتوانه کمپانی، وارد صحنه کی‌پاپ شده و به اعتبار و شهرت مورد نظرش دست یابد:

«– تو با وجود این که این آگاهی‌ها رو داری و شنیدی که پشت صحنه چه خبرهایی هست، چه طور هنوز تصمیم داری که وارد این فضا بشی و آیدول بشی؟

انگیزه‌ام رؤیای بچگی خودمه. من از بچگی دوست داشتم خواننده بشم، برای همین به نظرم می‌تونم با این چیزهاش کنار بیام. من واقعاً دنبال کمپانی‌ای هستم که ربطی به ایلومیناتی نداشته باشه، ولی واقعاً نیست. البته ترجیح می‌دم بدون کمپانی کار کنم و البته اگر کسی با استعداد باشه و با کمپانی‌ای کار نکنه و با ایلومیناتی همکاری نکنه و نماد نشون نده، مثل گروه ای پینک (یک گروه کی‌پاپ) معروف نمی‌شه و از صنعت موسیقی پرتش می‌کنند بیرون. گروه ای پینک تا وقتی طرف ایلومیناتی نرفته بود، اصلاً نمی‌داشتن که معروف بشه و پیشرفت کنه، ولی تازگی‌ها که داره یه سری قرارداد با ایلومیناتی می‌بنده و یکی دوبار نماد اون‌ها رو نشون داده، یه مقدار معروف شده. در صورتی که از سال ۲۰۱۰ این گروه داشت فعالیت می‌کرد و به هیچ جا نرسیده بود و بلافاصله بعد از اون قرارداد، یه مقدار مطرح شده

و داره پیشرفت می‌کنه، برای همین فکر می‌کنم این موضوع واسه پیشرفت توی موسیقی متأسفانه اجباریه.»

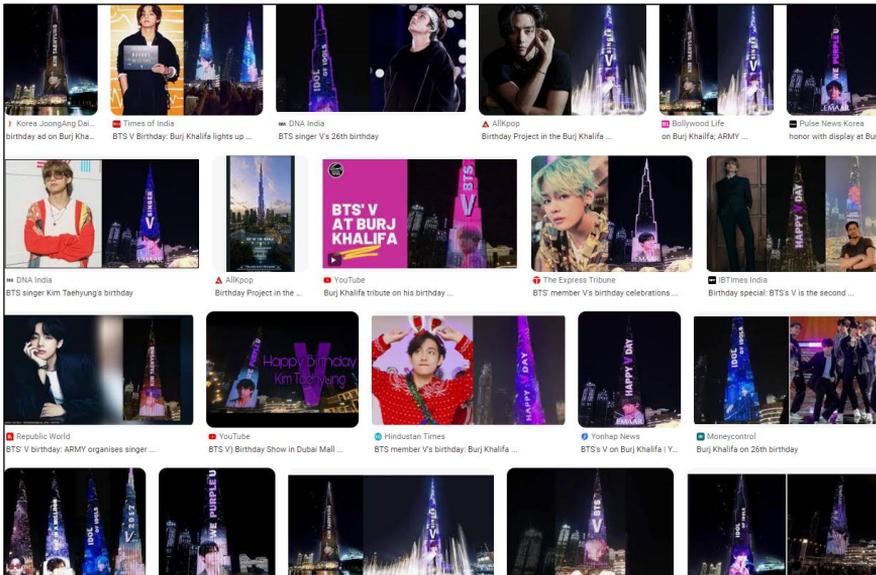


مسعود ۲۰ ساله نیز کمپانی مالک بی‌تی‌اس را زیر سیطره امریکا و تحت امر نظام سرمایه‌داری آن دیده، خاطرنشان می‌سازد، خط‌مشی سیاسی گروه سبب شده است که بین شعارها و عملکرد آن فاصله زیادی ایجاد شود:

«... اگر زیاد دقت کنیم و عاقلانه به ابعاد این شعارها و عملکرد متفاوت خود آیدول‌ها با این شعارها و پیام‌ها نگاه کنیم، کاملاً متوجه نقش بازی کردن آیدول‌ها می‌شویم و متأسفانه من خیلی دیر متوجه شدم و از شما به خاطر ایجاد این تغییر در من ممنونم.»

– خواهش می‌کنم، پس چرا با دیدن این همه تناقض باز هواداران بی‌شمارند؟ یکی به خاطر این که اکثر هواداران کم سن و سال نوجوان هستند و هیجانی و احساسی برخورد می‌کنند، دوم این که آیدول‌ها خیلی حرفه‌ای آموزش دیده اند و می‌دانند رگ خواب هواداران چی هست. – مسعود به نظرت وقت این نشده که نوجوانان رو نسبت به ابعاد هواداری از بی‌تی‌اس آگاه کرد؟ دقیقاً باید زودتر اقدام بشه و نوجوانان از نقشه‌های کمپانی و سیاست‌های پشت پرده امریکا باخبر بشند، قبل از این که دیر بشه و خیل عظیمی از نوجوانان و جوانان کشورمان درگیر هواداری از بی‌تی‌اس بشند.

– به عنوان یه جوان که هوادار بی‌تی‌اس بودی و الآن انصراف دادی، چه پیامی برای هواداران داری؟ پیامم اینه که دوستان هوادار بی‌تی‌اس خوب به شعارها و پیام‌های بی‌تی‌اس دقت کنید و بعد عملکرد آن‌ها رو بسنجید و ببینید خودشون به شعارها و پیام‌هاشون عمل می‌کنند یا نه. مثلاً می‌گن مخالف تبعیض هستند و از اصل برابری انسان‌ها صحبت می‌کنن، ولی خودشون چه قدر مجلل و مرفه زندگی می‌کنند و چه جشن تولدهای میلیاردری رو در سراسر جهان می‌گیرند. این کجاش برابری انسان‌ها هست. نوجوان ما با دیدن زندگی مرفه آیدول‌ها و جشن تولدهای میلیاردری آن‌ها جز حسرت خوردن، نتیجه دیگری نمی‌گیرند.



بعد یکی دیگه از پیام‌هاشون سفیران صلح در جهان هستند، این چه سفیرانیه که در زمان کرونا کشور ما تحریم بود ولی تحریم دارویی که نبودیم، کشور کره جنوبی از دادن و رساندن دارو و واکسن به کشورمان خودداری کرد. هر کدام از ماها فامیل یا دوست و آشنایی در اثر کرونا از دست داده ایم. از

گروهی که رئیس‌هاشون و رهبران‌شون دارو و کمک‌های بشر دوستانه در ایام کرونا نسبت به هموطن-هامون دریغ کرده اند، بهتره دیگر طرفداری نکنیم. کشور کره جنوبی در زیر سلطه آمریکاست و در تیم آمریکا علیه کشورمان، با ما قطع روابط تجاری کرده. مگر دشمنی با کشورمان از این آشکارتر داریم. من هم مثل بقیه هوادارن تاچند دقیقه پیش طرفدار گروه بی‌تی‌اس بودم و همین الان از اشتباهم در هواداری از بی‌تی‌اس درآدمم و به علت ناآگاهییم از همه عذر می‌خوام. امیدوارم این مسأله برای من و دیگران تجربه‌ای باشه که دیگر اشتباه نکنیم و هیجانی تصمیم نگیریم».

۷-۴- فعالیت سیاسی گروه بی‌تی‌اس

در جهان امروز رفته رفته جنگ‌ها و درگیری‌های فیزیکی از عرصه جهان حاضر رخت بر بسته، به تدریج جنگ نرم یا جنگ فرهنگی که بسیار کم هزینه‌تر از جنگ‌های فیزیکی است، به جای آن جایگزین می‌گردد. از این رو پا به صحنه نهادن سلبریتی‌ها و هنرمندان به عنوان پیاده نظام جنگ نرم در جهان، امر دور از ذهنی به شمار نمی‌آیند.

برخی از هواداران مصاحبه شده در مصاحبه‌های‌شان، بر این نکته تأکید ورزیده اند، گروه بی‌تی‌اس نیز به دلیل جذابیت‌های زیادی که از آن برخوردار است، مورد توجه نهادهای قدرت قرار گرفته، نهادهای قدرت از گروه بی‌تی‌اس به عنوان پیاده نظام خویش در جنگ نرم سود می‌برند.

پیش‌تر بیان شد که گروه بی‌تی‌اس فراتر از دیگر گروه‌های کی‌پاپ، پاپ و گروه‌های موسیقی دیگر، علاوه بر اجراهای هنری خویش، در عمل وارد برخی از مسایل سیاسی و اجتماعی نیز شده است. سخنرانی در مجمع سازمان ملل، پذیرش سفیری یونیسف، دیدار با رئیس‌جمهور آمریکا و صحبت درباره تبعیض‌های موجود در مورد آسیایی‌های ساکن آمریکا و برخی از موضع‌گیری‌های سیاسی این گروه (مثلاً درباره کره شمالی یا اسرائیل) از جمله مواردی هستند که وجهه‌ای نسبتاً سیاسی-اجتماعی به گروه بی‌تی‌اس بخشیده اند.

از سوی دیگر برخی از هواداران مصاحبه شده که از دید نقادانه‌تری برخوردارند، در مصاحبه‌های خویش عملکرد سیاسی گروه بی‌تی‌اس را عمیق‌تر از آنچه به صورت ظاهری در سطح جامعه عیان است، دیده اند و کمپانی بیگ‌هیت را که مالک گروه بی‌تی‌اس است، اساساً آلت دست نظام سیاسی کره جنوبی و این کشور را پیرو نظام سرمایه‌داری آمریکا دیده اند و به این ترتیب نقش سیاسی جدی‌تری را برای گروه بی‌تی‌اس قایل شده اند.

حضور اعضای بی‌تی‌اس در فضای تبلیغات و تبلیغ بسیاری از برندهای امریکایی و سرازیر شدن سودهای قابل ملاحظه به جیب شرکت‌هایی مانند مک‌دونالد و کوکا، از جمله شواهدی است که هواداران اخیر بدان استناد کرده اند.

فعالیت‌های سیاسی گروه بی‌تی‌اس را نمی‌توان تنها محدود در حمایت از نظام سیاسی کره یا امریکا دید. برخی از فعالیت‌های جانبی گروه به شکل غیرمستقیمی نتایج سیاسی در بردارند. به عنوان مثال، تشویق هواداران به شرکت در نظرسنجی‌ها و رأی‌گیری‌های متعدد به نوعی تمرین دموکراسی برای هواداران محسوب می‌شود. به همین ترتیب اثر عمیق گروه بی‌تی‌اس در سطح هواداران، می‌تواند به صورت یک تهدید بالقوه برای بسیاری از نظام‌های سیاسی حاکم بر کشورهای مختلف باشد که با فراخوان احتمالی اعضای گروه بی‌تی‌اس (و در واقع کمپانی بیگ‌هیت که خود تابع سیاست‌های جهان سرمایه‌داری است)، برخی از هواداران افراطی و متعصب گروه، در صدد به چالش کشیدن نظام حاکم بر کشورشان برآیند.

شقایق ۱۹ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، از وفاق کمپانی مالک بی‌تی‌اس و نظام سیاسی کره جنوبی سخن به میان آورده و موضع‌گیری بی‌تی‌اس در برخورد با کره شمالی یا اسرائیل را عیناً موضع‌گیری نظام سیاسی کره و امریکا می‌داند:

«- بعد اون وقت از این‌ها برای مسایل سیاسی هم استفاده می‌کنن؟»

آره، قطعاً. اصلاً اینا با حکومت باهمن دیگه. یه وقت چیزی شد از لحاظ سیاسی تو دنیا و یا اقتصادی هر ور گفتن، باید از اون ور حمایت کنن، مثلاً تو قضیه کره شمالی و حالا بمب ساختنش و اینا اومدن کلی هیت دادن، مثلاً گفتن اینا آدم نیستن و حقوق بشر رو نمی‌دونن و جنایت‌کاران و بمب ساختن که همه رو بکشن و جو سازی کردن و یا در مورد حالا قضیه اسرائیل و فلسطین و اینا، همیشه خب طرف اسرائیل گرفتن نامحسوس و گفتن سرزمین یهودیا هست و حق اوناست در واقع همیشه همسو با نظام سرمایه‌داری هستن.»





شاید انتقادهایی نظیر نقد شقایق، برخی از هواداران را برانگیخته است که نسبت به فعالیت سیاسی گروه بی‌تی‌اس، اظهار نارضایتی کرده، آن را با فعالیت هنری آن‌ها همخوان نبینند. محسن ۲۲ ساله، در نقد فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی گروه بی‌تی‌اس می‌گوید:

«- نقطه ضعف دیگری وجود دارد که بخواهی بیان کنی؟»

یه چیزی یادم رفت بگم اونم اینه که یه گروه هنری نباید با سیاست قاطی بشه، هر چی که سیاسی بشه خراب می‌شه. همه دور و بریام می‌دونن من با سیاست و سیاسی بازی مخالفم.

- درست فهمیده باشم منظورت این هست که در ابتدا بی‌تی‌اس با سیاست کاری نداشته، اما بعدها سیاست را با موسیقی ترکیب کرد؟

آره، مثلاً به عقیده من یه گروه موسیقی باید توی یه زمینه کار کنه و به هر چیزی که دستش می‌رسه، واسه بهتر دیده شدن چنگ نندازه.

معلوم نیست چه کار می‌کنن یا بهتره بگم چی می‌خوان؟ چی رو می‌خوان ترویج کنن! هر چه قدر تلاش کردم تا الآن بفهمم، متوجه نشدم هدف اصلی اینا چیه! چیزی که هست اینه که سیاست قاطی بازی این گروه شده. چه دلیلی داره مثلاً یه گروه توی مجامع بین‌المللی صحبت کنه، اونم راجع به مسایل سیاسی. تو کارت چیز دیگه‌ایه. در ضمن تو باید به عقاید من هوادار هم احترام بذاری. با خیلی از رفقا که بی‌تی‌اس فن هستن، حرف زدم اونام می‌گن به هر حال باید حرف همه هوادارا رو بشنون. اگه نظرسنجی بشه شاید خیلی از هوادارا مثل من نخوان این گروه وارد سیاست بشه. مگه تو نمی‌گی این گروه متعلق به هواداراس، پس چرا توی تعیین خط مشی گروه هیچ توجهی به هوادار نمی‌شه؟»





نسترن ۱۹ ساله، در مصاحبه‌اش از منظری نسبتاً متفاوت کارکرد سیاسی گروه بی‌تی‌اس را عمدتاً در تغییر مسیر توجه جامعه از افتضاحات سیاسی داخل کشور کره دیده است. از نظر وی گروهی مانند بی‌تی‌اس که از اقبال عمومی برخوردار است، در مواقع ضروری، نظیر زمانی که یک رسوایی سیاسی در نظام سیاسی کره به وجود بیاید، به صحنه کشیده می‌شود تا با عطف توجه جامعه به آنان، تمرکز مردم از روی رسوایی سیاسی ایجاد شده به سمت دیگری سوق یابد که همان حاشیه‌سازی‌های سلبریتی‌ها هستند:

«- اصطلاحاً این رسوایی‌هایی که حالا از شون به عنوان رسوایی آیدول‌ها اسم می‌برن و قضیه پوشاندن اون‌ها چیزی می‌دونی؟

آره. خیلی هست یعنی خیلی هم جدیداً زیاد شده.

- چه جوریه، مثال می‌تونی بزنی؟

مثال آره. کره خیلی حالا ماهایی که ان قدر در جریانیم می‌دونیم که خب کره خیلی کشور فاسدی داره، یعنی از لحاظ مثلاً، چیز، امممم...

- سیاستش؟

آره. مسوولان خیلی فاسدی داره و خیلی فساد توشه. یعنی به خاطر همین هر چند وقت یه بار یه رسوایی دارن. اگر بخوام مثال برات بزنم، جدیداً نمی‌دونم رئیس جمهورشون یه کاری کرده بود یا پسر رئیس جمهور یه کاری کرده بود. اومدن مثلاً خبر قرار گذاشتن یه خواننده رو پخش کردن که مثلاً فوکس (توجه) مردم بره روی اون خبر و بی‌خیال این خبر بشن، یا مثلاً چند وقت پیشش یه خبر پخش شد که مثلاً در این حد من می‌دونم که تیم ملی والیبالی زنان کره یه دوقلو هستن که خیلی خب تو کره معروف هستن و اینا خبرش پخش شد که مثلاً اینا توی مدرسه بقیه دانش‌آموزا رو اذیت می‌کردن قبلاً. برای این که خب اون تیم ملی رو حفظ کنن و اینا اومدن کلی خبر دیگه مثلاً زورگویی خواننده‌های دیگه رو اومدن حالا یه سرپاش اکثراً دروغ پخش کردن که مثلاً فوکس مردم بیش‌تر بره رو اونیا یا مثلاً دیگه به اون تیم ملی و بازیکن تیم ملی اهمیت ندن. چون اونیا مثلاً مهم‌تر بودن. اینا این جوری ان دیگه».

مهشید ۲۱ ساله و گلنوش ۱۴ ساله، از منظرهای متفاوت دیگری از فعالیت‌های سیاسی گروه بی‌تی‌اس یاد کرده اند.

مهشید در مصاحبه‌ای که دارد، از قهرمان‌سازی سیاسی اعضای بی‌تی‌اس یاد کرده است که با وجود موقعیت قابل توجهی که در کشورشان دارند، برای این که نخواستند بازپچه سیاستمداران جامعه خویش شوند، از رانت شهرت خویش استفاده نکرده، با متوقف کردن کار هنری‌شان، یکی یکی در حال رفتن به سربازی هستند:

«- تاحالا در رابطه با این موضوع که از رسوایی‌ها و حاشیه‌های بی‌تی‌اس و یا کی‌پاپ برای پوشوندن فسادهای سیاسی استفاده می‌کنن، چیزی شنیدی؟

کلاً راجع به مسایل سیاسی این رو بهت بگم حالا آگه از کسی چیزی شنیدی. آگه قرار بود بی‌تی‌اس خودش رو وارد مسایل سیاسی بکنه، الان جین نمی‌رفت سربازی، ببین مثلاً امسال انتخابات بود برای کره. کره هر پنج سال یک‌بار انتخابات داره، برعکس ما و آمریکا که هر چهار سال یک‌بار انتخابات داره، کره پنج سال یک‌بار. رئیس‌جمهور قبلی که اسمش مونجه این بود، با بررسی‌های دقیقی که کرد، متوجه شد که بی‌تی‌اس چه قدر سرمایه آورده و برای کشور مفیده، اون با ارقام و عدد و فلان اومد این مسأله رو اثبات کرد. خیلی واقعاً آدم پر و آدم با دانشی هست. بعد اومد چی کار کرد... توی دورانش خیلی کمک کرد بی‌تی‌اس رو از هر لحاظی. یک سری اقداماتی کرد که واقعاً عالی بود. فقط یه کار اشتباه کرد، اون هم این بود که وقتی دوران رئیس‌جمهوری خودش بود، گفت بی‌تی‌اس معافه از سربازی و این نزدیک انتخابات بود و این رو نیامد رسمیش کنه. اگر رسمیش می‌کرد، الان لازم نبود هیچ کدوم از اعضاء برن سربازی. حالا چه اتفاقی افتاد، دو سال سربازی یعنی دو سالی که فعالیت ندارن، یعنی دو سالی که هیچ کاری انجام نمی‌دن، این دو سال جزو قرارداد این بنده خداها هست، این دو سال واقعاً آسیب می‌بینن دیگه، واقعاً توی این دو سال چه قدر گروه میان تو کار.

این بنده خدا نیومد این رو رسمیش کنه و رفت. رئیس‌جمهور بعدی که اومد، دید ایول چه گروهی، چه درآمدزایی خوبی، چه قدر پوان‌های (امتیازات) مثبت برای کشور دارن و چه قدر اوکیه و چه قدر طرفدار دارن. در زمان مونجه- این، اینا از طرف بایدن دعوت شدن، یه بار برای مراسم سازمان ملل رفتن و یه بار هم از طرف بایدن دعوت شدن و به عنوان سفیرهایی از قاره آسیا رفتن راجع به موضوعات مختلف مثل نژادپرستی و فلان و فلان صحبت کردن. بعد دید که این شکلیه خود بایدن از طرف سفارت دعوت کرده و این که یونیسف می‌رن و سازمان ملل می‌رن، وقتی جنبه این چینی توی دنیا پیدا کردن، اون وقت رئیس‌جمهور جدید گفت، به جای رفتن به سربازی شما باید توی مناسبت‌های سیاسی شرکت کنید، یعنی سربازی نرید، ولی توی اون دو سال توی مناسبت‌های سیاسی که با کشورهای دیگه داریم، همراه با وزرا و همراه با رئیس‌جمهور توی مراسم‌ها شرکت کنید و این شد که بی‌تی‌اس پاش وایستاد و گفت، من نمی‌خواهم، من اصلاً نمی‌خوام خودم رو قاطی بازی‌های سیاسی و

این کارا بکنم، ما زمانی وارد مسایل سیاسی می‌شیم که منفعتی برای مردم داشته باشه. راجع به کودکان باشه، راجع به میهن پرستی باشه، مثلاً راجع به ضد نژادپرستی باشه. یه مفاهیمی این شکلی، ولی این که توی بازی سیاست و قدرت بخوایم بریم، نمی‌خوایم.

این شد که دقیقاً بعد از کنسرتی که توی بوسان داشتن. کنسرتی که در بوسان گذاشتن، به خاطر این بود که تا سال بیست، سی اگر اشتباه نکنم، یه فستیوال هنری خیلی مهم قراره توی دنیا رخ بده، حالا نمی‌خواهم به اون بپردازم، ولی کره هم یکی از کشوری توی اون فستیوال هنریه، اینا به صورت رایگان گفتن کنسرت می‌ذارن که توی دنیا هم تبلیغی بشه به خاطر اون فستیوال بیست، سی. رئیس جمهور گفتش، آره بذار این کنسرت هم بگذره، ما بعد تصمیمش رو مشخص می‌کنیم، وقتی که این شکلی کردن، بزرگ‌ترین عضو گروه که تولدش آذر ماه می‌شه سی ساله و بعد از کنسرت بوسان و قبل از این که بخواد این رئیس جمهور حرفی بزنه، چون می‌دونستن که بالاخره یه جوری وصل شون می‌کنن به بازی‌های سیاسی، به خاطر همین رفت حکمش رو بگیره بره سر بازی».



گلنوش ۱۴ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، به ظرفیت بالقوه سیاسی قدرتمند گروه بی‌تی‌اس اشاره کرده است. وی خاطر نشان می‌سازد، ارتش طرفداران بی‌تی‌اس در هر نقطه‌ای از جهان، گوش به فرمان آیدول‌های مورد علاقه خودشان هستند و در صورت درخواست آنان، خیل عظیم هواداران در جهت اجرای منویات آنان وارد صحنه شده و اقدام لازم را عملی خواهند کرد.

«- چرا به نظرت بعضی‌ها می‌خوان آیدول‌ها رو بد نام کنن؟»

چون نمی‌خوان خیلی قدرت بگیرن. اگه قدرت داشته باشن، هر کاری بخوان می‌تونن بکنن.

- مثلاً چه کاری؟

با قدرت هر کاری که فکرش رو هم نمی‌کنی، می‌شه کرد. اگه افراد زیادی طرفدار بی‌تی‌اس باشن، هر دستوری که اونا بدن، انجام می‌شه و از هر جای دنیا می‌تونن قدرت رو دست بگیرن و هر جایی از دنیا رو اون جوری که خودشون می‌خوان کنن.

- یعنی به نظرت با خوانندگی که می‌شه دنیا رو اداره کرد؟

آره، می‌شه اتفاقاً خیلی راحت‌تر و اثرگذارتر می‌شه.
- اگر الآن هر دستوری رو بدن تو انجام می‌دی؟
آره، من با تمام وجودم هر کاری که پسرا بخوان می‌کنم، چرا کاری که به نفعم رو نکنم.
- خوب، هر کاری که ازت می‌خوان، ممکنه به نفعت نباشه یا غلط باشه!
مطمئن باش هیچ‌وقت بی‌تی‌اس کاری نمی‌کنه که دنیا، جایی بدتر از این که هست بشه، هدف اونا فقط اینه که دنیا رو جای قشنگ‌تری بکنن. حتی اگه یک درصد هم اشتباهی بکنن، اشکالی نداره. وقتی این همه سیاست‌مدار هر روز دارن هزارتا اشتباه می‌کنن. مگه ما کارهایی رو که می‌گن انجام نمی‌دیم؟ حالا با فرق این که بی‌تی‌اس داره این دستور رو می‌ده و خیلی خیلی خفن‌تر و دلسوزتر از سیاست‌مدارا هست».

اما همان‌گونه که از آن یاد شد، گذشته از آرای هواداران دال بر موضع‌گیری‌های سیاسی اعضای گروه بی‌تی‌اس، تلاش برای قهرمان‌سازی سیاسی اعضای گروه یا ظرفیت‌های بالقوه تهدیدآمیز سیاسی پسران بی‌تی‌اس، برخی از هواداران گروه بی‌تی‌اس در بیاناتشان خاطرنشان ساخته‌اند که طرفداری از گروه در عمل به نوعی برای آنان تمرین دموکراسی بوده است. به این معنا که حضور هواداران در رأی دادن به آهنگ‌های بی‌تی‌اس در سایت‌های بین‌المللی موسیقی یا شرکت در انجام نظرسنجی‌های مختلف، در عمل تاحدودی هواداران را با دموکراسی و حاکمیت آرای مردم آشنا می‌سازد (هر چند برخی از هواداران دیگر سرگرم شدن در رأی‌گیری‌های سایت‌های مختلف را افتادن در گردابی که کاپیتالیسم برای هواداران پدید آورده است، می‌دانند):

«- مسعود در نظرسنجی‌های دنیای مجازی راجع به آیدول‌ها شرکت می‌کنی؟

بله، اگر وقت داشته باشم. حتماً شرکت می‌کنم.

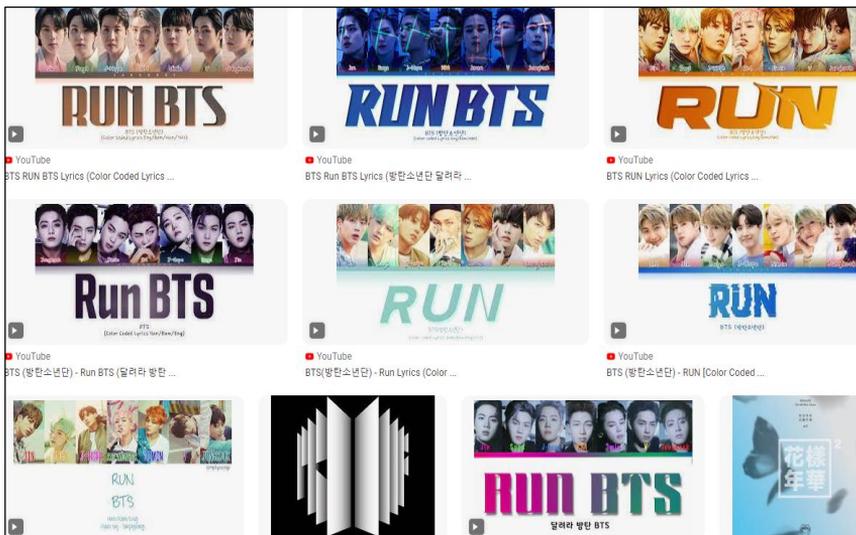
- راجع به نظرسنجی‌ها چه اطلاعاتی داری؟

آخرین نظرسنجی که تو اینستا دیدم، راجع به انتخاب یکی از هفت اعضاء به عنوان جذاب‌ترین فرد گروه بود که هر کسی از آیدول مورد علاقه خودش طرفداری می‌کرد و برای برنده شدنش تلاش می‌کرد و یه نظرسنجی دیگه در مورد تأثیر بی‌تی‌اس تو زندگی شخصی هواداران بود و یه نظرسنجی دیگه راجع به بهترین آهنگ سال بی‌تی‌اس بود که من در هر سه نظرسنجی شرکت کردم و نظر خودم رو نوشتم.

- تأثیر این نظرسنجی‌ها روی هواداران رو چگونه ارزیابی می‌کنی؟

نظرسنجی‌ها خیلی خوب هستند و هر کسی آزادانه نظر واقعی خودش رو می‌گه. گاهی این قدر با نظرسنجی‌ها هواداران هیجانی می‌شن که ممکن هست درگیری لفظی بین‌شون پیش بیاد. مثلاً زمانی که انتخاب لیدر برای گروه رو در نظرسنجی قرار داده بودند، شدت هیجان برای تبلیغات به اندازه یه انتخابات واقعی بود.

- سوق دادن جوان‌ها به سمت هیجان چه تأثیری روی آن‌ها دارد؟
- ایجاد هیجان برای جوانان و نوجوانان ممکنه باعث تنش و اختلال در زندگی شخصی‌شون بشه.
- می‌شه با مثال واضح‌تر بگی که هیجان چگونه باعث تنش و اختلال می‌شه؟
- البته، مثلاً هواداری به خاطر هیجان زیاد برای این که آیدول مورد علاقه‌اش در نظرسنجی پیروز بشه، نزدیک به یه هفته ذهنش درگیر این قضیه هست و ممکنه در نظرسنجی‌ها با دیگر هواداران که مخالف نظر او به آیدول دیگه رأی می‌دن، نتونه خودش رو کنترل کنه و درگیری لفظی بین‌شون پیش بیاد و یا از بس ذهن و وقتش درگیر این قضیه هست، اگر دانش‌آموز هست از درسش عقب می‌افته و یا اگر شاغل هست، به کسب و کارش لطمه می‌خوره و کلاً این نظرسنجی‌ها با خودشون تنش و استرس و اضطراب به همراه میارند.
- آیا وقتی هواداران با این همه هیجان مواجه می‌شوند، به سلامتی‌شون آسیبی وارد نمی‌شه؟
- از نظر روحی و روانی آسیب می‌بینند و یا ممکنه در حین کارشون تمرکز لازم را هم نداشته باشند و آسیب جسمی هم ببینند. مثلاً هواداری که تا ساعت ۲ نصف شب درگیر نظرسنجی در پیچ‌های اینستاگرام هست و صبح زود ساعت ۶ صبح به سر کار می‌ره، ممکنه به علت خواب ناکافی و درگیری ذهنی، اگر شغلش مثلاً نجار یا مکانیک باشه، ممکنه به علت عدم تمرکز کافی و خستگی به خودش آسیب جسمی وارد کند» (مسعود، ۲۰ ساله).



«- گفتی که فضای فن‌دوم باعث شد که جذب اون بشی و آرمی بشی، در مورد این فضا و جو آرمی‌ها برام می‌گی؟»

آره اون موقع کرونا بود، همه‌اش خونه بودیم، حوصله‌ام سر می‌رفت. دوستم بهم پیشنهاد داد که توئیتر بریزم، گفت اونجا خوش می‌گذره، استریم پارتی داریم، رأی‌گیری شرکت می‌کنیم، با کلی آرمی در ارتباطیم. منم وقتی دوستم اینا رو گفت، توئیتر ریختم و فن اکانت زدم و جدی خیلی روزای خوبی بود. هیچ وقت اون روزا رو یادم نمی‌ره. هر چند که بدی هم داشته، ولی خب در کل خوب بود. کلی دوست پیدا کردم. خاطره ساخت باهاشون. چه شبایی که تا صبح برای رأی‌گیری یا مراسم‌های وی‌ام‌ای و گرمی بیدار نمودیم و حرص نخوردیم. الان خیلی کم‌تر شده، رفت و آمد به توئیتر همه به خاطر اوضاع کشور، هم این که مدرسه‌ها بازه دیگه و جو الان مثل دوران کرونا نیست، ولی می‌تونم به جرأت بگم که یه تایمی خونه‌ی من فندوم توئیتر بود و از صبح که بیدار می‌شدم تا خود شب تو توئیتر با بچه‌ها وقت می‌گذروندم. جوری که دیگه صدای مامانم که کاری به کارم نداره، دراومده بود، می‌گفت این و تمونده چی داره که همه‌اش کله‌ات تو اونه یا رأی بدین چی به تو می‌رسه، خیلی خیلییی دلم تنگه اون روزاست واقعاً» (پونه، ۱۸ ساله).

با توجه به آنچه از آن یاد شد، می‌توان اظهار داشت، از منظر برخی از هواداران که از تفکری انتقادی‌تر برخوردارند، کمپانی بیگ‌هیت و گروه بی‌تی‌اس آن، اساساً در راستای نظام سرمایه‌داری جهانی عمل می‌کنند و به صورت پیاده نظام جنگ نرم، دنبال سرگرم کردن جوانان هستند تا آنان از ظلم‌هایی که نظام سرمایه‌داری جهانی در حق بشریت به عمل آورده است، غافل شوند و هیچ تهدیدی از سوی آنان متوجه نظام سرمایه‌داری نشود.

در سطوح پایین‌تر، مواضع سیاسی گروه بی‌تی‌اس (نظیر نفی سیاست‌های کره شمالی)، اهداف سیاسی سطح پایین‌تری است که گروه بی‌تی‌اس آن‌ها را برعهده دارد و سرانجام تبلیغ‌هایی مانند قهرمان‌سازی سیاسی از آیدول‌ها دال بر این که به اصطلاح حاضر به رانت‌خواری نشده و رفتن به سربازی را بر همراهی سیاسی حاکمان کشورشان ترجیح داده‌اند، تنها برای پوشاندن ماهیت واقعی گروه به شمار می‌رود و مواردی نظیر تمرین برای دموکراسی با رأی دادن و شرکت در نظرسنجی‌ها هم امری جانبی است که به شکل مستقیم به عملکرد خود گروه بی‌تی‌اس ربطی ندارد. هر چند باز برخی از هواداران شرکت در رأی‌گیری‌های مختلف را نیز ترفند دیگری از جهان سرمایه‌داری می‌دانند که به این ترتیب چنان جوانان را غرق طرفداری از این و آن کنند و از رأی‌گیری در این سایت به سایت دیگر بکشانند که اساساً فرصت کم‌ترین تفکری در راستای وضعیت نامطلوب بسیاری از انسان‌های جهان معاصر را که ماحصل سرمایه‌داری بی‌رحمانه است، نداشته باشند.

۷-۵- اخذ الگو برای حرفه آینده

«- عزیزم تا به حال به آیدول شدن فکر کردی؟»

نه، چون صدای افتضاحی دارم، ولی به دنس بک استیج و اینا فکر کردم.

- بعد برای دنسر شدن کاری کردی که بتونی انجامش بدی؟

آره، توی اوقات فراغتم تمرین می‌کنم.

- تمرین رقص می‌کنی؟

آره.

- یعنی کلاس رقص می‌ری؟

نه، اینجا کلاس رقص نیست. با کمک یوتیوب و اینستا و تیک تاک. من از ده سالگی خودم شروع کردم به یاد گرفتن چون بهش علاقه داشتم.

- رقص‌هایی که یاد گرفتی مثل رقص‌های بی‌تی‌اس هست؟

آره، هم رقص‌های بی‌تی‌اسه هم بقیه گروه‌های کی‌پاپ» (راضیه، ۱۵ ساله).

جذابیت‌های اعضای گروه بی‌تی‌اس سبب شده است که افراد زیادی آن‌ها را الگوی خویش قرار داده و دست به الگوبرداری از آنان بزنند.

الگوبرداری‌های اولیه، در مسایل ظاهری آیدول‌ها خلاصه شده، هواداران می‌کوشند تا با درآمدن به هیبت آیدول‌ها، به صورت صوری بدان‌ها تشبیه‌جویی کنند. فروش بالای کالاها بی‌تی‌اسی، به همین عامل باز می‌گردد.

در سطح بعد، الگوبرداری انجام شده از روی آیدول‌ها، الگوبرداری در مسایل رفتاری شده و در نهایت الگوبرداری از الگوها، به الگوبرداری از ارزش‌های آنان می‌انجامد.

بررسی اطلاعات حاصل از مصاحبه با هواداران گروه بی‌تی‌اس بیانگر آن است که الگوبرداری در هر سه سطح ظاهری، رفتاری و ارزشی از آیدول‌ها توسط هواداران صورت می‌پذیرد.

اگر در این قسمت توجه معطوف به الگوبرداری‌های رفتاری شود، ملاحظه می‌شود که جمع قابل توجهی از هواداران تحت تأثیر گروه بی‌تی‌اس، علاقه‌مند به عالم هنر شده، در صدد هستند تا با خواننده شدن، پا در جای پای اعضای گروه بی‌تی‌اس بگذارند. به همین ترتیب افرادی که می‌دانند از صدای خوبی برخوردار نیستند، به گزینه‌های فرعی‌تر، مانند آهنگ نویسی یا رقصی در صحنه، توجه کرده اند و موارد اخیر را مد نظر خویش قرار داده و در صدد دستیابی و تحقق آن برآمده اند.

شیدای ۲۰ ساله که هوادار گروه بی‌تی‌اس و در عین حال مدرس موسیقی است، در مصاحبه خود با اشاره به هنر آموزش از توجه شدید آن‌ها به گروه بی‌تی‌اس و تلاش آن‌ها برای تغییر رشته از رشته‌های مرسوم دبیرستانی به رشته‌های هنری یاد کرده است:

«درباره هنرجهای شما و ارتباطی که با خانواده‌هاشون داری، آیا خانواده‌ها از این شکایت دارن

که بی‌تی‌اس روی تحصیل بچه‌هاشون یا تمرکزشون تأثیر منفی داشته؟

من خودم دارم این رو قشنگ می‌بینم. مثلاً شاگردام دایم دارن کنسرتای اینا رو می‌بینن یا مثلاً اونی

که دو سال پیش می‌گفت من عاشق رشته تجربی هستم، الان تحت تأثیر علاقه‌اش به بی‌تی‌اس

می‌خواد بره هنر. البته من این رو بد نمی‌دونم. به نظرم بی‌تی‌اس مثل یه نوری می‌مونه که روشن شده و داره راه رو بهشون نشون می‌ده».

مه‌لقای ۱۹ ساله، در مصاحبه خودش از انتخاب رشته موسیقی تحت تأثیر گروه‌های کی‌پاپ سخن می‌گوید:

«- یادت هست که اون اوایل علت دنبال کردن کی‌پاپ توسط خودت چی بود؟ من به خاطر مشکلات خانوادگی، دوران سختی رو تو زندگی می‌گذروندم. دوست خاصی نداشتم و همیشه آدم گوشه گیر و آرومی بودم. کی‌پاپ باعث می‌شد بخندم و دلخوشی داشته باشم. هیچ کس نبود که درکم کنه و باهاش حرف بزنم، ولی کی‌پاپ برام مثل مسکن عمل می‌کرد و می‌تونستم از دنیای اطرافم به اونا پناه ببرم. حتی زمان‌هایی رو یادم میاد که غیر از کی‌پاپ مطلقاً هیچ دلخوشی و دلیلی برای ادامه دادن پیدا نمی‌کردم. به نظرم برای دوره‌ای ناجی‌های من بودن و نمی‌تونم تصور کنم که اگه فن‌شون نبودم، اون چند سال چه جوری می‌گذشت.

- پس بگذار این سوال رو بپرسم، کی‌پاپ خلاءهای عاطفی که احساس می‌کردی رو برات پر می‌کرد؟

آره دقیقاً. بعد بهم حس مهم بودن می‌داد. دوست داشتن آدم‌ها حس جذابییه و وقتی خام‌تری، از آدم‌ها بت می‌سازی و می‌پرستی‌شون، فارغ از این که اون‌ها هم مثل تو انسان‌ان و کم و کاستی‌هایی دارن. من تو زمان‌های خالیم در مورد آینده رؤیاپردازی می‌کردم. همیشه موسیقی رو دوست داشتم و به نظرم کی‌پاپ یه تأثیر بزرگی توی علاقه‌ام به موسیقی و در نهایت انتخاب رشته‌ام داشت».

گلنوش و حدیث ۱۴ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خودشان، خاطرنشان ساخته‌اند که آن‌ها از صدای خوبی برخوردار نیستند، اما در تلاش هستند تا با نوشتن آهنگ و یا تمرین رقص، در زمینه‌های اخیر به موفقیت دست یابند:

«- در کل قرار گرفتن توی فضای کی‌پاپ و هالیوود باعث نشد که بخوای توی یه زمینه مربوط بهش مثل موسیقی، رقص یا هر چیز دیگه‌ای کار بکنی؟

چرا خب آدم وقتی اونا رو می‌بینه که مردم چه قدر دوس‌شون دارن و چه قدر موفق و پولدارن، مطمئناً دلش می‌خواد که یکی از اونا باشه، اما اینا فقط ظاهرشه. من اگه بخوام خواننده بشم تو کمپانی‌ای نمی‌رم و مثلاً تو یوتیوب یه کانال می‌زنم آهنگ کاور می‌کنم و می‌نویسم. خیلی هستن که این کار رو انجام می‌دن و هم پولش خوبه هم مردم خیلی استقبال می‌کنن ازشون، هم زور کسی بالا سرت نیست و کسی بهت دستور نمی‌ده. فقط خودتی و خودت».

«- دوست داری خودت یه روز مثل آیدول‌های بی‌تی‌اس بشی؟

آره، ولی فقط یه آرزوه و هیچ وقت اتفاق نمی‌افته.

- چرا اتفاق نمی‌افته؟

خب اونجا که می‌بینی الان این قدر معروف ان از بچگی استعدادیابی شدن؛ من با این شرایط ایران هیچ کاری نمی‌تونم بکنم، باید کلی زحمت بکشم که فقط بتونم برم کره، بعدش هم که اونجا به این راحتی ما ایرانیا رو تحویل نمی‌گیرن. خیلی راه سختیه آیدول شدن، ولی خیلی فوق‌العاده هست.

– اگر ایرانی نبودى و مثلاً کره‌ای یا آمریکایی بودى، آیدول می‌شدی؟

صد درصد همه‌ی تلاشم رو از بچگی می‌کردم؛ با این که حس می‌کنم زیاد استعداد خوانندگی ندارم، ولی رقص رو خوب بلدم و می‌تونست نقطه قوتم باشه و بالاخره به یه جایی برسم.

– رقص رو حرفه‌ای بلدى یا فقط علاقه داری؟

یه جورایی حرفه‌ای بلدم. شیش ماه کلاس باله رفتم. رقص عربی هم یه مدت تمرین کردم و همه جور رقصی رو دوست دارم. دلهم می‌خواد سبک خودم رو توی رقص بسازم و معروف بشم».

عرفان ۲۱ ساله، در مصاحبه خویش گزارش می‌دهد که وی پس از برخورد با گروه بی‌تی‌اس، به شباهت‌های خویش (جوانی، جذابیت) با آن‌ها توجه کرده و با پیش گرفتن نوازندگی و خوانندگی شبیه اعضای گروه بی‌تی‌اس، در حرفه خود پیشرفت داشته و در حال حاضر فرد موفق‌تری محسوب می‌شود:

«– عرفان آیا گروه بی‌تی‌اس در انتخاب شغل تأثیر داشت؟

بله، صد در صد تأثیر داشت با دیدن آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس و سبک موسیقی منحصر به فردشون، اولین جرقه در مغز من ایجاد شد. نشستیم و با خودم فکر کردم. دیدم من هم مثل پسران گروه بی‌تی‌اس بیش‌تر گزینه‌ها رو دارم. هم جوانی و هم جذابیت دارم، بعد با یه مقدار الگوسازی و تغییر در خود و تلاش‌های مداوم در یادگیری نوازندگی تونستم در کارم موفق بشم.

– عرفان به نظر خودت موفقیتت در نوازندگی به خاطر کدام گزینه است؟

بیش‌تر به خاطر شبیه‌سازی خودم به جین هست، من اون قدر در کار خودم به تبحر رسیدم که خودم هم باورم شد یه جین دیگه هستم، هم جذاب و هم نوازنده‌ی معروف».

سرانجام مسعود ۲۰ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، خاطرنشان ساخته است که وی به دلیل تأمین معاش خانواده و ادامه درس خواهر و برادرانش مجبور شده است که از سال دوم دبیرستان ترک تحصیل کند، اما به جای ناامید شدن، با الگوبرداری از برخی از اعضای بی‌تی‌اس که از شرایطی شبیه وی برخوردار بودند، به کار و تلاش ادامه داده است و با فروش لباس‌هایی با برچسب بی‌تی‌اس، در حرفه‌اش موفق شده است:

«– مسعود آیا آشنایی تو با بی‌تی‌اس باعث شد، ترک تحصیل کنی؟

نه، به هیچ وجه، شرایط نامساعد مالی خانواده و فداکاری من برای این که خواهرها و برادرم بتونن ادامه تحصیل بدن و به جایی برسند. من رو و ادار کرد که در سن کم وارد بازار کار بشم.

– به نظر خودت کار درستی انجام دادی؟

بله، بهترین کار رو من در اون شرایط انجام دادم. هم پدرم و هم مادرم همیشه من رو دعا می‌کنن. مطمئنم دعای آن‌ها نزد خداوند بی‌جواب نمی‌مونه.

- زمانی که مشغول کار شدی، بی‌تی‌اس چه تأثیری روی تو داشت؟

من زمانی که شروع به کار کردم، سال دوم دبیرستان رو تمام کرده بودم و از هم‌کلاسی‌ها و دوستانم فاصله گرفته بودم، از درس و کتاب دور شده بودم، حس خیلی خوبی نبود. بی‌تی‌اس به من کمک کرد تا این دوران سخت دل‌تنگی برای هم‌کلاسی‌ها و درس رو پشت سر بگذارم. آهنگ‌های شادشون من را از غم و دل‌تنگی نجات دادن. تو کارم مصمم‌تر شدم و برنامه‌ریزی کردم و تقریباً موفق شدم».

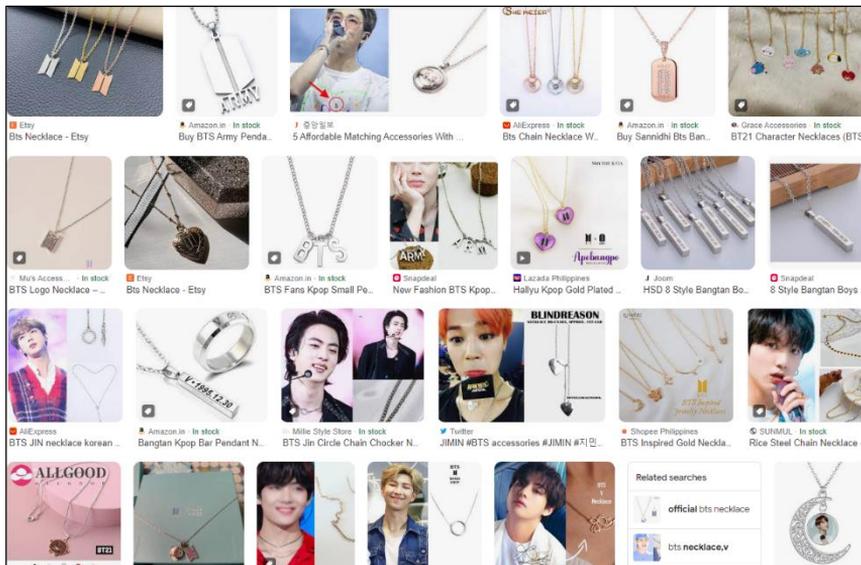
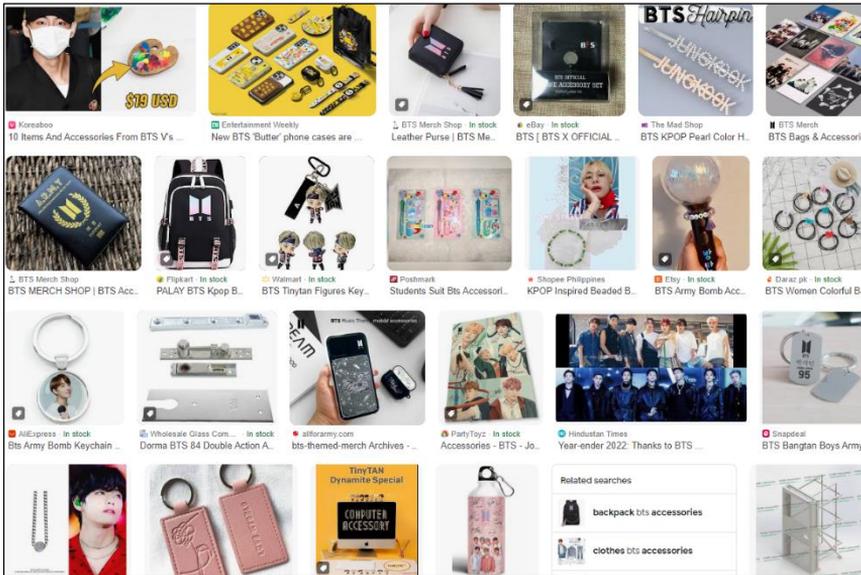
۷-۶- صرف هزینه جهت هواداری از گروه بی‌تی‌اس

برخی از هواداران مصاحبه شده خاطرنشان ساخته اند که آنان برای نشان دادن عمق هواداری خویش در صدد برآمده اند تا با صرف برخی از هزینه‌ها در عمل به حمایت جدی‌تر خود از گروه بشتابند. خرید وسایل طراحی شده توسط اعضای گروه، هزینه کردن جهت تهیه آلبوم‌های گروه، خرید چراغ‌های نورافشان (لایت استیک)، هزینه کردن برای ادیت عکس، ویدیو کلیپ و صوت، پرداخت مالی جهت اداره صفحه هواداری، برگزاری میتینگ در جمع هواداران، گرفتن جشن تولد برای اعضای گروه و موارد مشابه، قسمتی از صرف هزینه هواداران در جهت هواداری‌شان است. پریناز ۱۸ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، خاطرنشان می‌سازد، اگر چه وی پولش به تهیه وسایلی که اعضای گروه به ساخت آن‌ها پرداخته اند، نمی‌رسد، اما هوادارانی هستند که برای تهیه این وسایل گران‌قیمت هزینه می‌کنند:

«- اعضاء یه سری وسایل رو ظاهراً مد می‌کنن، تاحالا شده این وسایل رو بخری؟»

همه گروه‌ها یه وسیله‌هایی رو دارن که یه جورایی نشان دهنده اینه که این وسیله مال اون گروهه، برای گروه بی‌تی‌اس، آرمی بمب هست که این وسیله‌ها رو می‌گن لایت‌سی، هر گروه مال خودش متفاوت، بعد این آرمی بمب‌ها خیلی گرون هست، بعضی از آرمی بمب‌هایی رو که من دیدم، از سه میلیون به بالا بود. خب طبیعتاً من آرمی بمب (نشان بی‌تی‌اس) رو ندارم. بعد اعضاء آلبوم دارن که اگه بخوای بخری، واقعاً گرونه. یه سری وسیله هم هست که ما می‌گیم مِرچ بی‌تی‌اس که اعضاء هنرمند گروه، اومدن یه سری وسیله طراحی کردن، مثلاً کیفی که مال تهپیونگ هست یا هودی که جونگ‌کوک طراحی کرده بود که اینا به شدت گرون هست، ولی خب هستن آرمی‌هایی که این وسایل رو می‌خرن. یه سری چیزا هم هست، مثل فوتو کارت که کارت‌های کوچیکی هست که حالا جنس‌های متفاوت داره که عکس اعضاء روش هست. یه سری گردنبند و گوشواره و دستبند هست که عکس اعضاء روشه، مثلاً پسرا توی کنسرت یا شو ازش استفاده کردن و خب وقتی این وسیله ترند می‌شه، بعضی‌ها یا خودشون درست می‌کنن یا خود اصلش رو می‌خرن. ما شاپ آنلاین هم زیاد داریم، توی اینستا بزنی میاره.

بعد گروه‌های کی‌پاپ توی کنسرت یا شو یا حتی وقتی مثلاً داشتن می‌رفتن فرودگاه، کلاهی یا عینکی و چیزای دیگه‌ای دارن، آرمی‌ها می‌رن و شبیه‌ش رو پیدا می‌کنن و می‌خرن. در کل وسیله‌هایی که ترند می‌شن، یهویی قیمت‌شون می‌ره بالا و من به شخصه موارد خیلی گرون رو نمی‌خرم، ولی شاید گردنبند و دستبند و کلاه و پیکسل و فوتو کارت‌ها و مثل اینا رو که مربوط به بی‌تی‌اس هست بخرم.»

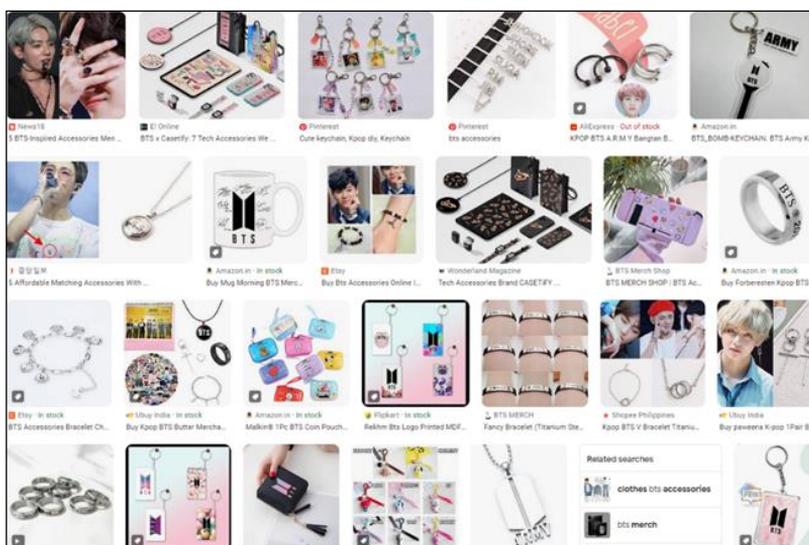


زهرای ۲۴ ساله و نسترن ۱۹ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه‌ای که داشته‌اند، از خرید آلبوم‌های تازه گروه به دلار یا خرید آلبوم‌های دست دوم که ارزان‌تر هستند، یاد کرده‌اند: «به نظر شما میزان تأثیرگذاری بی‌تی‌اس چه قدر هست؟»

من زیاد خودم رو طرفدار نمی‌دونم، خیلی معمولی اما علاقه‌ی شدید به این گروه رو توی دوستانم دیدم، مثل استریم‌زدن‌های پشت سرهم، خرید آلبوم به دلار برای حمایت و چیزهای دیگه از این قبیل. به خاطر همین می‌گم اثرگذاری و جذب‌شون به شدت بالاست».

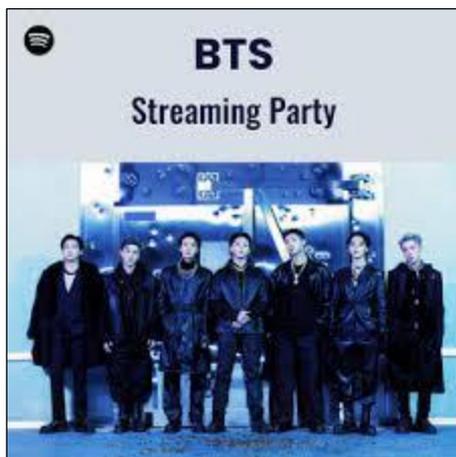
«تو ایران آلبوم دست دوم هم بین فنا خرید و فروش می‌شه و اینا به کم خب قیمتش پایین‌تره». در کنار برخی از افراد که برای حمایت از اعضای گروه در فضای مجازی دست به تهیه سایت یا صفحه طرفداری می‌زنند و خود را موظف می‌دانند که برای تعقیب کنندگان سایت یا صفحه خودشان، هزینه کرده، به صورت عکس، ویدیو کلیپ و صوت، تولید محتوا کنند، هواداران دیگری وجود دارند که برای تهیه امضای آیدول‌ها یا سفارش استریم زدن به استریمرها، حاضر به پرداخت هزینه می‌شوند. شیدای ۲۰ ساله و سونیای ۱۷ ساله، در مصاحبه‌های خود مصادیقی از موارد یاد شده را بیان داشته‌اند: «- درباره اثرات اقتصادی بی‌تی‌اس روی زندگی دوستان و هنرجوهای شما چی؟ مثلاً آیا بابت این

علاقه‌مندی هزینه خاصی می‌کنن یا از اون طرف درآمدزایی بابت فن‌پیچ‌ها و این جور چیزها دارن؟ خب لباساشون همه‌اش لباسای گنگ بی‌تی‌اسه یا وسایل شون مثل مثلاً لوازم تحریر و کیف و جامدادی. یا بعضیا مثلاً تتو می‌زنن، حالا به کره‌ای یا به انگلیسی درباره بی‌تی‌اس. از نظر هزینه مثلاً یکی از دوستای خودم کلی هزینه کرده بود که فقط به امضاء براش بگیرن بیارن یا چیزایی که اصلاً فکرشم نمی‌کنی. از نظر درآمدزایی هم خب چیزایی که طرفدارا خیلی بهشون علاقه‌مندن رو کسای هستن که درست می‌کنن و می‌فروشن، مثل دستبندهایی که می‌اندازن یا گوشواره یا عینک و ساعت و خیلی چیزای دیگه یا کسای که عکسای متفاوتی از این گروه دارن و چاپ می‌کنن رو لباس و می‌فروشن که خیلیا هم پیگیر این چیزا هستن».



«- همون علاقه باعث می‌شه که یه هوادار استریم کنه؟»

آره، خیلیا از روی علاقه این کار رو می‌کنن، ولی بعضیا شغلسونه. استریمر بهشون می‌گن. اینا چندتا دستگه دارن، مثلاً پنج تا لپ‌تاپ با بیست تا گوشی. بهشون پول بدی استریم می‌کنن، مثلاً می‌گه تو یک ساعت هزارتا ویو می‌زنم، ولی گروه‌های بزرگ به این کار نیاز ندارن واقعاً. چون هم خیلی طرفدار دارن که کلی ویو براشون داره بعد از بین این هوادارا خیلیا هم میان از روی علاقه خودشون استریم می‌کنن کار خواننده‌ها رو».



ثنای ۱۶ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، خاطرنشان می‌سازد، وی برای تهیه ویدیو کلیپ‌هایی در جهت حمایت از گروه بی‌تی‌اس، هر ماهه از پول توجیبی‌های خودش هزینه می‌کند:

«- چه قدر برای خرید محصولات بی‌تی‌اس هزینه می‌کنی؟»

خیلی نیست، ولی برای صفحه یوتیوبی که برای بی‌تی‌اس زدم، خیلی خرج کردم.

- می‌توانی تقریباً بگویی چه قدر و برای چه کاری هزینه کرده‌ای؟

برای ویدیوهایی که می‌سازم پول می‌دم برام ادیت می‌کنه یکی از دوستانم. اون خیلی حرفه‌ای هست

تو این جور کارا. شاید ماهی ۴۰۰ هزار تومن.

- برای چند ویدیو؟

یه دونه هر ماه.

- تاحالا زمانی بوده که برای یک کار مهم‌تر پول نیاز داشته باشی، اما به خاطر هزینه کردن برای

تدوین ویدیو بی‌تی‌اس پول کم بیاوری؟

شده، (باخنده) ولی بابام نمی‌ذاره بی‌پول بمونم».

راضیه ۱۵ ساله و نرگس ۲۱ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خویش از صرف هزینه برای برگزاری

جشن تولد آیدول‌ها یا تشکیل گردهمایی در جمع هواداران گروه بی‌تی‌اس در ایران یاد کرده اند:

«- عزیزم من توی پیجت دیدم که برای یکی از اعضاء کیک گرفتی و تولدش رو جشن گرفتی، این کار رو هر سال انجام می‌دی؟»

با مامانم بازار بودیم، یه لحظه چشمم خورد به کیک پزی و خیلی یهویی کیک خریدم. به دوستم گفتم و باهم جشن تولد جیهوپ رو گرفتیم. خب بعضی اوقات شرایط جوری نیست که کیک بگیریم و جشن بگیریم، ولی با آرمی‌های دیگه یه جور دیگه جشن می‌گیرم. آهنگای سولوشون رو استریم می‌زنیم و وقتی میان لایو باهم جشن می‌گیریم.

- می‌شه بگی چه جوری توی لایو تولدشون رو باهم جشن می‌گیرید؟
اعضاء روزای تولدشون میان لایو با کیک و اتاق تزئین شده و آرمی‌ها توی کامنت‌ها باهاشون حرف می‌زنن و خود اعضاء شعر تولد می‌خونن و آرمی‌ها هم توی کامنتا تولد مبارک می‌خونن.
- وقتی براشون جشن می‌گیری، یعنی فکر می‌کنی که پیشت حضور دارن؟
آره، حس می‌کنم کنارم هستن و از این که براشون جشن می‌گیرم، تشویق‌شون می‌کنم و براشون آرزوهای خوب دارم، خوشحال می‌شن.»



- گفتی اون اوایل پوستر و وسایل بی‌تی‌اس رو زیاد استفاده می‌کردی، درست‌ه؟
بله.

- چی بیش‌تر می‌گرفتی و چه قدر بابت اون وسایل هزینه می‌کردی؟

اون اوایل بیش‌تر وسایل معمولی رو با طرح بی‌تی‌اس می‌خریدم. هر چیزی، حالا کیف و کفش و پتو و پوستر و ساعت و ماگ. یه کم بعدتر که آلبوم بی‌تی‌اس فروشش بیش‌تر شد، آلبوم گرفتم. البته آلبوم اصل نیست، فیکه. بعد خب خیلی زیاد هزینه می‌کردم. خیلیاشون رو الان دادم به یکی از دوستانم، خیلیاشونم فروختم، چون نو بودن، حالا اینا یه سری خرید بود. یادمه یه سری برای شوگا تولد گرفتم و دوستانم رو بردم کافه و جشن گرفتیم. چند بار هم میتینگ تشکیل دادن بچه‌ها برای آرمی‌های تهران و کرج رفتیم اونجا جشن گرفتیم.»



افراد دیگری با الهام از آیدول‌های مورد علاقه خویش، کمک آنان به مراکز خیریه را مورد توجه خود قرار داده‌اند و با کمک کردن به مراکز اخیر، کوشیده‌اند به تبع اعضای بی‌تی‌اس، با کار نועدوستانه خودشان، جشن تولد آیدول‌های مورد علاقه‌شان را به شکل غنی‌تری برگزار کنند:

«- از هواداران در این چالش‌ها چی می‌خوان؟»

مثلاً می‌گن بیاید این بار این جشن تولد متفاوت‌تر از جشن تولدهای دیگر برگزار بشه، علاوه بر حمایت معنوی خودمان از آیدول‌مان با حمایت مالی و کمک به نیازمندان سفیران خیر و سلامتی باشیم،

مثلاً این بار بیاییم انجمن حمایت از اوتیسم رو کمک کنیم و بدین صورت هواداران نیز کمک‌های مالی خود رو با کمک مدیران فن پیچ‌ها به دست نیازمندان می‌رسانند.

- این جشن‌ها چه تأثیر فرهنگی روی هواداران داره؟

فرهنگ زیبای کمک به نیازمندان و بیماران خاص رو فرهنگ سازی می‌کنه. هم از برگزاری جشن‌ها هواداران لذت می‌برند وهم یه کار انسانی و بشر دوستانه انجام می‌دن» (نرگس، ۲۱ ساله).

۷-۷- در آمدزایی برخی از هواداران بر مبنای تبلیغ برای بی‌تی‌اس

گروه بی‌تی‌اس به شکلی اندیشیده شده طراحی شده است. جذب افراد جذاب، پرداختن به موضوع‌های اساسی نوجوانی و جوانی، شورآفرینی گسترده در کنسرت‌ها، تهیه انبوه برنامه‌های سرگرمی با محوریت اعضای گروه، طراحی شخصیت‌های کارتونی پسران بی‌تی‌اس، برگزاری فن‌میتینگ‌ها و فن‌سایت‌ها، اقدام‌های سیاسی- اجتماعی (نظیر سخنرانی در سازمان ملل، دیدار با رئیس جمهور امریکا) و مانند آن‌ها، جذابیت زیادی به گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس بخشیده است.

از سوی دیگر، افراد و نهادهای اجتماعی دیگر به سادگی ممکن است با توجه به جذابیت‌هایی که از آن یاد شد، سعی کنند، از این امکان عمل جدید در جهت پیش‌برد اندیشه‌ها و منافع خود استفاده کنند، بنابراین هواداران گروه از سویی شاهد بهره‌جویی جریان‌های سیاسی از گروه بی‌تی‌اس هستند و از سوی دیگر شاهد بهره‌گیری بنگاه‌های عظیم اقتصادی از گروه پسران بی‌تی‌اس هستند. در این میان برخی از افراد عادی نیز به صرافت افتاده اند که آنان نیز از فضای مساعد ایجاد شده توسط پسران بی‌تی‌اس بهره ببرند، به این معنا که بعضی از افراد مصاحبه شده بیان می‌کردند، آنان با ایجاد صفحه طرفداری و جذب تعقیب‌کننده‌های (فالورهای) زیاد، با اخذ تبلیغات، به درآمدهای قابل توجه دست می‌یابند. افراد دیگری با تهیه محتوا برای هواداران بی‌تی‌اس، دنبال‌کننده‌های خاص خود را جذب کرده و بر همین مبنای با گرفتن تبلیغ به پول می‌رسند. هواداران دیگری گزارش داده اند که آنان حد واسط بین هواداران و فروشگاه‌های عرضه‌کننده کالاهای اصل بی‌تی‌اسی قرار گرفته و از این طریق درآمد کسب می‌کنند، زدن صفحه هواداری و فروختن بعدی آن توسط برخی از هواداران واقعی یا غیرواقعی دیگر محقق می‌شود. سرانجام افراد دیگری از بازار گرم پدید آمده سود برده، با فروش البسه و وسایل دارای آرم گروه بی‌تی‌اس، به مقصد و مقصود خویش که پول درآوردن بیشتر و بیشتر بوده است، رسیده اند.

شادی ۱۵ ساله و عرفان ۲۱ ساله، در مصاحبه‌هایی که داشته اند، از زدن صفحه هواداری و اطلاع-رسانی در مورد بی‌تی‌اس یاد کرده اند و خاطرنشان ساخته اند، در کنار اطلاع‌رسانی‌های جاری و معمول از گروه که باعث جذب مخاطب می‌شود، با گرفتن تبلیغات و آرایه آن‌ها در صفحه خودشان، به منافع مالی موردنظر دست یافته اند:

«... بعد از دنبال کردن بی‌تی‌اس، انگار آدم انرژی مضاعف و البته منفی پیدا می‌کنه، این انرژی زیاد، واسه خودم هم عجیبه.»

- تأثیر این گروه روی دوستانت چی بوده؟

اونا هم مشابه همین قضیه و اصن یه جورایی هویت شده براشون که فن بی‌تی‌اس هستم یا پیچ توی مجازی دارم، فن پیچ بی‌تی‌اس‌ام و کسب درآمد می‌کنم، بعد این رو دیگه برا خودشون هویت و شغل محسوب می‌کنن.

- یعنی چی کسب درآمد می‌کنن؟

فن پیچ دارن از اون طریق تبلیغات می‌ذارن و پول درمیارن.

- چی تبلیغ می‌کنن؟

گردن بند و دست بندای بی‌تی‌اس یا تبلیغات پیچ‌های روسری و لباس و ماگ (لیوان‌های قهوه‌خوری با طرح‌های مختلف که روش می‌اندازن)».

«- عرفان این فن پیچ‌ها و کانال‌ها برای هواداران چه سودی داره؟

هواداران با تبلیغات و عکس‌ها و خبرهای جنجالی از گروه بی‌تی‌اس فن پیچ یا کانال‌شون رو معروف می‌کنن و کلی فالور کسب می‌کنن و اخبار لحظه به لحظه از گروه بی‌تی‌اس و آهنگ‌ها و آلبوم‌هاشون رو توی پیچ‌شون می‌ذارن، بعد از این که پیچ‌شون گسترش پیدا کرد، با تبلیغ گذاشتن از سالن‌ها، باشگاه‌ها و هتل‌ها و فروشگاه‌ها، کلی درآمد کسب می‌کنن.

- عرفان می‌تونن یه مثال بزنی؟

بله، مثلاً یکی از دوستان دوران دبیرستانم از همون اوایل طرفداریش از گروه بی‌تی‌اس یه پیچ تو اینستا داره، از ابتدای تأسیس گروه تا به حال هر آنچه که برای اعضای گروه اتفاق افتاده و شرح حال تک تک آیدول‌ها و عکس‌های تمام این مدت‌شون و تمام آلبوم‌هاشون و سفرهاشون رو موبه مو در پیچش گذاشته و کلی با هیجان و آب و تاب فراوان کشور محل کنسرت‌ها و ساعت‌شون رو اطلاع‌رسانی می‌کنه و در فاصله این خبررسانی، کلی تبلیغ پوشاک و مدل کفش و یا تبلیغ کنسروها و مواد غذایی و غیره در لابه لای اخبارها و عکس و فیلم‌های گروه می‌ذاره و خیلی خوب هم درآمدزایی می‌کنه».

نگین ۱۳ ساله و احسان ۱۷ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خود از تهیه داستان‌سرایی (فن‌فیکشن) توسط خودشان یاد کرده و خاطر نشان ساخته‌اند، این داستان‌نویسی‌ها (که بعضاً شامل ادبیات هرزه‌نگار هم می‌شود)، توجه مخاطبان را به خود جلب کرده، آمار تعقیب‌کنندگان صفحه آنان را بالاتر می‌برد و به تبع این امر، آنان تبلیغ بیش‌تری گرفته و به منافع مالی بیش‌تری دست می‌یابند:

«- به هر حال آدم‌ها می‌خوانند و نوشتن فن‌فیکشن هم ادامه پیدا می‌کند؟

بله خوب وقتی از این کار درآمد دارن، شما از کاری که در آمد دارین که نمی‌تونید دست بکشید. گاهی اوقات هم فن‌فیکشن‌ها اصلاً آرمی نیستن، یک انسان که می‌خواد آیدول را خراب کنه و به این کارش ادامه می‌ده».



«- احسان چه چیزی در گروه بی‌تی‌اس باعث شده که همه فکر می‌کنن همجنس‌گرایی رو رواج می‌دن؟

این که شکل و شمایل دخترانه دارن، ولی مذکرند و دوم این که مثل دخترها آرایش می‌کنن و ظرافت دخترانه را در رقص‌هاشون دارن.

- واکنش هواداران در این باره چه طور هست؟

بیش‌تر هواداران تا دلت بخواد با داستان‌سرایی‌هایی که درباره آیدول‌ها در فن‌پیچ‌هاشون می‌کنن، به شایعه همجنس‌گرایی گروه بیش‌تر دامن می‌زنند. برخی از هواداران هم خواسته یا ناخواسته با این داستان‌های خیالی و پخش تصاویری از آیدول‌ها، مهر تأییدی بر این شایعه‌ها می‌زنند.

- چرا هواداران این کار رو می‌کنند؟

فکر نکنم هواداران اصلی این کار رو بکنن. بعضی از هواداران فیک و تقلبی و خودخواه برای پیشرفت فن‌پیچ‌هاشون و گرفتن تبلیغ برای درآمدزایی این کار رو می‌کنند. با این عکس و داستان‌های دنباله‌دار بر تعداد فالورهای خود می‌افزایند».

شیرین ۲۲ ساله گزارش می‌دهد، وی با هدایت تعقیب کنندگان صفحه‌اش به سمت فروشگاه‌هایی که اجناس اصل بی‌تی‌اس را وارد می‌کنند، از آنان پورسانت دریافت می‌دارد:

«- لباس‌های مارک بی‌تی‌اس رو از کجا تهیه می‌کردی؟

گاهی یه هفته کل پاساژهای تهران و کرج رو با دوستانم می‌گشتم تا لباس مورد نظرمان رو تهیه کنیم. لباس خیلی برای ما مهم بود و اگر موفق نمی‌شدیم، ناچار مشابه اون لباس رو تهیه می‌کردیم تا بعداً خودم چندتا بوتیک معتبر پیدا کردم که همه‌اش لباس‌های مارک‌دار و برند اصل می‌آورد و تونستم با همکاری اون مرکز خرید واسطه فروش لباس‌های مارک‌دار به هواداران بی‌تی‌اس از طریق فن‌پیچم در اینستا بشم و به درآمد برسم».



مرضیه ۱۹ ساله، در مصاحبه خودش اعلان می‌دارد، برخی از افراد با توجه به جذابیت‌های گروه بی‌تی‌اس، پس از آن که صفحه طرفداری با محوریت گروه بی‌تی‌اس می‌زنند و هوادار جذب می‌کنند، صفحه خودشان را برای مقاصد دیگر به فروش می‌رسانند و به این ترتیب از کسب و کار خویش منتفع می‌گردند.

«- فن‌پیچ‌ها چه طور از این کارشون درآمد دارن؟

اگه یکی زرنگ باشه داره.

- چرا از تعبیر زرنگ بودن استفاده می‌کنی؟

یکی ممکنه فن‌پیچ بزنه، فقط به این خاطر که می‌دونه این طوری کلی آرمی فالوش می‌کنن، بعد

پیچ رو بفروشه».

عرفان ۲۱ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، یادآور شده است که شهرت وی در نوازندگی و خوانندگی در

شهرشان، به کپی‌برداری وی از نحوه آرایش و پوشش اعضای گروه بی‌تی‌اس باز می‌گردد:

«- عرفان الگوبرداری از آیدول‌ها چه تأثیری در زندگی اجتماعی تو داشته؟

باعث رونق کارم شده، در بین نوازنده‌های ارگ در شهرم به معروفیت رسیدم و همه‌اش رو مدیون

بی‌تی‌اس و آیدول‌های خوبش هستم.

- الگوبرداری از آیدول‌های بی‌تی‌اس چه طور باعث رونق کسب و کار تو شده؟
چون شغل منم ربط به موسیقی داره و مردم در موسیقی تنوع طلب ان و باید ظاهر شیک و آراسته داشته باشی، چشم صدها نفر در یه تالار مراسمات روی من هست. من با الگوبرداری از مدل موی سر و میکاپ صورت و لباس‌ها و زنجیر گردن و میچ بند روی مچم از آیدول‌ها، کلی در کارم پیشرفت کردم و همه گروه‌های نوازندگی شهرمون من رو برای مراسماتشون انتخاب می‌کنن.
- بیش‌تر از چه آیدولی در گروه بی‌تی‌اس الگوبرداری می‌کنی؟
بیش‌تر از طرز لباس پوشیدن جین و اداهای او زمان موسیقی تقلید می‌کنم و بعضی مواقع برای تنوع از میکاپ تهیونگ و مدل موی سرش و ژست‌هاش استفاده می‌کنم».



سرانجام مسعود ۲۱ ساله، در گزارش خویش خاطرنشان ساخته است که وی با فروش کالاهای بی‌تی‌اسی، کسب درآمد می‌کند:

«- مسعود گفتی که به شغل آزاد مشغول هستی، آیا شغل ربطی به برندهای بی‌تی‌اس داره؟
بله، چون لباس‌های بی‌تی‌اس جوان پسند هستند، من همیشه از تی‌شرت‌ها و پیرهن‌های بی‌تی‌اس نمونه‌هایی تهیه می‌کنم وقتی در خواست برای خریدشون زیاد باشه به مقدار خیلی بیش‌تری تهیه می‌کنم و در سطح شهر و مغازه‌های دور دست هم پخش می‌کنم و حتی در داخل مترو بعضی اوقات مستقیم به فروشندگان می‌فروشم و می‌بینم که چه قدر گروه بی‌تی‌اس در خرید مردم برای پوشاک تأثیر گذاشته اند.

بیش‌تر خریدارها از آقایون هستند؟

نه، فرقی نمی‌کنه هم خانم‌ها و هم آقایون از برندهای بی‌تی‌اس و یا حتی شبیه به اون‌ها استفاده می‌کنند و این از بین بردن جنسیت در پوشش، خیلی به نفع ما فروشندگان شده، چون ما دیگه ترسی از ماندن جنس‌هامون نداریم زیرا تقاضا همیشه براشون هست.

- به نظر خودت بی‌تی‌اس روی کسب و کارت تأثیر داشته؟

خیلی تأثیر داشته، من ایده‌هام رو در تهیه اجناسم از بی‌تی‌اس می‌گیرم. نمی‌رم جنسی رو بخرم که روی دستم بمانه و تلاش و پشتکارم رو مدیون بی‌تی‌اس هستم. بی‌تی‌اس به من انگیزه داد و من رو از ناامیدی نجات داد. من تونستم مدت سه ساله که فروشندگی می‌کنم به بیش‌تر خواسته‌هام برسیم و از نظر مالی به استقلال برسیم».

با اوصافی که گذشت، مشخص می‌شود که هر کس با توجه به مقاصد خاص خویش به گروه پر جاذبه بی‌تی‌اس نزدیک شده و به واسطه آن در صدد تحقق اهداف خویش برمی‌آید.

۸- اثرهای هنری

هواداری از گروه‌های مختلف از جمله بی‌تی‌اس، واجد آثار مختلفی نظیر اثرهای روانی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی - عقیدتی، آموزشی، اقتصادی - سیاسی، هنری، زیباشناختی، سلامت و بهداشت و خانوادگی است که در این قسمت، بررسی اثرهای هنری، هواداری از گروه بی‌تی‌اس، مدنظر قرار گرفته و مورد بحث قرار خواهد گرفت.

برخی از افراد هوادار مصاحبه شده، در مصاحبه‌های خود به ابعاد هنری گروه بی‌تی‌اس نیز توجه کرده، با مقایسه گروه بی‌تی‌اس با دیگر گروه‌های موسیقایی، این گروه را به دلیل مواردی همچون «برتری نسبت به پاپ غربی»، «وجود محتواهای معنادار، پیچیده و معمایی در موسیقی بی‌تی‌اس»، «افزوده شدن رقص به صحنه اجرای آهنگ‌های بی‌تی‌اس»، برتر از دیگر گروه‌های کی‌پاپ و پاپ هالیوودی قلمداد کرده اند که در ادامه به طرح بیانات آنان پرداخته خواهد شد.

۸-۱- برتری کی‌پاپ بی‌تی‌اس نسبت به پاپ غربی

ریحانه و سایه ۲۱ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه از «برتری موسیقی کی‌پاپ بی‌تی‌اس بر موسیقی پاپ هالیوودی» یاد کرده اند و با طرح برخی از دلایل کی‌پاپ را گاهی فراتر از پاپ غربی برشمرده اند:

«- خوب ریحانه، کلاً دلیل این که خودت جذب کی‌پاپ شدی، چی بود؟»

راستش من از قبل به موسیقی‌های آمریکایی علاقه داشتم واقعاً. هنوزم دارم، ولی هیچ علاقه‌ای به موزیک ویدیوها و لیریک‌هاشون نداشتم. به نظرم اکثراً معنی‌های جالبی نداشتن و خیلی سطحی و بدون پیچیدگی و کانسپت خاصی به نظر می‌اومدن. بعد از این که چندتا کلیپ کوتاه از موزیک ویدیوهای کره‌ای دیدم، اول جذب فضای پر از تنوع و رنگ و موزیک ویدیوهای پر هزینه و چشمگیرشون شدم و این که توی همین موزیک ویدیوهای چند دقیقه‌ای، یک داستان و یک موضوع و چندین تئوری و تحلیل و عمق خوبی رو گنجونده بودن هم برام خیلی جذاب بود. چون به موزیک ویدیوهای بی‌محتوا و اکثراً جنسی و کم هزینه‌ی هالیوودی عادت کرده بودم و این مقدار از توجه روی محتواهاشون خیلی برام جدید و جالب بود و علاقه داشتم که ببینم‌شون، درباره‌شون بخونم و بدونم داستان پشت این صحنه‌ها و تصاویر و تحلیل‌هاش چیه.

مورد بعدی هم محتوای آهنگ‌ها بود. متن آهنگ‌های بی‌تی‌اس اکثراً از فضای آهنگای جنسی و عاشقانه و صرفاً بیس‌دار آمریکایی، اروپایی خیلی فاصله داشت و توی متن آهنگ‌ها، یک مفهوم فلسفی یا روان‌شناسی گنجانده شده بود. این از مهم‌ترین علت‌هایی بود که به بی‌تی‌اس جذب شدم.

چون متن آهنگ‌ها بسیار قوی بودن و روی یک خط داستانی و محتوایی خیلی منسجم و خوب پیش می‌رفتند و توی هر آرایه و دوره‌ای توی کار موسیقی‌شون، به یک محتوای عمیق می‌پرداختند، مثل جوانی، مشکلات نوجوانان، مشکلات سیستم آموزشی، پذیرفتن خود، دوست داشتن خود و تمام ابعاد خودمون.

من ذاتاً از چیزایی که ذهن رو به شکل مثبتی درگیر می‌کنند و یه بازدهی مثبت و آموزنده دارن، خوشم میاد و بهشون جذب می‌شم و اگه جذابیت بصری داشته باشه که چه بهتر».



«استیج‌های بی‌تی‌اس یه چیز خیلی جذابی که روی ثانیه به ثانیه‌اش کار شده. الان که استیج‌های آمریکایی رو می‌بینم، به نظرم خسته کننده می‌رسند. بیش‌تر نمایش موزیکاله تا کنسرت. - یعنی داستان داره؟

نه، لزوماً داستان نداره، ولی رقصی داره که با اون رقص یه مفهومی رو می‌خوان برسوند. هر عضوی به نسبت اون مفهومی که می‌خوان برسوند، یه هماهنگی‌ای پیدا می‌کنند و در نهایت شما یک تصویر کلی‌ای دریافت می‌کنی. بعد جدای از اون اگر بازه رقصش هم بیش‌تر باشه، باز شما می‌بینی که سطح کار فرق می‌کنه، حتی اگر یه موسیقی متوسطی رو اجرا کنند. لباس‌هایی که می‌پوشند و استایل‌شون و صحنه و همه چیز متفاوت و این به مرور جذب می‌کنه، حتی اگر همون لحظه اول نگی خیلی خب از

۱ - بی‌تی‌اس (به انگلیسی: Bangtan Boys، BTS و به کره‌ای Bangtan Sonyeondan) که با نام بَنگتن بویز نیز شناخته می‌شود، گروه پسرانه‌ی هفت نفره‌ی اهل کره جنوبی است. تشکیل این گروه از سال ۲۰۱۰ آغاز شد و در سال ۲۰۱۳، زیر نظر بیگ هیت اینترتینمنت شروع به کار کرد. اعضای گروه، جین (کیم سئوک‌جین)، شوگا (مین یونگی)، جی-هوپ (جانگ هوسوک)، آر‌ام (کیم نامجون)، جیمین (پارک جیمین)، وی (کیم ته‌هیونگ) و جونگ‌کوک (چئون جونگ‌کوک)، در ترانه‌سرای و تهیه‌ی بسیاری از آثار خود مشارکت دارند. بی‌تی‌اس در ابتدا به‌عنوان یک گروه هیپ‌هاپ شروع به کار کرد، ولی در طول زمان سبک‌های گوناگونی را پوشش داد. متن ترانه‌های آن اغلب دغدغه‌های شخصی و اجتماعی، سلامت روان، مشکلات دوران مدرسه، فقدان، عشق به خود را شامل می‌شود. آثار این گروه اقتباسی از ادبیات و مفاهیم روان‌شناختی و شامل یک خط داستانی است.

این به بعد زندگی من حول محور اینا می چرخه. بعد من هم استیج‌ها رو می دیدم و هم ویدیوهای خنده‌دار بی‌تی‌اس رو هم آورده بود و همین جوری نشستم دیدم، دیدم، دیدم، دیدم تا این که نمی‌دونم چی شد که سر کام‌بک^۱ (بازگشت) فیک لاو^۲ (عشق دروغین) خودشون که همون سال ۲۰۱۸ بود، به خودم اومدم دیدم ۲۴ ساعته نخوابیدم تا تعداد بازدیدهای یوتیوب و اسپاتیفای این‌ها رو بالا ببرم».



1 Comeback
2 Fake love

۸-۲- وجود محتواهای معنادار، پیچیده و معمایی در موزیک ویدیوهای بی‌تی‌اس

«وجود محتواهای غامض و معمایی در موزیک ویدیوهای بی‌تی‌اس» مقوله مهم دیگری بود که افراد قابل توجهی نسبت به آن توجه نشان داده بودند و از این مسأله به عنوان ابتکار، خلاقیت و نوآوری گروه بی‌تی‌اس، یاد کرده بودند.

ریحانه ۲۱ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، از تبدیل شدن موسیقی بی‌تی‌اس به یک داستان و فیلم که به روایت مسأله خاصی می‌پردازند، یاد کرده است:

«- بیش‌تر موزیک ویدیوهای بی‌تی‌اس تئوری داره؟»

اکثراً تئوری‌ها و تحلیل‌های خاص خودشون رو دارن یا تئوری هستن، یعنی یک داستان و یک روایت خاص رو بیان می‌کنن که این، موزیک ویدیو رو به حالت یک فیلم و یک داستان شبیه می‌کنه تا جذابیت بیش‌تری به محتوا بده یا تحلیل هستن که به کانسپت کلی آلبوم برمی‌گردن. به طور مثال، موزیک ویدیوی فیک لاو، تحلیل‌هایی درباره‌ی عشق حقیقی و عشق دروغین داره که با تصاویر یا با متن آهنگ، مفهومش رو منتقل می‌کنه. عشق حقیقی و اصلی، عشق انسان به خودش و فرد، تا زمانی که خودش رو نپذیرفته باشه و خودش رو دوست نداشته باشه، هر عشق بیرونی‌ای، برایش کافی نیست و رضایتش رو به دست نیاره و حتی آسیب زنده هست».



تصویری از موزیک ویدیوی «Fake Love»

نمیتونم درکت کنم
میگی برات آشنا نیستم.
یادمه قبلا منی رو که خودم تغییرش دادم، دوست داشتنی
میگی نیستم، اونو که قبلا خوب می‌شناختمش
نه؟ منظورت از نه چیه؟ من کور شدم
عشق چیه؟ همه‌ی اینا الکیه

قسمتی از متن آهنگ «Fake Love»

۱ - عشق دروغین (Fake Love) ترانه‌ای از گروه بی‌تی‌اس است و به عنوان تک آهنگ اصلی سومین آلبوم گروه به نام عاشق خودت باش: اشک (Love yourself: Tear) در سال ۲۰۱۸ منتشر شد.

مهتاب ۱۸ ساله و کوثر ۲۵ ساله، در مصاحبه‌های خودشان ضمن تأکید بر این که متن آهنگ‌های بی‌تی‌اس، گاه از آثار فلسفی و روان‌شناختی بهره برده، به طرح مفاهیم اخیر می‌پردازند. مضاف بر این، ارایه برخی از مفاهیم به شکل سریالی در موسیقی کی‌پاپ بی‌تی‌اس و واداشته شدن کاربران به تفکر پس از کاربری از موسیقی این گروه، نکته قابل توجهی است که برخی از مصاحبه شونده‌گان از آن یاد کرده اند:

«چیزی که من رو به خودش جذب کرد، اول از همه پرفورمنس‌ها و کنسرت‌هاشون بود و این شوری که توی کنسرت‌هاشون وجود داره و چیز دومی که من رو به خودش جذب کرد، پیامی بود که با آهنگ‌هاشون می‌خواستند برسوند و می‌رسوند.

- چه پیام یا پیام‌هایی؟

اول این که اعضای بی‌تی‌اس خودشون معمولاً کار لیریک^۱ (محتوای آهنگ) نوشتن و آهنگ سازی رو انجام می‌دن. این باعث می‌شه که از تجربیات جوونی و نوجوونی خودشون بنویسن که خود این مسأله باعث می‌شه که نوجوان‌ها بتونن باهاش و با پیامی که آهنگ می‌خواد برسونه، ارتباط برقرار کنند. مثل شوگا^۲ که توی یکی از آهنگاش که اسمش د لست^۳ بود، از مشکلاتی که توی نوجوونی داشته می‌گه که ممکنه خیلی از نوجوانا با شنیدن اون تجربیات حس بهتری در مورد خودشون بگیرن. همین آهنگ یکی از آهنگ‌های مورد علاقه خود منه. چون می‌دونید، یه حالت همذات پنداری آدم پیدا می‌کنه، چون مشکلاتی که بهش اشاره می‌شه، می‌تونه مشکلات تو هم باشه. حداقل برای من بود.



یه مورد دیگه‌ای هم که هست، اینه که بی‌تی‌اس سطح کاراش عمیق‌تر از بقیه‌ی گروه‌ها هست یا شاید بتونم بگم گسترده‌تره. اونا از فیلم‌ها و کتاب‌ها برای کاراشون الهام می‌گیرن و از نمادهای مختلفی استفاده می‌کنن. حتی نامجون^۴ و شوگا مطالعه‌ی روان‌شناسی و فلسفی دارن و از اون برای نوشتن متن

1 lyric

2 Suga

3 The last

4 Kim Namjoon

225 آهنگ‌ها استفاده می‌کنم. مثلاً برای آلبوم مپ اف د سول^۱ (نقشه‌ی روح) از کتاب نقشه‌ی روح یونگ استفاده کردن. به خاطر همین می‌گم، پیامی که می‌رسونم، باعث می‌شه ما بشینیم و به مفهومی که اون آهنگ‌شون داره فکر کنیم که معمولاً این مفهوم در مورد دوست داشتن خود، امید به زندگی و این چیزها هست.



این‌ها مفاهیم مهمی هستند که به نظر من اتفاقاً توی جامعه امروز در جهان، چه توی غرب یا توی همین ایران، لازمه بهشون توجه بشه، چون که امید نداشتن یا خشم و تنفر چیزهایی هستند که در روزگار جدید، خیلی زیاد شدن و همین باعث بالا رفتن آمار جرم و جنایت و خشونت و بیماری‌های روانی می‌شه. در این مورد می‌شه به آهنگ لایف گوز آن^۲ (زندگی جریان دارد) اشاره کرد، پیام پشت این آهنگ اینه که زندگی هیچ وقت برای ما صبر نمی‌کنه و همیشه ادامه داره، حتی تو شرایط سخت، زندگی ادامه داره و ما باید حتی وقتی احساس ناامیدی و غم داریم، برای آینده تلاش کنیم.



1 Map of the soul
2 Life goes on

پیام پشت آهنگ باتر^۱ (کره) هم اینه که تو شرایط سخت زندگی، مثل کره نرم و شکننده باشیم و در برابر مشکلات زود نشکنیم و کم نیاریم.



آلبوم لاو یورسلف^۲ (خودت رو دوست داشته باش) هم که پیامش دوست داشتن خودمونه و این پیام اصلی گروه بی‌تی‌اس هم هست که همیشه و همه جا اون رو گفته. یعنی این که خودمون رو به همون شکلی که هستیم دوست داشته باشیم و به خاطر بقیه خود واقعی خودمون رو عوض نکنیم.»



«موزیک ویدیوهای بی‌تی‌اس هم متفاوت. به این معنا که بی‌تی‌اس اولین گروهی بود که اومد، از استوری لاین^۳ خیلی دیپ و عمیقی تو موزیک ویدیوهایش استفاده کرد. به این صورت که مثلاً توی یه

1 butter

2 Love yourself

۳- داستان پس‌زمینه‌ی یک آهنگ یا فیلم یا هر محتوای دیگر.

سال موزیک ویدیویی که می‌داد، به هم ربط داشتن. یعنی مثلاً به حالت داستان‌طور بود که طرف منتظر بود که ببیند بقیه‌اش چی می‌شه و بالاخره پیام اصلی رو می‌داد که اون پیامه هم معمولاً به پیام خیلی مفهومی و عمیق بود. بعد کاراکترسازی می‌کرد توی موزیک ویدیوهاش. از کتابای فلسفی استفاده می‌کردن تو موزیک ویدیوهاشون.

البته باید بگم که این کار هم بعد از این که بی‌تی‌اس معروف شد، تقریباً توسط خیلی از خواننده‌هایی که خب دیگه الان دارن این کار رو می‌کنن، کپی برداری شد که دیگه واقعاً به نظر من لوس شده. – چه طور از کتاب‌های فلسفی در موزیک ویدیوهاشون سود می‌برن؟ مثلاً به موزیک ویدیو دارن اسمش خون، عرق و اشک‌ها هست.



که این آلبوم رو کلاً از روی کتاب دمیان ساختن. بعد این کتاب خیلی کتاب دیپ و عمیق و سنگینه. بعد اومده بود از کاراکترای این داستان استفاده کرده بود توی موزیک ویدیوها و این، اصلاً سر همین موزیک ویدیو شد، سر همین آلبوم شد که یهو اصلاً بی‌تی‌اس ترکوند. سر آلبوم وینگز، اسم آلبومش وینگز بود، بال‌ها. سر آلبوم وینگز وحشتناک تو چارتای جهانی ترکوند آلبوم و بعد تو کره معروف شد و بعد دپگه همین جور رشد صعودی معروف شدنشون ادامه داشت و خب تا دو، سه سال بعد از این همین جوری موزیک ویدیوهای مفهومی و معنی‌دارشون ادامه داشت و تو کی‌پاپ گروه دیگه‌ای این طوری نبود، واقعاً نبود.



- می‌تونی مثالی بیش‌تری بزنی از این محتواهای متفاوت؟
مثلاً یه سری موزیک ویدیو داشتن، فک کن این آلبومه رو مثلاً تو دو سال دادن، اسم آلبومشون HYYH یک و دو که اول، حالا اسم کره‌ایشه، ولی معنی انگلیسیش می‌شه 'The most beautiful moment in life'. یه همچین چیزی. حالا دقیق چیزش یادم نیست ولی همین بود. دوتا آلبوم بود. بعد موزیک ویدیوهای این آلبوم مثلاً در مورد هفت‌تا کاراکتر بود که با همدیگه دوست بودن و هرکدوم یه زندگی‌ای داشتن. بعد مثلاً یکی شون باباش یا ناپدریش خواهرش رو اذیت می‌کرده، بعد این مثلاً درگیر همچین جریانی بوده و یه روز دعوی خیلی شدیدی با ناپدریش می‌کنه، بعد مثلاً با یه اوضاع خیلی آشفته‌ای میاد بیرون، بعد مثلاً تلفن رو برمی‌داره و زنگ می‌زنه به دوستش که یکی دیگه از اعضای گروهه.



- اوهوم.

خب؟ این رو مثلاً اینجا داشته باش. بعد، یکی دیگه از اعضا شون نشون می‌ده که توی وانه و مثلاً دوش آب همه چیز بازه و خب این مثلاً نشون دهنده‌ی اینه که این طرف مثلاً افکار خودکشی داره.

- اوهوم.

میاد درگیری این رو مثلاً نشون می‌ده. خب این چیزا واقعاً تو کی پاپ نبود. یعنی می‌خوام بگم اصلاً می‌ترسیدن هنرمندای کی پاپ که تا قبل از این بخوان، یا اگر هم بوده، اون قدری خوب کار نشده بود...

- می‌ترسیدن که پذیرفته نشه از طرف مردم؟

آره، مردم نخوان.

- مردم کره یا مردم جهان؟

کره. چون مثلاً کی پاپ اصلاً تا قبل از بی‌تی‌اس تو جهان معروف نبود. خیلی کم. طرفدارای خیلی کمی داشت. بیش‌تر هم توی آسیا بودن طرفدارای مثلاً ایرانی یا مثلاً کشورای چیز. یا مثلاً یه کاراکتر دیگه‌شون نشون می‌ده که توی اتاقشه و اتاقش داره آتیش می‌گیره. بعد این صحنه‌ها رو داری و بعد تو موزیک ویدیوی بعدی نشون می‌ده که اصلاً چی شده. مثلاً نشون می‌ده که اصلاً چه اتفاقی افتاده که طرف خودش اتاق خودش رو آتیش زده. نشون می‌ده که قبلاً توی بیمارستان روانی بوده یا اون یکی که تو وان آب بوده، توی موزیک ویدیوی دو سال بعدشون داستانش رو میاد نشون می‌ده که مثلاً یه اتفاقی افتاد که اصلاً این وانه نشون دهنده‌ی افکار این طرف بوده نه این که واقعاً توی وان بوده و حالا خیلی چیزای، خیلی ابعاد فلسفی طور چی می‌گن، رضایت بخشی داره برای بیننده. در حالی که مثلاً از اول بشینی اینا رو نگاه کنی اون طوری که این داستانا تو ذهنت به هم متصل می‌شن خیلی موسیقی‌ای رو که داری می‌شنوی برات لذت‌بخش می‌کنه.

- بعد یه حس تعلیق هم داره که مثلاً این موزیک ویدیو در طول سالیان داره پخش می‌شه و تو هر دفعه بیش‌تر، یعنی تو رو درگیر خودش می‌کنه.

مثل یه سریالی که تو منتظر فصل بعدیشی و مثلاً جای حساس تموم شده و خب اصلاً این یه دلیل دیگه‌اش هم همینه دیگه. اون ارتباطی که تو با سریال برقرار می‌کنی با فیلم نمی‌تونن برقرار بکنی. چون خیلی طولانی‌تره و خیلی بیش‌تر درگیرت می‌کنه».

۸-۳- تنوع آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس

«آهنگ‌های متنوع بی‌تی‌اس» مورد دیگری بود که افراد زیادی از جمعیت تحقیق بدان اشاره داشتند. مهتاب ۱۸ ساله و احسان ۱۷ ساله، در گزارش‌های خودشان با تأکید بر این که خالق آهنگ‌های بی‌تی‌اس، افراد خود گروه هستند، از اصالت کار آنان یاد کرده‌اند:

«- چه چیزی در بی‌تی‌اس هست که باعث شد شما هوادار این گروه بشید؟

راستش چیزی که درباره بی‌تی‌اس خیلی توجه من رو به خودش جلب کرد و باعث شد که من طرفدارشون بشم، یکی این که حس خیلی خوبی از آهنگ‌شون می‌گیرم و بهم یه انرژی مثبت می‌دن و چیز دیگه هم یا در واقع برتری‌ای که این‌ها نسبت به گروه‌های دیگه کی‌پاپ دارند، اینه که اینا از صفر تا صد آهنگ‌هاشون و پرفورمنس‌هاشون همه مال خودشونه و به اصطلاح اصالت داره، به نظرم خیلی نکته مهمیه درباره‌ی گروه وقتی شما بدونی که متن یا رقص یا هر چیز دیگه‌ای از این گروه مال خودش نیست و اعضای این گروه اون رو خلق نکردن و از طرف کمپانی یا چیز دیگه‌ای بهشون داده می‌شه زیاد خوشتم نیما. دیگه چه ارزشی داره؟ پس آدم باید بره طرفدار اون کمپانی بشه نه این گروه.»

«- چه طور آهنگ‌هاشون دلنشینه؟»

بین گروه بی‌تی‌اس بر تمام فرایندهای موسیقی از اول تا آخر نظارت دارند. اون‌ها نه تنها متن آهنگ‌ها رو خودشون از بین مشکلات و دغدغه‌های عمومی کل مردم دنیا و یا شادی‌های عمومی همه جوانان و مردم می‌نویسند، بلکه آن‌ها رو خودشون تولید می‌کنن و اجرا می‌کنند. در نتیجه چون خودشون خالق آهنگ‌هاشون هستند، به راحتی با آهنگ‌ها خیلی عمیق و احساسی ارتباط برقرار می‌کنن و این حس و حال شون از دید تماشاچیان و هواداران پنهان نمی‌مونه و به اون‌ها نیز منتقل می‌شه.»

ریحانه ۲۱ ساله و سونیای ۱۷ ساله، در مصاحبه‌های جدای خود، از بیان دغدغه‌های شخصی و اجتماعی افراد در موسیقی بی‌تی‌اس یاد کرده، آن را امری ارزشمند برشمرده اند:

«در هر دوره‌ی کاری و در هر آلبوم، یک کانسپت^۱ کلی انتخاب می‌شه و برای بی‌تی‌اس، در اکثر مواقع، این کانسپت‌ها درباره‌ی شناخت شخصیتی و مفاهیم روان‌شناسی و رشد شخصیتی و اجتماعی هستن. مثلاً آهنگ بلک سوان^۲ که درباره‌ی دغدغه‌های اعضای و گروه بی‌تی‌اس درباره‌ی خوانندگی و آینده‌ی کاری و مشکلات شهرت و قسمت‌های تاریک این شهرت و محبوبیت هست.



۱ - کانسپت Concept مفاهیم و سبک‌های خاصی هستند که آیدول‌های کی‌پاپ به صورت گروهی و تکی آن‌ها را برای ساخت آهنگ‌ها، موزیک ویدیو و آلبوم، به طور منظم و ثابت دنبال می‌کنند. این مفهوم‌ها می‌تواند از طریق ژانر، اشعار و متن آهنگ‌ها، حال و هوای موزیک ویدیوها و سبک لباس پوشیدن آیدول‌ها به نمایش گذاشته شوند.

۲ - «قوی سیاه» (Black Swan) ترانه‌ای از گروه بی‌تی‌اس، از چهارمین آلبوم استودیویی کره‌ای‌زبان گروه Map of the soul: 7 در سال ۲۰۲۰ است. این قطعه در ۱۷ ژانویه ۲۰۲۰، به‌عنوان نخستین تک‌آهنگ آلبوم، توسط بیگ هیت اینترتینمنت منتشر شد. از نظر معنایی، متنی درون‌نگر از اعترافات بی‌تی‌اس و ترس از دست دادن اشتیاق‌شان به موسیقی دارد.



یا سینگل ترک پرمیشن تو دنس^۱ که با تأثیر از شرایط جامعه، درباره‌ی انرژی بخشیدن به افراد در دوره‌ی قرنطینه و کرونا بود و همین طور از مشاغلی که از کرونا آسیب دیدن و همچنین افراد ناشنوا هم حمایت می‌کرد.



ترکیبی از دغدغه‌های اجتماعی و شخصی هر کدام از اعضاء و همچنین کل گروه و حتی گروهی کلی از مردم مثل نوجوانان یا دانش‌آموزان، مفاهیم لیریک‌ها رو تشکیل می‌دن».

«- موضوع آهنگ‌های بی‌تی‌اس معمولاً چیه؟»

چون این هفت نفر سن شون زیاد نیست، انگار می‌دونن که جوونا و نوجوونایی که دارن در حال حاضر زندگی می‌کنن، چه مسایلی براشون پیش میاد. مثلاً یکی افسرده شده، یکی از ظاهر خودش راضی نیست و می‌خواد خودش رو تغییر بده، یکی اعتماد به نفس نداره، یکی دوست داره کارایی رو انجام بده که بهشون علاقه داره، ولی خب تو فضایی قرار گرفته که کنترل می‌شه، یعنی اختیار نداره که بره سمت چیزایی که دوست‌شون داره و من بین دوستانم می‌بینم که این طور چیزا وجود داره.

۱ - «اجازه برای رقص» (Permission to Dance) ترانه‌ای از گروه بی‌تی‌اس است. این تک‌آهنگ در ۹ ژوئیه ۲۰۲۱، توسط بیگ هیت میوزیک و سونی میوزیک به‌عنوان تک‌آهنگی مستقل منتشر شد. این ترانه همچنین بخشی از نسخه سی‌دی تک‌آهنگ پیشین بی‌تی‌اس، «کره» (Butter) و سومین تک‌آهنگ انگلیسی‌زبان گروه بود. «اجازه برای رقص» در جدول‌های پنج کشور اول شد و در ده رتبه اول ده کشور دیگر قرار گرفت.

وقتی آهنگایی گوش می‌دی که مشکلات خودت توشون وجود داره، اون حس خوب رو می‌گیری ازش».

پونه ۱۸ ساله و شیدای ۲۰ ساله در مصاحبه‌های خودشان، از وجود توأمان موسیقی غمگین و شاد در گروه بی‌تی‌اس یاد کرده اند که امکان کاربری از آن‌ها هم در مواقع شادی و هم در ایام غم و حزن افراد، وجود دارد:

«- پس هم آهنگ‌هاشون هم خوشحالت می‌کنه و هم غمگین؟

آره، بستگی به مودم داره. اگر که حالم خوب نباشه، آهنگای سدشون (غمگین) رو گوش می‌دم و اگر حالم خوب باشه آهنگای شادشون رو.

- آهنگ غمگین شون، تو رو غمگین تر می‌کنه؟
آره خب.

- پس چرا گوش می‌دی؟ قطعاً باید یه کاری کنی از اون حال دربیای.

شاید چون اون لحظه که ناراحتم، اون آهنگ حس و حالم رو به زبون میاره، همون همزادپنداری که بهت گفتم. یه کم آهنگ گوش می‌دم، گریه می‌کنم، بعد اوکی می‌شم».

«- کلاً طرفداری از بی‌تی‌اس برات جنبه احساسی هم داشته، مثلاً یه نیازی رو برآورده کنه؟

آهنگاشون برام خیلی این طوره. یعنی آهنگ غمگین شون می‌تونه واقعاً غمگینم کنه و آهنگای شادشونم می‌تونه واقعی شادم کنه. یعنی واقعاً آدم رو تحت تأثیر قرار می‌ده».



مریم ۱۸ ساله و فرشته ۱۹ ساله، با تأکید بر این که گروه بی‌تی‌اس، جرأت و جسارت لازم را در تجربه سبک‌های مختلف موسیقی داشته است، تنوع کار آنان را نسبت به دیگران نتیجه گرفته اند:

«- خوب مریم جان، اون اول چه چیزی تو رو جذب بی‌تی‌اس کرد؟»

اولین چیزی که جذبم کرد، انرژی زیادشون موقع اجرا کردن بود، حس می‌کردم که واقعاً دارن از اجرا کردن خودشون لذت می‌برند و این کار رو با تمام وجودشون انجام می‌دن. حرکات و هماهنگی‌شون خیلی جالب بود، مخصوصاً با وجود این که این قدر هم رقص‌هاشون سخت و سنگینه. بعد از اون جذب آهنگ‌های مختلفی شدم که خونده بودن، سبک‌های مختلف رو امتحان کرده بودن و از این همه تنوع و سبک‌های جدید نترسیده بودن. فکر می‌کنم، یکی از دلایلی که این قدر آرمی زیاد شده، همینکه هر جور سلیقه موسیقی داشته باشی، بی‌تی‌اس به دستی توش داشته و می‌تونه آدم‌های مختلف با افکار و سلیقه‌های مختلف رو راضی کنه».

«- بی‌تی‌اس اولین گروه کره‌ای بود که تا این حد در سطح بین‌المللی دیده شد. فکر می‌کنی دلیل

موفقیت‌شون چی بوده؟»

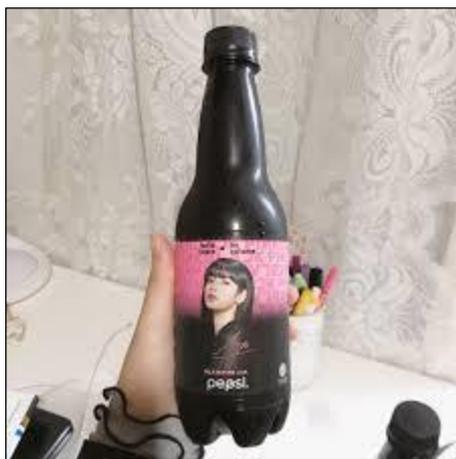
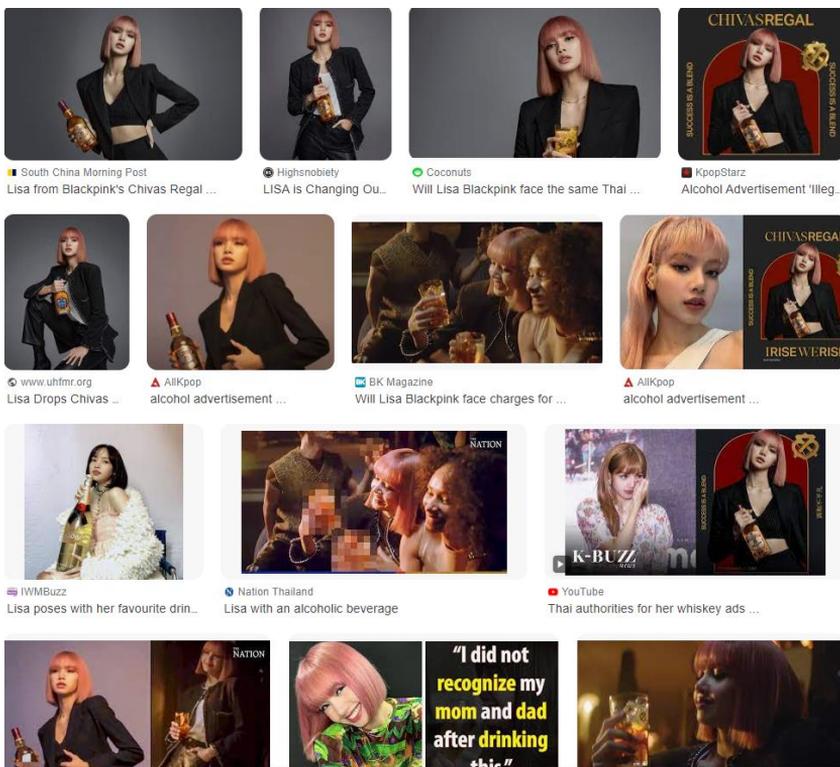
قطعاً تبلیغات و زمان‌بندی و برنامه‌ریزی درست بی‌اثر نبوده. یه کمش شانسیه‌ها، چون مثلاً کار بی‌تی‌اس و اکسو خیلی شبیه به همه، اگه دقت کنی. کانسپت لیریکای بی‌تی‌اس خیلی متنوع‌تره، ولی از لحاظ آهنگ‌سازی و ویژوال و دنس شبیه هستن و فک می‌کنم تفاوتای ریزشون باعث شد، بی‌تی‌اس بیش‌تر مطرح بشه با وجود این که کمپانی کوچیکی داشتن و دیرتر از اکسو شروع به کار کردن. همین که همه آهنگاشون خیلی دارک و اینا نیست، همه‌اش از عشق نمی‌خونن و تو کاراشون تنوع زیاده به نظرم بی‌اثر نبوده.

بعد خب فندوم بی‌تی‌اس واقعاً با بقیه خیلی فرق داره. چه طوری بگم، جهانی‌تره انگار؟ چون مثلاً برخلاف خیلی از گروه‌های کی‌پاپ که اکثر فن‌اش کره‌ای ان، بی‌تی‌اس انقد فن داره که دیگه نمی‌شه گفت بیش‌ترشون مال یه کشور هستن».

سرانجام ترنم ۱۸ ساله در مصاحبه‌اش تأکید می‌کند، محتوای عرضه شده توسط گروه بی‌تی‌اس از محتوای عرضه شده توسط سایر گروه‌های کی‌پاپ سالم‌تر است:

«مثلاً تو آهنگ دینامیت، اولش جونگ‌کوک می‌گه صبح‌ها پا می‌شم شیر می‌خورم. نه مثل این گروه دخترونه بلک‌پینک که لیسا تو یک آهنگش می‌گه، مشروب و الکل، از سال ۱۸۹۵ عه حتی از اون موقع که من نبودم برام نگه داشتن و یه جورایی طرفدارهاشون را تشویق به مصرف این جور چیزها می‌کنن، من خوشم نمی‌اومد، چون اکثر فن‌های چه بی‌تی‌اس باشه، چه گروه دیگه‌ای، از ۱۲ سال بگیر تا به بعدش فن می‌شن و اینا بزرگ می‌شن به تقلید از حرف‌های اونا همین کار رو انجام می‌دن، البته بی‌تی‌اس هم بعضی جاها صحبت‌های مثبت ۱۸ می‌کنن‌ها، ولی تازگی این کارها رو انجام می‌دن، تو

چپتر اول اصلاً نبود. کلاً یکی از دلایلی که بی‌تی‌اس رو فراتر از کی‌پاپ می‌دونم، همین سبک کاری‌شون هست که موسیقیش با کی‌پاپ متفاوته».



ارایه موسیقی بی‌تی‌اس به زبان‌های کره‌ای، انگلیسی و ژاپنی از سویی و همکاری مشترک با برخی از خوانندگان غربی از سوی دیگر، از دیگر مواردی هستند که مورد توجه برخی از افراد مصاحبه شده قرار گرفته است و آن را امتیازی برای گسترش و فراگیرتر شدن آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس دیده‌اند:

«- به نظرت همکاری‌های بی‌تی‌اس با خواننده‌های غربی مثل هالزی، می‌تونه باعث بشه که شهرت گروه‌شون بالا بره؟»

این حرفی که گفتی یه کم باعث شد به این نتیجه برسم که عواملی مثل همکاری قطعاً به معروف شدن کمک می‌کنه مثلاً سیا^۱ و هالزی و کلدپلی^۲ و نیکی میناژ^۳ خیلی معروف ان و قطعاً همکاری‌شون با یه بند آسیایی قطعاً سر و صدا می‌کنه یا متن انگلیسی که امروزه هر چی گیر بیارن، ترند می‌کنن مثل باتر که مشابه قسمت وکال جونگ کوک که انگلیسی بود با یکی از آهنگ‌های دوا لیپا^۴ که ترکیب شده بود خیلی ترند شد».



«- شبنم به نظر شما به طور کلی گروه بی‌تی‌اس چه تأثیراتی بر روی طرفدارانش داره و چرا این قدر محبوبه؟»

این گروه‌ها به خاطر رقصاشون، تیپ‌هایی که می‌زنن، رنگ مو یا کیوت بودنشون، باعث می‌شه هواداراشون خیلی تحت تأثیر قرار بگیرن و خیلی رفتارای اونا رو تقلید کنن. بیش‌تر یعنی هشتاد درصد هواداران‌شون نوجوون هستنند و محبوبیت‌شون بیش‌تر به خاطر رقص و هماهنگی و چهره و به خاطر اینه که به سه زبان می‌خونن».



۱- سیا (Sia) خواننده پاپ اهل استرالیا است که بیش‌تر به دلیل انزجار از شهرت شناخته می‌شود.

۲- کلدپلی (Coldplay) یک گروه راک بریتانیایی است که در سال ۱۹۹۶ در لندن شکل گرفته است.

۳- نیکی میناژ (Nicki Minaj) رپر، خواننده و ترانه‌نویس، زاده ترینیداد و توباگو است که در ایالات متحده اقامت دارد.

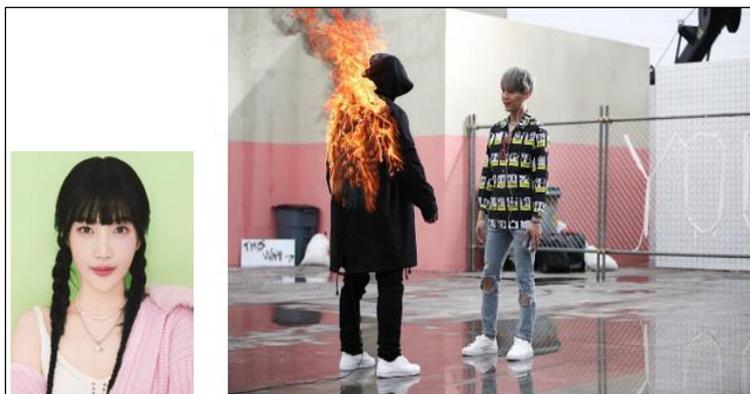
۴- دوا لیپا (Dua Lipa) خواننده، ترانه سرا و مدل انگلیسی است.

۸-۴- جذابیت بخشیدن به صحنه

بسیاری از افراد مصاحبه شده در توصیف گروه بی‌تی‌اس و آهنگ‌های آن خاطرنشان ساخته‌اند که گروه بی‌تی‌اس اجراهای جذابی دارند و جذابیت‌هایی که آنان در صحنه می‌آفرینند، در دیگر گروه‌های موسیقیایی کم‌تر ملاحظه می‌شود.

سارینای ۱۳ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، از آتش زدن تعداد زیادی ماشین در جریان تهیه موزیک ویدیوی فایر (آتش) یاد کرده، آن را مهیج و کاری متفاوت از دیگران توصیف می‌کند:

«... توی ام‌وی کیل دیس لاو! بلک‌پینک مجبور شدن توی صحنه اصلی‌اش از یه گازی استفاده کنن که حتی مقدار زیادش باعث کوری می‌شن یا مثلاً توی همین ام‌وی جنی مجبور شد از فاصله خیلی زیاد بشینه رو قوهایی که خیلی کم استحکام داشتن یا مثلاً توی ام‌وی فایر بی‌تی‌اس مجبور شدن تو صحنه اول یکی رو واقعاً آتیش بززن و خب همینه که کی‌پاپ رو بقیه متفاوت می‌کنه».

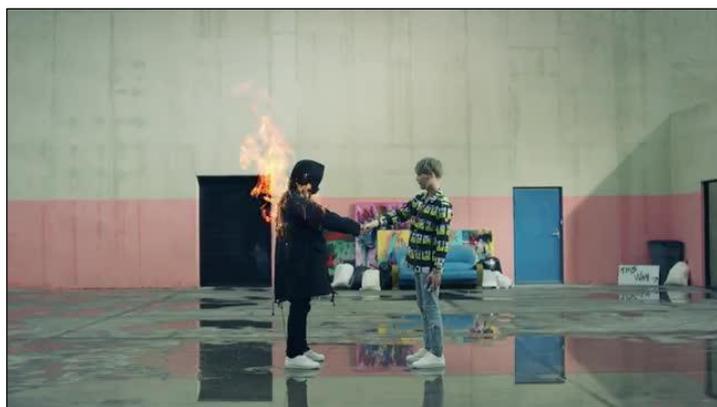


شیدای ۲۰ ساله، در اظهاراتی مشابه سارینا، بیان می‌دارد، وی نیز در بدو آشنایی با گروه بی‌تی‌اس، وقتی برای اولین بار موزیک ویدیوی آهنگ فایر را دیده است، از سویی به سبب آتش موجود در صحنه و از سوی دیگر به دلیل فضای ساکت و ترسناک صحنه و رقص‌های عجیب بعدی در پس زمینه، ترسیده است، اما در ادامه از این اجرای متفاوت خوشش آمده است:

– چه چیزی شون شما رو جذب می‌کرد؟

این که احساس می‌کردم به استعداد خودشون متکی هستن و با وجود این که خیلیا جدی‌شون نمی‌گرفتن و مسخره‌شون می‌کردن ولی کم‌کم پیشرفت کردن و به جاهای خوب رسیدن. دلیل دیگه‌اش هم این که من خودم عاشق موسیقی و رقص بودم، ولی خب می‌دیدم که توی ایران این کارها برای یه دختر ممنوعه یا کلاً اصلاً امکان پیشرفتی وجود نداره، ولی اونجا فضا بازه و می‌تونن از این فعالیت‌ها

داشته باشن و پیشرفت کنن، برام جذاب بود. بعد به این فکر می‌کردم که خودمم می‌تونم برم اونجا مثل اونا پیشرفت کنم. بعد اولین موزیک ویدیویی که از بی‌تی‌اس دیدم خیلی جذبه کرد. اسمش «آتش» بود. بعد یه فضای ترسناکی داشت اولش که آدم رو می‌ترسوند. خیلی دیوونه‌طور بود، رقصاشون عجیب بود. موزیک ویدیوشون این جور بودش که اولش یه مردی میادش جلوی یکی از پسرهای گروه. بعد مرده آتیش می‌گیره! آهنگی هم اول موزیک ویدیو پخش نمی‌شه. کاملاً ساکنه بعد یهو می‌ره یه جای دارکی (سیاهی) که یه مرد خیلی مو بلند هستش که دی‌جی‌به. بعد با حرکت اون که انگار داره آهنگ رو تنظیم می‌کنه، موسیقی شروع می‌شه. اولین بار که اینو دیدم ترسیده بودم، چون خیلی بچه بودم، ولی بعدش خیلی دوستش داشتم.



سونیای ۱۷ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، بیان داشته است که تحت تأثیر اجراهای سخت گروه قرار گرفته است و از اجرای سخت گروه، به عنوان جذابیت خاص بی‌تی‌اس یاد می‌کند:
«در مورد اجراهاشون، اجراها معمولاً چه طور هستن؟»

وقتی که کنسرت برگزار می‌کنن اجرا هم دارن که خب اجراهاشون رقصه، ولی همین طوری درهم برهم نیست (باخنده)، با هر ترک نوع خاصی از رقص رو اجرا می‌کنن، شروع و پایان داره و برنامه‌ریزی

شده هست، واقعاً هم سخته، مثلاً توی یکی از اجراهاشون از یه میله استفاده می‌کردن که خیلی جذاب بود، ولی انجام دادنش هم خیلی خیلی سخت بود.
- لازمه که اجراها تا این حد سخت باشه؟

لازم نه واقعاً، ولی این همه طرفدار داشتن هم بدون علت نیست، چون باید تو اجرا یه چیز خاص ارایه داد تا یه نفر از یه کشور دیگه بیاد این اجرا رو ببینه، اگر چیزی معمولی باشه، خب آدم می‌ره همون اجراهای معمولی کشور خودش رو می‌بینه، مریض نیست که این همه هزینه و تایم بذاره (باخنده)».



اجرای لاس وگاس (۸ آپریل ۲۰۲۲)

سحر ۱۵ ساله و هیلدای ۱۹ ساله، از توام بودن اجرای گروه بی‌تی‌اس با رقص یاد کرده، خاطرنشان ساخته اند که رقص پسران گروه در عین خواندن، امر جذابی است که دیگران کمتر به آن دست زده اند و اصولاً موسیقی کی‌پاپ به دلیل آن که شادتر از موسیقی امریکایی است، با آن راحت‌تر می‌توان به اجرای رقص پرداخت:

«- موسیقی بی‌تی‌اس رو از چه نظر بیش‌تر دوست داری، ریتم‌شون، محتواشون یا اجراشون؟
هم ریتم، هم لیریک و هم پرفورمنس‌شون. من واقعاً توی موسیقی هیچ کشور دیگه‌ای ندیده بودم که این جوری باشن و همه چیزشون باهم خوب باشه، یعنی تو خواننده‌های کشورهای دیگه می‌بینی، طرف می‌خونه، ولی نمی‌رقصه، اما خب رقصنده دورش زیاده، ولی این‌ها خودشون می‌رقصن و هم‌زمان خودشون می‌خونن و حتی بیش‌تر آهنگ‌هاشون رو خودشون می‌نویسن. رقص‌ها و پرفورمنس‌شون خیلی من رو جذب می‌کنه. کلاً موسیقی کی‌پاپ، اولین سبکی بود که دیدم، خواننده هم‌زمان می‌خونه و می‌رقصه، واسه همین جذب کی‌پاپ شدم. بی‌تی‌اس آهنگ‌هاشون رو هم خیلی دوست دارم.»

«کی‌پاپ در مقایسه با موسیقی پاپ غربی، موسیقی «جوان‌تر» و «شادتر» و با ظاهری جدیدتر هست، انرژی زیادی در کی‌پاپ وجود دارد، موزیک ویدیوها واقعاً روشن و رنگارنگ هستند. بنابراین

فکر می‌کنم، بسیاری از مردم به کی‌پاپ علاقه‌مند هستند، زیرا گاهی اوقات از موسیقی آمریکایی شادتر است، و همچنین رقصیدن با آن آسان‌تر است و حدس می‌زنم طرفداران جوان‌تر نیز جذب کی‌پاپ می‌شوند، زیرا روی ظاهر تمرکز دارد».

مسعود ۲۰ ساله در مصاحبه‌اش، همخوانی اعضای گروه بعد از تک‌خوانی آنان را جالب برشمرده، از رقص هماهنگ پسران گروه نیز تقدیر به عمل می‌آورد:

«- چه چیزی در آهنگ‌های بی‌تی‌اس برای تو لذت بخش بود؟»

من اون زمان معنی آهنگ‌ها رو نمی‌فهمیدم و فقط از صدای قشنگ‌شون و نظم در خوندن و رقص‌شون لذت می‌بردم.

- چه نظمی در آهنگ‌هاشون دیدی که خوشت اومد؟

مثلاً وقتی یکی‌شون تکی می‌خوند، بقیه بعداً باهم، همخونی می‌کردند و ترتیب رو خیلی خوب رعایت می‌کردند و در رقص‌شون هم نظم خاصی بود. مثلاً هول‌هولکی نبودند».



مهرتاب ۱۸ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، یادآور شده است که شور موجود در آهنگ‌های بی‌تی‌اس، در آهنگ‌های آمریکایی وجود ندارد و اگر کسی آهنگ‌های بی‌تی‌اس را ببیند، احتمالاً دیگر تمایلی به دیدن کنسرت‌های آمریکایی ندارد:

«... من از حدود ۱۶ یا ۱۷ سالگی کی‌پاپ رو دنبال می‌کنم و اولین بار که با همچنین پدیده‌ای مواجه شدم، توی دبیرستان بود که از یکی از دوستانم که داشت یه آهنگی از بلک‌پینک گوش می‌کرد، پرسیدم که چی گوش می‌دی؟ گفت بیا گوش کن، این رو گوش می‌دم و من هم گوش دادم و خوشم اومد و بعد رفتم بیش‌تر از بلک‌پینک گوش دادم و بعد وقتی آدم توی اسپاتیفای یا یوتیوب مثلاً کی‌پاپ گوش می‌ده، براش ساجشن‌های^۱ (پیشنهاد) مختلف دیگه‌ای از همون گونه رو میاره. بعد بی‌تی‌اس هم جزوشون بود و اسم بی‌تی‌اس رو هم من زیاد شنیده بودم، چون خیلی معروف ان و رفتم گوش دادم و کنسرت‌هاشون رو دیدم. بعد بیش‌ترین چیزی که من رو به خودش جذب کرد، همین کنسرت‌هاشون

بود، چون که یه مدل دیگه هست، اگر نگاه کنید، یه شور و هیجان خاصی داره که توی کنسرت‌های مثلاً آمریکایی و اروپایی وجود نداره، حالا از هر ژانری که می‌خوان باشن. چه پاپ، چه راک چه هر چی. کنسرت‌های بی‌تی‌اس یه مدل رقص خاص با یه پرفورمنس (اجرا) خاصی که وقتی شما چشمات عادت می‌کنه و گوشت عادت می‌کنه بهشون، دیگه ساخته که کنسرت‌های گروه‌های دیگه مثلاً آمریکایی‌ها رو بتونی پاشون بشینی. به هر حال چیزی که من رو به خودش جذب کرد، اول از همه پرفورمنس‌ها و کنسرت‌هاشون بود و این شوری که توی کنسرت‌هاشون وجود داره و چیز دومی که من رو به خودش جذب کرد، پیامی بود که با آهنگ‌هاشون می‌خواستند برسوند و می‌رسوند».



نسترن ۱۹ ساله، در مصاحبه خودش بیان داشته است که وی در بچگی خودش، جذب رقص و حال و هوای اجرای گروه بی‌تی‌اس شده است. اما در بزرگسالی، متوجه غنای متن ترانه‌های بی‌تی‌اس شده است و در حال حاضر محتوا (لیبریک)، اجرا و رقص آن‌ها را یک مجموعه و بسته کامل می‌بیند:

«- بعد از سال ۲۰۱۳ چی تو رو جذب کی پاپ کرد؟»

من از سریال دریم‌های 'به بعد فن گروه بی‌تی‌اس شدم.

- خوب نگفتی دقیقاً به خاطر چی؟ سبک موسیقی‌شون بود، رقص‌شون بود، اجراشون، چی بود؟ اون تایم بچه بودم زیاد به موسیقی و اینا دقت نمی‌کردم ولی خب بیش‌تر به خاطر رقص و حال و هواشون بود فکر کنم... .

- خوب در مورد بی‌تی‌اس گفتم موسیقی‌شون فرق داشت و اون رو ترجیح می‌دادی. موسیقی‌شون رو از چه لحاظی ترجیح می‌دادی؟ ریتم یا لیبریک‌شون (متن ترانه) یا چه می‌دونم پرفورمنس‌شون (اجرا)؟

۱ - دریم‌های Dream-high یک سریال در کی‌دراما با موضوع تحصیل نوجوانان در هنرستان و آمادگی برای ورود به عرصه کی‌پاپ است.

من خودم آدمی ام که مثلاً لیریک محورم. مثلاً لیریک برام خیلی مهمه. بعد کلاً خب اون قدر که مثلاً پرزرق و برقه دیگه کی‌پاپ. مثلاً فضای رنگی‌ای داره. مثلاً یه سری موزیک ویدیوها. بعد مثلاً برای اجراشون خیلی تلاش می‌کنن. مثلاً پرفورمنسای پر دنگ و فنگی داره، رقصای خوبی داره. همه‌شون انگار یه پکیج کامله دیگه».

۸-۵- جذابیت‌های جانبی گروه بی‌تی‌اس

گروه بی‌تی‌اس در عین پردازش جذابی که در صحنه دارد، در ابعاد جانبی کارش نیز خلاق عمل کرده، کوشیده است تا با استفاده از حواشی اجرا نیز بر جذابیت خویش برای مخاطبان بیفزاید. مواردی مانند فیلم‌برداری موزیک ویدیوهای بی‌تی‌اس در اماکن تاریخی و هنری، استفاده از مدهای موجود در ملل مختلف، تولید ویدیوهای آموزش رقص‌های اجرا شده بی‌تی‌اس، اخذ جوایز بین‌المللی زیاد و مانند آن‌ها، همگی از جمله جذابیت‌های جانبی هستند که به جذابیت اجرای بی‌تی‌اس در کنسرت‌هایش افزوده شده و ماحصل قابل توجه‌تری را آرایه می‌کنند.

دیپای ۱۵ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، با اشاره به فیلم‌برداری موزیک ویدیوی آهنگ بلاد سوویت اند تیزر در یک قصر، از این سنت بی‌تی‌اس در پردازش‌های خودش، ستایش به عمل می‌آورد:

«- می‌شه یک مثال برای این که برای موزیک ویدیوها خیلی فکر گذاشته می‌شه، بزنی؟
مثلاً موزیک ویدیوی آهنگ بلاد سوویت اند تیزر از بی‌تی‌اس، پر از رنگ‌های مختلف بود و توی یه محل قصر مانندی فیلم‌برداری شده بود و خب رقص‌هاشون هم به نظرم چیزی نیست که آسون باشه و خیلی به تمرین نیاز داره. الان که دارم فکر می‌کنم رقص‌هاشون هم یکی از جنبه‌هایی بود که من رو جذب کرد، چون واقعاً قشنگ و خاص بودن».



ریحانه ۱۷ ساله از این که گروه بی‌تی‌اس در یکی از اجراهای خودشان، لباس‌های بته جقه‌ای ایرانی را بر تن داشتند (چیزی که معمولاً سلبریتی‌های داخلی به آن تن نمی‌دهند)، از این سنت جالب، قدردانی به عمل آورده است:

«تو کنسرت ال ای بود فکر کنم، پرمیشن تو دنس هم بته جقه رو لباس شون بود. حالا یه چندتا عکس دارم ولی یه اجرا هست آیدول فکر کنم توی موزیک بانک که همه شون لباس ایرانی تن شون بود.»



مطمئن نیستم که اینا برند امپریه، ولی خیلی لباسا بوده که برند امپری بوده و تن شون کردن». نیکوی ۱۵ ساله گزارش می دهد، پسران بی تی اس پس از هر اجرایی که دارد، رقص همان اجرا را به صورت ویدیوی آموزشی منتشر می سازد تا هواداران با کاربری از آن، بتوانند به اجرای رقص یاد شده بپردازند:

«بی تی اس و گروه های کی پاپ یه چیز خوبی که دارن، اینه که برای یادگیری رقص هاشون بعد از هر آهنگ جدیدی که می دن بیرون یه ویدیو تولید می کنند و اون ویدیو تمرین رقص شونه و خیلی کمک می کنه که آدم یاد بگیره».

نرگس ۲۱ ساله نیز در مصاحبه اش می گوید، از آهنگ های بی تی اس می توان در کلاس های رقص نیز استفاده کرد:

«- گفتی کلاس رقص می رفتی، بعد از آهنگای بی تی اس استفاده می کردی؟»

بله. الانم به صورت حرفه ای دنس هیپ هاپ و زومبا رو بلدم و آره، آهنگای بی تی اس خوراک دنس بود. من صبح که پا می شدم تو خونه آهنگاشون رو می داشتم، چون تنها هم بودم تو خونه. مامانم می رفت آرایشگاه و بابام کارش جوری بود که مأموریتی بود. خیلی کم خونه بود. خواهر کوچیک ترم هم اون موقع به دنیا نیومده بود. منم که تو خونه تنها. صبح تا شب خودم رو تیکه پاره می کردم با دنس با آهنگاشون. بعد رفته بودم ویدیوهای دنس شون رو هم تو موزیک ویدیوها دیده بودم، سعی می کردم، شبیه خودشون برقصم. آهنگاشون برام خدا بود. منم تا قبل از اون اصلاً طرفدار کی پاپ نبودم، نمی دونستم که این قدر آهنگاشون می تونه تو دنس به کارم بیاد. اون قدر جذب شون شده بودم که یادمه برای کلاس دنس مون قرار بود هر کسی با یه آهنگ، یه دنس خودش ساخته بره. منم اون موقع آهنگ

«نو» بی‌تی‌اس رو انتخاب کردم. بعد دو هفته با آهنگ‌شون تمرین کردم و تو کلاس اجرا کردم و نفر اول شدم».

سرانجام کوثر ۲۵ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، از رنگ باختن محتواهای عمیق آهنگ‌های اولیه بی‌تی‌اس، در جریان تغییر سبک گروه برای بردن جوایز بین‌المللی یاد کرده، این مسأله را مورد نقد خویش قرار می‌دهد، اما به هر صورت بردن جوایز متعدد در مجامع بین‌المللی موسیقی، امر قابل توجهی به شمار آمده، چشم دیگران را متوجه کسانی می‌کند که جوایز زیادی را از آن خود کرده اند:

«- حالا این که چند بارم تأکید کردی که اون موقع بود و الان انگار دیگه نیست، چی شد که دیگه حس نکردی که طرفدارشون هستی؟

حس می‌کنم بلوغ فکری آدم باعث می‌شه که تو دنبال یه چیز بیش‌تری باشی. یعنی برای من تا اون لحظه که این ارتباط رو من با، این جای خالی که تو زندگی‌م بود رو، من با یه هنرمندی اون سر دنیا پر کرده بودم، تا یه جایی برای من کافی بود و واقعاً کارش رو هم کرد، ولی از یه جایی به بعد انگار دنبال یه معنای بیش‌تری توی زندگی بودم و دیگه اون موقع دیگه کی پاپ برام راضی‌کننده نبود.

- یعنی محتواش دیگه برات راضی‌کننده نبود؟

آره، انگار دیگه یه چیز عمیق‌تری رو می‌خواستم برای این که بخوام راضی باشم و رضایت داشته باشم، ولی این که فاصله گرفتم، دوست داشتنم رو نسبت بهشون کم نکرد. یعنی من هنوز عکساشون رو دیوار اتاقم بود. با این که اصلاً دیگه خبراشون رو دنبال نمی‌کردم، ولی انگار اون حس مثبتی که از قبل مونده بود، مونده بود و می‌گم، تأثیر مثبتش رو گذاشته بود.

البته یه دلیل دیگه‌ای هم که داشت، این بود که بی‌تی‌اس، خب چون من طرفدار بی‌تی‌اس بودم دیگه. بعدشم هر چه قدر دیگه سعی کردم ارتباطی با گروه‌های دیگه برقرار کنم دیگه نتونستم. بی‌تی‌اس دیگه تقریباً یکی، دو سال آخر سبک و سیاق آهنگاشون رو برده بودن به سمت سبک و سیاق هالیوودی. مثلاً مدل آهنگای هالیوودی آهنگ می‌خوندن. جوری که مثلاً اونا می‌پسندن و توی جشنواره‌هاشون باهاش جایزه می‌برن و دیگه اون حس... دیگه اون مفهوم رو آهنگا به اندازه قبل نداشتن... داستان عمیق رو نداشت موزیک ویدیوها و واقعیتش جذابیتش برام کم شد و اینم بازم سیاست کمپانی بود که همچین آهنگایی رو بخونن که بیان جایزه‌های جشنواره‌های خارجی رو ببرن. چون دیگه هیچ جایزه‌ای تو کره نمونده بود که نبرده باشن و تموم جایزه‌ها رو درو کرده بودن. یه جورایی می‌خواستن مسیر پیشرفت رو طی کنن که کردن هم تا یه حد زیادی... ولی دیگه برای شخص من مهم نبود».



۸-۶- توأم شدن موسیقی بی‌تی‌اس با رقص‌های بسیار دشوار و مهیج



«توأم شدن موسیقی بی‌تی‌اس با رقص‌های دشوار»، مقوله دیگری است که برخی از مصاحبه‌شوندگان آن را مورد توجه خویش قرار داده، امتیاز مهمی برای گروه پسران بی‌تی‌اس برشمرده‌اند. ریحانه ۲۱ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، علاقه‌مند شدن خویش به رقص (موسیقی، نویسندگی و حتی یادگیری زبان کره‌ای) را نشأت گرفته از کاربریش از گروه بی‌تی‌اس می‌داند. رخساره ۱۶ ساله و پونه ۱۸ ساله هم در مصاحبه‌هایی که داشته‌اند، بیان کرده‌اند که به واسطه کاربری از گروه بی‌تی‌اس، رقص آن‌ها را تمرین کرده و آموخته‌اند:



«- رخساره تو خودت هیچ وقت تمرین کردی که رقص شون رو یاد بگیری؟
آره.

- خوب چه جوری بوده؟

برا من، من الان خیلی طول کشید تا یاد بگیرم، ولی دوتا از دنس‌های دوتا از آلبوم‌هاشون رو یاد گرفتم. بعضی از آیدول‌های کی‌پاپ‌ها رقص خودشون رو در فضای مجازی می‌ذارن، از اونجا نگاه کردم و تمرین کردم.

- آموزش رقص شون رو بیش‌تر تو چه فضایی می‌بینی؟

کلاً هر چیزی از بی‌تی‌اس بخوای جاهای مختلف هست: پینترست، یوتیوب، تیک‌تاک و اینستا».

«- نظر خانواده‌ات کلاً در مورد کی‌پاپ و بی‌تی‌اس چیه؟

مامانم اوکیه و مشکلی نداره. حتی واسم از بی‌تی‌اس چیزی ببینه می‌خره، حتی بهم قول داده بریم ترکیه تا بتونم مرچ و آلبوم‌های بی‌تی‌اس رو بگیرم، ولی بابام خوشش نمیاد، می‌گه اینا شبیه دختران و فلان، ولی جوریم نیست که مدام بخواد بهم بپره. بعضی وقتا می‌بینه، دارم دنس می‌رم یا آهنگاشون رو گوش می‌دم، میاد می‌گه بچه بشین سر درست خاک تو سرت (می‌خندد)، ولی خب، خیلی جدی نیست.
- رقص بلدی؟

آره، ویدیوهای بی‌تی‌اس رو می‌بینم، یاد گرفتم کم و بیش».

۹- اثرهای زیباشناختی

مقوله زیبایی همواره در جوامع مختلف بشری مورد توجه بوده است. زیبایی می‌تواند در مسایل ملموسی همچون چهره، اندام، البسه و مانند آن‌ها باشد یا زیبایی در اندیشه، اخلاق و رفتار افراد. بررسی اظهارات جمعیت تحقیق در زمینه زیبایی، عمدتاً ناظر بر زیبایی‌های ملموس بوده، افراد مصاحبه شده از این یاد کرده اند که مثلاً در ابتدا، تحت تأثیر زیبایی چهره، اندام، رنگ مو، زیورآلات و لباس‌های ستاره‌های کی‌پاپ (و کی‌درام) قرار گرفته اند.

مقوله «جذابیت‌های ظاهری اعضای گروه بی‌تی‌اس»، چنان در نزد هواداران پر رنگ ظاهر شده است که «الگوبرداری از ستاره‌ها در زیبایی‌های ظاهری» و به همین ترتیب «مدگرایی» آنان، در جمعیت پژوهش، مؤثر و ذی‌نقش واقع شده است. اما گذشته از الگوبرداری‌های پیش‌گفته، برخی از هواداران با مقایسه خودشان با ستاره‌ها، از آنجا که احساس می‌کنند، فاصله زیادی بین زیبایی آن‌ها و ستاره‌ها وجود دارد، برخی از این افراد سرخورده و اندوهگین شده، به خود زشت‌انگاری رسیده اند و تعدادی نیز به این اندیشه افتاده اند که با جراحی زیبایی، فاصله موجود بین خود و ستاره‌های مورد علاقه‌شان را کم کنند. از این رو در ادامه، پس از ارایه شواهدی در زمینه «توجه به جذابیت‌های ظاهری ستاره‌های بی‌تی‌اس»، مقوله‌های «الگوبرداری‌های صوری از ستاره‌ها»، «الگوبرداری از ستاره‌ها در زمینه مد و مدگرایی» و در نهایت «خود زشت‌انگاری و توسل به جراحی زیبایی در هواداران»، مورد بحث قرار خواهند گرفت.

۹-۱- جذابیت‌های ظاهری ستاره‌ها

مقوله «جذابیت‌های ظاهری ستاره‌ها» مقوله مهمی است و افراد قابل توجهی از هواداران، دلیل هواداری خویش از ستاره‌های بی‌تی‌اس را همین مسأله عنوان کرده و می‌کنند.

ریحانه ۲۱ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، خاطر نشان می‌سازد که اصولاً از گذشته تاریخ در کشور کره، زیبایی چهره افراد، مسأله مهمی شمرده می‌شد و بقایای این سنت تا امروز ادامه داشته است:

«از قدیم الایام، فرهنگ کره‌ی جنوبی و حتی به کل، آسیای شرقی به این شکل بوده که به زیبایی ظاهر توجه زیادی می‌شده. لباس‌ها و طراحی کاخ‌ها و باغ‌ها، همچنین هنرهای تاریخی این منطقه مثل نقاشی، و حتی تأکیدشون روی زیبایی الهه‌ها و اشخاص مورد پرستش‌شون در ادیان‌های قدیمی و تاریخی‌شون و... اینا همه نشون دهنده‌ی این هست که این توجه به زیبایی‌های ظاهری، تاریخچه‌ی

قدیمی‌ای در این کشور داره. حتی گفته شده که مردم کره در قدیم، عقیده بر این داشتن که پادشاهان و امپراطور، نباید صورت و بدنی زخمی داشته باشه. صورت یک پادشاه یا ملکه، باید بدون نقص می‌بود و یک شخص به طور مثال با صورتی زخمی، ابداً شایستگی حکومت رو نداشته. این نگرش با مقداری تغییرات، تا به الآن باقی موندن. در حال حاضر هم به نوعی عقیده بر این هست که یک آرتیست، چهره‌ی یک کشور و چهره‌ی یک هنر هست. پس قطعاً باید دارای یک چهره‌ی زیبا و بدون نقص و مقبول باشه تا مورد پذیرش افراد جامعه‌ی کره‌ی جنوبی هم قرار بگیره».

زهرای ۲۴ ساله در اظهارنظری مشابه با ریحانه، خاطر نشان می‌سازد از آنجا که کمپانی‌های کره‌ای ستاره‌ها را نماینده و تجلی فرهنگ کره در نظر می‌گیرند، تقریباً بدون استثناء روی مقوله زیبایی ستاره‌ها، تأکید خاص دارند.

البته علت دیگری که کمپانی‌های سینمایی و موسیقی کره، روی طرح ستاره‌های زیبارو، زیباقامت و زیباجامه تأکید دارند، دید عینی هواداران کم سن و علائق جوانان به مسایل هیجانی، از جمله مد و زیبایی است که به این طریق می‌توانند افراد بیش‌تری را جذب خویش کنند.

مهدیه ۲۰ ساله در مصاحبه خودش خاطر نشان می‌سازد، وی در سن کم، به سبب جذابیت لباس‌های مجلل بازیگران سریال «یانگوم» متوجه کی‌درام شد، اما وقتی در سن بالاتر همان سریال را می‌دید، متوجه مواردی انتزاعی‌تری شده بود که در دوره نوجوانی خویش به دلیل سیطره دید عینی و مسایل ملموس بر ذهنش، متوجه آن‌ها نشده بود:

«- اولین سریال کره‌ای که دیدی چی بود؟»

خیلی بچه بودم و زمانی بود که یانگوم یا همون جواهری در قصر رو نشون می‌داد. اون اولین سریال کره‌ای بود که من دیدم در زندگیم و اصلاً اولین سریالی بود که من کامل پیگیرش بودم. - مگه چی داشت اون سریال که تو پیگیرش بودی؟ یعنی چه چیزی از این سریال تو رو به خودش جذب کرده بود؟

من اون زمان خیلی بچه بودم. چیزی که باعث شد من بهش جذب بشم، لباس‌های خیلی قشنگ و مجلل شون بود. پس اولین چیز رنگ و مدل لباس‌هاشون بود. بعد از چند سال که بزرگ‌تر شدم و دوباره این مجموعه پخش شد، بیش‌تر تلاش و پشتکار اون دختر برای زندگی کردن به عنوان یک بانوی جوان مستقل و هدفمند من رو به خودش جذب کرد».

صبای ۱۶ ساله، پونه ۱۸ ساله و تینای ۱۹ ساله، از تجربه مشابهی در عرصه کی‌پاپ یاد کرده، خاطر نشان می‌سازند، در ابتدا جذب قیافه و طرز لباس پوشیدن اعضای گروه بی‌تی‌اس شده و در ادامه جذب آهنگ‌های آنان شده اند:

«- یعنی شما رو بیش‌تر ظاهرشون جذب کرد؟»

آره می‌شه گفت آهنگاشون جذاب بودند بالاخره، ولی اولین چیزی که استارت این رو زد من برم دنبال شون و فالو کنم فناشون رو و فن‌شون بشم حتی، اون تیپ و ظاهرهای کیوت‌شون بود».



«- بیش‌تر جذب ظاهرشون شدی تا آهنگ اون‌ها؟

آره. البته آهنگاشون رو هم دوست داشتم، وقتی که دیگه تصمیم گرفتم فن‌شون بشم و دنبال شون کنم، ولی خب آره بیش‌تر چهره و تیپ‌شون جذبه کرد، بعد رفتم سراغ آهنگ اون‌ها.

- بیش‌تر چه ویژگی از ظاهرشون رو دوست داشتی؟

اول خب قیافه‌شون. نامجون و تهیونگ و کوک از نظرم خیلی خوشگل بودن. البته همه‌شون قشنگ بودن، ولی اینا بیش‌تر از نظرم خوشگل بودن. بعد این که یه سر رفتم اینستاگرام بی‌تی‌اس و یه سری عکس فوتوشوت ازشون دیدم و این جور بودم که گrrrrررر آریو کیدینگ می؟ من چرا شما رو تا حالا نشناخته بودم. البته اسم‌شون رو شنیده بودم. حتی چند بار هم تو این پیجای خبری عکاشون رو دیده بودم، اما توجهی نکرده بودم. آره داشتم می‌گفتم که تو اینستا عکس و ویدیوهایشون رو دیدم و جدی نتونستم در برابر این همه زیبایی مقاومت کنم. خیلی زیبا بودن از نظرم و کلاً از همه چیزشون خوشم اومد. بعدم که صدا و آهنگاشون رو شنیدم خوشم اومد. بعد خیلی برام جالب بود نوع لباس و ظاهرشون».

«- تینا اون موقع که تو مراسم گرمی بی‌تی‌اس رو دیدی، اولین بار چی جذبت کرد؟

اول که قیافه‌ی یکی از اعضاءشون بود. البته نه، قبل از قیافه، استایلشون بود. یعنی لباس پوشیدنشون و اینا خیلی واسم جذاب بود. چون نه کاملاً هر کدوم از اعضاءشون چیزای مختلف می‌پوشیدن، نه این جور بود که کاملاً مثل بقیه بندها عین هم بپوشن. در عین حالی یه انسجامی رو حفظ کرده بودن، هر کسی استایل شخصی خودش رو داشت. بعد من یه سری از استایل‌های اعضاءشون خیلی به سلیقه‌ام نزدیک بود. بعد اول این جور بودم که اوومم، چه قدر لباساشون خوبه و اینا، بعد رسیدم به صورتشون بعد این جور بودم که اوومم صورتاشون هم خیلی خوبه. بعد اول به خاطر یکی دوتا از اعضاءش که خوشگل بودن فقط پیگیری می‌کردمشون، بعد پهو دیدم کلاً غرق شدم تو قضیه.

- یعنی اول جذب ظاهرشون شدی نه موسیقی، درسته؟

اولش آره.»



دیپای ۱۵ ساله و سمانه ۱۷ ساله نیز در گزارش خودشان از جذابیت چهره ستاره‌ها به عنوان عاملی اساسی در جذب شدن خویش به سمت گروه بی‌تی‌اس یاد کرده اند:

«... اون زمان یکی از خصوصیات ظاهری که به چشم من اومده بود، این بود که خیلی رنگارنگ ان، مثلاً ما همیشه مردها رو با رنگ موی طبیعی می‌بینیم و کسی رو نمی‌بینیم که موهاش رو رنگ بکنه ولی اونا موهاشون رنگی رنگی بود. ویژگی دیگه‌شون حالت چشم‌هاشون بود که به نظرم جذاب بود. علاوه بر این لباس پوشیدنشون، استایلشون و میکاپشون هم برام جذاب بود.»



- چه چیزی توی استایل‌های بی‌تی‌اس وجود داشت که باعث می‌شد به نظرت جذاب بیان؟
خوب بخوام از چهره‌شون بگم به نظرم چهره قشنگ و یونیک (بی‌نظیری) دارن و خب چهره‌شون ظرافت داره که خب بعضی‌ها دوست دارن و بعضی‌ها هم می‌گن که نه، دخترونه هست. در مورد لباس‌هاشون هم خب لباس‌هایی که می‌پوشن سر صحنه خیلی برام جدید و جالبه».



«خب لباساشون که رنگی بودن و موهاشونم رنگ روشن بود و خلاصه رنگای شاد می‌پوشن من رو زیاد جذب کرد. یعنی تو پستاشون بیش‌تر به اون دقت می‌کردم و فیس‌شون هم به نظرم ناز و کیوت می‌اومد، (باخنده) عین این پسر بچه‌های گوگولی».



تأکید وافر کمپانی بیگ‌هیت روی زیبایی ستاره‌ها، مورد اعتراض برخی از مخاطبان و هواداران واقع شده، دست به نقد این عمل زده‌اند. صوفیای ۱۸ ساله در مصاحبه خودش تلاش کمپانی برای هر چه سفیدتر جلوه دادن ستاره‌هایش را زیر سوال می‌برد.

«... از نظر اینا اولین چیز اینه که اینا سفید باشن. اصلاً انگار براشون مهم نیست که بابا ما نژادمون اینه و زردپوستیم. بعد کلاً همه آیدولا رو چه پسر، چه دختر، توی خیلی از برنامه‌ها با وایت واشینگ

(برنامه سفید کردن پوست بدن) رنگ پوست‌شون رو تغییر می‌دن و سفیدش می‌کنن. در حالی که مثلاً عکسای واقعی‌شون بیش‌تر فرق داره».

ریحانه ۲۱ ساله و فرشته ۱۸ ساله در مصاحبه‌های خودشان از شروع برخی از تابوشکنی‌ها در کی‌پاپ به قرار زیر یاد کرده اند:

«- الان گفتمی که آیدول‌ها دارن کم‌کم از دوست داشتن افراد توسط خودشون و این چیزها حرف می‌زنن. اما هم‌زمان برای خودشون این سخت‌گیری هست که همیشه باید کامل و بدون بدی باشن. رعایتش هم می‌کنن. این یه تناقض نیست؟

موضوع اینه که این شدت از وسواس روی زیبایی، حتی خود آرتیست‌ها و کمپانی‌ها رو هم اذیت می‌کنه. اما موضوع عرضه و تقاضاست. یعنی عموم مردم این ظاهر و این زیبایی رو به شکلی اغراق‌آمیز می‌خوان. پس کمپانی‌ها و هنرمندا هم باید از این روند پیروی کنن. از طرفی، وقتی هنرمندهایی که الگوی تعداد زیادی از مردم یک کشور هستن، به این شکل رفتار می‌کنن، به شدت پیدا کردن این رفتار دامن می‌زنن. این درست مثل یک دوره‌ی گردش که دو عنصر روی همدیگه اثر می‌ذارن. پس این زنجیره باید از یک قسمت شکسته بشه و آیدول‌های نسل جدید مخصوصاً، کم‌کم توی این تابوشکنی‌ها پیشقدم می‌شن. مثل جونگ‌کوک (عضو بی‌تی‌اس)، که تابوی تتو داشتن برای آرتیست‌ها رو شکست.

یا کانسپتی از آلبوم اخیر گروه دخترانه‌ی ایتزی^۲، که مخاطب رو به پذیرفتن خودشون، همون طور که هستن تشویق می‌کنه و حتی یکی از اعضای اون‌ها تصاویری از خودش به اشتراک گذاشت که پوست صورتش رو به شکلی طبیعی، با کم‌ترین گریم و رنگ طبیعی و بدون شیو کردن صورتش به نمایش می‌داشت».



جنون جونگ‌کوک عضو گروه BTS و تتوهای او

۱ - جنون جونگ‌کوک که با نام جونگ‌کوک شناخته می‌شود، خواننده و ترانه‌سرای اهل کره جنوبی است. او کوچک‌ترین عضو و خواننده گروه پسرانه کره‌ای بی‌تی‌اس است.

۲ - ایتزی (ITZY) یک گروه دخترانه اهل کره جنوبی است که سال ۲۰۱۹ توسط جی‌وای‌پی انترتینمنت (JYP Entertainment) تشکیل شد و اعضای آن متشکل از یچی، لیا، ریوجین، چهریونگ و یونا است. این گروه در ۱۲ فوریه ۲۰۱۹ و با انتشار آلبوم تک‌آهنگ «این متفاوت» آغاز به کار کردند. که توانستند جوایز عالی دریافت کنند با دریافت اولین جایزه خود نه روز پس از شروع به کار در صنعت موسیقی، ایتزی در حال حاضر سریع‌ترین گروه دخترانه کره جنوبی است که اولین برد خود را در برنامه‌های موسیقی بدست می‌آورد. نام فندوم این گروه «میدزی» است.



«- ما دو چیزی که در مورد آیدول‌های کره‌ای می‌بینیم زیاد اتفاق می‌افتد، اولیش رژیم‌های سخته، مخصوصاً از دوران کارآموزی و یکیش عمل‌های زیبایی که دارن، درسته؟ کاملاً درسته، اونم به این خاطر که آیدولی که مطابق استانداردهای کره‌ای نیست با عمل زیبایی یا رژیم به این استاندارد نزدیک بشه.

- تا حالا شده آیدول‌هایی بر سر این موضوعات صدمه جدی ببینند یا این کارها رو انجام ندن و با کمپانی مخالفت کنند؟

خب بعضی اوقات کمپانی‌ها به خاطر این که اون قدر آیدول‌شون رو تحت فشار قرار می‌دادن، خود اون کارآموز می‌دید توانایی این رو نداره که توی اون کمپانی باشه، کمپانی رو ول می‌کرد که خیلیا این جور شدن یا حتی بعد از دوران کارآموزی زمانی که به عنوان یک آیدول دیو می‌کردند، به دلیل سخت‌گیری‌های کمپانی برای عمل‌های زیبایی برای رژیم‌ها اون‌ها مجبور به ترک گروه می‌شدن و یا حال‌شون خیلی بد می‌شد که مجبور بودند یک بیانیه‌ی دروغین بدن تا بتونند فن‌ها رو از حالت سردرگمی دربیارن تا اون آیدول بتونه روی خودش تمرکز کنه، به خاطر این که اون آیدول تحت فشاره و نیاز به زمان داره تا بتونه خودش رو درمان کنه تا بتونه دوباره این پروسه رو ادامه بده.

- در این عمل‌ها یا رژیم‌ها نظر خود آیدول‌ها هم مهم یا حایز اهمیت بود یا فقط به خواست و اجبار کمپانی بوده؟

قطعاً تمام این کارها که شامل پلاستیک سورجری یا همون عمل زیبایی بشه یا حتی همین رژیم به خواست آیدول‌ها نبوده، در واقع این به خواست کمپانی بوده چون اون آیدول مطابق استانداردهای کمپانی نبوده.

- این استانداردها به چه صورت هستند؟

خب استانداردهای کره‌ای‌ها خیلی استاندارد غیر متعارفی هست که در واقع وقتی یک نفر شروع کنه خودش رو مطابق با اون استاندارد بسازه و عمل کنه، منجر به مریضی‌های متنوع و زیادی می‌شه و در واقع می‌شه گفت آسیب‌های فیزیکی که این آیدول‌ها بهش مبتلا می‌شن، خیلی زیاد ان، ولی

استاندارهاشون معمولاً صورت کوچیک، اندام لاغر و باربی، چشم‌های بزرگ یا به اصطلاح درشت، قد بلند و... هست...

اما خب یکی از آیدول‌ها مطابق با استانداردهای خودش پیش رفت، یعنی کارش را مطابق استاندارد لائو یورسلف رو پیش برد و همون جوروی که هست، خودش رو قبول داشت و این رو هم تاحدودی جا انداخت و بعد از این که صحبت کرد، گفت که اوکی من با این بدن مشکلی ندارم و هر کسی که مشکل داره، مشکل خودشو و بعد از اون خیلی از آیدول‌های دختریه بودند که از اون الهام گرفتند و رژیم‌های خیلی سختی نگرفتند و با برنامه پیش نرفتند یعنی یه جوروی بودند که گفتند، من با این بدنم زیبا هستم، پس لازم نیست که خودم رو تغییر بدم و الان تعداد افراد نسبت به ۵ سال پیش خیلی بهتر شده و آیدول‌های زیادی هستند که مطابق با آیدول‌های کره نیستند، اما خب راضی ان و مشکلی ندارند.

۹-۲- الگوبرداری از ستاره‌های بی‌تی‌اس در زیبایی‌های ظاهری

«الگوبرداری از ستاره‌های بی‌تی‌اس در زیبایی‌های ظاهری»، مقوله مهم دیگری است که پس از تأکید کمپانی بیگ‌هیت (و کمپانی‌های مشابه کی‌پاپ و کی‌درام) روی جذابیت فیزیکی ستاره‌هایشان، در سطح هواداران گروه بی‌تی‌اس مطرح شده است.

مهدیه ۲۰ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، از دوستانش یاد می‌کند که در پی کاربری از گروه بی‌تی‌اس، توجه مضاعفی نسبت به بدن خویش یافته اند:

«- مهدیه به نظر این مدل رفتار آثار بدی برای کسانی که طرفدارشون هستند، نداره؟ این که اون‌ها هم از اخلاقیات و کمال انسان غافل بشن و مثل همین کمپانی‌ها فقط به ظاهرشون اهمیت بدنند؟ همون وقتی طرفدار یک گروه می‌شی، مجموعه‌ای از رفتارهای بد و خوب اون‌ها روی تو تأثیر می‌ذاره. همون طور که ما از اون‌ها خیلی چیزهای خوبی یاد گرفتیم، متأسفانه ممکنه که چیزهای بدی هم یاد بگیریم. مثلاً من دیدم که خیلی از دوست‌هام خیلی روی هیکل‌هاشون حساس شدند. یعنی مثلاً آگه یه سفر رفتند و دو، سه کیلو چاق شدند، حال‌شون بد می‌شه و هی نگران هستند. خب دلایل اینه که هیکل‌های بی‌نقص اعضاء رو می‌بینند و دوست دارند، مثل اون‌ها باشند. متأسفانه این‌ها وجود داره.»

سمانه ۱۷ ساله از عمل بینی، تزریق لب و کشیدن پوست خود برای تشبیه‌جویی به ستاره‌های بی‌تی‌اس یاد کرده، سحر ۱۵ ساله نیز از تلاش خود برای تغییر دادن موهای فر خودش به موهای صاف (شبیه ستاره‌های گروه بی‌تی‌اس)، یاد کرده است:

«- قضیه توجه بیش‌تر بی‌تی‌اس به ظواهر، چه تأثیری روی هواداران گذاشته؟

خب قطعاً تأثیر می‌ذاره، مثلاً الان روی کیف‌ها یا ماگ‌ها یا لباس‌ها حتی، عکس‌شون هست یا سفارش می‌دن براشون بزبن یا مثلاً ماگ اون‌ها رو دست‌شون زیاد می‌گیرن، حتی بچه‌ها تو مدرسه هم

ماگ خالی دستشونه، بالاخره خیلی از چیزها عکس اونا روشه (خنده) یا مدل لباسشون توسط فنا و بقیه باز تقلید می‌شه.



- تأثیری که روی خودت گذاشته چی هست؟

خب راستش رو بخوام بگم، روی صورتم یه سری تغییرات انجام دادم که الان پشیمونم، مثلاً بینیم رو عمل کردم مدل کره‌ای پوستم رو رفتم مرکز زیبایی کلی پول خرج کردم مثل اونا شه که نشد، آخرشم یه تزریق لب کردم که محسوس نیس زیاد، ولی تأثیر خوبم داشتن و اونم اینه که آرایش ملایم رو رواج دادن که خب خوبه کلاً.

- یعنی حس کردی قیافهات خوب نیست؟

آره خب آدم پوست اونا رو می‌بینم، اعتماد به نفسش میاد پایین یه جورایی که زشته پوستش بده و بینیش بزرگه و از این چیزا».

«من همین الانم که موهام رو کراتینه کردم، احتمالاً بهم می‌گه موهای تو که فر بود چه کارشون کردی. من البته کراتین موم رو تحت تأثیر کره‌ای‌ها انجام دادم، چون موهام فر بود و کره‌ای‌ها موهای صاف بینشون بیش‌تره».

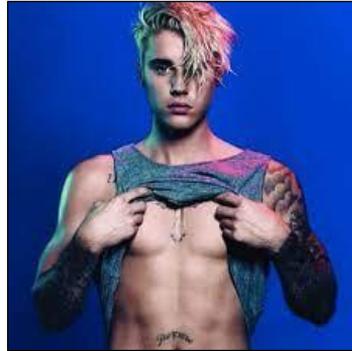
نرگس ۲۱ ساله و نیکوی ۱۵ ساله در مصاحبه‌های خودشان، از کپی‌برداری خود و دوستانشان از الگوهای بی‌تی‌اس در آرایش و پوشش یاد کرده اند:

«- نرگس عزیزم، می‌شه اول بگی از چه سالی طرفدار بی‌تی‌اس شدی و چی شد که سمتشون رفتی؟

عام من از سال ۲۰۱۳ بود که طرفدارشون شدم. سبک آهنگاشون، تیپ‌شون، خیلی شبیه به علاقه‌های من بود. بعد که باهاشون آشنا شدم، خب خیلی زیاد ازشون کپی کردم. آرایش و لباس. حتی رفتم اون موقع مدل موهام رو مثل اونا زدم. کوتاه کوتاه. دیگه کاملاً خودشون شده بودم.

- چرا دوست داشتی شبیهشون بشی؟

نمی‌دونم. خب این چیزا توی سن و سال اون موقع من طبیعی بود به نظرم. یعنی کلاً این که الگوبرداری بشه از آدمای معروف خیلی رایج بود. خیلیا اون زمان خودشون رو شبیه آرتیستایی مثل جاستین بیبر و سلناگومز و تیلور سویفت می‌کردن. منم چون سبکم شبیه به بی‌تی‌اس بود، از اونا الگو گرفتم دیگه».



«- آیا سعی کردی از سبک پوشش و آرایش بی‌تی‌اس تقلید کنی و شبیه اون‌ها بشی؟
آره، حقیقتاً شده، چون استایل‌هاشون رو دوست دارم و استایل چندتا از اعضاء رو خیلی به شخصه می‌پسندم و تا به مدت کوتاهی، اون اوایل که طرفدارشون شده بودم، فکر می‌کردم که این استایل‌ها رو خودشون انتخاب می‌کنن، بعداً که بیش‌تر آشنا شدم و بیش‌تر جزئیات رو فهمیدم، متوجه شدم که این‌ها رو کمپانی بهشون می‌ده که چی بپوشن و استایلیست دارن و خیلی کم پیش میاد که خودشون

بتون انتخاب کنن که چی بیوشن یا مثلاً استایل چند نفرشون بود، مثل جونگ کوک که خیلی دوست داشتیم. مثلاً کلاه‌های حلقه‌دار می‌پوشید یا استایل‌هاش بیش‌تر تو مایه‌های رنگ مشکی بود، به نظرم خیلی خفن بود، الان بیش‌تر اوقات خودمم تیپم همین جوریه یا مثلاً جیمین استایلش یه مدت این طوری بود که بیش‌تر جاها لباس راه‌راه یا عینک‌هایی استفاده می‌کرد که سبک‌های خاص داشتن.

- دوستان هم همین کار رو کردن؟

بله، مثلاً یکی از دوستانم بود که باهاش رفته بودم بیرون و استایلش شبیه جونگ کوک بود، حتی موهاش رو هم مثل جونگ کوک کوتاه کرده بود و ماسک داشت، همون کلاه، همون گوشواره‌ها، مثلاً گوشواره‌هاشون توی استایل‌هاشون جزو مهم‌ترین چیزها هست، چون خیلی به چشم میاد و اکثر دوستای من و کلاً اکثر آرمی‌ها این گوشواره‌ها رو دارن و به این اسم شناخته می‌شن، مثلاً می‌گن گوشواره جیمین، گوشواره جیهوپ. من با این دوستم که رفته بودیم پارک و استایلش خیلی شبیه جونگ کوک بود، یه دفعه یه نفر اومد جلو که اونم با دوستش بود و یهو ذوق کردن دوست من رو دیدن و هی می‌گفتن تو چه قدر شبیه جونگ کوکی و حتی به خاطر این قضیه ازش شماره گرفتن، خودشون هم طرفدار جونگ کوک و کلاً بی‌تی‌اس بودن.



- توی سن‌های شما اگر کسی مثل بی‌تی‌اس لباس بیوشه و شبیه اون‌ها باشه، بین هم‌سن‌هاش محبوب می‌شه؟
آره خیلی.

- توی آرایش کردن تو یا دوستان خودت ازشون تقلید می‌کنید؟

خیلی آرایش‌هاشون معلوم نیست، چون بیش‌تر سعی دارن آرایش‌هاشون رو طبیعی جلوه بدن، مگر این که مثلاً رژ که می‌زنن یه مقدار جلوه داشته باشه، ولی آرایش کامل نیست. کلاً دنیا داره به سمت نچرال بیوتی^۱ (زیبایی طبیعی) می‌ره، ولی مثلاً گروه بلک‌پینک و گروه‌های دخترونه‌شون که آرایش

بیش‌تری دارن، از اون‌ها ایده می‌گیرم گاهی، البته من کلاً زیاد اهل آرایش نیستم، بیش‌تر دوستام پیگیر این چیزها هستن. مثلاً توی گروه بلک‌پینک یکی از اعضاهاشون به اسم جی سو رفته بود پیش دوستش که آرایشگره و اون دوستش می‌گفت، الان طوری شده که طرفدارای شما میان اینجا و می‌گن که ما آرایش بلک‌پینکی می‌خواهیم و یا تو گروه جی‌آیدول یه عضوی داشتن که الان دیگه جزو اون گروه نیست و اسمش سوچین بود که اونم یه آرایش خاصی داشت و زیر چشمش یه چیزی اکلیلی بود، مثل خال می‌گذاشت و خط چشم خاصی داشت و خیلی از طرفدارهاش همون مدلی آرایش می‌کردن مد شده بود».



محسن ۲۲ ساله نیز به عنوان یک پسر ایرانی، در مصاحبه‌اش اظهار می‌داشت که تحت تأثیر پسران بی‌تی‌اس، آرایش مستمر را در دستور کار خویش قرار داده است:

«- گروه بی‌تی‌اس در سبک زندگی تأثیری گذاشته؟

طرفدار دو آتیشه این گروه نیستم خب راستش، ولی بله تأثیر گذاشته. من اهل این نبودم که توی اتوبوس و مترو و راه دانشگاه آهنگ گوش بدم، الان ولی گوش می‌دم. خیلی به خودم نمی‌رسیدم، اما بعد دیدن این که حتی یه مرد هم می‌تونه با آرایش جذاب بشه، به خودم می‌رسم. این طوری نیست که آرایش کنم، ولی بیش‌تر از قبل به ظاهرم توجه می‌کنم. یه جورایی عقده‌ای شدم تا دیگران رو جذب خودم کنم (باخنده).

- اگر ممکن هست، لطفاً بیش‌تر توضیح بده. یعنی چه که عقده‌ای شدی؟

من از دوران کودکی یه کم کمرو بودم، اگه می‌خواستم با جنس مخالف حتی توی بچگیم صحبت کنم، دست و پام می‌لرزید و نمی‌تونستم. الان توی دانشگاهم نمی‌تونم با دخترا ارتباط برقرار کنم. اون قدر ضایع حرکت می‌زنم که کسی بهم نگاه نمی‌کنه، چه برسه بخواد با من دوست بشه. فکر می‌کنم جذاب نیستم. یه پیج توی اینستا نوشته بود جذابیت از لباس‌ها شروع می‌شه. منم جدیداً لباس زیاد می‌خرم تا حداقل ظاهرم جذاب‌تر به نظر بیاد. هیچ وقت راضی نبودم و نیستم از خودم. می‌گم مثل جین

با ریخت و قیافه کره‌ایش، این همه دختر جذبش شدن و عاشقش ان، چرا من نمی‌تونم حتی یک نفر رو جذب خودم کنم؟ البته بالاخره به کم موفق شدم.

- یعنی کسی جذب شده؟

آره، اعتماد به نفس پایینی داشتم و فکر نمی‌کردم به روزی بتونم با یه دختر وارد رابطه بشم، (باخنده) اما الان شدم و به قول معروف مخش رو زدم...

من برای این که همیشه زیبا به نظر برسم، باید مدام برم آرایشگاه، تیپ بزنم. من این بی‌تی‌اس‌ها رو به بارم با یه تیپ معمولی و قیافه دست نخورده ندیدم، باورتون می‌شه؟ خب اینم باز یعنی خرج اضافه. پسرا فقط آرایش کردن‌شون کم بود که اینم به خرجاشون اضافه شد».

۹-۳- الگوبرداری در زمینه مدهایی که پسران بی‌تی‌اس عرضه می‌کنند

«الگوبرداری در زمینه مدهایی که گروه بی‌تی‌اس عرضه می‌کند»، مقوله پررنگ دیگری بود که برخی از افراد مصاحبه شده بدان اشاره کرده بودند.

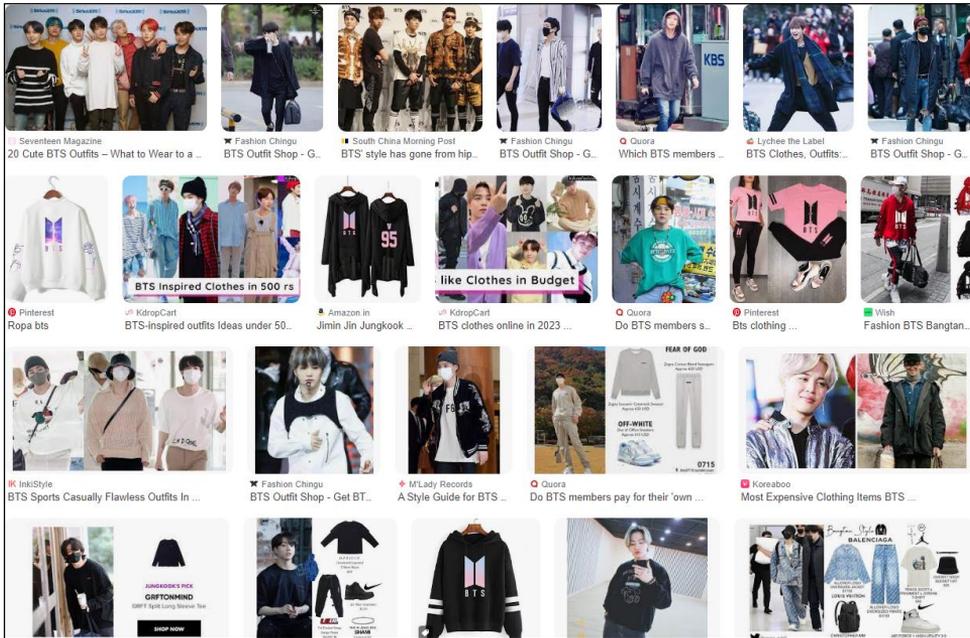
شیدای ۲۰ ساله که مربی آموزشی قریب به ۲۰۰ هنرآموز هست، در مصاحبه‌اش در همین رابطه بیان می‌داشت:

«- الان به نظر شما میزان طرفداری از بی‌تی‌اس توی ایران چه قدر هست؟

بین خیلی باورنکردنی زیاده، اصلاً نمی‌شه من روزی با چندین نفر مواجه نشم که طرفدار بی‌تی‌اس نباشن یا مثلاً هنرجو هام. الان درصد خیلی زیادی از کسانی که میان سمت موسیقی به خاطر علاقه‌شون به بی‌تی‌اس هست یا مثلاً موسیقیاشون دایم توی همه کافه‌ها پخش می‌شه. لباس فروشیا پر شده از مدل لباسایی که بی‌تی‌اس می‌پوشن. آرم بی‌تی‌اس روی همه لباسا هستش. اصلاً خیلی زیاده. من مغازه‌ای نمی‌شه که توی تهران و کرج برم و روی لباسا، کیف، کفش، جوراب، آرم بی‌تی‌اس نباشه. بعد وقتی هم درباره‌شون می‌پرسم، می‌گن خیلی فروش بالایی دارن. بعد لباساشونم گنگه. یعنی من اکثر لباسایی که می‌بینم خوشگل و جذاب ان. لباس بدریخت خیلی کمه که با آرم بی‌تی‌اس باشه. موسیقی‌شون رو خیلیا گوش می‌دن. مثلاً من خودم آهنگاشون رو قشنگ توی گوگل مارک کردم و خیلی گوش می‌دم...»

- هنرجوهای شما هم لباساشون از همین مدل‌ها هست؟

آره. همه‌شون دارن. مثلاً کیفاشون همه آرم بی‌تی‌اس داره. لباساشون یا مدلش مدل بی‌تی‌اسه یا آرم بی‌تی‌اس داره».



پونه ۱۸ ساله، در گزارش خویش خاطرنشان می‌سازد که وی در لباس پوشیدن از تهیه‌کننده الگوبرداری می‌کند و الاز ۱۲ ساله نیز در مصاحبه‌اش یادآور می‌شود که وی مدل موی بی‌تی‌اسی را یاد گرفته و روی خودش پیاده می‌کند:

«- خوب چهره رو با عمل درست می‌کنن. رنگ پوست رو چه کار می‌کنن؟»

اونم با جراحی درست می‌کنن و سفید می‌کنن. یا اگر خیلی زرد یا سبزه نباشه با فتوشاپ اوکی می‌کنن تو عکس. مثلاً تو عکسای بی‌تی‌اس رو نگاه کنی، خیلی از عکساشون رنگ پوستشون سفیدتر از واقعیته.

- تو خودت علاقه‌ای نداری به این عمل‌های زیبایی یا ترغیب نشدی که انجام بدی یا شبیه‌شون بشی؟

قیافه نه. با قیافه خودم اوکیم. بیش‌تر تو انتخاب لباس الگوم شدن. چون خیلی تیپ‌های خوشگلی می‌زنن، منم ازشون یه جورایی الهام می‌گیرم. خصوصاً تهیه‌کننده.

«- خوب در زمینه الگو گرفتن از بی‌تی‌اس چه کارهایی انجام دادی؟»

اهم مثلاً دارم سعی می‌کنم، مدل آرایش کره‌ای‌ها رو یاد بگیرم و این که موهام رو شبیه کره‌ای‌ها کوتاه کردم، البته من بعد از دیدن سریال بازی مرکب به خاطر دوتا از بازیگرهای دختر اون سریال تصمیم به کوتاهی موهام گرفتم و خب هیکل من شبیه کره‌ای‌ها هست، اون‌ها لاغر و قد بلند و کشیده اند و من تقریباً این طوری هستم و سعی‌ام رو می‌کنم که توی این حالت بمونم.»

مهتاب ۱۸ ساله، در مصاحبه‌اش از کوتاه کردن موهایش برای شبیه شدن به بی‌تی‌اس‌ها یاد کرده است و گلاره ۱۴ ساله نیز همراه با مهتاب از کاربری رنگ موهای فانتزی خاص بی‌تی‌اس‌ها برای خودش سخن به میان آورده است:

«- تا حالا از پوشش و آرایش بی‌تی‌اس الگوبرداری کردی؟»

به نظرم الگوبرداری زیاد کردم. مثلاً مدل مدل موهام رو تغییر دادم. قبل از آشنا شدن با بی‌تی‌اس این شکلی که الان هست نبود، بلکه بیش‌تر فر و بلند بود و بعد الان کوتاه کردم و گاهی رنگ هم می‌کنم. بیش‌تر فانتزی. پس می‌شه گفت آره. چیز بدی هم نیست. به نظر خودم این تغییر در جهت مثبت بوده و می‌شه گفت، بی‌تی‌اس به من کمک کرد که بیش‌تر به ظاهر خودم برسیم یا مثلاً توی الگوی لباس پوشیدن به مدت خیلی استایل‌شون رو تقلید می‌کردم.»



«حتی اون اوایل که با بی‌تی‌اس آشنا شده بودم، این که رنگ موهاشون بعضی وقت‌ها خیلی روشن بود، برام خیلی عجیب بود، مثلاً طلایی و مشکی و قهوه‌ای و اینا اوکی بود، ولی مثلاً موهای جیمین صورتی بود یا موهای تهیونگ آبی بود، این‌ها به کم برام عجیب بود، ولی خب بعدش که فهمیدم این چیزها طبیعی و مشکلی نداره و باید توی جامعه جا بیفته، دیگه برای من هم درست شد.»



شیدای ۲۰ ساله و محمدرضای ۲۱ ساله نیز در مصاحبه‌های خودشان، از مسأله لاک زدن یا مصرف برق لب یا رژلب در برخی از پسران ایرانی طرفدار گروه بی‌تی‌اس، به قرار زیر یاد کرده اند:

«- یعنی از همون نه سالگی تو به مهاجرت فکر می‌کردی؟»

آره. از همون موقع به این فکر می‌کردم که برم. حتی زودتر از کلاس اول (می‌خندد)، ولی از نه سالگی که با اینا آشنا شدم خیلی دیگه جدی‌تر شد برم. بعد یه چیز دیگه که خیلی برام جالب بود تیپ و استایل شون بود. مثلاً همین که پسرا موهاشون رو رنگ می‌کردن یا مثلاً می‌تونستن آرایش کنن یا لاک بزنن. یا لباسای رنگی و دخترونه می‌تونستن بپوشن. این خیلی جذبه کرد.

– چرا جذبت کرد؟

چون که فرق داشت با اون چیزی که ما یاد گرفته بودیم که مثلاً این چیزا فقط برای دختراس و اینا. برام جذاب بود. تازگی داشت. البته الان دیگه خیلی زیاد شده. اولش که توی خود کره. بعدش الان توی ایرانم مثلاً پسرا تیپای متفاوت می‌زنن، لاک می‌زنن، برق لب می‌زنن و به نظرم این کی‌پاها بودن که این کار رو کردن.»



«– خوب در مورد آرایش کردن پسرها نظرت چیه؟»

نظر شخصیه من اینکه آرایش کردن، پسر و دختر نداره، آرایش کردن یه چیزی برای رسیدن چه طوری بگم برای رسیدن به خود آدمه دیگه، یعنی آدم به خودش برسه.

– پسرهایی رو دیدی که آرایش کنن؟

آره، آره، هست، مثلاً من یکی از رفیقام هست، پسر هم هست، آرایش نمی‌کنه در اون صورت ولی خب کرم ضد آفتاب می‌زنه، بعد این چون لبش نسبت به پوست صورتش رنگ تیره‌تری داره، یه ذره رژ لب هم می‌زنه خب که رنگ لبش با صورتش یه کم متناسب بشه.»

از آنجا که پسران گروه بی‌تی‌اس، با شرط جذابیت فیزیکی انتخاب شده‌اند و در طول دوره آموزشی و اجرای خودشان از رژیم غذایی تحت نظر، تبعیت کرده و به طور مستمر برنامه‌های ورزشی در دستور کارشان بوده است و در حد گسترده‌ای از مراقبت‌های پوستی و نظایر آن سود می‌برند و مدیست‌ها و متخصصان آرایشی، در خدمت پردازش هر چه جذاب‌تر آنان هستند، بالطبع از جذابیت بیش‌تری برخوردار

هستند که افراد عادی جامعه واجد همان جذابیت‌ها نیستند، بالطبع برای برخی از افراد در این میان توهم بدشکل‌انگاری خودشان پیش می‌آید که این مسأله یا به اضطراب و افسردگی آنان می‌انجامد و یا به گرفتن رژیم‌های مفرط و یا به پناه جستن به جراحی پلاستیک برای رفع نواقصی که فرد در مسیر زیبایی خود احساس می‌کند، رومی‌آورند.

نرگس ۲۱ ساله، در مصاحبه خودش خاطر نشان می‌سازد، برخی از افراد متقاضی پیوستن به گروه‌های کی‌پاپ، به دلیل نداشتن اندام مناسب رد شده و در پی آن دست به خودکشی زده اند:

«- تو گفתי اون زمان تحت تأثیر همین علاقه به رقص و کی‌پاپ رفتی عمل جراحی کردی، با توجه به استانداردهایی که کمپانی برای لاغری داره، رژیمی هم گرفتی؟

نه، هیکلم رو فرم بود همیشه. در کل هم اسکینی و لاغر بودم، ولی همیشه هم سعی می‌کردم که لاغر بمونم و یهو چاق نشم. چون خیلی شرط مهمی بود و هست که لاغر باشی و اگر نباشی، رسماً با یه تیکه زباله در کی‌پاپ فرقی نداری، این مسأله براشون خیلی مهمه. خیلی از کارآموزا رو سر همین لاغری و میزان نبودن هیکل رد کردن و خیلیا هم سر همین که رد شدن به خاطر هیکل و قیافه خودکشی کردن».

پونه ۱۸ ساله و نسترن ۱۹ ساله، در مصاحبه‌های خویش از عمل جراحی زیبایی خود کارآموزان یا ستاره‌های کی‌پاپ به قرار زیر یاد کرده اند:

«- گفתי که مردم کره روی ظاهر و رنگ پوست آیدول‌ها خیلی حساس هستن، خب اگر کسی ظاهرش بچه‌گانه نباشه رو نمی‌پذیرن و بهش هیت می‌دن؟

بین اصلاً کسی رو که بیبی فیس نباشه، توی کمپانی‌ها استخدام نمی‌کنن. پسرابی رو جذب می‌کنن که چهره‌ی خوب داشته باشن. رنگ پوست و قیافه و هیکل مساعد داشته باشن. اگر هم ایرادی داشته باشن، با رژیم و چندتا عمل درستش می‌کنن. بعد دخترا هم که کلاً وقتی می‌رن توی کمپانی‌ها، قشنگ می‌کوبن و از نو می‌سازن شون. در این حد بگم بهت. تو نگاه کنی می‌بینی عکسای قدیم و الان آیدولای دختر چه قدر فرق بین شون هست. کمپانی‌ها به شدت ظاهر براشون مهمه. کلاً آمار جراحی پلاستیک تو کره خیلیه. چون کلاً قیافه‌هاشون قشنگ نیست کره‌ایا. اصلاً نگاه نکن به این که آیدولا این قدر جذاب و خوشگل ان. تو خود کره خیلی کم شبیه هستن به اینا، واسه همینم این قدر آمار جراحی پلاستیک زیاده اونجا.

- خوب چهره رو با عمل درست می‌کنن. رنگ پوست رو چه کار می‌کنن؟

اونم با جراحی درست می‌کنن و سفید می‌کنن یا اگر خیلی زرد یا سبزه نباشه با فتوشاپ اوکی می‌کنن تو عکسا. مثلاً تو عکسای بی‌تی‌اس رو نگاه کنی، خیلی از عکساشون رنگ پوستشون سفیدتر از واقعیه».



«- خوب، دوتا چیز که در مورد آیدولای کره‌ای زیاد اتفاق می‌افته، یکیش رژیم‌های خیلی سخته. مخصوصاً از دوران کارآموزی. یکیش هم عمل‌های زیباییه که دارن. آره.»

- این قضیه باعث نشده خودت بخوای این کارها رو انجام بدی؟ مثلاً آگه اضافه وزن داشته باشی بخوای خودت رو مثل اونا لاغر کنی یا بخوای عمل کنی؟

من خودم اضافه وزن دارم، ولی نه واقعاً تأثیری روم نداشته، البته من از لحاظ منتالی (ذهنی) حالا بین دوستانم قوی‌ام. زیاد این چیزا روم تأثیر نمی‌ذاره، یعنی مثلاً خوب. اوکی می‌بینم، لذت‌م رو می‌برم، ولی تأثیر اون جوری روم نمی‌ذاره و تقریباً هم آدم با اعتماد به نفسی نسبت به چهره خودم هستم. یعنی مثلاً به احتمال زیاد استانداردهایی که توی جهان هست رو ندارم، ولی خب تقریباً این جوری‌ام که خب هر کی هر جوری که هست خوشگله. یعنی یکی از پیام‌های بزرگ کی‌پاپ هم همینه. به خاطر همین نه. آها بعد یه چیزم گفتم که عمل می‌کنن. این طوری نیست. یه سری‌ها عمل می‌کنن. مثل خیلی از سلبای (سلبریتی‌های) هالیوودی یا حتی ایرانی. ایرانیا که همه می‌کوبن از نو می‌سازن.

کره کلاً جراحی زیباییش خوبه. انجامم می‌دن. خوبه. من نمی‌خوام بگم بده عمل کردن، ولی مخصوص کی‌پاپ نیست. همه جا هست و به نظر من تو کی‌پاپ نسبت به کشورهای دیگه خیلی زیاد نیست. حداقل تو گروه‌هایی که من دیدم تا حالا. خیلی‌هاشون عکس‌های بچگی و نوجوونی‌شون هست دیگه. مشخصه عمل نداشتن. یا یه چیز ریزی بوده. بعد اینا خودشون خوشگلای کره ان (می‌خندد). مردم عادی‌شون این طوری نیستن زیاد. خیلی نیستن یعنی. بعد آمار جراحی بینشون زیاده. بعد کارشونم خوبه. من دیدم مثلاً از چین می‌رن کره عمل می‌کنن. عمل بینشون زیاده. بین خود مردم‌شون. بیچاره‌ها (با خنده) این همه خوشگل می‌بینن تو کی‌دراما و کی‌پاپ و اوووو تیک‌تاکر‌هاشونم خیلی خوب ان. می‌رن عمل می‌کنن دیگه.»

ریحانه ۲۱ ساله، در مصاحبه خودش تأکید می‌کند، وقتی هواداران به مقایسه خود با ستاره‌ها اقدام می‌کنند، این مقایسه برای آنان دردسرساز می‌شود، زیرا بدون توجه به شرایط خاص ستاره‌ها (که از آن یاد شد)، در صدد مقایسه خودشان با آن‌ها برمی‌آیند که ماحصلی جز ناکامی ندارد:

«از طرف دیگر، توجه زیادی به ظاهر، باعث نوعی کمبود اعتماد به نفس واسه فن‌ها و افرادی می‌شه که توجهی به غیر واقعی بودن این زیبایی اغراق‌آمیز ندارند و متوجه نیستن که این زیبایی تاحد زیادی مدیون ادیت‌ها، ورزش‌ها و رژیم‌های غذایی آسیب‌زننده، عمل‌های جراحی و آرایش و گریم‌های مختلف هست.

پس این مقایسه‌ی نابرابر، برای روحیه‌ی افرادی که عموماً جوون و تأثیرپذیر هستن، می‌تونه مشکل‌ساز باشه و باز هم تأکید می‌کنم، اینا همه به خاطر احساسات کنترل نشده و قضاوت غیرمنطقی تعدادی از فن‌ها هست».

سمانه ۱۷ ساله در گزارش خویش اذعان دارد که با دیدن ستاره‌ها، اعتماد به نفس آدم‌ها کم‌تر می‌شود و وی شخصاً برای رفع نواقصی که در چهره خودش احساس می‌کرد، دست به عمل بینی، تزریق ژل و مانند آن زده است:

«... من روی صورتم یه سری تغییرات انجام دادم که الان پشیمونم، مثلاً بینیم رو عمل کردم مدل کره‌ای پوستم رو رفتم مرکز زیبایی کلی پول خرج کردم مثل اونا شه که نشد، آخرشم یه تزریق لب کردم که محسوس نیس زیاد، ولی تأثیر خوبم داشتن و اونم اینه که آرایش ملایم رو رواج دادن که خب خوبه کلاً».

- یعنی حس کردی قیافه‌ات خوب نیست؟

آره خب آدم پوست اونا رو می‌بینم، اعتماد به نفسش میاد پایین یه جورایی که زشته پوستش بده و بینیش بزرگه و از این چیزا».

شادی ۱۵ ساله در اظهارات خویش از احساس خود زشت‌انگاری که به وی عارض شده است، یاد کرده است:

«- از لحاظ عاطفی و احساسات بی‌تی‌اس چه تأثیری روی شما گذاشته؟

اممم خب یه کم هیجانی‌تر شدم کلاً سر مسایل، یعنی صبرم کم‌تر شده، حس می‌کنم و زود جوش میارم و خب بیش‌تر وقتم رو صرف دیدن کلیپ‌هاشون می‌کنم، در نتیجه وقتی برای خانواده و درس دیگه نمی‌مونه و اینم اعصابم رو خورد می‌کنه یه کم یا مثلاً این طوری شدم که می‌گم یا فلان چیز باید بشه یا کلاً منصرف می‌شم ازش یعنی برخورد نسبی رو از دست دادم، نسبت به همه چیز حتی ظاهر خودم، مثلاً می‌گم پوستم کلاً خرابه وقتی یکی دوتا جوش می‌زنه حتی یا مثلاً چشمام زشته، در صورتی که خب شبیه مال اونا نیست چشماشون کشیده هست آخه اونا».

غزل ۱۶ ساله، در بیانات خویش از آسیب دیدن خویش در پی رژیم سخت غذایی که گرفته است، یاد کرده است:

«- تلاش کردی که رژیم بگیری یا ورزش کنی تا به لحاظ بدنی شبیه آیدول‌ها بشی؟
آره. یه سری گرفتم (می‌خندد). بعد هیچی نمی‌خوردم... یعنی می‌دونی چی شد؟ بذار این رو بگم اول. من شروع کردم رقص‌هاشون رو یاد بگیرم. بعد لباسای شبیه به لباس اجراهاشون رو می‌گرفتم، می‌پوشیدم (باخنده)، خب خیلی بد بود تو تنم، فیلمام رو می‌دیدم... یهو دیگه قاطی کردم. گفتم من دیگه نمی‌تونم. من باید لاغر بشم. رژیم گرفتم. برنج نمی‌خوردم اصلاً. نونم که کلاً من نمی‌خورم. توی روز ته، تهش چندتا قاشق خورشتی چیزی می‌خوردم، ولی بیش‌تر میوه و چای می‌خوردم. بعد همین‌طور یه ماه رژیم گرفتم. خیلی هم کم کردم. چون اضافه وزنم زیاد نبود. اون‌ی که می‌خواستم شدم. می‌رقصیدم دیگه تو فیلما بد نبود. از اونا که می‌بینی می‌گی (باخنده) جووون عجب چیزی... بعد این طوری شد که پشت سر هم مسموم می‌شدم. شکمم ورم می‌کرد. خیلی وضعیت بدی بود. خوابم نمی‌برد. بعد رفتم دکتر قرص می‌خوردم واسه معده درد. کم‌کم غدام رو زیاد کردم. چون می‌گفت ویتامین و نمی‌دونم اینات کمه. باید غذات رو درست بخوری. این طوری رژیم رو بی‌خیال شدم. یه کم اضافه کردم. سه، چهار کیلویی فکر می‌کنم، ولی الآن که بهتر شدم، می‌خوام برم پیش دکتر تغذیه که همین سه، چهار کیلو رو کمش کنم. ولی تهش این طوری نشه که دوباره بیمار بشم.»
نرگس ۲۱ ساله و مسعود ۲۰ ساله، در مصاحبه خودشان از عمل بینی، تزریق ژل به لب‌ها، تغییر رنگ موی خویش و مانند آن‌ها، یاد کرده اند:

«... جوابی هم از کمپانی نگرفتم و یه جورایی ازشون ناامید شدم. بعد با خودم فکر کردم، حتماً به خاطر این که قیافه‌ام شبیه به آیدول‌های دختر و دسر‌های دختر نیست یا خوشگل نیستم، جوابم رو ندادن. هی‌کلیم اوکی بود چون برای دنس باید هی‌کلیم خوب باشه، ولی اون موقع این تصور که پوستم سبزه هست و قیافه‌ی خوشگلی ندارم، اذیتم کرد.»

- البته که چهره‌ی قشنگی داری. این نگاهت به خودت باعث شد فکرت سمت جراحی بره و بخوای خودت رو شبیه به کره‌ای‌ها و آیدول‌های کره‌ای بکنی؟

آره خیلی وقتا بهش فکر می‌کردم. می‌گفتم برسم به سن قانونی حتماً می‌رم جراحی می‌کنم و خوشگل‌تر می‌شم تا راحت‌تر پذیرش بشم برای دنسر بودن، ولی خب وقتی رسیدم و من بینی خودم رو دقیقاً سر همین قضیه عمل کردم. سال کنکور که به سن قانونی رسیدم، رفتم بینی مو عمل کردم و لبام رو هم کمی ژل زدم. تصمیم داشتم که پوستم روشن‌تر کنم چند درجه، ولی خب دیگه کار به اونجا نرسید و کلاً کی‌پاپ رو بوسیدم گذاشتم کنار، اما روزی که رفتم برای جراح بینی، به دکترم گفتم بینیم رو کره‌ای عمل کن که کلی هم بهم خندید.»

«- در کل مخالف تغییر چهره و قیافه به سبک بی‌تی‌اس هستی؟»

من شخصاً با آرایش و عمل‌های زیبایی پسران مخالفم، ولی هر کسی که این کار رو هم بکنه سرزنش نمی‌کنم. صورت و بدن خودشونه و حق هر گونه تغییر رو دارند. بیش‌تر دوستان هوادار بی‌تی‌اس، با عمل‌های دماغ و گونه و رنگ موی سرشون، تغییراتی کرده‌اند که باور نکردنیه».

شب‌م ۲۵ ساله، در بیانات خودش با تأکید در این که گاهی دوستانش، پدر خودشان را برای جراحی زیبایی، زیر بار قرض برده‌اند یا پول جراحی را از دوست پسرشان گرفته‌اند، از زاویه دید دیگری از حساسیت یافتن و اهمیت جراحی زیبایی در سطح جوانان یاد کرده است.

«- هیچ وقت به فکر عمل زیبایی و مثلاً عمل برای کاهش وزن نیافتادی؟

خب راستش چرا. اما هم ترس و هم بالا بودن هزینه‌شون باعث شده که این مسأله برام جدی نشه.

- آیا آشنایی با بی‌تی‌اس هم تأثیری در این فکر کردن به جراحی و تغییر ظاهر داشته؟

بی‌تی‌اس که نه، ولی خب دخترای کره‌ای و مدل‌ها و اینا تأثیر داشتن. چون خیلی لاغر ان. بعد

لباسایی که می‌پوشن به آدمای لاغر میادش و مثلاً خواهر کوچک‌ترم هم چون خیلی لاغره و لباسای

اون مدلی می‌پوشه، باعث می‌شه که من حس بدتری نسبت به هیکلم پیدا کنم، وقتی نمی‌تونم اون

لباسا رو بپوشم. از اون طرفم پسرا اکثراً دخترای لاغر و عملی رو می‌پسندن. اینم به آدم برای لاغر

شدن و عمل بینی و لب و این چیزا فشار میاره.

- ولی شما که گفتی الان دیگه بدن خودت رو پذیرفتی؟

آره خب. اگر نپذیرفته بودم که عمل می‌کردم. دوستان هستن که باباشون رو مجبور می‌کنن از جایی

قرض کنه و هزینه عمل‌شون رو بده یا مثلاً دوست پسرشون هزینه عمل‌شون رو می‌دن که اون شکلی

باشن که بیش‌تر مورد پسندشونه».

۱۰- اثرهای خانوادگی

در بررسی اجمالی اثرهای خانوادگی کاربری از گروه موسیقی کی‌پاپ بی‌تی‌اس، مشاهده می‌شود که هواداران مصاحبه شده، در درجه نخست اهمیت با طرح مسأله «مراقبت شدن از سوی ستاره‌ها» و احساس «یک خانواده بودن» با ستاره‌ها، از نقش مؤثر آن‌ها در حمایت روانی خودشان یاد کرده‌اند و حتی بعضاً بیان داشته‌اند که گروه پسران بی‌تی‌اس، با وارد شدن به صحنه درگیری‌های آنان و خانواده‌شان، در عمل «جای خانواده» آنان را برایشان پر کرده است و به این ترتیب تکیه‌گاه هواداران مسأله‌دار در برابر انبوه مشکلات روانیشان گردیده‌اند، اما جمعیت تحقیق هم‌زمان با یاد کردن از جنبه حمایت‌بخشی گروه بی‌تی‌اس بدان‌ها، یادآور شده‌اند که کاربری آنان از خطمشی‌های مختلف روانی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی - عقیدتی، زیباشناختی و مانند آن، بعضاً «اسباب نگرانی خانواده هواداران» را فراهم آورده است و اولیای هواداران با بیان این که «این خوانندگان از سر و وضع مناسبی برخوردار نیستند»، «زن‌صفت» و «هم‌جنس‌گرا» به نظر می‌رسند، «فرزندشان را هوایی کرده‌اند که به کره مهاجرت کنند» و مانند آن، در برابر خطمشی‌های القایی اعضای گروه نسبت به فرزندشان، موضع منفی و مخالف می‌گیرند، اما در گامی فراتر، با حل نشدن نگرانی و خلیجان خاطر اولیای خانواده (و یا همسر فرد هوادار)، مشکلات پیش‌گفته عمیق‌تر شده، کیان خانواده را با «آسیب دیدگی» مواجه ساخته‌اند. در ادامه تیرهای ذکر شده، مورد بحث قرار خواهند گرفت.

۱۰-۱- احساس یک خانواده بودن با ستاره‌ها

«من جوون وقتی می‌بینم اون میزان محبت یا تأیید نظراتم رو از سمت خانواده‌ام نمی‌بینم که معمولاً به خاطر تفاوت نسل این اتفاق می‌افته، قاعدتاً دنبال جا و کسایی می‌گردم که من رو تأیید کنن. بی‌تی‌اس این کار رو می‌کنه.

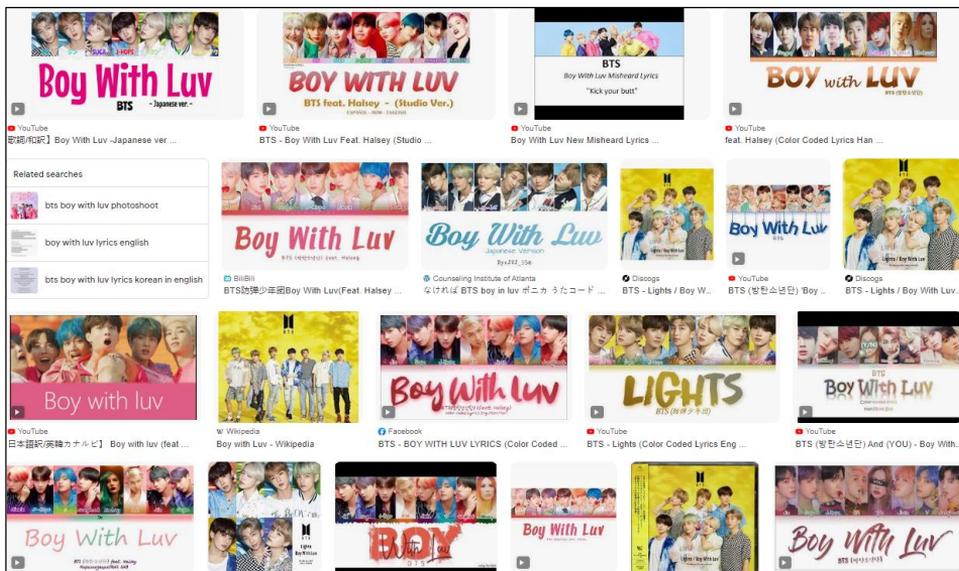
اون‌ها به نظر شما احترام می‌ذارن، بهت عشق می‌دن، تأییدت می‌کنن، می‌گن اگه اشتباه کردی، اشکال نداره، اگه زمین خوردی اشکال نداره، می‌گن هیچی بدون چاره نیست و برای هر چیز، راهی پیدا می‌شه» (مریم، ۲۰ ساله).

برخی از هواداران مصاحبه شده، با استناد به بعضی از بیانات اعضای گروه بی‌تی‌اس نظیر آن که «اگر هیچ کس در این دنیا یاور و پشتیبان شما نبود، ما پشت شما هستیم» و «وقتی تنها و بی‌یاور هستید، بدانید کسی در سؤال هست که به فکر شما هست»، آنان را انسان‌های پاک باخته‌ای می‌دانند که مراقب

هواداران‌شان هستند و در شرایط دشوار خانوادگی که در برخی از خانواده‌ها بین فرزندان و اولیاء وجود دارد، اعضای گروه بی‌تی‌اس در عمل جای خانواده ناهمسوی هواداران را برای آن‌ها گرفته، جای خالی خانواده را با خودشان پر می‌کنند.

کوثر ۲۵ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، ضمن تأکید این که ستاره‌ها مراقب هواداران‌شان هستند، به تأیید این مسأله می‌پردازد که اعضای گروه بی‌تی‌اس جایگزین خانواده وی می‌شوند و کمبودهای او را مرتفع می‌کنند:

«... و به قضیه دیگه‌ای هم که هست، این بود که همیشه تو ارتباط بین آرمیا و بی‌تی‌اس به حالتی بود که آرمیا همیشه می‌فهمیدن که بی‌تی‌اس داره ازشون مراقبت می‌کنه.



- چه طوری این حمایت رو حس می‌کردی؟

وقتی که مثلاً به اتفاقی که پیش می‌اومد یا اتفاقی این طوری بود، به جریانی که پیش می‌اومد، بی‌تی‌اس توی متن آهنگاشون، یا از طریق یه سری مثلاً چیز توی موزیک ویدیوهاشون، به طرفدارا می‌رسوند که آره ما می‌دونیم چه خبره و به پیام مراقبت کننده طور می‌دادن تو متن آهنگاشون، که آره ما هستیم، ما مراقبتون هستیم، ما کنارتون هستیم و به چیز دیگه‌ای هم که بود، این بود که بی‌تی‌اس می‌دونست به تعداد خیلی زیادی از طرفداراشون به خاطر بی‌تی‌اس به زندگی برگشتن و این در واقع، شاید بتونم بگم به درصد خیلی بالایی، بیش‌تر از نصف طرفدارای بی‌تی‌اس، سر این آلبوم، به هم‌چین حس‌ی داشتن که انگار به حس خیلی بهتری به خودشون پیدا کردن. آلبومش، اسم آلبومش لاو یورسلف بود.

- اوهوم.

خودت رو دوست داشته باش. سه تا آلبوم بود به عنوان سری لائو یورسلف. یعنی سری لائو یورسلف خودش نزدیک دو سال طول کشید. بعد کل تمرکز این آلبوم لائو یورسلف روی این بود که خودت رو همین جور که هستی دوست داشته باش و من مثالی بارزش رو می‌دیدم، یعنی مثلاً طرف می‌گفت که من واقعاً می‌خواستم همه چی رو تموم بکنم و خودم رو بکشم، ولی با شنیدن این آلبوم، از این کار منصرف شدم.



- اوهوم.

و مثلاً صرفاً این نبود که طرف به خاطر وابستگی به هنرمند خودش رو نکشه. به خاطر این بود که اون هنرمند اون قدر برایش اهمیت داشت که بیاد سه تا آلبوم پشت سر هم بده صرفاً برای این که به این حس خوب القا بکنه یا ازش مراقبت بکنه.

خب همه می‌دونن که پول همیشه مطرحه و همه‌ی آرتیستا دارن پول درمیارن، ولی حداقلش این بود که بی‌تی‌اس در کنار پول در آوردنش از طرفداراش سعی می‌کرد ازشون مراقبت هم بکنه. می‌دونی؟

- اوهوم.

و این چیزی بود که تعداد خیلی زیادی از آدم‌ها تجربه‌اش کردن، از جمله خود من. من تو دورانی که تینیجر بودم واقعاً اگه بی‌تی‌اس نبود، حتی سر همین آلبوم لائو یورسلف، اگه بی‌تی‌اس این آلبوم رو نمی‌داد، من هیچ‌وقت خودم رو اون جور که هستم قبول نمی‌کردم. به خاطر این که انگار نیاز داشتم یه نفری که دوستش داشتم، بیاد این حرف رو به من بزنه و خیلی اثرش بیش‌تر از صدها کتاب بود که من پیام بخونم که هی به من بگه که... .

- آیا درست دارم متوجه می‌شم که این گروه یه جورایی جایگزین خانواده‌ای بود که احساس کمبودش رو می‌کردی؟

قطعاً، البته بیش‌تر برا من حکم یه دوست صمیمی رو داشت که نداشتم، ولی برای خیلیا آره. جایگزین خانواده هم بود. جایگزین یه جایی که حتی بهش بگن خونه. بعد مثلاً اعضای اون خانواده هم می‌شن

مثلاً طرفدارایی که مثل تو اون گروه رو دوست دارن. همون چیزی رو که تو دوست داری، اونا هم همون رو دوست دارن».

شب‌نیم ۲۵ ساله نیز پسران گروه بی‌تی‌اس را به مثابه کسانی که به هواداران خویش حس تعلق می‌دهند، دیده، احساس هم خانواده بودن با آنان را گزارش می‌کند:

«... بعد یکی از چیزایی که خیلی برای هواداران مهمه اتحاد گروهه. به هیچ وجه دوست ندارن گروه از هم بپاشه.

- به نظر شما دلیل این که این قدر از هم نپاشیدن گروه برای طرفداراش مهمه چیه؟
خب واقعاً یه حس نزدیکی شدید. یه جور مثل خانواده بودن. انگار یه چیزیه که این همه آدم رو در کنار هم نگه می‌داره. یه علاقه مشترک. یه چیزی که به ماها به عنوان طرفداراش حس تعلق می‌ده».

بررسی بیانات هواداران مصاحبه شده، دلالت بر آن دارد که هر چه مشکلات خانوادگی هواداران کم و کم‌تر باشد، میزان پناه جستن آنان به ستاره‌ها کم‌تر و هر چقدر مشکلات خانواده آنان بیش‌تر و جدی‌تر باشد، آنان به شکل شدیدتری از سناریوی جایگزین خانواده دیدن گروه بی‌تی‌اس، استقبال می‌کنند. ثنای ۱۶ ساله، سحر ۱۵ ساله و نرگس ۲۱ ساله، سه نمونه در وابستگی «خفیف»، «متوسط» و «شدید» به گروه بی‌تی‌اس را منعکس می‌کنند:

«- به چه عنوانی جیمین را دوست داری، یک دوست، یک هنرپیشه یا یک همسر؟

نه همسر، نه دوست و نه هنرپیشه، به عنوان یک عضو از خانواده‌ام.

- خوب نقش او در این خانواده چیست؟

حامی.

- جیمین چه طور از شما حمایت می‌کند؟

حمایت عاطفی. وقتی ناراحت باشم با عکسش حرف می‌زنم و درد و دل می‌کنم.

- مگر با اعضای خانواده‌ات نمی‌توانی صحبت کنی که به جیمین تکیه می‌کنی؟

نه، در مورد همه چیز نمی‌تونم با خانواده حرف بزنم. از ماجرای دوستی من کسی خبر نداشت، یه

وقتی با سجاد دعوا می‌شد، با عکس جیمین حرف می‌زدم.

- مگر او می‌توانست پاسخ تو را بدهد؟

نه بابا، نکنه فکر می‌کنید دیوونه‌ای چیزی هستم (باخنده).

- نه، سوءتفاهم نشود، منظورم این است که وقتی نمی‌تواند جوابی به شما بدهد، چه طور می‌تواند

تکیه‌گاه عاطفی شما باشد؟

به دو دلیل: یکی این که من یکی رو می‌خوام که نصیحت نکنه و اصلاً حرف نزنه و شاید اگه واقعاً

با خود جیمین هم وارد رابطه می‌شدم، حالم ازش به هم می‌خورد، چون که از این که واقعاً توی رابطه

چه طور آدمی هست، خبر ندارم. دوم این که تو خیالاتم اون جوابی که دوست دارم بشنوم رو جیمین بهم می‌ده.

- از جیمین حس خوبی می‌گیری؟
بله، حس خوبی می‌گیرم».



«یکی دیگه از چیزهایی که کی‌پاپ داره، جو کیوت‌شون هست، الان همه جای دنیا فاز دارک مد شده که همه جذاب و خفن باشن و کیوت بودن زیاد مطرح نیست، ولی کی‌پاپ این رو نشون داد که رنگی رنگی بودن و شاد بودن و کیوت بودن هم چیز جالبیه. مخصوصاً تو ایران که رقص هم ممنوعه و فقط مردها می‌تونن خواننده باشن. بالاخره کی‌پاپ نشون می‌ده زن‌ها هم می‌تونن خواننده بشن و رقص آزاده و کلاً محدودیتی در این زمینه نیست، واسه همین فرصت پیشرفت و جهانی شدن فرهنگ کره هم بیش‌تره.

بی‌تی‌اس حتی با آهنگ‌های آروم‌شون هم یه رقصی طراحی می‌کنند. من چیزهایی که در مورد کی‌پاپ می‌دونم، مثل همین پیام‌های مخفی توی آهنگ‌هاشون، باعث شد یه مدت حس کنم، بهتره به آهنگ‌هاشون زیاد گوش ندم و فاصله بگیرم، ولی بعد دیدم تأثیر منفی‌ای تو زندگیم نذاشته و الان دیگه عادت کردم به جو کی‌پاپ و دوست‌شون دارم. یه جورهایی اون‌ها رو مثل خانواده دومم می‌دونم، البته این زیاد خوب نیست، ولی خب این حس هست.

- به نظرت چی باعث شده کی‌پاپ و بی‌تی‌اس رو مثل خانواده دومت بدونی؟

خب کی پاپ یه حس امنیتی به من می‌ده، مواقعی که حس و حال خوب نیست، حس می‌کنم یه دنیای امنی هست که می‌تونم موقتاً برم توش، واسه همین آهنگ‌هاشون رو گوش می‌دم اجراها و موزیک ویدیوهاشون رو که می‌بینم، آرامش می‌گیرم و یه حس ذوقی توام ایجاد می‌شه که دوباره بتونم با مشکلاتم رو به رو بشم، یه حسیه که انگار پشتیبان من هستند و هوام رو دارن».

«- خوب بعد از این که حس کردی بهشون علاقه‌مند شدی، چه کارهایی کردی؟»

یادمه اون موقع کل اتاقم رو پوسترای بی‌تی‌اس زدم. من یه دختر تینیجر بودم که از مدرسه برمی‌گشت تو خونه و تنها بود تا شب. تنها بودم و چون ارتباط اجتماعی خوب نبود، دوست و رفیقی هم نداشتم. با مشکلاتی نوجوونیم دست و پنجه نرم می‌کردم. افسردگی داشتم، مامان و بابام نبودن کنارم. برای همین سعی کردم یه جورایی اون خلاءهای زندگی‌م رو پر کنم، اگر شما چند سال پیش این سوال رو از من می‌پرسیدی، محال بود این حرفا رو بزنم. خودم فکر می‌کردم صرفاً به خاطر علاقه این قدر وابسته شده بودم بهشون، ولی خب الآن نه. می‌دونم که یه بخشی از اون همه علاقه و افراط به خاطر مشکلاتم بود. بی‌تی‌اس من رو از مشکلاتم دور می‌کرد و من هرروز بیش‌تر توش غرق می‌شدم.

- چه خلاءهایی داشتی که بی‌تی‌اس اون‌ها رو برات پر می‌کرد؟

عام. خیلی چیزا. من تنها بودم، اونا دوست من شدن. من از کسی محبت نمی‌دیدم، اونا با حرف‌هایی که به آرمی‌ها می‌زدن، به من محبت کردن. من در واقع خانواده نداشتم، اعضای بی‌تی‌اس خانواده‌ی من شدن. من هر روز از زندگی‌م که سخت بود، به اونا پناه می‌بردم و اونا تمام فکر و ذهنم رو پر می‌کردن. انگار که از همه چیز فاصله گرفتم و خودم رو پرت کردم تو بغل‌شون».

برخی از هواداران گروه بی‌تی‌اس با استدلال در این که اعضای گروه، خاصه در دوران زندگی مشترکشان، روابط نزدیک و صمیمی‌ای با هم داشته‌اند، نتیجه می‌گیرند که آنان نیز می‌توانند با دیگر هواداران گروه بی‌تی‌اس، به تجربه روابط مشابهی دست بزنند.

نگین ۱۳ ساله، در مصاحبه خودش گزارش می‌دهد، اعضای گروه بی‌تی‌اس برای خودشون همچون یک خانواده‌اند و از یکدیگر مراقبت می‌کنند و ریحانه ۱۷ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، گزارش می‌دهد، او روابط نزدیک و صمیمی‌ای را با تعقیب کنندگان صفحه خودش (که به بی‌تی‌اس مرتبط است)، سامان داده است:

«... بعد ران بی‌تی‌اس توش چیزهای خنده‌داره، مثل یک سریال، هر قسمت که تهش یک ربع باشه،

خیلی خنده‌داره و بین ۷ نفر یک مسابقه‌ای داره برگزار می‌شه.

- چه پیامی داخل آن مسابقه است؟

خوب ما از همین ران بی‌تی‌اس فهمیدیم چه قدر اعضای باهم راحت هستن، چه قدر دوست ان، اوکین، مثل خانواده ان برای همدیگه، رفتارهایی که باهم دارن، از همدیگه مراقبت می‌کنن، به نیازهای هم توجه می‌کنن، از ته دل همدیگه را دوست دارن، حاضرن از جون خودشون بگذرن».

«یه موضوعی که هست، اینه که من خیلی با بچه‌هایی که فالوورام هستن، صمیمی‌ام. خیلی باهاشون صمیمی‌ام و باهم دیگه از همه جا حرف می‌زنیم و اگه اتفاقی بیفته، میان به من می‌گن و واقعاً خیلی خوشحالم با این که خب شاید مثلاً تعداد کمی باشه، ولی خب کنار همدیگه‌ایم این که پشت هم هستیم و به همدیگه این وسط کمک می‌کنیم و واقعاً یه حالت خانواده شده برامون دیگه کنار همدیگه بودن و اون عشقی که به همدیگه داریم. با این که خب راه‌ها دوره، ولی خب اون احساسه و اون صمیمیت خیلی بیش‌تر از کسیه که بخوایم کنارش باشیم و باهاش صحبت کنیم. این روزا خب می‌رم مدرسه و اینا شاید مثلاً خیلی کم پیش بیاد که کلاً مثلاً بخوام با بچه‌ها خیلی اوکی باشم و اینا، چون می‌دونم که دوستیاشون فقط برای مدرسه هست، مثلاً ما ۳ ساله که با همدیگه‌ایم تقریباً و این ۳ سال تابستونا از کسی اصلاً خبری رو نمی‌گیرم، ولی زمان مدرسه همه‌اش بهم زنگ می‌زنن که جواب فلان چیز چی می‌شه، ولی اونجا سعی می‌کنیم کنار همدیگه باشیم و کمک همدیگه باشیم و توی مشکلات کنار همدیگه‌ایم، یعنی من کسانی رو دارم که از اول پیجم تا الان کنارم هستن همیشه، هر چیزی که می‌شه، با همدیگه صحبت می‌کنیم و من خودمم کلاً تا یه چیزی می‌شه، به هیچ‌کس شاید نگما، ولی خب توی استوریام حتماً به بچه‌هام می‌گم و حتی با دو نفر از اعضای پیجم خیلی صمیمی‌ام و با یکی شون حتی ارتباطمون خانوادگی شده. نمی‌دونم این احساسه واقعاً چه جور می‌پیش اومد، ولی واقعاً یه احساس محکمیه و حتی تهیونگم گفتش ما، یعنی آرمی و بی‌تی‌اس، هر چه قدر که بخوایم از همدیگه دور بشیم، باز یه نخ بنفشه که اون هر دقیقه داره محکم‌تر می‌شه و هیچ موقع با هر اتفاقی که می‌افته، این گره نه تنها شل‌تر نمی‌شه، بلکه محکم‌تر هم می‌شه.

- یعنی در واقع از طریق بی‌تی‌اس با فالوورات که طرفدار بی‌تی‌اس هستن یه ارتباطی برات ایجاد شده که حتی این دوستی، صمیمی‌تر و نزدیک‌تر از افرادی که حضورشون نیست هستن. آره، دقیقاً!».

۱۰-۲- بروز برخی از اختلاف‌های خانوادگی در اثر هواداری از گروه بی‌تی‌اس

«... بی‌تی‌اس به من یه چیزی فهموند، اونم اینه که از زیر پرچم پدر و مادر پیام بیرون.

- می‌شه بیش‌تر توضیح بدی، چه طوری بهت فهموند و چی شد که به این نتیجه رسیدی؟ بی‌تی‌اس طرفداراش رو تشویق می‌کنه برای خواسته‌هاشون و آرزوهاشون بجنگن، مهم نیست از چه خانواده‌ای هستن، ماما کیه، بابا کیه، مهم اینه خودت کی هستی، خودت چی می‌خوای، خودت کجای این دنیا و ایسادی و از زندگی چی می‌خوای» (زهره، ۱۶ ساله).

بررسی اظهارات ارزیاب شده هواداران مصاحبه شده، دلالت بر آن دارد که محدودی از خانواده‌ها، در برخورد با گروه بی‌تی‌اس، آن را تهدید ندیده، کوشیده‌اند با مدیریت فرزندشان، امکان بهره‌برداری فرزندشان از ویژگی‌های مثبت گروه را فراهم آورند. اما در غالب موارد، طرح گروه بی‌تی‌اس در

خانواده‌های ایرانی مسأله‌ساز شده است و اختلاف‌هایی «جزئی»، «متوسط» و «شدید» را بین فرزندان و اولیاء (و در محدود مواردی همسر و شوهر) ایجاد کرده است.

دیبا و راضیه ۱۵ ساله، در مصاحبه‌های خودشان، نمونه‌هایی از اولیایی را مطرح ساخته اند که در مواجهه فرزندان با گروه بی‌تی‌اس، سعی کرده اند، بدون نفی و انکار یک طرفه گروه پسران، فرزندان را در ارتباط با پسران بی‌تی‌اس به شکل معقولی توجیه کنند:

«- با توجه به حرف‌هایی که زدی مادرت در جریان این هست که شما طرفدار گروه بی‌تی‌اس هستی، واکنش مادر یا حتی پدرت وقتی متوجه شدن که شما طرفدار این گروه شدی، چی بود؟»

نه می‌تونم بگم واکنش خوبی داشتن و نه می‌تونم بگم که واکنش بدی داشتن. من از همون اول همه چیز رو به مامانم می‌گفتم که مثلاً اینا چه خوشگل ان و من دوست‌شون دارم و خب مامانم این جور نبود که بگه وای نه! تو چرا داری اینا رو دنبال می‌کنی، ولی گاهی اوقات هم پیش می‌اومد که بگه وقتت رو تلف این کارها نکن و برای این موضوع هم سعی می‌کرد من رو تا حدودی متقاعد بکنه.

کلاً مامانم این جور نبود که بخواد این موضوع رو بزنه تو سرم که اینا چی ان و از این مدل حرف‌ها، چون اکثر خانواده‌های ایرانی این نظر رو دارن که «کره‌ای‌ها شبیه دخترها هستن» و «اینا چی دارن که شما دنبال‌شون می‌کنین» و «از دنبال کردن اینا چی بهتون می‌رسه».

مامان من سعی می‌کرد که به من این رو بگه که خیلی وقتت رو با دنبال کردن این افراد تلف نکن، چون اون‌ها هم با تلاش و کوشش به جایگاه الان‌شون رسیدن و اگه می‌خوای مثل بی‌تی‌اس موفق بشی تو هم باید تلاش کنی... .

«- دیبا جان تا به حال پیش اومده که دنبال خریدن لوازم بی‌تی‌اس مثل آلبوم و این جور چیزها بوده باشی؟»

آره. اتفاقاً خیلی خواستم که از این وسایل بخرم مثلاً آرمی بمب (لایت استیک بی‌تی‌اس) رو خیلی دوست داشتم که بخرم، ولی خب با خودم این فکر رو کردم من که قرار نیست کنسرت و جایی برم، برای همین هر وقت خواستم کنسرت برم، می‌رم و می‌خرم که اون روز هیچ‌وقت نمی‌رسه (می‌خندد). یه مدت هم گیر داده بودم که آلبوم می‌خوام و خب به مامانم هم می‌گفتم که سفارش بدم، ولی یه مدت بعد پشیمون شدم. البته الان هم اون قدر پشیمون نیستم و بعضی وقت‌ها بازم دلم می‌خواد که بخرم، ولی دیگه یه کم از سر آدم می‌افته و شدتش کم می‌شه.



– هدف و انگیزه‌ات از این که توی اون برهه خیلی علاقه داشتی که آلبوم یا لایت استیک بخری، چی بود؟

می‌دونی واقعاً این فکر رو نداشتم که خریدن این جور چیزها توی زندگی‌ام تأثیر می‌گذاره، ولی آدم بعضی وقت‌ها دوست داره به چیزی رو بخره مثلاً ممکنه یه دفتر خوشگلی رو بخری، ولی هیچ‌وقت ازش استفاده نکنی و خب این که چرا دوست داری بخری به خاطر قشنگی و جذابیتی هست که برات داره.

خب خیلی‌ها هم هستن که آلبوم و این جور وسایل رو نمی‌خرن، ولی خب توی آلبوم یه سری لوازم جانبی مثل عکس و سی‌دی آهنگ‌ها و این‌ها هست و من هم دلم می‌خواست این چیزها رو داشته باشم، اما اگر نداشته باشم هم تأثیر چندانی روی من نمی‌گذاره».

در برخی از موارد افراد مصاحبه شده، اختلاف‌های خفیفی در ارتباط با کاربری خود از گروه بی‌تی‌اس و عارضه‌زا واقع شدن کاربری اخیر از منظر اولیایشان را مورد تأیید قرار داده اند. ریحانه ۱۵ ساله در همین رابطه در مصاحبه‌اش بیان می‌داشت:

«– گفتمی قصد داری زبان کره‌ای یاد بگیری، تاحالا براش تلاشی هم کردی؟»

فعلاً فقط یه برنامه رو گوشیم نصب کردم که زبان کره‌ای یاد می‌ده. خیلی دوست دارم کلاسش رو هم برم، ولی مامانم هی گیر می‌ده نهمه، انگلیسی بهتره و بیش‌تر به درد می‌خوره.

– خوب به نظرت انگلیسی بیش‌تر به درد می‌خوره یا کره‌ای؟

اگه من بخوام برم کره، معلومه که کره‌ای. می‌تونم تازه این جور ی با بی‌تی‌اس هم صحبت کنم». فریبای ۴۶ ساله (که خودش هم به تبع فرزندش هوادار گروه بی‌تی‌اس شده است)، در مصاحبه‌اش از اشکال‌های نسبتاً «خفیفی» که کاربری دخترش از بی‌تی‌اس در محیط خانواده پدید آورده است، به قرار زیر یاد کرده است:

«– نگران به نظر می‌رسید، درسته؟»

بله، یه کم الان نگران شدم، می‌گم نکنه خیلی دارم زیاده روی می‌کنم از این که به دخترم اجازه می‌دم خیلی درگیر بی‌تی‌اس باشه. دخترم تازگیا خیلی با من مثل قبل وقت نمی‌گذرونه، خیلی تو خودشه و وقتی به دخترم می‌گم، چرا دیگه به مامان توجه نمی‌کنی جواب می‌ده که توجه می‌کنم، تو فکر می‌کنی که توجه نمی‌کنم.

- منظور شما این هست که به خاطر این که با بی‌تی‌اس مشغول هست، به شما توجه نمی‌کنه؟
خیلی نگرانم کرده این که غرق بی‌تی‌اس شده و حواسش به خیلی از کارهاش نیست، درسته که بی‌تی‌اس تأثیر مثبت هم گذاشته روی دخترم، ولی این تبیلی عجیبه.

- اگر ممکن هست چند مثال از تبیلی و ارتباط آن با بی‌تی‌اس بزنید؟
اول بگم که از وقتی با بی‌تی‌اس آشنا شده رفتارش تغییر کرده و کارهاش رو عقب می‌اندازه، مثلاً می‌گه که باشه انجام می‌دم، ولی انجام نمی‌ده یا سر وقت انجام نمی‌ده و من رو عصبانی می‌کنه، مثلاً اتاقش رو گردگیری نمی‌کنه، جارو برقی نمی‌کشه، کمدهش رو مرتب نمی‌کنه، حتی مسواک زدن و حمام رفتنش هم به خاطر بی‌تی‌اس عقب می‌افته یا انجام نمی‌شه و خیلی قاطعانه می‌تونم بگم به خاطر بی‌تی‌اسه.

- خوب چه دلایلی دارید که نشان دهنده این هست که این‌ها به بی‌تی‌اس مربوط هستند؟ این که از یک نوجوان این رفتارها را ببینیم دلایل مختلفی جز بی‌تی‌اس هم می‌تواند داشته باشد. خیلی دلایل محکمی باید داشته باشید که همچین ادعایی را مطرح کردید!

بچه خودمه، بزرگش کردم اخلاقش رو می‌دونم، غرق یه چیزی بشه یادش می‌ره که کارای دیگه مهمی هم داشته که باید انجام می‌داده. غرق بی‌تی‌اس که می‌شه دیگه کارای مهمش یادش می‌ره. هر چه قدرم که تذکر می‌دم، دخترم این کارت مونده، دخترم اون کارت مونده، می‌گه باشه مامان الان تموم می‌شه، میام انجام می‌دم. به خودم می‌گم وایسا تا بیاد انجام بده. شب تا دیر وقت یواشکی چندبار دیدم زیر پتو آهنگ بی‌تی‌اس گوش می‌ده و یواشکی چت می‌کنه!

- یعنی در واقع چون دخترتان زمان زیادی را وقف بی‌تی‌اس می‌کنه، کارهای مهمی را که باید انجام بدهد را پشت گوش می‌اندازد؟
بله، خیلی چت می‌کنه.

- خوب این چت کردن به بی‌تی‌اس مربوطه؟
بله دیگه اینم به بی‌تی‌اس ربط داره، چون با دوستاش گروه زدن در مورد بی‌تی‌اس چت می‌کنن، تا هر وقت که باباش بیداره جلوی چشم ما چت می‌کنه و وقتی که باباش می‌خوابه، دور از چشم اون توی اتاقش زیر پتو چت می‌کنه، ولی می‌ترسه باباش بیدار بشه و بیاد ببینه. خیلی از باباش حساب می‌بره. منم چند بار از توی اتاق می‌خواستم وسیله بردارم اتفاقی متوجه شدم. عجیبه که داداشش که باهاش لجه، تاحالا نگفته شبا چت می‌کنه تا دیروقت آخه هر دو توی یک اتاق می‌خوابن.

- افرادی هستند که با هیچ کدام از آهنگ‌های بی‌تی‌اس ارتباط برقرار نکنند؟
همسر من نمی‌تونه، چون به نظرم سلیقه خوبی نداره، وگرنه باید از یکی از این آهنگ‌ها خوشش بیاد. خیلی بدم میاد که هر چیزی که من و دخترم دوست داریم رو مسخره می‌کنه. پسر من هم مثل باباش از بی‌تی‌اس خوشش نمیاد.

- چرا همسر و پسران به بی‌تی‌اس علاقه‌مند نمی‌شوند؟
چون به نظر اونا آهنگ باید از مصراع اول تا آخرین مصراع معنی داشته باشه، ولی اکثر آهنگ‌های بی‌تی‌اس چندتا جمله پرمفهوم رو تکرار می‌کنن. پسر من مثلاً می‌ره ترجمه آهنگ مایک دراپ رو از سایت می‌بینه، بعد می‌گه این دیگه چیه. خب معلومه که آهنگ خارجی رو به فارسی برگردونی شعر و قافیه و وزن دار نمی‌شه.

- یعنی همه باید آهنگ‌های بی‌تی‌اس را دوست داشته باشند؟
من که نگفتم همه آهنگ‌هاش رو ولی بالاخره از این همه آهنگ مگه می‌شه از حتی یه آهنگ خوشش نیاد به نظر من که بی‌ذوق بودن یه نفر رو نشون می‌ده.
- این اختلاف نظر در مورد آهنگ‌های بی‌تی‌اس تا به حال مشکلی هم در روابط خانوادگی تان ایجاد کرده؟

مشکل که چه عرض کنم، همیشه داریم دیگه، پسر من و دخترم خیلی به هم می‌پرن مثل من و همسر من. توی مسافرت همیشه روی این که کدوم آهنگ‌ها توی فلش ریخته بشه جنگه. من و دخترم حتماً دوست داریم آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس حتماً باشه توی فلش، اونا می‌گن حال مون رو به هم می‌زنه. این اواخر به این نتیجه رسیدم که پسر من واقعاً بیزاره از بی‌تی‌اس. اتفاقاً چند روز پیش که داشتیم راجع به بی‌تی‌اس حرف می‌زدیم، یه چیزی گفت که خیلی توی فکر رفتیم.
- آیا باز هم موردی پیش آمده بود که دخترتان این طور به خاطر بی‌تی‌اس واکنش نشان بدهد، یعنی عصبانی یا ناراحت شود؟

بارها اتفاق افتاده، مخصوصاً اگه داداشش از بی‌تی‌اس بد بگه، خیلی دعوا می‌کنن باهم. دعواهاشون فیزیکی نیست بیشتر توهین می‌کنن به هم. مثلاً داداشش خیلی به رئال مادرید علاقه داره، دخترم تیم مورد علاقه پسر من رو مسخره می‌کنه».

در برخی از موارد تعامل فرزند و اولیاء (یا زن و شوهر)، در اثر کاربری از پسران گروه بی‌تی‌اس، مشکلات جدی‌تری به همراه داشته است. مواردی مانند «انتقال ناکامی در مواجهه با دیگر هواداران کی‌پاپ به خانه»، «ناراحتی همسر از صرف وقت زیاد زن در ارتباط با گروه بی‌تی‌اس»، «تنو زدن پنهانی با الهام از گروه پسران»، «کتک خوردن فرزند از پدر به دلیل رنگ کردن فانتزی موها» و مانند آن‌ها، از جمله مشکلاتی هستند که با حدت «متوسطی» در محیط خانواده بین هواداران و دیگر افراد غیر هوادار در خانواده مطرح شده اند.

نرگس ۲۱ ساله، شیرین ۲۲ ساله، فریبای ۴۶ ساله و مهتاب ۱۸ ساله، در مصاحبه‌های خودشان نمونه‌هایی از اختلاف‌های پدید آمده با شدت متوسط در خانواده را به قرار زیر گزارش کرده اند: «فضای توئیتر یه فضای خیلی آزاد و نامحدودیه که هر کسی می‌تونه هر چیزی که دلش می‌خواد رو بگه. راحت به هم توهین می‌کردن. دعوا بود. طرفدارای گروه‌های مختلف می‌اومدن و به هم دیگه می‌پریدن. سر همه چیز باهم دعوا می‌کردن و منم یه آدمم و طبیعتاً تحت تأثیر جوّ قرار می‌گیرم. منم بعد از چند وقت قاطی این دعوایا و ماجراها شدم. خودتم احتمالاً متوجه شدی که من یه طرفدار افراطی بودم. جوری که یه زمانی یونگی رو فقط متعلق به خودم می‌دونستم. خب تصور کن با همچین زمینه‌ای من برم توی توئیتری که این قدر این افراطی‌گری‌ها توش زیاده.

اون تایم توی توئیتر خیلی اذیت شدم. یعنی شاید یکی از دلایلی که باعث شد علاقه‌ی من به بی‌تی‌اس کم‌تر بشه، همین فضای توئیتر بود که هیچ فرقی با باغ وحش نداشت. بعد بزرگ‌ترین اشتباهم این بود که رفتم توی توئیتر و با یه اکیپ که خیلی تاکسیک (سمی) و افراطی بودن دوست شدم. این اکیپ جزو افراطی‌ترین‌های توئیتر بودن. به شدت تعصبی و بی‌منطق. مثل یه آدم کور که هیچ چیزی جز اون چیزی که خودش می‌خواد رو قبول نداره. روز و شب به آرتیستایی غیر از بی‌تی‌اس فحش می‌دادن و اصلاً کسی رو جز بی‌تی‌اس، لایق موفقیت و پیشرفت نمی‌دونستن. من متعصب با رفتن به توئیتر تعصبی‌تر شدم. دیگه یه کم هم منطقی نداشتم. کافی بود یکی بگه بالای چشم پسرای بی‌تی‌اس ابرو هست. طرف رو نابود می‌کردم. حالا این تو مجازی بود. این پرخاشگری و تعصب به زندگی واقعیم رسید جوری که مدام تو مدرسه و خونه عصبی بودم. مدام با مامانم دعوا می‌کردم، خواهر کوچیک‌ترم به دنیا اومده بود، گریه می‌کرد، عصبی می‌شدم. قشنگ مثل وحشی‌ها شده بودم. واقعاً روزای مزخرفی بود».

«- تا حالا به مهاجرت به کره فکر نکردی؟

چرا خیلی فکر کردم و دوست دارم اونجا زندگی کنم، ولی به دلایلی نمی‌تونم.

- اگر براتون امکان‌پذیر هست، دلیلش رو بگین؟

اوه، بله، من متأهل هستم و شوهرم به هیچ وجه با مهاجرت و حتی سفر به کره راضی نمی‌شود.

- شوهرت قبل از ازدواج تو با بی‌تی‌اس آشنایی داشت؟

نه، هیچ آشنایی نداشت و من هم قبل از ازدواج راجع به این که هوادار بی‌تی‌اس هستم چیزی به

ایشون نگفتم و این بی‌اطلاعی ایشون از هواداری من از بی‌تی‌اس باعث دل‌رنجی ایشون شد.

- چرا به همسرت نگفتی که هوادار بی‌تی‌اس هستی؟

خیلی همسرم رو دوست داشتم و ترس از این که بفهمد هوادار بی‌تی‌اس هستم و از پیشنهاد ازدواجش

صرف نظر کند. این من رو ترساند.

- شوهر شما بعد از ازدواج چه طور فهمید که شما هوادار بی‌تی‌اس هستی؟

من دوتا فن پیچ دارم که شب و روز روشن کار می‌کنم تا تعداد فالورهام زیاد بشه. فن پیچ دومم راجع به گروه بی‌تی‌اس هست و قتی فن پیچ من رو درباره بی‌تی‌اس دید، فهمید که هوادار بی‌تی‌اس هستم. در ابتدا کاری نداشت، ولی بعدها حساس شد.

- سعی کردی ایشون رو با بی‌تی‌اس آشنا کنی؟

بله، خیلی سعی کردم، ولی موفق نشدم. ایشون از گروه بی‌تی‌اس خوشش نیامد.

- چرا خوشش نمیاد؟

می‌گه چندتا پسر لوس و دختر صفت هستند. در ضمن با شعار تفکیک جنسیتی در پوشش و آرایش نیز مخالفه و می‌گه، چه معنی داره یه مرد آرایش کنه، با آرایش مردان مخالفه.



- به نظرت علت مخفی کردن طرفداریت از بی‌تی‌اس بدنامی نسبی این گروه در میان مردم نبود؟ راستش تنها دلیلش همینه. با تهمت‌ها و شایعه‌هایی که پشت سر بی‌تی‌اس می‌گن، آدم می‌ترسه از این گروه به شکل آشکار هواداری بکنه.

البته من می‌دانم این یه اتهام دروغ از طرف دشمنان بی‌تی‌اس هست و گروه بی‌تی‌اس ارزشمند هست و گرنه این همه طرفدار در دنیا نداشت. این افراد تا به اینجا رسیدن خیلی زحمت کشیدن و از خیلی از خواسته‌های اولیه خودشون به خاطر گروه گذشتند و همه‌اش به فکر هواداران و خوشحالی و شادی آن‌ها هستند. خودشون سختی می‌کشند، ولی دوست ندارند هواداران شون سختی بکشند واقعاً این گروه ارزش هواداری و حمایت ما رو داره.

- رسیدگی به دوتا فن پیچ به زندگی خانوادگیت لطمه‌ای نمی‌زنه؟

راستش زمان کم میارم و از خوابم می‌زنم تا بیش‌تر به فن پیچ‌هام رسیدگی و نظارت داشته باشم، چون اولویت اولم بی‌تی‌اس هست و این کار من، شوهرم رو نگران می‌کنه که لطمه‌ای به سلامتی من وارد بشه. برای همین بیش‌تر از بی‌تی‌اس متنفر شده....

- در نظرسنجی‌هایی که در فن پیچ‌هاتون می‌گذارین، راجع به چه مسایلی پرسش به عمل می‌آرید، لطفاً یه نمونه مثال بزن؟

مثلاً من خودم در فن‌پیج مخصوص بی‌تی‌اس، بارها سوال‌هایی درباره گروه که به ذهنم می‌اد رو به صورت نظرسنجی در می‌ارم و نظر فالورها رو می‌پرسم. مثلاً یک بار پرسیدم چه حس و حالی با بی‌تی‌اس به شما دست می‌ده؟ هر کی یه جواب می‌داد. یکی گفته بود: من بدون بی‌تی‌اس زنده نمی‌مونم، یکی دیگه گفته بود: بی‌تی‌اس شادی و نشاط و طراوت جوانی رو به من بازگرداند، یکی دیگه نوشته بود: بی‌تی‌اس عشق منه. به من عشق به خود رو یاد داد، یکی دیگه نوشته بود: با بی‌تی‌اس همیشه سالم خوبه، یکی دیگه نوشته بود: بی‌تی‌اس هدفمند بودن و تلاش برای رسیدن به هدف رو به من یاد داد، و یکی دیگه نوشته بود: من قبل از بی‌تی‌اس افسرده و منزوی بودم، ولی الآن نه تنها افسرده نیستم، به شادترین انسان تبدیل شدم و خیلی اجتماعی شدم و همیشه دوست دارم دورو برم شلوغ باشه.

- در نظرهای ارایه شده، نظرهای منفی هم داری؟
نه، خیلی کم.

- می‌شه چند نظر منفی رو مثال بزنی؟

اوه، بله، مثلاً یکی گفته بود: اعضای بی‌تی‌اس مغرور و از خود راضی‌ان، و یکی دیگه گفته بود: سالم از آرایش‌شون به هم می‌خوره. مرد که آرایش نمی‌کنه و بعضی حرف‌های مخالف دیگه.

- بقیه هوادارها با دیدن کامنت‌های مخالف چه واکنشی دارن؟

(خیلی با صدای بلند می‌خندد) این مخالفت‌ها آغاز جنگ و شروع کامنت‌های زشت و رکیک به هواداران با نظرهای مخالف تو گروه و این قدر تعداد کامنت‌ها زیاد می‌شه و هر کی حرفی بار اون شخص مخالف می‌کنه که از حوصله خارج می‌شه. بعضی وقت‌ها هواداران به عمد نظری مخالف جمع می‌نویسند، برای شروع هجوم نظرات و آغاز جنگ و کلی به همه خوش می‌گذره.

- وقت برای جواب دادن و خواندن این همه کامنت کم نمی‌اری؟

حقیقتش وقت کم می‌ارم از خوابم می‌زنم، ولی همه نظرات رو می‌خوانم و سوال‌های جدیدتر برای نظرسنجی‌های بعدی آماده می‌کنم و یکی از اختلافات شوهرم با من سر همین دیر خوابیدن من هست. یه‌هو ساعت سه شب بیدار می‌شد، می‌دید من هنوز بیدارم و تو گوشی کامنت می‌نویسم و کف‌ری می‌شد و گوشی من رو از دستم می‌گرفت و با عصبانیت خاموش می‌کرد. خلاصه این قدر خواندن کامنت‌ها برایم جالب و جذاب بود که نمی‌شد یکی‌شون رو نخونده بذارم.



«- آیا تاحالا عمل زیبایی هم مثل آیدول‌ها انجام دادی؟
اوه، بله، هم دماغم رو عمل کردم، هم لب‌هام رو پروتز کردم و هم دندان‌هام رو ارتودنسی کردم.
- شوهرت با این عمل‌های زیبایی مشکل نداشت؟
چرا، خیلی مشکل داشت، می‌دانست که خودم رو شبیه آیدول‌ها تغییر می‌دم، برای همین از دستم همیشه شاکی بود. من هرکاری می‌کردم، او از چشم بی‌تی‌اس می‌دید.
برای من که هوادار بی‌تی‌اس هستم خیلی سوال سختیه. به نظر من هر کی هوادار بی‌تی‌اس هست،
نباید ازدواج کنه. چون ازدواج با خودش وابستگی میاره و گذشتن از بعضی چیزها به خاطر حفظ زندگی
ضرورت پیدا می‌کنه و این با آزادی آدم قبل از ازدواج، کلی فاصله داره.»
مهتاب ۱۸ ساله و فریبای ۴۶ ساله در مصاحبه‌های خود، از بروز اختلاف‌های مشابه دیگری در
خانواده، به شرح زیر یاد کرده اند:

«- آیا به خاطر دیدن جذابیت ظاهری آیدول‌ها، خودتون کاری رو انجام دادید که مثل اون‌ها جذاب
باشید؟

آم... فکر نمی‌کنم این طوری بوده باشم که بگم وای مثلاً تهیونگ چه خوشگله، پس منم برم دماغم
رو عمل کنم. از طرفی به نظرم درست نیست، اگر بگم که هیچ کاری نکردم و تأثیری ازشون در این
زمینه نپذیرفتم. پس می‌تونم بگم چندان خودآگاه نبوده. مثلاً من یه تتو می‌خواستم بزنم چند ماه پیش
که تهش هم زدم، ولی خانواده رو در جریان نگذاشتم، چون خب خودتون می‌دونید دیگه که خانواده‌های
ایرانی چه طوری اند. بعد در نهایت مادرم فهمید و جنجال به پا کرد. هر کار مخالف عقیده خانواده هم

من بکنم، به نظرشون به خاطر تأثیر بی‌تی‌اسه. همین قضیه تتو رو هم مادرم به خاطر تأثیر پذیریم از بی‌تی‌اس می‌دونست. یک طوریه انگار شما اگر طرفدار بی‌تی‌اس باشی، بیش‌تر زیر ذره بین هستی چه توی جامعه و چه توی خانواده خودت. یه دید بدی هم وجود داره بعضاً و مامان من هم اوج این قضیه است و مثلاً این طوریه که دخترمون از دست رفت!»

«موهای جین رو آبی کرده بودن خیلی جذاب شده بود و دخترم تا یه مدت خیلی دلش می‌خواست موهایش رو آبی کنه که از باباش به خاطر همین مسأله هم کتک هم خورد. در نتیجه فکر می‌کنم هم کمپانی و هم آیدول‌ها دوست دارن این جذابیت ظاهری بیش‌تر بشه.»



سنخ برخی از اختلاف‌های پدید آمده بین فرزندان و اولیاء (و یا زن و شوهر)، گاه چنان «شدید» است که خانواده را به چالش کشیده، احتمال آسیب خوردن اساسی کارکرد خانواده را مطرح می‌سازد. به عنوان مثال، فرزندی که در پی هواداری از گروه بی‌تی‌اس، مایل است به کره برود یا فردی که تحت تأثیر گروه بی‌تی‌اس، دنبال جراحی زیبایی خویش است که از نظر خانواده نه تنها ضرورتی ندارد، بلکه آسیب‌رسان است، از جمله این موارد هستند.

خانواده‌های دیگری با ملاحظه ظواهر اعضای بی‌تی‌اس، مخالف آن‌ها شده، معتقدند که فرزندشان در اثر ادامه کاربری از آنان، نظیر خود آن‌ها، فردی لابلایی و بی‌بند و بار تربیت خواهد شد. به همین ترتیب، بعضی از خانواده‌ها با اطلاع‌یابی از شعارهای گروه بی‌تی‌اس نظیر جنسیت‌زدایی از عشق، آرایش و پوشش، آن‌ها را گروهی موافق هم‌جنس‌گرایی ارزیابی کرده، در تلاش برای ممانعت از هم‌جنس‌گرا شدن فرزندشان، در صدد محدود کردن یا قطع رابطه وی با گروه بی‌تی‌اس برمی‌آیند.

سمانه ۱۷ ساله و شیدای ۲۰ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خویش، از اختلاف‌هایی نظیر انجام جراحی زیبایی طبق معیارهای بی‌تی‌اس و یا تلاش برای مهاجرت به کره برای هم‌جوار شدن با پسران بی‌تی‌اس که بین فرزند و اولیاء پدید آمده است، به شرح زیر یاد کرده اند:

«- گفتی ازشون تقلید هم می‌شه؟»

آره، من خودم یکی شون هستم که گفتم چه کارا کردم رو صورتم و الان پشیمونم، چون خیلی خرج کردم و آخر هم نتیجه نگرفتم و اصن قیافه‌ام خیلی هم مشکل نداشت و زیاد هم تغییر نکرد.

- توی این سن عمل کردی؟
نمی‌کردن که، به زور فامیل دکتر داریم اون عمل کرد وگرنه دکترای بیرون قبول نمی‌کنن از الان.
- موضع خانواده‌ات در این زمینه چی بود؟
کلی دعوا داشتیم نپرس (باخنده) بابام مخصوصاً، اصلاً راضی نبود، دیگه انقد اصرار کردم، راضی شدن».



«- چرا مواردی مانند لاک زدن و رنگ کردن موی پسرها به نظرت اتفاق خوبی بود؟
چون قبل از این جریان‌ها کسی حق انتخاب نداشت. مثلاً پسری که دوست داشت رقص رو نمی‌تونست یا جرأت نمی‌کرد بره سمتش، ولی الان دیگه اون طوری نیست. آدما حق انتخاب دارن و این حق انتخاب رو نه بر اساس جنسیت‌شون که به خاطر علاقه‌هاشون دارن و دیگه کسی از بابتش خجالت نمی‌کشه. از بابت چیزی که دوست داره و اون کسی که هستش خجالت نمی‌کشه. اینش برام قشنگه. مثلاً بی‌تی‌اس این کار رو توی کره کرد یا لیدی گاگا مثلاً پرچم ال‌جی‌بی‌تی‌ها رو بالا برد و ارزشون حمایت کرد. البته خانواده‌ها نسبت به این موضوعات حساس‌ان. مثلاً هنرجوهای من دارم که نه سالشه یا دوازده سالشه و عاشق بی‌تی‌اس هستن، ولی خانواده‌هاشون ناراحت‌ان و می‌گن این تپیش و اداهش داره مثل اونا می‌شه و خوش‌شون نمیاد.
بعضی از بچه‌ها هم به فکر مهاجرت به کره افتاده‌اند که با خانواده‌هاشون به مشکل می‌خورن و خانواده نمی‌ذاره یا کلاً خوش‌شون نمیاد از این موضوع یا نمی‌تونن به چنین ریسکی بکنن که بچه‌هاشون رو توی اون سن کم بفرستن به جای غریب که این قوانین سفت و سخت رو هم داره و اطلاعات زیادی هم درباره‌اش نیست. خیلیا هم که اقدام می‌کنن می‌گن خیلی سخت می‌گیرن و به این راحتی کسی قبول نمی‌شه که بخواد بره».

در برخی از موارد، خانواده‌ها، با ملاحظه آرای پسران بی‌تی‌اس که با فرهنگ بومی آنان همخوانی چندانی ندارد، تبعیت فرزندشان از اعضای گروه را خطرناک تصور کرده، ادامه روند طرفداری وی را مترادف با لایالی و بی‌بند و بار شدن فرزندشان می‌بینند.

فریبای ۴۶ ساله، شیدای ۲۰ ساله و سحر ۱۵ ساله، در مصاحبه‌های خودشان، شواهدی از این دست اختلاف‌های جدی را به قرار زیر منعکس کرده اند:

«- تا حالا اتفاق افتاده که خود شما هم به خاطر بی‌تی‌اس عصبانی و ناراحت بشوید؟»

بیش تر جر و بحث من و همسر من سر بچه‌هاست و خب یکی از مهم‌ترین مشاجره‌ها من به خاطر اینه که باباش می‌گه من خیلی بهش میدون می‌دم.

- یعنی به دخترتان؟

بله.

- چرا این طور می‌گن؟

چون می‌گه الگوهای مثل بی‌تی‌اس بچه رو بی‌بند و بار، بار میاره.»

«- می‌شه درباره جزییات تغییرات دوستان و هنرجوها تحت تأثیر بی‌تی‌اس بیش تر بگی؟»

ببین مثلاً اکثرشون از خانواده‌های با کلاس و اتوکشیده هستن و پدر و مادرشون خیلی رسمی و با کلاس ان، ولی خب خودشون تیپاشون همه بی‌تی‌اسیه و از این لش‌طورا هستن یا مثلاً مدل آرایش و رنگ مو و همون چیزایی که گفتیم نمی‌خوان از مسایل جنسیتی تبعیت کنن. خانواده‌ها هم در مقابل شون دو مدل واکنش دارن. بعضیا خیلی حمایت می‌کنن و تشویق شون می‌کنن و می‌گن چه گروه باحالیه، ولی از اون طرف هم یه سریا احساس می‌کنن که بچه‌شون داره از دست می‌ره و به قول معروف دیگه شدیدترین حالتش داره منحرف می‌شه و همه وقت و انرژی رو می‌ذاره واسه بی‌تی‌اس و همه‌اش توی فن پیجا هس و در حال جنگ و دعوا با بقیه.»

«مامانم می‌گه من می‌دونم اون‌ها چیا دارن می‌گن و چه چیزهایی رو دارن تبلیغ می‌کنند، برای همین دوست ندارم تو طرفدارشون باشی و توی اون فضا باشی، من هر بار براش کلی توضیح می‌دم که این چیزها دست خودشون نیست و اجبار کمپانیه، ولی قبول نمی‌کنه و می‌گه ما پدر مادرها باید یه جور ی بچه‌ها من رو نجات بدیم.»

آرایش و پوشش اعضای گروه بی‌تی‌اس که گاهی به سمت آرایش و پوشش زنانه سوق می‌یابد، احساس خطر زیادی را در برخی از خانواده‌ها پدید می‌آورد:

«- چه ویژگی‌ای توی بی‌تی‌اس وجود داره که با عقاید مادر و پدرت سازگاری نداره؟»

این که آرایش می‌کنن، موهاشون رو رنگ می‌کنن، می‌رقصن یا لباس‌هاشون با سبک ما فرق می‌کنه. تنها دلیل اصلی و محکمی که مامانم می‌گه شبیه دخترها هستن هم این آرایش کردنه، چون فکر می‌کنه آرایش حتی خیلی به دخترها نمیااد چه برسه به پسرها.

- این نگرش و عقاید پدر و مادرت نسبت به بی‌تی‌اس چه احساسی بهت می‌ده؟
حس خیلی بدی، چون یه نفر مخصوصاً مادر یا خانواده‌ات بیان توهین کنن حس اصلاً خوبی نیست
و حس پوچی به آدم دست می‌ده» (سارینا، ۱۳ ساله).

«- خانواده‌ات چه طور، اونا با شما مشکلی ندارن؟»

خانواده من یه کم مذهبی‌ان و اوکی نیستن طبعاً و از طرفی هم نسبت به مسایل درسی خیلی حساس‌ان و هی دعوامون می‌شه (خنده) و اونا می‌گن، من می‌گم و می‌گن فن‌بیچ رو ببند و درس داری و کنکور هست و... منم مخالفت می‌کنم و همین جور پیش می‌ره خلاصه (خنده).

- از الان حرف کنکور رو می‌زنند؟

آره از الان دقیقاً سه سال دیگه هست، حالا ولی می‌گن این سه سال مهمه برات.

- یعنی با خود بی‌تی‌اس مشکلی ندارن؟

امم خب چرا دارن با اونم. یعنی می‌گن شبیه زنا می‌پوشن و این چه مدل قیافه‌ایه و تأثیر بد می‌ذارن
روت» (سمانه، ۱۷ ساله).



برخی از اولیاء در برخورد با شعارهایی نظیر جنسیت‌زدایی از عشق که از سوی اعضای گروه داده می‌شود، اعضای گروه را افرادی هم جنس‌گرا ارزیابی کرده، جهت جلوگیری از این که فرزندشان در تعامل با این دست از افراد، آسیب بخورد، مانع از کاربری فرزندشان از گروه بی‌تی‌اس می‌گردند و همین مسأله اسباب بروز اختلاف‌های شدیدی بین اولیاء و فرزند یا فرزندان را پدید می‌آورد.

«- بی‌تی‌اس چه چیزی رو تبلیغ می‌کنه که پدر و مادرت رو نگران می‌کنه؟»

همجنس‌گرایی. آخه بی‌تی‌اس زیاد هم همجنس‌گرایی رو تبلیغ نمی‌کنه، گروه‌های کمپانی وای جی بیش‌تر تبلیغ می‌کنند، ولی ما مانم به خاطر قیافه‌هاشون به خصوص قیافه جیمین که یه مقدار دخترونه به نظر میاد، فکر می‌کنه این نشانه همجنس‌گرایی شون هست و دارن همه‌اش این موضوع رو نشون می‌دن، در صورتی که این استایل توی کره نرماله و حتماً نشانه این موضوع نیست. می‌خوان نشون بدن که هر کسی می‌تونه هر جور که دوست داشت لباس بپوشه» (سحر، ۱۵ ساله).



«- با توجه به گرایش‌های جنسی‌ای که گفتم، خودت مشکلی با همجنس‌گرایی نداری؟ نه، من مشکلی ندارم.»

- این رو تاحالا به دوستان و یا خانواده خودت گفتم؟
خودم و دوستانم مشکلی ندارن و البته خواهرم، ولی پدر و مادرم فکر کنم مشکل داشته باشن، مخصوصاً مامانم.

- یعنی مامانت با این موضوع مخالفت شدید داره؟
خب مامانم گفته که اگر یه همچین گرایشی داشته باشی، اول بهتره که از این کشور بری، چون که اینجا نمی‌تونن بپذیرن همچین موضوعی رو و این که گفت اگه واقعاً گرایش به همجنس داشته باشم، باید جدا از مامان و بابام زندگی کنم» (الناز، ۱۲ ساله).

۱۰-۳- آسیب رسیدن به خانواده

برخی از هواداران مصاحبه شده با طرح مشکلات پدید آمده در جریان کاربری آنان از گروه پسران بی‌تی‌اس و خانواده (و یا همسر)، از تبعات خسران بار اختلاف‌های پدید آمده یاد کرده‌اند. این تبعات مواردی مانند: «طلاق گرفتن از همسر برای رسیدن به ستاره محبوب»، «تهدید به خودکشی برای رفتن به کشور کره»، «احتمال قتل همسری که پنهان از شوهر، آرزوی معاشقه خویش با ستاره مورد نظرش را به صورت داستان درآورده، در فضای مجازی بارگذاری کرده است» و نظایر آن هستند.

رخساره ۱۶ ساله، در مصاحبه خودش از زنی یاد می‌کند که در اندیشه ازدواج با ستاره مورد علاقه‌اش، از شوهرش طلاق گرفته است:

«- اوهوم. بعد بینم این که گفته که تهیونگ گفته بود من را به عنوان شوهرتون در نظر نگیرین بهترش رو پیدا می‌کنین، برای چی این رو به آرمی‌ها گفته؟»

آرمی‌ها فکر می‌کنن از این بهتر کسی رو نمی‌تونن به عنوان شوهر پیدا کنن. حتی آرمی بوده به خاطر بی‌تی‌اس از شوهرشون طلاق گرفتن به خاطر همین گفته من رو به عنوان شوهرتون انتخاب نکنین، مطمئناً یکی بهتر از من میاد داخل زندگی تون، من بهترین نیستم.

- کسانی که طلاق گرفتن را مثال می‌زنی؟

- مثالش خب اسمش رو نمی‌دونم، نمی‌دونم داخل کدوم کشورن، ولی داخل تویت پست می‌ذارن.

- یعنی چه جوری برای اونا از همسر خودشون طلاق گرفته اند و اصولاً می‌گن واسه چی طلاق

گرفته اند؟

آره. حتی بعضی وقت‌ها از اونایی که طلاق گرفتن، اون مردها اومدن برای بی‌تی‌اس آهنگ خوندن، مثلاً آهنگ انگلیسی خوندن، ترجمه‌اش می‌شد که من ای کاش شبیه جونگ‌کوک بودم، جونگ‌کوک بهترینه، زنم طلاق گرفت به خاطر جونگ‌کوک. سر همین چیزها، خبرش خیلی وایرال شده بود.»

احسان ۱۷ ساله در گزارش خویش با یادآوری چالش خواهرش با خانواده، خاطرنشان ساخته است که اولیاء در برابر تهدید فرزندشان به خودکشی، راضی به مهاجرت وی به کشور کره شده اند:

«- احسان می‌تونم بیرسم چرا خواهرت کره رو برای مهاجرت انتخاب کرد؟»

خواهرم هوادار پر و پاقرص بی‌تی‌اس بود. شب و روز فیلم و آهنگ‌های کره جنوبی رو می‌دید و الگوی اون تو زندگی آر ام بود. وقتی دو سال پی در پی نتونست تو کنکور سراسری قبول بشه، تصمیم گرفت هم برای تحصیل و هم برای زندگی به کره مهاجرت کنه. چون گروه بی‌تی‌اس تونسته بود روی او تأثیر بذاره که کره جای خوبی برای تحصیل و زندگی هستش. البته قبلاً یکی از هم کلاسی‌هاش به کره رفته بود و جا و مکان داشت و آشنایی زیادی با مردم کره و فرهنگ‌شون پیدا کرده بود. این طور شد که خواهرم هم تصمیم گرفت بره پیش دوستش تو کره که می‌تونست اون رو راهنمایی کنه.

- خانواده‌ات با رفتن خواهرت به کره مخالفت نکردن؟

خیلی مخالفت کردن. مادرم شب و روز گریه کرد و دو، سه ماه تلاش کرد تا اون رو منصرف کنه، ولی فایده نداشت. او تصمیم خودش رو گرفته بود. پدرم وقتی دید که خواهرم به هیچ نحوی منصرف نمی‌شه، مقداری پس‌انداز داشتیم، می‌خواستیم خونه‌مون رو عوض کنیم و یه خونه بزرگ‌تر با امکانات بهتر بخریم. پس‌اندازمون رو بهش دادیم و اون ویزای تحصیلی گرفت و رفت. حدود دو سالی می‌شه که رفته و هنوز بر نگشته.

- چرا سعی نکردن منصرفش کنن؟

پدر و مادرم خیلی سعی کردن خواهرم رو از رفتن به کره منصرف کنن، ولی اون گفت، اگر مانع رفتنم بشین، خودکشی می‌کنم. این طور بود که پدرم ترسید و حتی کمکش کرد برای رفتن ویزا بگیره. – الان اون جا چه کار می‌کنه؟

درش رو در رشته طراحی لباس ادامه می‌ده و هم تو یه مرکز فشن شو کار می‌کنه. پدرم هم ماهیانه برای کمک خرج برایش پول می‌فرسته.

– از رفتن خواهرت ناراحتی؟

خیلی (اشک در چشم‌هایش حلقه می‌زنه).

– اگر شرایط برای تو هم مهیا بشه به کره مهاجرت می‌کنی؟

نه، امکان نداره، پدر و مادرم رو تنها نمی‌ذارم و مرتب از خواهرم نیز خواهش می‌کنم بعد از اتمام درشش برگردد.

– کلاً با مهاجرت مخالفی؟

آره، من که شاهد درهم شکسته شدن پدر و مادرم بعد از مهاجرت خواهرم بودم، کلاً با مهاجرت مخالفم. هر رشته تحصیلی رو که بخوایم تو کشور خودمون هست و می‌تونیم ادامه تحصیل بدیم. فقط باید خیلی سعی و تلاش کنیم توی کنکور قبول بشیم.

– چرا خواهرت رو از مهاجرت به کره منصرف نکردی؟

حقیقتش خواهرم به صورت خیلی افراطی کره رو دوست داشت و خیلی غیرمنطقی شده بود. اصلاً نمی‌شد باهاش حرف زد. فقط به رفتن فکر می‌کرد. در غیر این صورت ممکن بود اگر بهش فشار بیاوریم برای این که نره، ممکن بود دست به خودکشی بزنه. برای همین پدرم حتی کمک مالیش هم کرد و فرستادش کره. بیچاره پدرم بعد از رفتن خواهرم سریع پیر شد و مادرم هم افسرده شده و مدام گریه می‌کنه».



شیدای ۲۰ ساله در مصاحبه خودش، از خودکشی طرفدار دیگری از گروه بی‌تی‌اس، در مواجهه با مخالفت خانواده با مهاجرت وی به کره، خبر می‌دهد:

«– یک جایی از مصاحبه گفتم که بعد از خبر ازدواج یکی از اعضای گروه اکسو، چند نفر از طرفدارهای خودکشی کردن یا تا پای خودکشی رفتن. درباره این موضوع خبر رسمی‌ای وجود داره؟ یا اگر از دوستان و آشناهای خودت کسی این طوری بوده، اطلاعات بیشتری درباره‌اش داری؟

خارجیا رو شنیده بودم که چند نفر خودکشی کردن. اما خب توی دوستا و آشناهای خودمم خب خیلیا ناراحت بودن، ولی دیگه تا این حدها نبود. اما یه دختره رو یادمه چند ماه پیش توی تهران که به خاطر این که مامان باباش با تصمیمش به مهاجرت به کره مخالفت کرده بودن، خودکشی کرده بود.

- تو می‌شناختیش؟

نه. من فقط خبرش رو از دوستانم بود یا هنرآموزهام شنیدم. البته نجاتش دادن و خدا رو شکر فوت نکرد، ولی قرص خورده بوده و بعد رسوندنش بیمارستان به موقع».

شیرین ۲۲ ساله نیز که به تازگی ازدواج کرده است، از فعالیت زیاد خود در فضای مجازی گزارش داده، تا جایی که بیدار ماندن‌های وی تا نزدیک سحر، شوهر را نسبت به وی معترض ساخته است. مضاف بر این مسأله، شیرین با بیان این که برای تعقیب کنندگان صفحه‌اش، طی داستانی که می‌نویسد، آرزوهای عشقی خویش را با یکی از ستاره‌های گروه بی‌تی‌اس مطرح می‌سازد، به شکل غیرمستقیم خود را در معرض خطر اطلاع یافتن همسر از مباحث مطرح شده در فضای مجازی قرار می‌دهد که تبعات آن از طلاق تا احتمال قتل وی توسط شوهر غیرتی می‌تواند گسترده باشد:

«- شیرین تو فن پیچ‌های داستان‌های خیالی هم راجع به آیدول‌ها می‌نویسی؟

اوه، بله، داستان‌های خیالی می‌نویسم که لطمه به آیدول‌ها نزنه.

- می‌شه یه نمونه رو مثال بزنی؟

بله، مثلاً دیشب خواب دیدم که برای مسافرت به کره رفته بودم یه تی‌شرت سفید با یه شلوار کتان سفید به پا داشتم و موهای چتری و کوتاهم رو به یه سمت شونه زده بودم. وسایل سفرم داخل یه کوله پشتی بود و وقتی از هواپیما پیاده شدم، داخل فرودگاه منتظر بودم که آرام به استقبالم بیاد. هر چه منتظر شدم، بی‌فایده بود و خبری از آرام نبود و من اینجا غریب و تنها، جایی رو بلد نبودم. یهو کسی من رو صدا زد. وقتی به سمت صدا برگشتم، جیمین رو دیدم. اون گفت: برای آرام کاری پیش آمده و نتونسته بیاد فرودگاه دنبالت، من رو فرستاده. از دیدن جیمین خوشحال شدم و و باهم روبوسی کردیم و من همراهش به هتل محل اقامتم آمدم. ازش تشکر کردم و به رسم ایرانی بودنم، بهش سوغاتی دادم و در اطاق هتل اون شب رو به استراحت گذراندم و صبح با صدای در زدن از خواب بیدار شدم و وقتی در رو باز کردم آرام در آستانه در ظاهر شد. من سراسیمه خود رو در آغوشش انداختم که ناگهان یهو از خواب پریدم.

- نظر فالورهای درباره داستان‌های تخیلیت چی هست؟

خیلی خوش‌شون میاد و باز ازم درخواست ادامه داستان را می‌کنند و یا می‌گن باز هم داستان می‌خوایم

و من روزهایی از هفته رو اختصاص به داستان‌های خیالی داده‌ام».

به حمد و کرمش در شب قدر به انجام رسید.